۱

[illegible]

ثم

[illegible]

[illegible]

[illegible] وانزل من السماء ماء فاخرج به من الثمرات رزقا لكم فلا تجعلوا لله اندادا [illegible]

[illegible] فان لم تفعلوا ولن تفعلوا فاتقوا النار التي وقودها الناس والحجارة اعدت للكافرين [illegible]

[illegible] وبشر الذين آمنوا وعملوا الصالحات ان لهم جنات تجري من تحتها الانهار [illegible]

[illegible] كلما رزقوا منها من ثمرة رزقا قالوا هذا الذي رزقنا من قبل واتوا به متشابها ولهم فيها ازواج مطهرة وهم فيها خالدون [illegible]

[illegible]

[illegible] اهبطوا منها جميعا فاما يأتينكم مني هدى فمن تبع هداي فلا خوف عليهم ولا هم يحزنون [illegible]

[illegible] والذين كفروا وكذبوا بآياتنا اولئك اصحاب النار هم فيها خالدون [illegible]

[illegible] يا بني اسرائيل اذكروا نعمتي التي انعمت عليكم واوفوا بعهدي اوف بعهدكم واياي فارهبون [illegible]

[illegible]

[illegible]

نقره و دینارهای طلا و از امام محمد باقر علیه السلام گفت که زکوة در مال طلا و نقره واجب [illegible] که سالی بر آن بگذرد [illegible] از امام محمد باقر و امام جعفر صادق
علیهما السلام که گفتند که نیست در شتر چیزی تا آنکه برسد به پنج شتر چون برسد به پنج شتر پس در آن یک گوسفند است [illegible]
پس در آن یک شتر ماده یکساله است که داخل سال دوم شده باشد [illegible] که داخل سال سوم شده باشد [illegible]
آن پس اگر زیاد شود [illegible] پس یک شتر ماده دو ساله است که داخل سال سوم شده باشد [illegible] پس چون زیاد شود [illegible] سه ساله است که داخل سال
چهارم شده باشد تا اگر به شصت برسد پس چون زیاد شود پس [illegible] چهار ساله است که در سال پنجم داخل شده باشد [illegible]
[illegible]
امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام در گاو گفتند [illegible]
[illegible]

... پس باید که روزه شود از برای آنکه خدای تعالی میگوید و استعینوا بالصبر والصلوة ... [illegible]

... و استعینوا بالصبر والصلوة ... الذین یظنون انهم ملاقوا ربهم ... [illegible]

... یا بنی اسرائیل اذکروا نعمتی التی انعمت علیکم وانی فضلتکم علی العالمین ... [illegible]

... یا بنی اسرائیل اذکروا نعمتی التی انعمت علیکم ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

إن الذين آمنوا والذين هادوا والنصارى والصابئين من آمن بالله واليوم الآخر وعمل صالحا فلهم أجرهم عند ربهم ولا خوف عليهم ولا هم يحزنون

[illegible]

[illegible]

[illegible] قالوا ادع لنا ربك يبين لنا ما هي قال إنه يقول إنها بقرة لا فارض ولا بكر عوان بين ذلك فافعلوا ما تؤمرون [illegible]

[illegible] قالوا ادع لنا ربك يبين لنا ما لونها قال إنه يقول إنها بقرة صفراء فاقع لونها تسر الناظرين [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] آسمان [illegible]
[illegible] سؤال [illegible] صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] اهل الکتاب [illegible]
[illegible] ان الله علی کل شیء قدیر [illegible]
[illegible] اهل کتاب [illegible]
[illegible]
[illegible] اسلام [illegible]
[illegible] الذین لا یؤمنون بالله [illegible] امام محمد باقر علیه السلام [illegible]
رسول الله صلی الله علیه و آله [illegible] جبرئیل علیه السلام [illegible] اذن للذین یقاتلون بانهم ظلموا [illegible]
[illegible] صادق علیه السلام [illegible] اقیموا الصلوة و آتوا الزکوة [illegible]
ان الله بما تعملون بصیر [illegible]
[illegible] الصلوة [illegible]
[illegible]

اثر برای [illegible]

بامام

[illegible]

[illegible]

انبیاء

[illegible]

[illegible]

گفت م

این چه روایت م

علی م

[illegible]

خدا م

پس م

[illegible]

... امام محمد باقر علیه السلام ... [illegible]

... بسم الله و بالله و علی سنة محمد و آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین ... [illegible]

... امام محمد باقر علیه السلام گفت ... [illegible]

... ابراهیم علیه السلام ... [illegible]

... صادق علیه السلام ... [illegible]

[illegible]

... این خانه ... بیت الله الحرام ... [illegible]

... [illegible]

... اسماعیل علیه السلام ... [illegible]

... مقام ابراهیم ... [illegible]

... مقام ابراهیم علیه السلام ... [illegible]

[illegible]

ابراهیم [illegible] جبرئیل [illegible]

[illegible] ابراهیم علیه السلام [illegible] اسماعیل علیه السلام [illegible]

[illegible] حجر الاسود [illegible]

[illegible] ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام [illegible] جبرئیل علیه السلام [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

که سمت بیت المقدس بعد از هجرت او بمدینه نماز کرد بجهت بیت المقدس [illegible] پس روی او را گردانید خدای تعالی بکعبه [illegible]

[illegible]

سیقول السفهاء من الناس [illegible] قل لله المشرق والمغرب [illegible]

[illegible]

لتکونوا شهداء علی الناس ویکون الرسول علیکم شهیدا وما جعلنا القبلة التی کنت علیها الا لنعلم من یتبع الرسول ممن ینقلب علی عقبیه وان کانت لکبیرة الا علی الذین هدی الله وما کان الله لیضیع ایمانکم ان الله بالناس [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

... الذین اذا اصابتهم مصیبة قالوا انا لله و انا الیه راجعون ...

[illegible]

[illegible] خالدين فيها لا يخفف عنهم العذاب ولا هم ينظرون [illegible]

[illegible] وإلهكم إله واحد لا إله إلا هو الرحمن الرحيم [illegible]

[illegible] إن في خلق السموات والأرض واختلاف الليل والنهار والفلك التي تجري في البحر بما ينفع الناس [illegible]

[illegible] والسحاب المسخر بين السماء والأرض لآيات لقوم يعقلون [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بوده‌اند تا وقتی که جماع می‌کردند پنهان در شب ماه رمضان [illegible] این آیه و حلال کرد [illegible] جماع کردن و طعام خوردن [illegible] در شب ماه رمضان تا طلوع صبح [illegible]

احل لکم لیلة الصیام الرفث الی نسائکم [illegible] روایت از باقر و صادق علیهما السلام [illegible]

هن لباس لکم و انتم لباس لهن [illegible]

[illegible]

علم الله انکم کنتم تختانون انفسکم فتاب علیکم و عفا عنکم [illegible]

[illegible]

حتی یتبین لکم الخیط الابیض من الخیط الاسود [illegible]

[illegible]

ثم اتموا الصیام الی اللیل [illegible]

[illegible]

ظاهر میشود پس [illegible] میکردند و ماه که تمام میشود دیگر ناقص میشود تا آنکه چنان گردد که ظاهر شده است پس این آیه فرستاد حق تعالی یعنی یسئلونک عن الاهلة قل
هی مواقیت للناس والحج بیان فرموده که حکمت زیاده و نقصان ماه آنست که تعلق دارد بدین و دنیا مردمان [illegible] و بسبب آن [illegible] تعیین آن روزه و فطر
و عده زنان و وقت حیض و مدت حمل ایشان و موعد قرضها و موسم حج و اگر دایم قرص ماه بود چون شمس یکی بود ظهور این اوقات از آن [illegible] مجمع البیان
ولیس البر [illegible] میشود و [illegible] احرام میگرفتند [illegible] واصل هم
از در آن [illegible] سوراخ میکردند [illegible] پس نهی فرمود حق تعالی ایشان را از این [illegible]
[illegible] سؤال [illegible] نقصان آن [illegible]
حال ایشانست بواسطه سؤال [illegible] سؤال [illegible]
ولیس [illegible] ولکن البر من اتقی [illegible]
اتقی [illegible] ولکن البر من اتقی [illegible] روایت [illegible] علیه السلام که آل محمد صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] صلی الله علیه و آله [illegible] علم و حکمت و علی [illegible] واتقوا الله لعلکم تفلحون
یعنی بپرهیزید [illegible] وقاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم ولا تعتدوا ان الله لا یحب المعتدین [illegible]
[illegible] خدا [illegible]
[illegible] صلح حدیبیه [illegible] پیغمبر صلی الله علیه و آله [illegible] عمره [illegible]
از دخول بیت الحرام [illegible] رسول الله صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] پیغمبر صلی الله علیه و آله
[illegible] بیت الحرام [illegible] قتال [illegible]
فی سبیل الله [illegible] الذین یقاتلونکم [illegible] ولا تعتدوا [illegible] قتال ایشان [illegible]
[illegible] لا یحب المعتدین [illegible] واقتلوهم حیث ثقفتموهم واخرجوهم من حیث اخرجوکم والفتنة اشد من القتل
ولا تقاتلوهم عند المسجد الحرام حتی یقاتلوکم فیه فان قاتلوکم فاقتلوهم کذلک جزاء الکافرین [illegible]
[illegible] المسجد الحرام [illegible] قتال [illegible]
[illegible] کافران [illegible] واقتلوهم حیث ثقفتموهم [illegible]
حیث اخرجوکم [illegible] والفتنة اشد من القتل [illegible]
[illegible] ولا تقاتلوهم عند المسجد الحرام حتی یقاتلوکم فیه [illegible]
فان قاتلوکم فاقتلوهم [illegible] کذلک جزاء الکافرین [illegible] حتی لا تکون فتنة [illegible]
[illegible] رسول الله صلی الله علیه و آله [illegible] فان انتهوا فان الله غفور رحیم [illegible]
[illegible] صاحب مجمع البیان [illegible]
[illegible] وقاتلوهم حتی لا تکون فتنة ویکون الدین لله فان انتهوا فلا عدوان الا علی الظالمین [illegible]
[illegible] مشرکان [illegible]
الشهر الحرام بالشهر الحرام والحرمات قصاص فمن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم واتقوا الله واعلموا ان الله مع المتقین [illegible]
[illegible] ماه حرام [illegible] قصاص [illegible]
[illegible] پیغمبر صلی الله علیه و آله [illegible]
القعده الحرام [illegible] پیغمبر صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] الشهر الحرام بالشهر الحرام [illegible] ماه حرام [illegible]
[illegible] ماه حرام [illegible] والحرمات قصاص [illegible]
[illegible] فمن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم [illegible]

وسره و کر [illegible]

پس شما هم تعدی کنید بروی بمثل آنچه تعدی کرده است او بر شما یعنی جزاء تعدی [illegible] واتقوا الله واعلموا ان الله مع المتقین و
خدا بترسید در حالی که جزاء تعدی میکنید از آنکه زیادتی کنید و ظلم و اجحاف بر شما [illegible] صاحب کنز العرفان علیه الرحمة والغفران گوید که جایز است [illegible]
[illegible] حکم حاکم [illegible] وانفقوا فی سبیل الله ولا تلقوا بایدیکم الی التهلکة و احسنوا
ان الله یحب المحسنین [illegible] انفاق کنید در راه خدا [illegible]
[illegible] وانفقوا فی سبیل الله [illegible] جهاد [illegible] سبیل الله [illegible]
آن در جهاد است [illegible] ولا تلقوا بایدیکم الی التهلکة [illegible]
[illegible] جهاد در راه خدا [illegible]
[illegible] رحمت خدا [illegible]
[illegible] صادق علیه الصلوة والسلام [illegible] در راه خدا [illegible]
خدا تعالی فرموده است که ولا تلقوا بایدیکم الی التهلکة و معنی ان الله یحب المحسنین [illegible]
[illegible] علیه السلام
[illegible] رسول الله صلی الله علیه و آله [illegible] علیه السلام [illegible] واتموا الحج والعمرة لله فان احصرتم
فما استیسر من الهدی ولا تحلقوا رؤسکم حتی یبلغ الهدی محله فمن کان منکم مریضا او به اذی من رأسه ففدیة من صیام او صدقة او نسک فاذا امنتم فمن تمتع بالعمرة
الی الحج فما استیسر من الهدی فمن لم یجد فصیام ثلثة ایام فی الحج وسبعة اذا رجعتم تلک عشرة کاملة ذلک لمن لم یکن اهله حاضری المسجد الحرام واتقوا الله واعلموا ان الله
شدید العقاب [illegible]
[illegible] حج و عمره [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] حج و عمره [illegible] رسول صلی الله علیه و آله [illegible] علیهم [illegible] صادق علیه
السلام [illegible] رسول الله صلی الله علیه و آله [illegible] صادق علیه السلام
[illegible] حج [illegible] احرام عمره [illegible]
[illegible] مقام ابراهیم علیه السلام [illegible]
[illegible]
[illegible] احرام حج [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] مقام ابراهیم علیه السلام [illegible]
[illegible] مقام ابراهیم علیه السلام [illegible]
[illegible] قران و افراد [illegible]
[illegible] واتموا الحج والعمرة لله [illegible]
[illegible]
[illegible] فان احصرتم فما استیسر من الهدی [illegible]
[illegible]
[illegible] صادق علیه الصلوة والسلام [illegible]
[illegible] رسول الله صلی الله علیه و آله [illegible]

کنید خدا را نزد مشعر الحرام ... وجوب وقوف در مشعر الحرام از برای آنکه ظاهر امر دلالت میکند بر وجوب ذکر خدا در آن و لازم دارد وجوب ... گردد ... وجوب بودن در آن

در آن از ارکان حج است و وقت آن طلوع صبح تا طلوع آفتاب روز عید است واذکروه کما هدیکم یعنی یاد کنید او را ... چنانکه انعام کرده است شما را بهدایت وان کنتم

من قبله لمن الضالین ... و اگرچه بودید پیش از آن ... از گمراهان ثم افیضوا من حیث افاض الناس

واستغفروا الله ان الله غفور رحیم ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

واتقوا الله [illegible] واعلموا انکم الیه تحشرون [illegible]

ومن الناس من یعجبک قوله فی الحیوة الدنیا ویشهد الله علی ما فی قلبه وهو الد الخصام [illegible]

[illegible]

واذا تولی سعی فی الارض لیفسد فیها ویهلک الحرث والنسل والله لا یحب الفساد [illegible]

[illegible] و در روایت از صادق علیه الصلوة والسلام [illegible]

[illegible]

ومن الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله والله رؤف بالعباد [illegible]

[illegible] علی بن ابی طالب [illegible] محمد صلی الله علیه وآله [illegible]

و در روایت از علی بن ابی طالب [illegible] یا ایها الذین آمنوا ادخلوا فی السلم کافة ولا تتبعوا خطوات الشیطان انه لکم عدو مبین [illegible]

[illegible] یا ایها الذین آمنوا ادخلوا فی السلم [illegible]

علیه السلام

[illegible]

[illegible] فان زللتم من بعد ما جاءتکم البینات فاعلموا ان الله عزیز حکیم [illegible]

[illegible] هل ینظرون الا ان یاتیهم الله فی ظلل من الغمام والملائکة وقضی الامر والی الله ترجع الامور [illegible]

[illegible]

سل بنی اسرائیل کم آتیناهم من آیة بینة ومن یبدل نعمة الله من بعد ما جاءته فان الله شدید العقاب [illegible]

[illegible]

[illegible] عبادت میکرد ... [illegible]

... كان الناس امة واحدة فاختلفوا فبعث الله النبيين مبشرين ومنذرين ... [illegible]

... وانزل معهم الكتاب بالحق ليحكم بين الناس فيما اختلفوا فيه ... [illegible]

... وما اختلف فيه الا الذين اوتوه من بعد ما جاءتهم البينات ... [illegible]

... فهدى الله الذين آمنوا لما اختلفوا فيه من الحق باذنه والله يهدي من يشاء الى صراط مستقيم ... [illegible]

... ام حسبتم ان تدخلوا الجنة ولما يأتكم مثل الذين خلوا من قبلكم مستهم البأساء والضراء وزلزلوا حتى يقول الرسول والذين آمنوا معه متى نصر الله الا ان نصر الله قريب ... [illegible]

[illegible]

... يسألونك عن الشهر الحرام قتال فيه قل قتال فيه كبير وصد عن سبيل الله وكفر به والمسجد الحرام واخراج اهله منه اكبر عند الله والفتنة اكبر من القتل ولا يزالون يقاتلونكم حتى يردوكم عن دينكم ان استطاعوا ومن يرتدد منكم عن دينه فيمت وهو كافر فاولئك حبطت اعمالهم في الدنيا والآخرة واولئك اصحاب النار هم فيها خالدون ... [illegible]

... عبد الله بن جحش ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

ولا تنکحوا المشرکات حتی یؤمن ولامة مؤمنة خیر من مشرکة ولو اعجبتکم ولا تنکحوا المشرکین حتی یؤمنوا ولعبد مؤمن خیر من مشرک ولو اعجبکم اولئک یدعون الی النار والله یدعوا الی الجنة والمغفرة باذنه ویبین آیاته للناس لعلهم یتذکرون

[illegible]

حرام

[illegible]

پس چون داخل شد گفت او را رسول الله صلی الله علیه و آله [illegible] یا رسول الله [illegible]
رسول الله صلی الله علیه و آله [illegible] خدای تعالی [illegible] در شان تو ان الله یحب التوابین و یحب المتطهرین [illegible]
و گفته‌اند که آن مرد [illegible] انصاری بود [illegible] نساؤکم حرث لکم فاتوا حرثکم انی شئتم و قدموا لانفسکم و اتقوا الله و اعلموا انکم ملاقوه و بشر المؤمنین زنان شما
[illegible]
[illegible] حرث لکم فاتوا حرثکم انی شئتم [illegible]
[illegible]
[illegible] و قدموا لانفسکم [illegible]
[illegible] رسول الله صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] و اتقوا الله و اعلموا انکم ملاقوه [illegible]
[illegible] و بشر المؤمنین [illegible] و لا تجعلوا الله عرضة لایمانکم ان تبروا و تتقوا و تصلحوا بین الناس و الله سمیع علیم [illegible]
[illegible]

در قبل او هم

آن را هم

[illegible]

[illegible]

[illegible]

که طلاق داده میدادند چون نزدیک شدی انقضاء عده ایشان رجوع میکردند بایشان تا اکراه توانند کرد هر دیگر کند پس بنابر قول اول مخاطب اینها خویشان اند [illegible]
[illegible] زنان را بعد از آنکه عده ایشان منقضی گردد از آنکه بعقد جدید نکاح شوهران سابق شوند چون راضی باشند [illegible]
اذا طلقتم النساء فبلغن اجلهن فلا تعضلوهن ان ینکحن ازواجهن اذا تراضوا بینهم بالمعروف یعنی چون طلاق دهید زنان را و عده ایشان منقضی شود [illegible]
[illegible]
ذلک یوعظ به من کان منکم یؤمن بالله والیوم الآخر [illegible]
ذلکم ازکی لکم واطهر [illegible]
والله یعلم وانتم لا تعلمون والوالدات یرضعن اولادهن حولین کاملین لمن اراد ان یتم الرضاعة وعلی المولود له رزقهن وکسوتهن
بالمعروف لا تکلف نفس الا وسعها لا تضار والدة بولدها ولا مولود له بولده وعلی الوارث مثل ذلک فان ارادا فصالا عن تراض منهما وتشاور فلا جناح علیهما
وان اردتم ان تسترضعوا اولادکم فلا جناح علیکم اذا سلمتم ما آتیتم بالمعروف واتقوا الله واعلموا ان الله بما تعملون بصیر [illegible]
[illegible]

کریمه

آن نام

نکاح

و امثال اینها

[illegible]

او کسی ... [illegible] لا جناح علیکم ان طلقتم النساء ما لم تمسوهن او تفرضوا لهن فریضة ومتعوهن علی الموسع قدره وعلی المقتر
قدره متاعا بالمعروف حقا علی المحسنین [illegible]

[illegible]

[illegible]

جزای آن اگر گوییا آن شکل و صفت لازم بر خدای تعالی و واجب بود ادای آن قرضا حسنا قرض آنست که از حلال باشد و ضایع نگرداند از آن المنت والأذی و جزای آن از خدای خواهد و بداند آن خوش دل باشد و به موقع نیکو صرف نماید فیضاعفه له اضعافا کثیرة پس یاد کرده اند از برای او بسیاری روایت از صادق علیه السلام که فرمود که چون نازل شد این آیه من جاء بالحسنة فله خیر منها ... فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله یا رب زیاد گردان پس فرستاد حق سبحانه و تعالی که من جاء بالحسنة فله عشر امثالها پس فرمود رسول الله صلی الله علیه و آله که یا رب زیاد گردان پس نازل شد که من ذا الذی یقرض الله قرضا حسنا فیضاعفه له اضعافا کثیرة و کثیر نزد خدای تعالی بی حساب است ...

[illegible]

... تو بیش مردی که دروی ... تابوت علامت و آیاتیست از برای ملک طالوت ... فلما فصل طالوت بالجنود قال ان الله مبتلیکم بنهر فمن شرب
منه فلیس منی ومن لم یطعمه فانه منی الا من اغترف غرفة بیده فشربوا منه الا قلیلا منهم فلما جاوزه هو والذین آمنوا معه قالوا لا طاقة لنا الیوم بجالوت وجنوده
قال الذین یظنون انهم ملاقوا الله کم من فئة قلیلة غلبت فئة کثیرة باذن الله والله مع الصابرین فصل بالجنود ... لشکران را ...

[illegible]

[illegible]

نزدیک آب خود حاضر شو و حاضر گردان فرزندان خود را او چون حاضر شدند طلب کرد هر یک از فرزندان او را و پوشانید بر وی زره موسی را پس آن را بر بعضی طویل آمد

و در بعضی کوتاه پس پرسید طالوت از ایشان که آیا گذاشتی هیچ از فرزندان خود را [illegible]

[illegible]

کرد خدای تعالی او را پادشاهی [illegible] اسرائیل [illegible]

[illegible]

[illegible]

الله لا اله الا هو الحی القیوم [illegible]

[illegible]

در البقرة و آل عمران [illegible] الحی القیوم [illegible]

[illegible]

نمود قال ابراهیم فان الله یأتی بالشمس من المشرق فأت بها من المغرب میتواند بود که انتقال باشد از حجتی بحجتی دیگر از برای تأکید اثبات مطلوب برای آنکه غرض
معارضه کافر ظاهر بود و میتواند بود که بیان آن باشد که هر که قادر است بر زنده گردانیدن و میرانیدن قادر است بر برون آوردن آفتاب از مغرب
اگر راست میگوئی که قدرت داری بر زنده گردانیدن و میرانیدن پس برون آر آفتاب را از مغرب [illegible]
این حجت اگر آورد فبهت الذی کفر [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

علیه و آله که خداوند را یاد کردن [illegible] الذی یقرض الله قرضا حسنا فیضاعفه له اضعافا کثیرة و خدا وعده زیادتی بسیار داد [illegible]
رسول خدا صلی الله علیه و آله که خداوند را یاد کردن [illegible] نازل شد که انما یوفی الصابرون اجرهم بغیر حساب و وعده اجر بی حساب داد [illegible]
واسع علیم یعنی قدرت خدا [illegible]

[illegible]

[illegible] ليس عليك هداهم ولكن الله يهدي من يشاء [illegible]

[illegible] وما تنفقوا من خير فلانفسكم وما تنفقون الا ابتغاء وجه الله وما تنفقوا من خير يوف اليكم وانتم لا تظلمون [illegible]

[illegible] للفقراء الذين احصروا في سبيل الله لا يستطيعون ضربا في الارض يحسبهم الجاهل اغنياء من التعفف تعرفهم بسيماهم لا يسألون الناس الحافا وما تنفقوا من خير فان الله به عليم [illegible]

[illegible]

[illegible] الذين ينفقون اموالهم بالليل والنهار سرا وعلانية فلهم اجرهم عند ربهم ولا خوف عليهم ولا هم يحزنون [illegible]

[illegible]

[illegible]

با کم خوف حرام خورت نقصان ... الذین یأکلون الربوا لا یقومون الا کما یقوم الذی یتخبطه الشیطان من المس ذلک بانهم قالوا انما البیع مثل الربوا واحل
الله البیع وحرم الربوا فمن جاءه موعظة من ربه فانتهی فله ما سلف وامره الی الله ومن عاد فاولئک اصحاب النار هم فیها خالدون ...

[illegible]

... الذین یأکلون الربوا
لا یقومون الا کما یقوم الذی یتخبطه الشیطان من المس ...

[illegible]

از اعمال ثواب و عقاب و هم لا یظلمون یعنی کم نشود ثواب نیکی ایشان و زیاد نشود عقاب بدی ایشان یا ایها الذین آمنوا اذا تداینتم بدین الی اجل مسمی فاکتبوه
ولیکتب بینکم کاتب بالعدل ولا یأب کاتب ان یکتب کما علمه الله فلیکتب ولیملل الذی علیه الحق ولیتق الله ربه ولا یبخس منه شیئا فان کان الذی علیه الحق سفیها او ضعیفا
او لا یستطیع ان یمل هو فلیملل ولیه بالعدل واستشهدوا شهیدین من رجالکم فان لم یکونا رجلین فرجل وامرأتان ممن ترضون من الشهداء ان تضل احدیهما
فتذکر احدیهما الاخری ولا یأب الشهداء اذا ما دعوا ولا تسأموا ان تکتبوه صغیرا او کبیرا الی اجله ذلکم اقسط عند الله واقوم للشهادة وادنی الا ترتابوا الا ان تکون
تجارة حاضرة تدیرونها بینکم فلیس علیکم جناح الا تکتبوها واشهدوا اذا تبایعتم ولا یضار کاتب ولا شهید وان تفعلوا فانه فسوق بکم واتقوا الله ویعلمکم الله
والله بکل شیء علیم [illegible]

[illegible]

پس فرمود که ... واعف عنا واغفر لنا وارحمنا انت مولینا فانصرنا علی القوم الکافرین پس گفت خدای تعالی ... کردم این سوره ...

نقل است از صادق علیه السلام ... از رسول الله صلی الله علیه و آله ...

[illegible]

سوره آل عمران

... هر که قرائت کند سوره آل عمران ... از رسول الله صلی الله علیه و آله که هر که بخواند سوره آل عمران ...

... دو سوره ... بسم الله الرحمن الرحیم

الم ... الله لا اله الا هو الحی القیوم ...

[illegible]

دیگر آن و الله عزیز یعنی قادر است که ممکن نیست مستکبر را که منع کند او را از عذاب [illegible] ذو انتقام قادر است بر انتقام کافران ذو انتقام جزاء [illegible]

ان الله لا یخفی علیه شیء فی الارض و لا فی السماء بدرستیکه خدا پنهان نیست بر وی چیزی در زمین و نه در آسمان یعنی عالم است [illegible] علم چیزی بروی

پوشیده نیست از برای آنکه او عالمست [illegible] علم او محیط است بجمیع معلومات لا نهایة له هو الذی یصورکم فی الارحام کیف یشاء لا اله الا هو العزیز الحکیم [illegible]

[illegible] لا اله الا هو العزیز الحکیم [illegible]

[illegible] هو الذی انزل علیک الکتاب منه آیات محکمات هن ام الکتاب و اخر متشابهات فاما الذین فی قلوبهم زیغ فیتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنة و ابتغاء تاویله و ما یعلم تاویله الا الله و الراسخون فی العلم یقولون آمنا به کل من عند ربنا و ما یذکر الا اولوا الالباب [illegible]

[illegible]

[illegible] ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا و هب لنا من لدنک رحمة انک انت الوهاب [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ان الذین کفروا لن تغنی عنهم اموالهم و لا اولادهم من الله شیئا و اولئک هم وقود النار [illegible]

[illegible] کدأب آل فرعون و الذین من قبلهم کذبوا بآیاتنا فاخذهم الله بذنوبهم و الله شدید العقاب [illegible]

و الذین من قبلهم

قل للذین کفروا ستغلبون و تحشرون الی جهنم و بئس المهاد [illegible]

بر ایشان

[illegible] قد کان لکم آیة فی فئتین التقتا فئة تقاتل فی سبیل الله و اخری کافرة یرونهم مثلیهم رای العین [illegible]

[illegible]

[illegible]

و استشهدوا بها علی ... [illegible]

[illegible]

... زین للناس حب الشهوات من النساء والبنین والقناطیر المقنطرة من الذهب والفضة والخیل المسومة والانعام والحرث ذلک متاع الحیوة الدنیا والله عنده حسن المآب ... [illegible]

... زین للناس حب الشهوات ... [illegible]

... رسول الله صلی الله علیه وآله ... [illegible]

... امیر المؤمنین علیه السلام ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

... قل اللهم مالک الملک تؤتی الملک من تشاء وتنزع الملک ممن تشاء ... [illegible]

... رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم ... سلمان منا اهل البیت ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

وتخرج الحی من المیت وتخرج المیت من الحی وترزق من تشاء بغیر حساب یعنی بیرون میآوری شب را در روز و در میآوری روز را در شب بیرون میآوری زنده را از مرده و
بیرون میآوری مرده را از زنده و روزی میدهی هرگاه خواهی بغیر حساب تولج اللیل فی النهار وتولج النهار فی اللیل یعنی در میآوری پاره از شب را در روز
[illegible]

[illegible]

خدای تعالی وعده داد عمران را ... فتقبلها ربها بقبول حسن وانبتها نباتا حسنا وکفلها زکریا کلما دخل علیها زکریا المحراب وجد عندها رزقا قال یا مریم انی لک هذا قالت هو من عند الله ان الله یرزق من یشاء بغیر حساب ...

[illegible]

که سؤال او از آن باشد [illegible] قال ربّ اجعل لی آیة [illegible] قال آیتک ألّا تکلّم الناس ثلاثة أیّام إلّا رمزًا واذکر ربّک کثیرًا وسبّح بالعشیّ والإبکار [illegible]

[illegible]

وإذ قالت الملائکة یا مریم إنّ الله اصطفاک وطهّرک واصطفاک علی نساء العالمین [illegible]

[illegible]

یا مریم اقنتی لربّک واسجدی وارکعی مع الراکعین [illegible]

[illegible]

ذلک من أنباء الغیب نوحیه إلیک وما کنت لدیهم إذ یلقون أقلامهم أیّهم یکفل مریم وما کنت لدیهم إذ یختصمون [illegible]

[illegible]

إذ قالت الملائکة یا مریم إنّ الله یبشّرک بکلمة منه اسمه المسیح عیسی ابن مریم وجیهًا فی الدنیا والآخرة ومن المقرّبین [illegible]

[illegible]

در زاری هم [illegible]

[illegible] قال کذلک الله یخلق ما یشاء [illegible]

[illegible] ویعلّمه الکتاب والحکمة والتوراة والإنجیل ورسولًا إلی بنی إسرائیل [illegible]

أنّی قد جئتکم بآیة من ربّکم أنّی أخلق لکم من الطین کهیئة الطیر فأنفخ فیه فیکون طیرًا بإذن الله وأبرئ الأکمه والأبرص وأحیی الموتی بإذن الله [illegible]

وأنبّئکم بما تأکلون وما تدّخرون فی بیوتکم إنّ فی ذلک لآیة لکم إن کنتم مؤمنین [illegible]

ومصدّقًا لما بین یدیّ من التوراة ولأحلّ لکم بعض الذی حرّم علیکم وجئتکم بآیة من ربّکم فاتّقوا الله وأطیعون [illegible]

[illegible]

[illegible]

عیسی م

[illegible] قال من انصاری الی الله [illegible]

[illegible] قال الحواریون نحن انصار الله [illegible]

[illegible] ربنا آمنا بما انزلت واتبعنا الرسول فاکتبنا مع الشاهدین [illegible]

[illegible]

[illegible]

... إن هذا لهو القصص الحق وما من إله إلا الله وإن الله لهو العزيز الحكيم ... [illegible]

... فإن تولوا فإن الله عليم بالمفسدين پس اگر روی گردانند ... [illegible]

... قل يا أهل الكتاب تعالوا إلى كلمة سواء ... [illegible]

... ألا نعبد إلا الله ولا نشرك به شيئا ولا يتخذ بعضنا بعضا أربابا من دون الله فإن تولوا فقولوا اشهدوا بأنا مسلمون ... [illegible]

[illegible]

تا خبری که ما را شنید تا آنکه ایمان آورده اند اول روز و کافر شوید در آخر روز شاید که ایشان باز گردند [illegible]

[illegible] محمد صلی الله علیه و آله [illegible]

[illegible]

[illegible] ولا تؤمنوا الا لمن تبع دینکم قل ان الهدی هدی الله ان یؤتی احد مثل ما اوتیتم او یحاجوکم عند ربکم قل ان الفضل بید الله یؤتیه من یشاء والله واسع علیم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بلی من اوفی بعهده واتقی فان الله یحب المتقین [illegible]

[illegible]

ان الذین یشترون بعهد الله وایمانهم ثمنا قلیلا اولئک لا خلاق لهم فی الآخرة ولا یکلمهم الله ولا ینظر الیهم یوم القیامة ولا یزکیهم ولهم عذاب الیم [illegible]

[illegible]

و اگر کافر شدند بعد از ایمان خود و شهدوا ان الرسول حق عطف است بر معنی ایمانهم تقدیر بعد ان آمنوا و شهدوا ان الرسول حق [illegible] یعنی چگونه هدایت کند خدا

گروهی را که کافر شدند بعد از ایمان خود و حال آنکه ایشان گواهی دادند که این رسول حق است و جاءهم البینات و آمد ایشان را براهین از حجج قرآن [illegible] محمد صلی الله علیه و آله

والله لا یهدی القوم الظالمین و خدا هدایت نمیکند گروه کافران را به راه راست [illegible]

براه بهشت بعضی گفته اند که نازل شد این آیه در حق [illegible]

[illegible]

65

[illegible]

را نکرده بیان فرموده که و من کفر و این دلیلست بر آنکه از کبائر عظیم است و نفیست که فرموده رسول صلی الله علیه و آله که هر که واجب شود روی حج و حج نکند پس اگر
خواهد یهودی بمیرد و اگر خواهد نصرانی و با آنکه فرموده که او حربیست از حج و همچنان که دلالت میکند بر آنکه [illegible] ترک کننده حج مروی است از امام موسی
علیه السلام که فرموده در قول خدای تعالی که و من کان فی هذه اعمی فهو فی الآخرة اعمی و اضل سبیلا یعنی هر که در دنیا کور است پس او در آخرت کور است و گمراه تر فرموده که آن
[illegible]

علیه السلام

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

از خدا آورده شده بر ایشان و در وقتی این بسبب آنست که ایشان بودند کافر میشدند بآیات خدا و میکشتند پیغمبران را بغیر حق این بسبب عصیان ایشان بوده و بودند در یکدیگر
ضربت علیهم الذله ...الا بحبل من الله و حبل من الناس ... است در خواری یهود که گویا خواری چون قبه بر ایشان احاطه کرده است ... وصل شود خواری بایشان متصل شده
اینما ثقفوا از هر شهر و دیار و مکان که یافت شوند الا بحبل من الله و حبل من الناس مگر بعهدی از خدا و مومنان یعنی ذلت احاطه کرده است بر ایشان در جمیع احوال اگر بعهد
و عهد مومنان ... اسلام است یا کتاب و عهد مومنان قبول جزیه است ... و باءو بغضب من الله و بازگردیدند بغضب و عقوبت
و ضربت علیهم المسکنه ... در سوره البقره ... کمعنی آیه ...
یتلون آیات الله آناء اللیل و هم یسجدون لیسوا سواء ... اهل کتاب ...
... اهل کتاب ... امة قائمة ...
اسلام ... بامر خدا و طاعت او ... یتلون آیات الله ... آناء اللیل ... و هم یسجدون
کفته اند ... و بعضی گفته اند ...

[illegible]

٦٠

[illegible]

علیه و آله اصحاب خود را و ایشان پنجاه کس بودند و عبدالله بن جبیر را بایشان امیر کرد و ایشان را بر آن کوه بداشت و گفت [illegible] اگر ما ایشان را هزیمت کنیم شما از آنجا مروید و اگر ایشان ما را هزیمت کنند هم از آنجا مروید [illegible]
در میان ابوسفیان و خالد بن ولید [illegible] سوار [illegible] با ایشان [illegible] مسلمانان [illegible]
[illegible] رسول صلی الله علیه و آله اصحاب را [illegible] امیر المؤمنین علیه السلام [illegible]
[illegible] رسول الله صلی الله علیه و آله [illegible] خالد بن ولید [illegible] عبدالله بن جبیر [illegible]
[illegible] اصحاب عبدالله [illegible] اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] رسول الله صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] امیر المؤمنین علیه السلام [illegible]
[illegible] علی علیه السلام [illegible] امیر المؤمنین علیه السلام [illegible]
[illegible] علی علیه السلام [illegible]
[illegible] علی علیه السلام [illegible]
[illegible] عبدالله بن جبیر [illegible]

[illegible]

عرض آسمانهاست و زمین و بعضی گفته اند که مراد وصف جنت است بوسعت ... [illegible]

... بعضی گفته اند که مراد آنست ... [illegible] ... اگر گویند بهشت در آسمانهاست ... [illegible]

... کاران ... [illegible] ... متقیان الذین ینفقون فی السراء والضراء والکاظمین الغیظ والعافین عن الناس والله یحب المحسنین کظم خشم فرو خوردن غیظ خشم ... [illegible]

... این صفات حمیده ... الذین ینفقون فی السراء والضراء ... [illegible]

... روایت از رسول الله صلی الله علیه و آله ... [illegible]

... حضرت صادق علیه السلام ... [illegible]

... والکاظمین الغیظ ... [illegible]

... از رسول الله صلی الله علیه و آله ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] متقیان منتفع میشوند به بیان و هدی و موعظه مخصوص فرمود ایشان را [illegible] این بیان و هدی و موعظه است از برای جمیع عالمیان
ولا تهنوا ولا تحزنوا وانتم الاعلون ان کنتم مؤمنین [illegible] سست نشوید [illegible]
[illegible]
وانتم الاعلون [illegible]
[illegible]
ان یمسسکم قرح فقد مس القوم قرح مثله وتلک الایام نداولها بین الناس ولیعلم الله الذین آمنوا [illegible]
[illegible]

[illegible]

لفظ نعاس بدل اشتمالست از امنة زیرا که نوم مشتمل بر امن چه گنهکاری را خوف و ترس از دل ایشان برداشت و امن در دل ایشان [illegible]

تا آنکه خواب بر ایشان غالب شد [illegible]

[illegible]

وطائفة قد اهمتهم انفسهم و طایفه دیگر منافقان بودند [illegible] یظنون بالله غیر الحق [illegible]

ظن الجاهلية [illegible]

[illegible] یقولون هل لنا من الامر من شیء [illegible]

[illegible]

[illegible] و الله بما تعملون بصیر [illegible]

[illegible] کانوا غزی لو کانوا عندنا ما ماتوا و ما قتلوا [illegible]

یا ایها الذین آمنوا لا تکونوا کالذین کفروا [illegible]

[illegible] و لئن قتلتم فی سبیل الله او متم [illegible]

[illegible] لمغفرة من الله و رحمة خیر مما یجمعون [illegible]

[illegible] و لئن متم او قتلتم لالی الله تحشرون [illegible]

[illegible] فبما رحمة من الله لنت لهم و لو کنت فظا غلیظ القلب لانفضوا من حولک فاعف عنهم و استغفر لهم و شاورهم فی الامر فاذا عزمت فتوکل علی الله ان الله یحب المتوکلین [illegible]

[illegible]

٦٥

[illegible]

از ایشان که اگر گواهی میدهد بر پاکی ایشان و یعلمهم الکتاب والحکمة و تعلیم میکند ایشان را کتاب که قرآنست و حکمت که حدیث است و ان کانوا من قبل
لفی ضلال مبین ان مخففه است از مثقله یعنی بتحقیق که بودند مردمان قبل از بعثت رسول در گمراهی ظاهر او لما اصابتکم مصیبة قد اصبتم مثلیها
قلتم انی هذا قل هو من عند انفسکم ان الله علی کل شیء قدیر آیا و هرگاه برسد شما را مصیبتی در حالی که رسیده بودید شما دو مثل آن را گفتید از کجا
این بگو او از نزد نفسهای شما است بدرستی که خدا بر همه چیز توانا است چون روز احد مسلمانان منهزم شدند گفتند آیا از کجا این
مصیبت بما رسید حق عز و جل فرمود که او لما اصابتکم مصیبة قد اصبتم مثلیها همزه در او لما از برای تقریر و تقریع است یعنی آیا شما را چون رسید
مصیبتی در حالی که رسیده بود دو مثل این را یعنی از شما در احد هفتاد مرد کشته شد و شما کفار را در بدر هفتاد مرد کشتید و هفتاد مرد اسیر کردید قلتم
انی هذا گفتید از کجا و بچه سبب رسید ما را این مصیبت و حال آنکه ما مسلمانیم و رسول خدا در میان ما است و ایشان
مشرک و کافر اند قل هو من عند انفسکم بگو یا محمد این مصیبت و قتل و هزیمت از جانب شما است بواسطه خلاف امر خدا و ترک طاعت رسول
و آن اختیار بیرون آمدن بود از مدینه در جهاد بعد از آنکه اراده رسول صلی الله علیه و آله آن بود که در مدینه جهاد کنند یا آنکه ترک نگاهبانی
راه کوه بود بعد از آنکه رسول صلی الله علیه و آله امر فرمود تیر اندازان را با اقامت در آن خواه آنکه مومنان فتح کنند یا هزیمت یا آنکه اختیار کردند
فدا از اسیران بدر بعد از آنکه رسول صلی الله علیه و آله حکم قتل فرموده بود و گفت اگر فدیه میگیرید از ایشان کشته میشوند از شما در سال آینده بعدد
ایشان گفتند مسلمانان که اختیار فدیه میکنیم و از آن منتفع میشویم و هر که بعد از این کشته شود از ما از شهیدان خواهد بود و این روایت
از امیر المومنین و امام محمد باقر علیهما السلام ان الله علی کل شیء قدیر خدا بر همه چیز قادر و توانا است میتواند که شما را یاری کند بعد از این
و ما اصابکم یوم التقی الجمعان فباذن الله و لیعلم المومنین و آنچه رسید شما را در روزی که بهم رسیدند دو جمع پس باذن خدا است و از برای آنکه او خدا
حق عز و علا بیان میفرماید حکمت در مصیبت روز احد که بمومنان رسید که و ما اصابکم و آنچه رسید شما را ای مومنان یوم التقی الجمعان روز احد که ملاقات کردند
و جمع که یکی مسلمانان بودند و دیگری مشرکان فباذن الله پس باذن خدا است بعضی گفته اند یعنی بعلم خدا است و او عالم و دانا است و بعضی گفته
که یعنی ترک خدا است که او شما را و ایشان را بهم گذاشت و منع نکرد ایشان را از شما و بعضی گفته اند که یعنی بعقوبت خدا است که او عقوبت
کرد مسلمانان را که ترک امر رسول کردند صلی الله علیه و آله و جایز نیست که اذن درین مقام بمعنی اباحت و رخصت باشد از برای آنکه
قتل کافر مسلمان را از اعظم معاصی و قبایح است خدا آن را مباح نمیکند و لیعلم المومنین و از برای آنکه تمیز دهد خدا که دانا است مومنان را و منافقان را چنانچه
فرمود بعد از این که و لیعلم الذین نافقوا و جایز نیست که معنی این باشد که از برای آنکه بداند خدا الحال چه خدا عالم بود از ازل و لیعلم الذین نافقوا و قیل لهم
تعالوا قاتلوا فی سبیل الله او ادفعوا قالوا لو نعلم قتالا لاتبعناکم هم للکفر یومئذ اقرب منهم للایمان یقولون بافواههم ما لیس فی قلوبهم والله
اعلم بما یکتمون و از برای آنکه تمیز دهد آنان را که نفاق ورزیدند و گفته شد ایشان را که بیایید قتال کنید در راه خدا یا دفع کنید گفتند اگر میدانستیم قتال
البته پیروی میکردیم شما را ایشان بکفر در آن روز نزدیکتر بودند از ایمان میگویند بدهانهای خود آنچه نیست در دلهای ایشان و خدا داناتر است
بآنچه میپوشند و لیعلم الذین نافقوا اتصالست باقبل یعنی و با آنکه تمیز دهد خدا از مومنان آنان را که منافق اند عبد الله بن ابی سلول و اصحاب او که برگشتند
سیصد نفر و گفت ایشان را عبد الله بن حرام انصاری که تعالوا قاتلوا فی سبیل الله بیایید و قتال کنید در راه خدا او ادفعوا یا دفع کنید دشمن را
از خود و این بجهت آن است که ایشان را در قتال که بعمل آورید آن را یا در راه خدا و ثواب آخرت یا بواسطه دفع کافران از خود و بعضی گفته اند که معنی
اینست که اقامت نمایید با ما و بسیار کردانید سواد ما را که کثرت سواد موجب خوف دشمن است و شکست ایشان قالوا لو نعلم قتالا لاتبعناکم عبد الله
بن ابی سلول و اصحاب او متوجه مدینه شدند و گفتند آنکه گر کار ما را اختیار بایستی کرد با خود داشتیم هیچ مسلمانان گفتند اگر ما میدانستیم قتالی پیروی شما
میکردیم یا معنی که شما در رای و خطا نیستید که مثل این را جهاد و قتال میدانید بلکه این خود را بهلاکت انداختن است اگر میدانستیم که این قتالست
میکردیم شما را یعنی این است که گفتند منافقان بطریق استهزا که اگر ما عالم بودیم و دانا بودیم بقواعد و آداب حرب پیروی شما میکردیم در قتال هم للکفر
یومئذ اقرب منهم للایمان ایشان بکفر در آن روز نزدیکتر بودند از ایمان ایشان با ظهار این قول که در سوقت زد دیگر اندازه قبل از این اظهار ایمان نزد دیگر بودند
و لام للکفر بمعنی الی است و ممکن است که معنی چنین باشد که ایشان بکفر نزدیکتر بودند از ایشان بایمان از برای آنکه ترک یاری مومنان و انتقال
این گفتار ایشان باعث ضعف مومنان و قوت کافران است یقولون بافواههم ما لیس فی قلوبهم میگویند بدهانهای خود آنچه نیست در دلهای
ایشان که میگفتند که اگر میدانستیم قتال پیروی میکردیم شما را در باطن قصد ایشان ترک یاری بود با آنکه ندانستن اظهار و قوت رسول صلی الله علیه و آله میکردند
و در دل کفر نهان میداشتند و نسبت قول بافواه تاکید است از آنکه ایمان ایشان نهایی بهر واسطه بود و دلهای ایشان خالی است از ایمان
والله

والله اعلم بما یکتمون و خدا داناتر است بآنچه پنهان میدارند از شرک و نفاق الذین قالوا لاخوانهم و قعدوا لو اطاعونا ما قتلوا قل فادرؤا عن انفسکم
الموت ان کنتم صادقین آنان که گفتند از برای برادران خود و حال آنکه خود نشسته از جهاد در خانهای خود که اگر فرمان برداری میکردند ما را در ترک جهاد
کشته نمیشدند بگو دفع کنید از نفسهای خود مرگ را اگر هستید راست گویان الذین یا منصوب است بنا بر آنکه بدل است از الذین نافقوا یا مرفوع است بدل از واو در یکتمون یا مرفوع
یا مجرور بنا بر آنکه خبر مبتدای محذوف است یعنی هم الذین قالوا لاخوانهم گفتند ایشان در حق برادران خود در نفاق یا در نسب و قعدوا و حال آنکه ایشان که گوینده گان این سخن بودند
در خانهای خود در وقتی که بیرون رفته بودند بجهاد در احد لو اطاعونا ما قتلوا اگر فرمان برداری کرده بودند ما را در ترک جهاد کرده در خانها
کشته نمیشدند حق قادر و توانا فرمود که قل فادرؤا بگو یا محمد که پس دفع کنید و باز دارید عن انفسکم الموت ان کنتم صادقین از نفسهای خود مرگ را اگر هستید راست گویان در آنکه اگر از آن
مقتولان سخن شما می بردند در خانها میبودند کشته نمیشدند حق تعالی بنابر آن کرم کرد میدانید از برای آنکه ایشان را که حبس اراده نکرد الا القوم الذین کتب علیهم القتل
ایشان او بجهاد و بیرون شدند کشته نمیشدند با آنکه مرگ را از خود دفع کنند و حال آنکه ایشان نمیتوانند کرد و معلوم بود که آنان که در خانها
باشند چون مرگ ایشان آید هلاک سازد ایشان را با آنکه باجل و مرگ بمیرند و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون و میپندار آنان
کشته شدند در راه خدا مردگان بلکه زنده اند نزد پروردگار خود روزی داده میشوند بعضی گفته اند که نازل شد این در شهیدان بدر و ایشان چهارده
بودند هشت از انصار و شش از مهاجران و بعضی گفته اند در شهدای احد نازل شد و ایشان هفتاد مرد بودند چهار مرد از مهاجران بودند حمزة بن عبد المطلب
و مصعب بن عمیر و عثمان بن شماس و عبد الله بن جحش و باقی از انصار و بعضی گفته اند که در شهدای بئر معونه نازل شد که رسول صلی الله علیه و آله منذر بن
عمرو را با هفتاد مرد از مسلمانان با قوم فرستاده بود ایشان آن مسلمانان را شهید کردند و از باقر علیه الصلوة و السلام و کثیری از مفسرین مرویست که در شان
شهدای بدر و احد هر دو نازل شد و حق آنست که الذین قتلوا فی سبیل الله عام است و شامل جمیع شهدا است و لا تحسبن یا خطابست برسول الله صلی الله علیه و آله
یا بهر کس در شان اوست خطاب یعنی مپندار تو یا محمد یا مپندار تو ای مخاطب یا ای سامع الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا آنان را که کشته شده در جهاد و نصرت
دین خدا که مرده گانند چون مردگان کشته شده در راه خدا بل احیاء مبتدای محذوف مقدر بل هم احیاء عند ربهم ایشان زنده اند که نزد پروردگار خود
یا این معنی که دیگری با ایشان نعیم و غیر ایشان نیست الا پروردگار ایشان یا این معنی که دیگری بحال مجموع ایشان نیست الا پروردگار ایشان و
قرب مسافت نیست از برای آنکه این صفت اجسام است و خدا امی است و گذشت تفسیر این در سوره البقره در آیه و لا تقولوا لمن یقتل فی سبیل الله
اموات بل احیاء و لکن لا تشعرون بوجه تمام یرزقون روزی داده میشوند در قبرها در صبح و شام با انواع نعمتها و بعضی گفته اند در بهشت از نعیم آن
مرویست از پیغمبر صلی الله علیه و آله که فرمود و دیدم که شهید شد جعفر بن ابی طالب و ملاقات کرد او را دیدم او را که دو بال داشت و با آن میپرید با ملائکه در بهشت
و بعضی میگویند که ارواح را میکویند که روح عرضست و جایز نیست که نعیم کند و این صحیح نیست از برای آنکه روح جسم رقیقی هوایی است
از ریح و دلالت میکند بر آنکه آن بیرون میآید و باز میگردد و ایشان حس میکند و افعال از وی صادر میشود فرحین بما آتاهم الله من فضله و یستبشرون بالذین
لم یلحقوا بهم من خلفهم الا خوف علیهم و لا هم یحزنون حال آنکه شادمانند بآنچه داده است ایشان را از فضل خود که شهادت میکنند با آنکه باقی مانده اند از
پسروان از عقب ایشان که هیچ ترسی نیست بر ایشان و نه ایشان اندوهناک شوند فرحین بما آتاهم الله من فضله شادمانند بآنچه اعطا نموده است
خدا ایشان را از فضل خود از توفیق شهادت و کرامت و نعیم جنت و حیوة و یستبشرون بالذین لم یلحقوا بهم من خلفهم شادمانند بآن برادران که در دنیا
باقیند که ایشان مومنانند که اگر ایشان شهید میشوند میرسد ایشان را فضل و شرف مثل آنکه ایشان راست و بعضی گفته اند که میدانند شهید کتابی که در آن
نوشته است نام دوستان او که نزد او میرسند و بآن شاد میشود چنانچه شاد میشود اهل غایب وقت خبر رسیدن او و بعضی گفته اند که معنی الذین لم یلحقوا
بهم آنست که نرسیده اند بفضل ایشان لیکن فضل ایمان و طاعت شان ایشان را و شهیدان شاد اند الا خوف علیهم و لا هم یحزنون بدلست از الذین لم
یلحقوا بهم یعنی شهیدان شاد اند بآنچه ظاهر است بر ایشان از حال آنان که هنوز با ایشان نرسیده اند و در خلف عقب ایشان اند که ایشان در دنیا ساکنند
در خوف و تر نیست ایشان را و نه حزن و اندوهی یستبشرون بنعمة من الله و فضل و ان الله لا یضیع اجر المومنین شادمانی میکنند شهیدان بنعمتی
از جانب خدا و فضلی و آنکه خدا ضایع نمیکند اجر مومنان را گفته اند که نعمت و فضل عبارت از یک معنی اند و نعمت آنست که مستحق شده اند از الطاعت
و فضل آنست که زیاده کرده است آن را حق عز و علا در آخرت در مقابل طاعت فضل جهاد مرویست از رسول خدا علیه الصلوة و السلام
که بالای هر نیکی است نیکی تا آنکه کشته شود مرد در راه خدا پس نیست بالای آن چیزی و فرمود علی علیه السلام که آگاه باشید که جهاد در بیست از درها
گشاده است آن را خدای تعالی از برای اولیای خود و مرویست از علی بن موسی الرضا علیه التحیة و الثنا از پدران او از حسین بن علی علیهم السلام
که فرمود که روزی امیر المومنین خطبه میگفت مردمان و ترغیب مینمود ایشان را بجهاد ناگاه برخواست جوانی و گفت یا امیر المومنین خبر کن

گویند پس حق عزّ و علا رعب و ترسی در دل او انداخت که او اراده بازگشتن کرد پس بیامد نعیم بن مسعود اشجعی را که از جمله ما آمد که نعیم وعده کردم با محمد
صلی الله علیه و آله که برویم به بدر صغری و در این سال خشکی و قحط است در آن که سالی باشد که چرا کنند چهارپایان ...
من است که باز گردم و نروم و لیکن نمی‌خواهم که بیرون آید محمد صلی الله علیه و آله و من بیرون نروم که جرأت ایشان زیاده شود ...

[illegible]

مرا از فضل غازیان او خدا خبر نمود حضرت علیه السلام که من در خدمت رسول صلی الله علیه و آله بودم ... وقتی که بازگشتیم از غزوه ذات السلاسل سوال کردم از او
علیه السلام از آنچه سوال کردی فرمود که غازیان چون قصد غزا کنند ...

[illegible]

بن مسعود با سواران راه مدینه با مسلمانان کرده ذلکم الشیطان خبر است و یخوف اولیاءه بیان شیطنت است الشیطان صفت اسم اشاره است و یخوف خبر است
و جایز است که مضاف محذوف شده مقدر آن باشد ذلکم قول الشیطان و معنی یخوف اولیاءه آنست که می‌ترساند شما را [illegible]
و اصحاب [illegible] فلا تخافوهم [illegible]
شما از ایشان و خافون و بترسید از من در مخالفت امر من ان کنتم مؤمنین اگر هستید مؤمنان [illegible] ولا یحزنک
الذین یسارعون فی الکفر انهم لن یضروا الله شیئا یرید الله الا یجعل لهم حظا فی الآخرة ولهم عذاب عظیم [illegible]
در کفر [illegible] ایشان [illegible] عذابی بزرگ [illegible]
[illegible]
تسلی رسول خود صلی الله علیه و آله و اصحاب [illegible] الذین یسارعون فی الکفر [illegible]
انهم لن یضروا الله شیئا [illegible] یرید الله الا یجعل لهم حظا فی الآخرة [illegible]
[illegible] ولهم عذاب عظیم [illegible] عذابی بزرگ
ان الذین اشتروا الکفر بالایمان لن یضروا الله شیئا ولهم عذاب الیم [illegible]
[illegible]
[illegible] ولا یحسبن الذین کفروا انما نملی لهم خیر لانفسهم انما
نملی لهم لیزدادوا اثما ولهم عذاب مهین [illegible]
[illegible]
[illegible] ولا یحسبن الذین کفروا [illegible]
[illegible]
[illegible]
نملی لهم لیزدادوا اثما [illegible] ولهم عذاب
مهین [illegible] ما کان الله لیذر المؤمنین علی ما انتم علیه حتی یمیز الخبیث من الطیب و ما کان الله
لیطلعکم علی الغیب و لکن الله یجتبی من رسله من یشاء فآمنوا بالله و رسله و ان تؤمنوا و تتقوا فلکم اجر عظیم [illegible]
[illegible]
[illegible] محمد صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible]
[illegible] رسول صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] پیغمبر صلی الله علیه و آله [illegible] لیطلعکم علی الغیب [illegible]
[illegible] رسول صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] یجتبی من رسله من یشاء [illegible]
[illegible] فآمنوا بالله و رسله [illegible] و ان تؤمنوا [illegible]
[illegible] فلکم اجر عظیم [illegible]

[illegible] ولا یحسبن الذین یبخلون
بما آتاهم الله من فضله هو خیرا لهم بل هو شر لهم سیطوقون ما بخلوا به یوم القیمة و لله میراث السموات و الارض و الله بما تعملون خبیر [illegible]
[illegible]
[illegible] روز قیامت [illegible] میراث آسمانها و زمین [illegible]
[illegible] ولا یحسبن الذین یبخلون [illegible]
[illegible] بما آتاهم الله [illegible]
[illegible] هو خیرا لهم [illegible] بل هو شر لهم [illegible] سیطوقون ما بخلوا به یوم القیمة [illegible]
[illegible] روز قیامت [illegible]
[illegible]
[illegible] رسول صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible]
[illegible] صادق علیه السلام [illegible]
[illegible] روز قیامت [illegible]
[illegible]
[illegible] سیطوقون ما بخلوا به یوم القیمة [illegible]
[illegible] روز قیامت [illegible]
[illegible]
[illegible] روز قیامت [illegible]
[illegible]
[illegible] سیطوقون ما بخلوا به یوم القیمة [illegible] ابن عباس [illegible]
صفت محمد صلی الله علیه و آله [illegible] و لله میراث السموات و الارض [illegible]
[illegible]
[illegible] لمن الملک الیوم لله الواحد القهار [illegible]
[illegible]
[illegible] والله بما تعملون خبیر [illegible]
[illegible] لقد سمع الله قول الذین قالوا ان الله
فقیر و نحن اغنیاء سنکتب ما قالوا و قتلهم الانبیاء بغیر حق و نقول ذوقوا عذاب الحریق [illegible]
[illegible]
[illegible] من ذا الذی یقرض الله قرضا حسنا [illegible]
[illegible] پیغمبر صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] لقد سمع الله قول
الذین قالوا ان الله فقیر و نحن اغنیاء [illegible]

با استهزاء قرآن و رسول علیه السلام با تلبیس [illegible] ... ایشان [illegible]

و بعضی گفته اند که گفته خدا [illegible] ... [illegible]

... سنویسیم [illegible] ... [illegible]

[illegible] ... [illegible]

[illegible] **وقتلهم الانبیاء بغیر حق** [illegible] ... [illegible]

[illegible] ... [illegible]

[illegible] ... [illegible]

[illegible] **ونقول ذوقوا عذاب الحریق** [illegible] ... [illegible]

[illegible] **ذلک بما قدمت ایدیکم** [illegible] **وان الله لیس بظلام للعبید** [illegible]

[illegible] ... [illegible]

[illegible] ... [illegible]

٦٩

کل نفس ذائقة الموت وانما توفون اجورکم یوم القیمة فمن زحزح عن النار وادخل الجنة فقد فاز وما الحیوة الدنیا الا متاع الغرور [illegible] ... [illegible]

[illegible] **کل نفس ذائقة الموت** [illegible] ... [illegible]

[illegible] **وانما توفون اجورکم یوم القیمة** [illegible] ... [illegible]

[illegible] ... قول رسول صلی الله علیه و آله [illegible]

[illegible] **فمن زحزح عن النار وادخل الجنة فقد فاز** [illegible] ... [illegible]

[illegible] ... [illegible]

[illegible] ... رسول صلی الله علیه و آله [illegible]

[illegible] ... [illegible]

[illegible] **وما الحیوة الدنیا الا متاع الغرور** [illegible] ... [illegible]

[illegible] ... [illegible]

[illegible] ... پیغمبر صلی الله علیه و آله [illegible]

[illegible] ... [illegible]

[illegible] ... رسول الله صلی الله علیه و آله [illegible]

[illegible] ... [illegible]

در این شبها بیخود و نبیند در اظهار کرده اند اعمی است در این شب مثل است در زرگ عمل با آن و دانسته و اشتروا به ثمنا قلیلا بدل کردند بمیثاق و عهد خدا بهای
اندک که گذشت قبل که اشتروا ای انست ایشان بدل کردند بعض زرگ نمودند امر خدا را الی اسطه نفع دنیا اگر چه بدرشوه و هدایا از سفله و ادانی قبض
فبئس ما یشترون پس بدچیزیست آنکه بدل میکنند بعیم جاه و بذل الطعام فانی و کاهیست باین آیه دلیل بر وجوب اظهار حق و تحریم کتمان و یوسف دیگری
بر علما و دلالت در این بیان و احکام و فتاوی و شهادات و غیر آن از اموری که مخصوص علماست و گذشت حدیث از سید خدا صلی الله
علیه و آله که هر که بپوشد علمی را از اهل آن الجام کرده شود بلجام آتش و از علی علیه السلام مرویست که اخذ نکرد خدا تعالی عهد اهل الجهل
که قبل علم تا آنکه اخذ کرد عهد از اهل علم بتعلیم آن و فرمود صادق علیه السلام که طلب علم کنید و زینت شوید بآن بحلم و وقار و تواضع کنید برای کسی که تعلیم
میکنید او را علم و تواضع کنید با کسی که طلب میکنید از وی علم و مباشید عالمان جبار پس کار کر ببرد باطل شما حق شما را لا تحسبن الذین یفرحون
بما اتوا و یحبون ان یحمدوا بما لم یفعلوا فلا تحسبنهم بمفازة من العذاب و لهم عذاب الیم و مپندار البته آنان را که شادی میکنند بانچه
کردند و دوست میدارند که ستایش کرده شوند بانچه نکرده اند پس مپندار البته ایشان را رستگاری از عذاب و ایشان راست عذابی دردناک بعضی
گفته اند که نازل شد این آیه در یهود از این حیثیت که شادی میکردند بانکه مردمان تعظیم ایشان میکردند و نسبت میدادند ایشان را بعلم
و بعضی گفته اند که پرسید رسول الله صلی الله علیه و آله یهود را امری از توریت پس آن را پنهان کردند و خلاف حق او را گفتند و ساختند
دانایان صدق از آن کذب بودند و طلب حمد و ثنا کردند از وی و شادی بودند باین فعل پس مطلع گردانید خدا تعالی رسول خود را صلی الله علیه و آله بینیم
و تسلی کرد او را [illegible] و بعضی گفته اند که یهود شادی بودند از پوشیدن نعت و صفت رسول علیه السلام و دوست داشتند که حمد گویند
ایشان را از آنچه کردند از متابعت دین ابراهیم علیه السلام از آن جهت که دعوی بودند که ابراهیم بر دین یهود بود و این آیه [illegible] و بعضی گفته اند که
نازل شد در شان قومی که تخلف نمودند از جهاد با رسول علیه الصلوة والسلام پس چون باز گردند عذر خواستند با آنکه مصلحت در تخلف دیدند و طلب
حمد کردند بر ترک خروج و بعضی گفته اند که ایشان منافقان که شادی مینمودند با اظهار ایمان بمسلمانان و طلب حمد میکردند از ایشان بان که در
باطن بود ایشان را و جایز است که شامل باشد این هر کس که خوشحال شود بفعل آورد پس شادی کند بآن بطریق عجب و خودبینی و دوست دارد که
مردمان حمد و ثنا گویند او را بآن بدین داری و زهد و آنچه نیست در وی و بعضی گفته اند که یهود دعوا نمودند که ایشان ابناء الله و احبای و بهتر
و اهل نماز و روزه اند و حال آنکه دروغ میگویند و اولیای خدا اند و احبار وی بلکه اهل شرک و نفاق اند و از [illegible] مرویست از علی علیه السلام
[illegible] لا تحسبن الذین یفرحون بما اتوا [illegible] و بعضی [illegible] خوانده اند چنانچه گذشت
[illegible] شادی نمودند با آنچه کردند از خلاف و کذب بیان توریت از پوشیدن وصف رسول و نفاق و غیر آن چنانچه در سبب
نزول ذکر شد [illegible] و یحبون ان یحمدوا بما لم یفعلوا و دوست میدارند که ثنا و ستایش کنند ایشان را بانچه نکردند از بیان
توریت یا وصف رسول الله صلی الله علیه و آله یا از انکه ترک نمودند ایمان را فلا تحسبنهم بمفازة من العذاب پس البته مپندار ایشان را خلاص
و رستگار از عذاب و لهم عذاب الیم و ایشان راست عذابی سخت دردآورنده لا تحسبن [illegible] مفعول اول او الذین یفرحون است و مفعول
دوم او بمفازه است یعنی لا تحسبن الذین یفرحون فائزین و لا تحسبنهم دوم تاکید اوست و لا تحسبن [illegible] فاعل الذین یفرحون است
و هر دو مفعول او محذوف است و دلالت بر آن میکند دو مفعول لا تحسبنهم بمفازه که موکد اوست و در این آیه ذم است آنان که اراده حمد و ثنا دارند
از مردمان از پوشیدن حق و اظهار [illegible] و ظاهر است زیرا که این فعل [illegible]
و لله ملک السموات والارض والله علی کل شیء قدیر و از خداست ملک آسمانها و زمین و خدا بر همه چیز تواناست [illegible] افاده اختصاص
میکند یعنی اوست مالک مدبر و متصرف آسمانها و زمین [illegible] بهر نوع که میخواهد [illegible] اغراض [illegible] و بر همه چیز قادر و تواناست
هر که میخواهد هلاک میکند و هر چه میخواهد ابداع میکند ان فی خلق السموات والارض و اختلاف اللیل والنهار لایات لاولی الالباب
الالباب جمع لب عقل یعنی بدرستی که در آفریدن آسمانها و زمین و آمد شد شب و روز البته نشانهاست از برای صاحبان عقلها ان فی خلق
السموات والارض یعنی در ایجاد آسمانها و زمین با آنچه در آنست از بدایع و عجایب و اختلاف اللیل والنهار و تعاقب شب و روز و آمدن
هر یک در عقب دیگری با اختلاف ایشان در نور و ظلمت یا در نقصان و زیاده لایات البته نشانهاست [illegible] بر وجود صانع و وحدت او
و کمال علم و قدرت او لاولی الالباب برای صاحبان عقول کامله و قلوب سلیمه که دیده دلهای صافیه باز کرده نظر کنند بانها نظر استدلال
و اعتبار نه چون نظر بهایم که غافلند از این عجایب و اسرار صاحب مجمع البیان علیه الرحمة والرضوان فرموده که وجه دلالت در خلق آسمان

وزمین

و زمین آنست که وجود این دو متصف بخواص حادث اند و هر چه متصف بصفت حادث است پس آن حادث است مثل آن حادث و هر
محدث است ناچار است او را از محدثی که احداث کند او را و موجدی که او را ایجاد کند پس دلالت میکند بوجود و حدوث آسمان و زمین
بر آنکه این دو را موجدی و محدثی هست که قادر است و دلالت میکند ابداع با آنچه در آنست از بدایع و امور جاری بر غایت نظم و نسق
بر آنکه مبدع آن عالم و داناست از برای آنکه مثل این فعل محکم مستلزم صحیح حیث صدور آن الاثار کی عالم باشد چنانچه ایجاد صحیح هست
الآثار کی قادر باشند و ایضا دلالت میکند بر آنکه صانع آن قدیم است لم یزل از برای آنکه اگر محدث باشند البته محتاج باشند بمحدثی که او را احداث او
کند پس مودی میشود بتسلسل دوم وجه دلالت تعاقب شب و روز آنست که در پی در می آیند هر یک دیگر برابر قدری معلوم زیاده و نقصان
ندارند از آن و آنکه هر یک با دی دارد در دیگری در حالی دیگر و زیادتی هر یک بر دیگری بقدر نقصان دیگر است پس ثابت و صحیح شد که اینها را و نقصان از دیگری در حالی
صانعی که قادر و حکیم [illegible] ادراک میکند او را [illegible] میشود [illegible] از ابو صادق علیهما الصلوة والسلام که رسول صلی الله علیه و آله
میبود در شبی بسیار و نظر میکرد در آن قبل آسمان و میخواند این چهار آیه از آخر آل عمران ان فی خلق السموات تا انک لا تخلف المیعاد و تعقید
ابتداء [illegible] میکرد و فرمود که وای بر آنکه قرائت کند این را و تامل نکند در آن الذین یذکرون الله قیاما و قعودا و علی جنوبهم و یتفکرون فی
خلق السموات والارض ربنا ما خلقت هذا باطلا سبحانک فقنا عذاب النار آنان که ذکر میکنند خدا را ایستاده و نشسته و بر پهلوهای خود خوابیده
و فکر میکنند در آفرینش آسمانها و زمین ای پروردگار ما خلق نکردی این را باطل پاکی تست [illegible] پس نگاهدار ما را از عذاب آتش حضرت حق [illegible]
بدیع و صنع [illegible] آن اولوا الالباب و صاحب عقلان [illegible] خلق آسمانها و زمین [illegible] دلالت میکند بر وجود و وحدت و سایر صفات الله تعالی
[illegible] الذین یذکرون الله قیاما و قعودا و علی جنوبهم آن اولوا الالباب آنانند که اشتغال بذکر و یاد خدا مینمایند در حالی که ایستاده اند
در پهلوهای خود خوابیده اند یعنی دایم و در جمیع اوقات و احوال بذکر حق ذو الجلال اشتغال مینمایند و از آن سیری و دلتنگی ندارند و قیل
که مراد او ذکر نماز است یعنی نماز میکنند ایستاده در حال صحت و نشسته و بر پهلو خوابیده در حال بیماری بحسب طاقت چنانچه مشهور است
که اگر قدرت ایستادن ندارد نشسته نماز میکند و اگر طاقت نشستن ندارد بر پهلوی راست خوابیده روی بقبله چنانچه میت را در لحد میخوابانند خوابیده
نماز میکند و در رکوع و سجود اشاره بچشم میکند و اگر از پهلوی راست عاجز است بر پهلوی چپ روی بقبله نماز میکند و اگر از آن هم
عاجز است بر پشت خوابیده پای بقبله نماز میکند و مرویست از رسول الله صلی الله علیه و آله که هر که میخواهد که سیر کند در روضهای بهشت باید که بسیار ذکر
خدا کند و فرمود که میخواهید که خبر کنم شما را به بهترین اعمال شما و بلندترین آن در درجات شما و پاکیزه ترین آن نزد پروردگار
شما و بهتر باشد شما را از دینار و درهم و بهتر باشد شما را از آنکه جهاد کنید با دشمنان و بکشید ایشان را و ایشان بکشند شما را گفتند بلی فرمود
فرمود که بسیار ذکر خدای عز و جل [illegible] و بعد از آن آمد مردی بخدمت رسول علیه السلام و سوال کرد که کیست بهترین اهل این مسجد فرمود آنکه بیشتر ذکر خدا میکند
که هر که داده شد او را زبانی ذاکر بتحقیق که او را خیر دنیا و آخرت داده اند و بیان فضل ذکر در [illegible] و یتفکرون فی خلق السموات والارض
و از صفات اولوا العقول آنست که تفکر و تدبر میکنند در خلق آسمانها و زمین و استدلال مینمایند از این اجرام عظام و ابداع صنایع و اختراع آن
آن که افهام از درک بعضی از آن عاجز و قاصر است بر عظم شان صانع و کبریا و سلطان آن و مرویست از رسول علیه التحیة والسلام [illegible]
[illegible] از برای آنکه آن مخصوص است [illegible] و فرمود که گاه باشد که مردی خوابیده باشد ناگاه بر دارد سر و نظر کند
بآسمان و ستارگان و بگوید که گواهی میدهم که ترا پروردگاری است و آفریننده اللهم اغفر لی پس نظر کند خدا تعالی بسوی او پس بیامرزد او را و فرمود صادق
علیه السلام که فاضلترین عبادتها دوام تفکر است در خدا و قدرت او و فرمود امیر المومنین علیه السلام که آگاه کن بتفکر دل خود را و جدا کن
از خواب [illegible] پهلوی خود را و فرمود علیه السلام که تفکر دعوت میکند بنیکی و عمل بآن ربنا ما خلقت هذا باطلا قول مقدر است و باطلا صفت
مفعول مطلق [illegible] میگویند آن اولوا الالباب که ای پروردگار ما خلق نکردی این را خلقی باطل و عبث بدون حکمت بلکه خلق کردی و آفریدی
این را از برای حکمت عظیمه و دلیل گردانیدی آن را از برای معرفت [illegible] طاعت و اجتناب از معصیت خود سبحانک پاکی و منزهی یاد میکنیم ترا
از هر چه جایز نیست بر تو از عبث و خلق باطل فقنا عذاب النار پس نگاهدار ما را از عذاب آتش دوزخ جایز است که باطلا حال باشد از هذا
ربنا انک من تدخل النار فقد اخزیته و ما للظالمین من انصار ای پروردگار ما بدرستی که تو هر که را داخل گردانی در دوزخ پس البته که او را خوار
گردانیدی و نیست ظالمان را هیچ از یاران این نیز از جمله قول اولوا الالباب است که از شدت خوف دوزخ دعا میکنند و میگویند ربنا ای پروردگار
ما انک من تدخل النار فقد اخزیته هر که ابد در دوزخ داخل میکنی بسیار او را رسوا و خوار میگردانی مراد ایشان طلب خلاص است از دوزخ [illegible]

آن دوزخ بدبختی است یا مکر خواری که عذاب روحست سخت تر است از عذاب بدنی وما للظالمین من انصار و نیست ظالمان را هیچ یاری
از یاران که دفع کنند عقوبت خدا را از ایشان و این منافات ندارد با شفاعت رسول و ائمه علیهم السلام و اولیاء الله را با کبایر
کبیره را از برای آنکه شفاعت در حقیقت طلب کردنست با سؤال و خضوع و تضرع و نصرت دفعست بقهر و غلبه ربنا اننا سمعنا منادیا ینادی
للایمان ان آمنوا بربکم فآمنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا وکفر عنا سیئاتنا وتوفنا مع الابرار ای پروردگار ما بدرستی که ما شنیدیم ندا کننده را که ندا
میکرد از برای ایمان بآنکه ایمان بیاورید به پروردگار خود پس ایمان آوردیم ای پروردگار ما پس بیامرز گناهان ما را و بپوشان از ما بدیهای
ما را و بمیران ما را با نیکوکاران ربنا اننا سمعنا منادیا از جمله حکایات اولوالالباب است و منادی یا رسولست صلی الله علیه و آله یا قرآن و مراد از سمع
ندا منادی حذف شد از برای آنکه ظاهر است مراد ینادی للایمان لام بمعنی الی است یعنی بخواند بسوی ایمان و فایده در جمع میان منادی
و ینادی و اطلاق آن و تقیید ینادی بایمان تعظیم و تفخیم شان منادیست ان آمنوا بربکم یعنی بان آمنوا که حرف جر مقدر باشد یا آنکه ان
مفسره است و تفسیر ینادی میکند فآمنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا پس ایمان آوردیم پس بپوشان گناهان ما را [illegible]
در روز قیامت وکفر عنا سیئاتنا و محو کن از ما بفضل و رحمت خود صغایر ما را و بعضی گفته اند اغفر لنا ذنوبنا یعنی بیامرز کبایر
ما را وکفر عنا سیئاتنا بپوش صغایر ما را [illegible] و بعضی گفته اند اغفر لنا ذنوبنا [illegible] وکفر عنا یعنی باجتناب از کبایر [illegible]
ما را وتوفنا مع الابرار و بمیران ما را با نیکوکاران و مخصوص ساز ما را بصحبت ایشان [illegible] ربنا وآتنا ما وعدتنا علی
رسلک ولا تخزنا یوم القیمة انک لا تخلف المیعاد ای پروردگار ما و بده ما را آنچه وعده دادی ما را بر پیغمبران خود و رسوا مگردان ما را در روز
قیامت بدرستی که تو خلاف نمیکنی وعده را یعنی ربنا وآتنا ما وعدتنا علی رسلک یعنی ای رب بده ما را آنچه وعده داده ما را [illegible]
بواسطه تصدیق و ایمان به پیغمبران تو چون ظاهر شد از ایشان [illegible] از سؤال بود بآنچه وعده داده بود پروردگار آن را از خوف خلف
وعده [illegible] از ایشان [illegible] باشد [illegible] سؤال [illegible]
[illegible] وعده [illegible] باشد [illegible] پیغمبران [illegible]
بر ایشان و بعضی گفته اند که آنچه وعده کرده از نصرت بر دشمنان ولا تخزنا یوم القیمة و خوار و رسوا مگردان ما را در روز قیامت انک
لا تخلف المیعاد بدرستی که تو خلاف نمیکنی وعده ثواب ایمان و اجابت دعا را و وعده آن [illegible] چون معلوم است که خلف وعده از خدای تعالی
محالست [illegible] و وعده [illegible] خضوع و خشوع [illegible]
بحد انتهای جایی که پیغمبران [illegible] ایشان اظهار خضوع [illegible] بود به پروردگار
فاستجاب لهم ربهم انی لا اضیع عمل عامل منکم من ذکر او انثی بعضکم من بعض فالذین هاجروا واخرجوا من دیارهم واوذوا فی سبیلی وقاتلوا وقتلوا
لاکفرن عنهم سیئاتهم ولادخلنهم جنات تجری من تحتها الانهار ثوابا من عند الله والله عنده حسن الثواب پس اجابت کرد از ایشان پروردگار
ایشان بآنکه ضایع نمیکنم عمل عمل کننده را از شما مردی یا زنی بعضی از شما از بعض دیگر پس آنانکه هجرت کردند و بیرون کرده شدند از منازل خود و
شدند در راه من و قتال کردند و کشته شدند البته که بپوشم از ایشان بدیهای ایشان را و البته داخل میکنم ایشان را در بهشتهایی که
روانست در زیر آن نهرها ثواب از نزد خدا و خدا نزد اوست نیکویی ثواب بعضی گفته اند که ام سلمه رضی الله عنها گفت که یا رسول الله
که خدای تعالی ذکر و مدح میکند مردان را و زنان را در هجرت پس خدای تعالی این آیه فرستاد و بعضی گفته اند که این آیات
قبل از نزول [illegible] رسول صلی الله علیه و آله و مهاجران [illegible] جمع [illegible]
و قبول کرد [illegible] پروردگار ایشان روایتست از صادق علیه السلام که هر که [illegible] پنج بار بگوید ربنا
[illegible] خدای تعالی [illegible]
لا اضیع عمل عامل منکم من ذکر او انثی [illegible] بعضکم من بعض [illegible]
[illegible]
[illegible] فالذین هاجروا [illegible]
[illegible]
بواسطه ایمان [illegible] واوذوا فی سبیلی [illegible]

مراد از الذین هاجروا مهاجران المؤمنین است و سلمان و ابوذر و عمار و ذوی واوذوا فی سبیلی در شأن ایشانست وقاتلوا وقتلوا و کشته شدند در راه من
لاکفرن عنهم سیئاتهم البته محو میکنم از ایشان بدیهای ایشان را ولادخلنهم جنات تجری من تحتها الانهار یعنی جاریست در تحت
[illegible] ثوابا من عند الله [illegible] والله عنده حسن الثواب [illegible]
است [illegible] حسن الثواب یعنی خدا [illegible] ثواب نیکو در مقابل اعمال [illegible]
و هیچ [illegible] لا یغرنک تقلب الذین کفروا فی البلاد [illegible]
[illegible] در شهرها [illegible] تجارت میکردند [illegible] مسلمانان [illegible]
پس بعضی از مسلمانان گفتند [illegible] و بعضی گفته اند [illegible]
تجارت میکردند در شهرها این آیه نازل شد لا یغرنک خطاب برسول خداست و مراد امتست [illegible]
[illegible] لا یغرنک تقلب الذین کفروا فی البلاد [illegible] در شهرها [illegible]
متاع قلیل ثم مأواهم جهنم وبئس المهاد [illegible] متاع [illegible]
تقلب [illegible] ایشان [illegible]
[illegible] رسول علیه السلام [illegible]
[illegible] جهنم وبئس المهاد [illegible] لکن الذین اتقوا ربهم لهم جنات تجری
من تحتها الانهار خالدین فیها نزلا من عند الله وما عند الله خیر للابرار [illegible]
[illegible] ایشان [illegible]
[illegible] ایشان [illegible] بهتر است از برای نیکوکاران [illegible]
[illegible] وان من اهل الکتاب لمن یؤمن بالله وما انزل الیکم وما انزل الیهم خاشعین لله لا یشترون بآیات الله ثمنا قلیلا اولئک لهم
اجرهم عند ربهم ان الله سریع الحساب [illegible] اهل کتاب [illegible] ایمان [illegible] نازل شده است
نازل شده است [illegible]
ایشان [illegible] وان من اهل الکتاب مراد از اهل کتاب یهود و نصاری لمن یؤمن بالله [illegible]
[illegible] وما انزل الیکم [illegible] وما انزل الیهم تورات و انجیل خاشعین
لله [illegible] لا یشترون بآیات الله [illegible]
محمد صلی الله علیه و آله [illegible] ثمنا قلیلا [illegible]
احکام الهی [illegible]
ثمن قلیل اولئک [illegible] لهم اجرهم عند ربهم [illegible]
[illegible]
[illegible] جبرئیل علیه السلام [illegible] رسول صلی الله علیه و آله [illegible] رسول علیه السلام [illegible]
[illegible] رسول علیه السلام [illegible]
[illegible]
[illegible]
علیه السلام [illegible] محمد صلی الله علیه و آله [illegible] محمد صلی الله علیه و آله
عبد الله بن سلام [illegible] ان الله سریع الحساب [illegible]
حساب میکند [illegible]
کل [illegible]
[illegible] یا ایها الذین آمنوا اصبروا وصابروا ورابطوا واتقوا الله لعلکم تفلحون [illegible]

سورة النساء

و اسلام با آنکه دفع کنند شر کافران را از مسلمانان یعنی ای گروه مؤمنان صبر کنید و شکیبا باشید و آماده باشید از برای قتال مشرکان [illegible]
کردن کفار و ستمکاران شوید از صادق علیه الصلوة والسلام مرویست که اصبروا صبر کنید بر معصیت و صابروا صبر کنید بر ادای فرایض و رابطوا انتظار کشید [illegible]
ائمه علیهم السلام و بعضی گفته اند که اصبروا صبر کنید بر دین و تکالیف آن و صابروا صبر کنید در جهاد دشمنان تا آنکه غالب شوید بر ایشان [illegible]
دیگر جماعت بعد از عام بواسطه شدت و صعوبت این فعل و رابطوا اقامت نمایید در میان دربند کفر و اسلام [illegible]
کرد رابطوا یعنی منتظر نمازها باشید هر یکی بعد از دیگری رسیده از رسول الله صلی الله علیه و آله از افضل اعمال فرمود که [illegible]
قدمها بنمازها و جماعت و انتظار نماز و ایست رباط و اتقوا الله لعلکم تفلحون و بپرهیزید از خلاف خدا تا آنکه رستگار شوید [illegible]
جمیع تکالیف از برای آنکه امر و امر شامل لزوم عبادات [illegible]
دفع آزار از مسلمانان و حمایت ایشان و ملت و اتقوا الله [illegible]
کل این سوره مدنیست الا آیه ان الله یامرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها [illegible]
فضل آن ابی بن کعب از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که هر که بخواند این سوره را چنان باشد که تصدق کرده است بر هر مرد مؤمن و زن مؤمنه
که گرفته باشند میراث او را و مانند ثواب آنکه بنده خریده و آزاد کرده و خدا [illegible] از گناه ایشان در گذشته است و گفته اند که [illegible]
که بخوانید سوره بقره و سوره آل عمران و سوره نسا و سوره مائده و سوره حج و سوره نور [illegible] مرویست از امیر المؤمنین علیه السلام
که فرمود هر که قرائت کند سوره نسا را در هر جمعه ایمن باشد از فشار قبر [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم یا ایها الناس اتقوا
ربکم الذی خلقکم من نفس واحدة و خلق منها زوجها و بث منهما رجالا کثیرا و نساء و اتقوا الله الذی تساءلون به والارحام ان الله کان علیکم رقیبا
[illegible] حافظ و نگاهبان [illegible] ای مردمان بترسید پروردگار خود را [illegible]
[illegible] خدا را [illegible] سوال میکنید [illegible]
خطابست بجمیع مکلفان [illegible] یا ایها الناس [illegible] در قرآن [illegible]
[illegible] یا ایها الذین آمنوا [illegible] یا ایها الناس اتقوا ربکم بپرهیزید از معصیت پروردگار خود [illegible]
مخالفت امر و نهی او [illegible]
[illegible] الذی خلقکم من نفس واحدة [illegible]
ساخت و از یک نفس ایجاد نمود [illegible]
قادر [illegible]
حوا را از استخوان پهلوی چپ آدم [illegible] روایت کرده [illegible] سوال کرد [illegible] صادق علیه السلام از خلق حوا [illegible]
[illegible] خدا خلق کرد حوا را از دنده چپ آدم [illegible] سبحان الله و تعالی [illegible]
خدا [illegible] از برای آدم زوجه از غیر دنده او [illegible] آدم نکاح [illegible]
کند میان [illegible] علیه السلام که خدا تعالی چون خلق کرد آدم را [illegible]
[illegible] حوا [illegible] آدم [illegible]
آدم از حرکت او پس چون بیدار شد [illegible] آدم پس چون نظر کرد آدم [illegible]
[illegible] آدم [illegible]
این خلق نیکو [illegible] خدای تبارک و تعالی [illegible]
[illegible]
[illegible] از برای [illegible]
یا رب [illegible] خدای عز و جل [illegible]
[illegible] خدای عز و جل [illegible] آدم [illegible]
کفت [illegible] خدا تعالی [illegible] مردان خواهند رفت

هرکه م

باشند م

نکان م

کنی م

بوی م

دمی

و جزئی که روایت شده است که مخلوق شد حوا از استخوان پهلوی چپ آدم [illegible] و معنی آن آیت که مخلوق شد از آن گل که فاضل آمد از استخوان پهلوی چپ آدم
و از آن است که یک استخوان پهلوی چپ مردان کمتر است از دنده زنان یعنی آدم اگر دنده هر دو پهلوی او مساوی مخلوق میبود آن گل که حوا از آن
مخلوق شد حاصل نمیبود و لیکن خدا تعالی یک دنده او را کم از دیگری خلق کرده از آن گل که حاصل آمد حوا را خلق کرد و انکه بعد از خلق آدم حوا را
از دنده او خلق کرد [illegible]
[illegible] والارحام در معنی این دو قولست یکی آنکه بترسید از آن خدایی که سوال میکنید از یکدیگر باسم او [illegible]
[illegible] والارحام منصوبست [illegible]
[illegible] بترسید از آن خدایی که سوال میکنید [illegible] والارحام منصوبست [illegible]
[illegible] از رسول صلی الله علیه و آله
[illegible] خدا تعالی [illegible]
[illegible] صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ان الله کان علیکم رقیبا [illegible] و آتوا الیتامی اموالهم و لا تتبدلوا الخبیث
بالطیب و لا تاکلوا اموالهم الی اموالکم انه کان حوبا کبیرا [illegible]
[illegible] و آتوا الیتامی اموالهم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
اموالهم الی اموالکم [illegible]
[illegible] حفظ م
[illegible]
[illegible] پس م
[illegible] رسول [illegible]
[illegible]
[illegible] رسول الله [illegible]
[illegible] و ان خفتم الا تقسطوا فی الیتامی فانکحوا ما طاب لکم من النساء مثنی و ثلث و رباع فان خفتم
الا تعدلوا فواحدة او ما ملکت ایمانکم ذلک ادنی الا تعولوا [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
و آتوا النساء صدقاتهن نحلة [illegible]
[illegible]
[illegible]

نشود مال یتیم و اگر با چهار زن این ترسید اقتصار کنید بکمتر تا یکی یا کمتر و بعضی گفته اند که صحت میداشتند ترک عدل در مال یتیم و صحت نمیداشتند در امر زنان
نکاح میکرد از ایشان چند زن را و عدالت نمیکرد میان ایشان پس فرمود حق سبحانه که چنانچه میترسید از ترک عدل در اموال یتیمان پس بترسید در امر
زنان و نکاح کنید ایشان را از یک تا چهار و بعضی گفته اند که گناه میدانستند در ولایت یتیمان خوردن مال ایشان را [illegible] و باکی نمیداشتند
از زنا پس حق سبحانه و تعالی فرمود که اگر گناه میدانید خوردن مال یتیمان پس گناه دانید زنا را و از آن دوری کنید و نکاح کنید از یک تا
تا چهار و بعضی گفته اند که معنی اینست که اگر شما خود را دور میدارید از گناه از خوردن مال یتیمان پس دور دارید خود را از گناه در جمع میان زنان بیش
تا آنکه عاجز باشید از عدل با ایشان و زن مکنید ایشان را الا آنچه ایمن باشید از جور و فرمود که وان خفتم الا تقسطوا فی الیتامی و اگر ترسید که انصاف
و عدل نورزید در امر یتیمان در آنچه ذکر شد خلاف در آن و در سبب نزول فانکحوا ما طاب لکم پس نکاح کنید آنچه حلال و طیب شماست و لفظ ما نظر بوصف
زنانست یا بواسطه نقصان عقول زنانست من النساء از زنان و معنی این بنابر قول اول از آنچه ذکر شد از خلاف اینست که اگر ترسید که عدل
نکنید در نکاح دختران یتیم پس نکاح کنید زنان غیر ایشان مثنی و ثلاث و رباع دو تا دو تا و سه تا سه تا و چهار تا چهار تا و این عدد بحیثیت اذن از زنان
است و زیاده از چهار زن آزاد در نکاح دایم مرد را جایز نیست از مفهوم این آیه و از قول صادق علیه السلام که فرمود حلال نیست که جاری شود آب مرد در بیش از
چهار رحم از زنان آزاده و چون مسلمان شد غیلان در حالی که ده زن داشت فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که نگاه دار چهار زن را از ایشان و جدا کن باقی را
و مرد آزاد را [illegible] دو کنیز جایز نیست بعقد دایم در آورد اما بملک یمین و متعه خواه آزاد و خواه کنیز هر چند خواهد [illegible]
زیاده از دو زن آزاد یا چهار کنیز بعقد دوام زن نگیرد [illegible] فان خفتم پس اگر ترسید یا دانید الا تعدلوا که عدل و انصاف نتوانید کرد در چهار یا سه
یا دو از زنان در نفقه و قسمت فواحدة پس [illegible] واحده پس زن کنید یکی را او ما ملکت ایمانکم یا اقتصار کنید بکنیزان که ملک شما اند و از این مفهوم
میشود که جایز است که جمع کنید زنان را اگر قادر باشید که عدل کنید در میان ایشان ذلک اشاره بتخییر یا ملک یمین ادنی الا تعولوا اقرب
بآنکه جور و ستم نکنید یا آنکه میل نکنید و بعضی گفته اند که این اقربست بآنکه بسیار نشود عیال شما و این تأویل ضعیف شمرده اند و آتوا النساء صدقاتهن نحلة
فان طبن لکم عن شیء منه نفسا فکلوه هنیئا مریئا صدقاتهن جمع صداق مهر زنان [illegible] عطیه و بخشش [illegible] زنان [illegible]
ایشان [illegible] پس اگر [illegible] از روی نفس پس بخورید آن را [illegible]
بدادن مهرهای زنان خطاب بشوهرانست نزد اکثر مفسران و بعضی گفته اند که خطاب باولیاء زنانست که چون زنان را نکاح میدادند مهر
خود میگرفتند و بایشان چیزی نمیدادند و نحلة مفعول مطلق آتوا است بغیر لفظ فعل یا حال از واو آتوا است [illegible] در حالی که
و بدون مطالبه و محاکمه تسلیم نمایید یا حالست از الصدقات [illegible] در حالی که آن تحول و عطا کرده شده باشد فان طبن لکم
پس اگر خوش دل شوند زنان شما از چیزی از صداق [illegible] که از صدقات مفهوم میشود نفسا تمیز است [illegible]
بطیب نفس خود ببخشند شما را چیزی از مهر فکلوه پس بخورید [illegible]
اموالکم التی جعل الله لکم قیاما وارزقوهم فیها واکسوهم وقولوا لهم قولا معروفا و ندهید سفیهان را [illegible] اموال که گردانیده است [illegible]
شما قوام معیشت و روزی دهید ایشان را در آن اموال و جامه بپوشانید ایشان را و بگویید ایشان را [illegible] ولا تؤتوا السفهاء بعضی گفته اند که مراد
زنانند و بعضی گفته اند که زنان و فرزندانند چنانچه مرویست از باقر علیه السلام که چون داند مردی که زن کم عقلست [illegible]
و مال اتلاف میکند سزاوار نیست او را که زن و فرزند را مسلط سازد در مال خود و از صادق علیه الصلوة والسلام مرویست که سفیه شارب الخمر است
و هر که جاری مجری اوست و فرمود رسول الله صلی الله علیه و آله که شارب الخمر را تصدیق مکنید چون سخن گوید و زن ندهید چون خواستگاری کند
و عیادت مکنید چون بیمار شود و جنازه او حاضر مشوید چون بمیرد و امین مدانید او را بر امانتی پس هر که او را امین داند بر امانتی پس آن ضایع گرداند
پس نیست بر خدا که عوض دهد [illegible]
یعنی [illegible]
و بعضی گفته اند که خطاب بجمیع مکلفانست که نهی میفرماید جمیع را از دادن مال خود بسفیهان التی جعل الله لکم قیاما که گردانیده است از برای
خدا تعالی آن را قیام امر شما و معاش شما [illegible] وارزقوهم فیها واکسوهم بعضی گفته اند که معنی اینست که تجارت کنید و ربح
حاصل کنید از مال یتیمان و نفقه کنید ربح آن را بر ایشان تا آنکه [illegible] اصل مال ایشان را و بعضی گفته اند که [illegible] مال خود را بسفیهان [illegible]
و لیکن بدهید ایشان را آنچه لازمست شما را از نفقه و کسوه ایشان را [illegible] وقولوا لهم قولا معروفا و گویید ایشان را گفتاری نیکو

کرده

ما لم یعرف در نیکی کنید با یتیمان یا با زنان و فرزندان و درشتی مکنید با ایشان و بگویید ایشان را آنچه موجب رشد و صلاح امر دنیا و آخرت باشد
و در این آیه دلیلست بر آنکه سفیه و صبی محجورند و ممنوعند از تصرف در اموال خود [illegible] وصیت چون وارث سفیه باشند زیرا که ترک
وصیت در این حال منزله دادن مالست بسفیه وابتلوا الیتامی حتی اذا بلغوا النکاح فان آنستم منهم رشدا فادفعوا الیهم اموالهم ولا تأکلوها
اسرافا و بدارا ان یکبروا ومن کان غنیا فلیستعفف ومن کان فقیرا فلیأکل بالمعروف فاذا دفعتم الیهم اموالهم فاشهدوا علیهم وکفی بالله حسیبا
[illegible] بیازمایید یتیمان را تا آنگاه که رسند بنکاح پس اگر دیدید از ایشان رشدی پس بدهید بایشان اموال ایشان را و مخورید
آن را باسراف و تعجیل [illegible] که بزرگ شوند و هر که باشد توانگر پس باید که پرهیزکاری کند و هر که باشد فقیر پس باید که بخورد بنیکی پس چون بدهید بایشان اموال
ایشان را پس گواه بگیرید بر ایشان و کافیست خدا حساب کننده وابتلوا الیتامی خطابست باولیاء یتیمان و امر است بآزمودن ایشان در عقل و
و صلاح دین و اصلاح مال ایشان قبل از بلوغ بطریقی که بعد از بلوغ ایشان محتاج نباشند بآزمودن حتی اذا بلغوا النکاح یعنی تا آنکه رسند
بحدی که قادر باشند بر دخول و انزال کنند و بلوغ معلوم میشود باحتلام و بروییدن موی درشت بر زهار و بلوغ پانزده سالگی در مرد و نه سالگی
در زن فان آنستم پس بعد از بلوغ اگر [illegible] که اموال یتیمان در دست شماست منهم رشدا از یتیمان رشدی بعضی گفته اند
که مراد از رشد عقل و دین است و بعضی گفته اند که صلاح دین و صلاح مال و نزد شیعه امامیه عقل معاش است بآنکه بازی نخورند در معاملات
فادفعوا الیهم اموالهم پس بدهید بایشان بعد از بلوغ و رشد اموال ایشان را و لفظ فاء دلالت میکند بر وجوب دفع مال ایشان بایشان بعد از
حصول بلوغ و رشد فورا بلا تاخیر و از صادق علیه الصلوة والسلام مرویست در تفسیر و ان آنستم منهم رشدا فادفعوا الیهم اموالهم یعنی چون
ببینید ایشان را که دوست میدارند آل محمد را علیهم السلام پس رفیع گردانید درجه ایشان را ولا تأکلوها اسرافا و مخورید آن اموال را
بغیر آنچه حلال کرده است آن را خدا تا آنکه اسراف نشود و در این آیه است بآنکه بیک وجهی خوردن آن جایز است چنانچه بعد ذکر میشود
و روایت کرد محمد بن مسلم از باقر یا صادق علیهما السلام گفت پرسیدم او را از مردی که در دست اوست چهار یا پنج از پسر برادر او
[illegible] داخل گردانید از چهار یا پنج یتیم را [illegible] خود [illegible]
[illegible]
[illegible] عطفست بر اسراف [illegible] بخورید اموال یتیمان را باسراف و [illegible]
[illegible] و من کان غنیا فلیستعفف و هر که باشد از اولیاء غنی پس باید که باز ایستد از مال [illegible]
یتیم [illegible] و من کان فقیرا فلیأکل بالمعروف [illegible]
از اولیاء فقیر پس باید که بخورد بمعروف بعضی گفته اند که خوردن بمعروف آنست که چون محتاج باشد [illegible]
[illegible] و بعضی گفته اند آنست که بردارد از آن [illegible]
اجرة المثل و بعضی گفته اند [illegible] اجرة المثل عمل خود و بعضی گفته اند که آنست که بردارد از اقل الامرین از اجرة المثل و [illegible]
محتاج است [illegible] و این بهترین اقوالست [illegible] و لا تقربوا مال الیتیم الا
بالتی هی احسن و این طریقه احسنست فاذا دفعتم الیهم اموالهم فاشهدوا علیهم این هم خطابست باولیاء یتیمان که پس هرگاه دفع کنید [illegible]
اموال ایشان را بعد از بلوغ ایشان پس گواه بگیرید [illegible] و این امر ارشادیست که حق تعالی [illegible] لطف خود باولیاء یتیمان
دلالت میکند [illegible] گواه تا [illegible] و کفی بالله حسیبا [illegible]
گواه در دفع مال [illegible] حساب کننده [illegible] للرجال نصیب مما ترک الوالدان والاقربون وللنساء نصیب مما ترک الوالدان
والاقربون مما قل منه او کثر نصیبا مفروضا [illegible] از برای مردان حصه ایست از آنچه میگذارند پدر و مادر و خویشان و از برای زنان حصه ایست
از آنچه میگذارند پدر و مادر و خویشان از آنچه کم باشد از آن یا بسیار حصه فرض کرده شده [illegible] در زمان جاهلیت میراث زنان [illegible]
و بعضی گفته اند که عرب میراث نمیدادند [illegible] مگر [illegible]
[illegible] پس [illegible] محروم [illegible]
[illegible] حضرت علیه السلام [illegible] للرجال
مما ترک الوالدان والاقربون [illegible] و للنساء نصیب [illegible]

ترک الوالدان والاقربون و زنان را نصیبی است و نصیبی از آنچه میگذارند از میراث پدر و مادر و خویشان مما قل منه او کثر از آنچه کم باشد از آن یا بسیار
نصیبا مفروضا و صاحب نصیبی است که فرض شده است که تسلیم باید آن را … چنانکه نصیب مفروض است مقدر … مقصد … است روایت از
نبی صلی الله علیه وآله که فرمود یاد گیرید علم فرایض میراث را و تعلیم کنید آن را مردمان که آن نصف علم است و فراموش خواهد شد و آن اول چیزیست
که بر کنده میشود از امت و روایت کرد ابن مسعود از پیغمبر صلی الله علیه وآله که فرمود یاد گیرید قرآن را و تعلیم کنید آن را مردمان و یاد گیرید
فرایض میراث را و تعلیم کنید او را مردمان از برای آنکه من مردیم که قبض میشود روح من و زود باشد که برگرفته شود علم و ظاهر شود فتنها
تا آنکه خلاف کنند دو مرد در یک میراث و نیابند کسی را که حکم کند بحق و باطل در میان ایشان و اذا حضر القسمة اولوا القربی والیتامی والمساکین
فارزقوهم منه و قولوا لهم قولا معروفا و چون حاضر شوند در قسمت میراث خویشان و یتیمان و درویشان پس روزی دهید ایشان را از آن
و بگوئید ایشان را سخنی نیکو حق تعالی امر فرمود در این آیه که چون حاضر شوند در وقت قسمت میراث خویشان و یتیمان و مساکین که ایشان را
چیزی موروث نباشد از میراث پس حصه و روزی بدهید ایشان را از آن و می طلبد در فارزقوهم بعضی گفته اند که او ارث نباشد که امر فرموده
که چون در وقت قسمت میراث از این مردمان حاضر شوند چیزی از آن با ایشان بدهید هر گاه حصه از میراث نباشد ایشان را و بعضی
گفته اند که این آیه منسوخ است به آیه میراث و اصح آنست که منسوخ نیست و مندوب و مستحب است … و بعضی گفته اند که مراد آنانند که حاضر شوند
وفات ایشان و وصیت کنند یعنی چون حاضر شوند در وقت وصیت که شما وصیت قسمت میکنید میراث خود را … این جماعت پس روزی دهید
ایشان را و قولوا لهم قولا معروفا یعنی بگوئید به خویشان و یتیمان و درویشان گفتاری که نیکو باشد و می طلبد در این … باشند
وصیت میکنند و بعضی گفته اند که اولیا را … ایشان را … هیچ چیزی با جماعت … که عذر بخواهند ایشان
بالکمال … واجب داد … ولیخش الذین لو ترکوا من خلفهم ذریة ضعافا خافوا علیهم فلیتقوا الله ولیقولوا قولا سدیدا
ضعاف جمع ضعیف … سلیم حالی … و باید که بترسند … از عقب خود فرزندان ضعیفان بترسند بر ایشان
که بترسند خدا را و باید که بگویند گفتاری راست … بعضی گفته اند که چون مردی … حاضر میشدند اصحاب رسول علیه السلام نزد او
می نشستند و میگفتند … فرزندان … از عذاب خلاص … پس … کل مال خود را
… وصیت کن پس فرمود خدای تبارک و تعالی ولیخش الذین لو ترکوا من خلفهم ذریة ضعافا خافوا علیهم یعنی باید که بترسند ایشان
که نزد بیماران می نشینند … کل اموال … فرزندان ایشان را محروم میدارند … فرزندان
و محروم سازند ایشان را … فرزندان … از میراث محروم …
ایشان از میراث ایشان … و بعضی گفته اند که این امر است به اولیا و یتیمان … بترسند از خدا و نگاه دارند
اموال ایشان و شفقت و رحم بر ایشان … فرزندان خود … یتیم …
برسند و اصح قول امام موسی … علیه السلام که فرمود خدای عز و جل … وعید کرد در خوردن مال یتیم … عقوبت دنیا که فرمود ولیخش
الذین لو ترکوا من خلفهم ذریة ضعافا خافوا علیهم باید که بترسند … فرزندان … یتیم شوند … با یتیمان میکنند و …
در آخرت چنانکه ذکر میشود و بعضی گفته اند که امر است … شفقت … که حاضر شوند از خویشان و یتیمان و درویشان
و تصور کنند که ایشان فرزندان ایشانند که در عقب ایشان ضایع و محتاج مانده اند خافوا علیهم … ایشان …
لاحق ایشان شود ولیقولوا قولا سدیدا … باید که بگویند … از احضار مجلس …
و اولیا با وارثان سخنی صواب و عدل موافق شرع خالی از مفسده و خلل … از رسول صلی الله علیه وآله … میکند …
از دوزخ و داخل شدن بهشت پس باید که در وقت مرگ حال او این باشد که شهادت دهد به لا اله الا الله و ان محمدا رسول الله و دوست دارد
که بکند با مردمان آنچه دوست میدارد که بکنند مردمان با وی و نهی فرمود رسول صلی الله علیه وآله از آنکه وصیت کنند زیاده بر ثلث مال
و فرمود که ثلث هم بسیار است و فرمود سعد را … که وارثان تو … باشند بهتر از آنست که درویش … ایشان را
پیش مردمان دارند ان الذین یاکلون اموال الیتامی ظلما انما یاکلون فی بطونهم نارا و سیصلون سعیرا …
… کسانی که میخورند اموال یتیمان … بظلم میخورند در شکمهای خود آتش و زود باشد که …
… اموال یتیمان … از روی ظلم و جور … خوردن …

ان الذین یاکلون اموال الیتامی ظلما

و ورد است

و ورد است … و ذکر اکل از برای آنست که آن اعظم منافع مال است انما یاکلون فی بطونهم نارا یعنی میخورند در شکمهای
خود آتش … آنست که آن اکل سبب … ایشان را به آتش پس گویا که آن آتش است … از آتش است چنانکه روایتست که خورنده
مال یتیم مبعوث میشود در روز قیامت و دود بیرون می آید از قبر او و از دهان او و بینی او و گوشهای او پس می شناسند او را مردمان که مال یتیم
خورده است و روایت شده از باقر علیه السلام که فرمود رسول الله صلی الله علیه وآله که مبعوث میشوند جمعی … مردمان … روز قیامت که
… از دهانهای ایشان آتش … کیستند … رسول الله … حضرت علیه السلام این آیه را تلاوت فرمود و صادق علیه السلام … در کتاب
علی بن ابی طالب است که خورنده مال یتیم را … وبال … فرزندان او … دنیا و وبال … در آخرت اما در دنیا خدای تعالی فرموده
ولیخش الذین لو ترکوا من خلفهم الآیة و اما در آخرت فرموده است که ان الذین یاکلون اموال الیتامی ظلما الآیة و پرسیدند از رضا علیه السلام که
کمترین چیزی … میشود … مال یتیم … آیه … قلیل و کثیر … از اما ایشان و سیصلون سعیرا
و زود باشد که … یوصیکم الله فی اولادکم للذکر مثل
حظ الانثیین فان کن نساء فوق اثنتین فلهن ثلثا ما ترک وان کانت واحدة فلها النصف ولابویه لکل واحد منهما السدس مما ترک ان کان له
ولد فان لم یکن له ولد وورثه ابواه فلامه الثلث فان کان له اخوة فلامه السدس من بعد وصیة یوصی بها او دین آباؤکم وابناؤکم لا تدرون
ایهم اقرب لکم نفعا فریضة من الله ان الله کان علیما حکیما امر میکند شما را خدا در فرزندان شما از برای مرد مثل حصه دو زن پس اگر باشند
ایشان زنان بالای دو پس از برای ایشان دو ثلث آنچه گذاشته است و اگر یکی باشد از برای اوست نصف و از برای پدر و مادر او هست از برای
هر یکی از ایشان شش یک از آنچه گذاشته است اگر باشد او را فرزندی پس اگر نباشد او را فرزند و میراث برند او را پدر و مادر او پس از برای
مادر او سه یک است پس اگر باشند او را برادران پس از برای مادر او شش یک است از بعد وصیتی که وصیت کرده باشد به آن یا قرضی پدران شما و پسران شما نمیدانید
کدام از ایشان نزدیکتر است به شما از روی منفعت فرض کردنی از نزد خدا بدرستی که خدا دانا است حکیم روایتست از جابر بن عبد الله که گفت بیمار
شدم و به عیادت من آمد رسول الله صلی الله علیه وآله و ابو بکر و من بیهوش بودم پس رسول صلی الله علیه وآله آب طلب کرد و وضو کرد و پس
ریخت آن آب را بر من و من بهوش آمدم و گفتم یا رسول الله چون کنم مال خود را رسول علیه السلام جواب نگفت پس خدای تعالی نازل فرمود
آیه میراث را و بعضی گفته اند که نازل شد در عبد الرحمن برادر حسان شاعر که وفات کرد و زنی و پنج خواهر گذاشت پس وارثان میراث او بردند
زن او را ندادند پس آن زن شکوه کرد نزد رسول صلی الله علیه وآله پس خدای تعالی آیه میراث نازل فرمود و بعضی گفته اند که اول میراث از فرزندان بود
و وصیت میکردند از برای پدر و مادر و خویشان پس حضرت حق عز و علا از آیه مواریث منسوخ گردانید پس فرمود رسول الله صلی الله علیه وآله
که خدای تعالی راضی نشد یعنی به قسمت میراث به هیچ فرشته مقرب و پیغمبر مرسل تا آنکه خود … قسمت آن را و داد هر صاحب حقی حق او
و بیان فرمود قول سابق خود را که للرجال نصیب مما ترک الوالدان والاقربون تا آخر آیه و وارثان را چهار صنف گردانید یکی فرزندان
و پدر و مادر دوم شوهر و زن سوم کلاله که برادران و خواهرانند چهارم اولوا الارحام که خویشان غیر برادران و خواهرانند پس ابتدا فرمود به ذکر
فرزندان و پدر و مادر که اقرب مردمانند … به میت … و هرگز ساقط نمیشوند از میراث و میراث میبرند با ایشان دیگری مگر زن
و شوهر لقول خود که یوصیکم الله فی اولادکم امر میکند شما را یا فرض میکند بر شما در میراث فرزندان شما یا در شان میراث ایشان و این
اجمال ذکر بود بعد از این بیان فرمود که للذکر مثل حظ الانثیین یعنی از برای یک پسر از ایشان مثل بهره دو دختر …
حصه دو دختر است و این بیان حالیست که پسر و دختر هر دو جمع باشند فان کن نساء فوق اثنتین پس اگر باشند دختران یا فرزندان بالای
از دو فلهن ثلثا ما ترک پس از برای ایشان است دو ثلث آنچه گذاشته است میت که آن چهار دانگ میراث است و اجماعست که دو دختر
آن دو ثلث میبرند وان کانت واحدة فلها النصف و اگر باشد مولوده یک دختر پس از برای اوست نصف میراث این بیان میراث فرزندان بود
که جمع شوند مرد و زن یا دو زن و بیشتر یا یک زن که ایشان مرد نباشند و از آنچه ذکر فرمود مفهوم میشود که اگر فرزندان جمع مرد باشند …
خواهند بود در میراث ولابویه و مر پدر و مادر ضمیر راجع به میت زیرا که در حکم … و از برای پدر و مادر میت است لکل واحد منهما السدس ان کان
له ولد از برای هر یک از پدر و مادر شش یک است اگر باشد میت را فرزندی خواه فرزند پسر باشد یا دختر یکی باشد یا بیشتر …
اگر یک پسر باشد باقی را جمیع ببرد و اگر بیشتر از یک پسر باشند بالسویه قسمت میکنند و اگر پسر و دختر باشند ذکر حصه دو انثی میبرد از باقی و اگر دختر باشند بالسویه
میکنند و اگر پسر و دختر باشند ذکر حصه دو انثی میبرد از باقی و اگر دختر باشند بالسویه قسمت میکنند اما اگر فرزند همین یک دختر است پدر و مادر هر یک شش

در ثبت … م

بس م

مذکور است … مبارک م

یک پسر بود و نصف دختر بود و یک سدس باقی را پنج قسمت میکنند هر یک از پدر و مادر یکی پسر بود دختر و اصل این فریضه از شش است میشود و هر یک از پدر
و مادر شش پسر بود دختر جده و اگر میت را از ادران باشند چنانچه ذکر میشود هر یک از پدر و مادر از شش یکی پسر بود دختر نصف که سه است
پسر دو یکی کو را آید است چهار قسمت میکنند سه دختر پسر دو یک پدر بود در این صورت با دختری از زاید و دو میشود و این فریضه از بیست و چهار
را است میاید پنج پدر پسر دو چهار را در و یازده دختر و اگر با دختر با دختران پدر و مادر باشند آنچه زاید از نصف یا از دو ثلث است دختر

[illegible]

[illegible]

و رسوله یدخله جنات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها و ذلک الفوز العظیم آنچه گذشت از احکام در باب یتیمان و میراثها و غیر آنها حدود خداست و هر که
اطاعت میکند خدا را و رسول خدا را داخل میکند او را خدا در بهشتها که جاری میرود از زیر قصرها و درختان آن نهرها حال آنکه ایشان
مخلد و دایم در آنند اینست رستگاری بزرگ عظیم [illegible] این احکام و شرایع را حد [illegible] از برای آنکه جایز نیست مکلفان را تجاوز
و در گذشتن از آن و بعضی از قرا ندخله بنون خوانده اند در این دو آیه و من یعص الله و رسوله و یتعد حدوده یدخله نارا خالدا فیها و له
عذاب مهین و هر که نافرمانی کند خدا را و رسول او را در این احکام و شرایع و تجاوز کند و در گذرد از حدود او [illegible] داخل
کند او را در آتش حال آنکه او مخلد و جاوید باشد در آن و او را باشد عذابی خوار کننده و در آیه [illegible] راجع بلفظ من و حال
جمع نظر بمعنی آن و در این آیه هر دو مفرد راجع بلفظ من [illegible] واللاتی یأتین الفاحشة من نسائکم فاستشهدوا علیهن اربعة منکم فان شهدوا
فامسکوهن فی البیوت حتی یتوفاهن الموت او یجعل الله لهن سبیلا و آن زنان که فعل آورند فاحشه را از زنان شما پس گواه گیرید بر ایشان چهار مرد
از شما پس اگر گواهی دهند پس نگاه دارید آن زنان را در خانها تا آنکه وفات دهد ایشان را مرگ یا بگرداند خدا از برای ایشان راهی واللاتی
جمع التی است مؤنث الذی یعنی آن زنانی که یأتین الفاحشة فعل آورند [illegible] من نسائکم از زنان شما که آزاد باشند فاستشهدوا علیهن [illegible] گواه
گیرید بر ایشان [illegible] دعوی کنند بر ایشان آن فعل را و بعضی گفته اند که امر بشوهر است که گواه گیرد
بر آن زنان اربعة منکم چهار مرد از شما که مسلمان باشند فان شهدوا پس اگر گواهی دهند چهار مرد مسلمان فامسکوهن فی البیوت پس حبس کنید آن زنان را
در خانها [illegible] حتی یتوفاهن الموت تا آنکه بمیراند ایشان را ملک الموت و مضاف [illegible] یا آنکه معنی اینست که تمام
کند موت ارواح ایشان را او یجعل الله لهن سبیلا یا بگرداند خدا از برای ایشان راهی خلاص و بعضی گفته اند که حکم در عقوبت زن زانیه در اول اسلام این بود
و بعد از آن منسوخ شد بآیه الزانیة والزانی و چون این آیه نازل شد فرمود رسول صلی الله علیه و آله که خدا راه ایشان را پیدا فرمود [illegible] احکام
حد زنا در سوره النور مبین شود واللذان یأتیانها منکم فآذوهما فان تابا و اصلحا فاعرضوا عنهما ان الله کان توابا رحیما و آن دو کس که فعل
آورند فاحشه را از شما پس آزار کنید ایشان را پس اگر توبه کنند و صلاح آورند پس روی گردانید از ایشان بدرستیکه خدا هست قبول کننده توبه مهربان
کننده واللذان یأتیانها منکم بعضی گفته اند که مراد لواطست و اکثر برآنند که زناست و ضمیر ها راجعست بفاحشه و همان بعضی گفته اند [illegible]
کنید ایشان را و این قبل از حد بود و بعضی گفته اند که مراد حد است فان تابا پس اگر توبه کنند از فاحشه و اصلحا و اصلاح آورند عمل خود را
فاعرضوا عنهما پس روی بگردانید از آزار ایشان و بپوشید گناه ایشان را ان الله کان توابا رحیما بدرستیکه خدا [illegible]
بود انما التوبة علی الله للذین یعملون السوء بجهالة ثم یتوبون من قریب فاولئک یتوب الله علیهم و کان الله علیما حکیما توبه [illegible]
و پشیمان شدن از قبیح یعنی جز این نیست قبول توبه بر خدا از برای آنانکه میکنند بدی را بنادانی پس توبه میکنند از زمانی نزدیک پس آنها قبول توبه میکند
خدا از ایشان و هست خدا دانا [illegible] توبه [illegible] رجوعست و نسبت [illegible] و معنی آن رجوعست از معصیت [illegible]
[illegible] و معنی آن رجوعست از عقوبت بلطف و تفضل و گفته اند که حاصل [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] انما التوبة علی الله للذین یعملون السوء بجهالة انما بمعنی ما و الا است یعنی نیست قبول توبه بر خدا [illegible]
[illegible]
[illegible]
جهالتست و اگرچه داند [illegible] روایتست از صادق علیه السلام و معنی ثم یتوبون من قریب [illegible] توبه کنند قبل از
حضور مرگ از برای آنکه [illegible] روایتست از رسول الله صلی الله علیه و آله که هر که توبه کند قبل از مرگ خود بیکسال قبول کند خدا توبه او را
بعد از آن فرمود که سال بسیار است هر که توبه کند قبل از مرگ خود بیک ماه قبول کند خدا توبه او را بعد از آن فرمود که ماه بسیار است هر که توبه کند
قبل از مرگ خود بیک جمعه قبول کند خدا توبه او را بعد از آن فرمود که جمعه بسیار است هر که توبه کند قبل از مرگ خود بیک روز قبول کند خدا توبه او را

دیگر فرمود که روز بسیار است هر که توبه کند قبل از مرگ خود بساعتی [illegible] قبول کند خدا توبه او را و در روایتی دیگر آمده است
که هر که توبه کند قبل از آنکه روح بگلوی وی رسد قبول کند خدا توبه او را و فرمود رسول الله صلی الله علیه و آله که شیطان چون از بهشت مردود شد
گفت خداوندا بعزت و عظمت تو قسم که مفارقت نکنم از فرزند آدم تا آنکه مفارقت کند روح از جسد او پس فرمود حق سبحانه و تعالی که بعزت و عظمت
من قسم که منع نکنم توبه از بنده خود تا آنکه برسد روح بگلوی وی فاولئک یتوب الله علیهم وعده است که البته قبول میکند توبه را از توبه کاران
ایشان را و کان الله علیما حکیما و هست خدا دانا بمصالح بندگان حکیم [illegible] میکند با ایشان ولیست التوبة للذین یعملون السیئات حتی اذا
حضر احدهم الموت قال انی تبت الآن ولا الذین یموتون و هم کفار اولئک اعتدنا لهم عذابا الیما و نیست توبه از برای آنانکه میکنند بدیها را
تا چون حاضر شود یکی از ایشان را مرگ گوید بدرستیکه من توبه کردم این زمان و نه آنان که میمیرند و حال آنکه ایشان کافر باشند آن گروه آماده
ساخته ایم از برای ایشان عذابی دردناک ولیست التوبة یعنی نیست توبه معتبر که نفع بخشد آن صاحبان را للذین یعملون السیئات از برای آنکسانی
که فعل میاورند معاصی را [illegible] اصرار و دوام مینمایند در آن و تاخیر میکنند توبه را حتی اذا حضر احدهم الموت یعنی تا آنکه حاضر شود یکی از ایشان را
موت [illegible] ملک الموت [illegible] بعضی گفته اند که از جمله الطاف حق [illegible] اینست که فرموده است ملک الموت را [illegible] قبض کند روح ایشان را
[illegible]
[illegible]
در این زمان نیست قبول در آنوقت توبه و لا الذین یموتون و هم کفار عطفست بر الذین یعملون السیئات یعنی قبول نیست توبه آنان در وقت مشاهده مرگ و نه توبه
آنانکه میمیرند در حالی که ایشان کافر باشند و اینکه بدکاران در وقت حضور مرگ با کافران برابرند از برای آنست که حضور مرگ اول احوال آخرتست پس چنانچه
ایمان کافر در آخرت قبول نیست همچنین توبه بدکار در وقت مرگ قبول نیست اولئک [illegible] بدکاران و کافران است [illegible]
ساخته ایم از برای ایشان عذابی دردناک یا ایها الذین آمنوا لا یحل لکم ان ترثوا النساء کرها و لا تعضلوهن لتذهبوا ببعض ما آتیتموهن
الا ان یأتین بفاحشة مبینة و عاشروهن بالمعروف فان کرهتموهن فعسی ان تکرهوا شیئا و یجعل الله فیه خیرا کثیرا ای گروه گرویدگان حلال
نیست شما را آنکه میراث گیرید زنان را بمشقت و منع کنید ایشان را از برای آنکه برید بعضی از آنچه داده اید ایشان را مگر آنکه فعل آورند فاحشه ظاهر [illegible]
با ایشان [illegible] پس اگر کراهت دارید ایشان را [illegible] در آن چیزی بسیار گفته اند که در جاهلیت چون مردی
میمرد زن او [illegible] جامه بر آن زن میانداخت و او میراث میگرفت چون اموال او بعد از آن
اگر میخواست او را زن میکرد بآن صداق اول و اگر میخواست او را بشوهر میداد و میگرفت صداق را [illegible]
[illegible] جامه بر زن [illegible] پس آن زن آمد نزد رسول
صلی الله علیه و آله و گفت یا رسول الله [illegible] پس نازل شد این آیه
و روایتست از باقر علیه الصلوة والسلام و بعضی گفته اند که نازل شد در مردی که زنی داشت و نمیخواست آن زن را [illegible]
[illegible] طلاق [illegible] و بعضی گفته اند که نازل شد در مردی که او را زنی بوده و نمیخواست او را [illegible]
نگاه میداشت او را و منتظر مرگ او بود تا آنکه از وی میراث برد پس فرمود حق تعالی یا ایها الذین آمنوا لا یحل لکم ان ترثوا النساء کرها ای مؤمنان
حلال و جایز نیست شما را [illegible] میراث گیرید زنان را [illegible] حرام [illegible] بقول خدای تعالی و لا تنکحوا ما نکح آباؤکم [illegible]
جایز نیست [illegible]
ولا تعضلوهن حبس و منع مکنید ایشان را لتذهبوا ببعض ما آتیتموهن تا آنکه برید بعضی از آنچه داده اید ایشان را بعضی گفته اند [illegible]
[illegible] از صادق علیه الصلوة والسلام [illegible]
[illegible] طلاق زن [illegible]
[illegible] و بعضی گفته اند [illegible]
زنان [illegible] الا ان یأتین بفاحشة مبینة مگر آنکه فعل آورند زنان فاحشه آشکارا و بعضی گفته اند که معنی اینست که حلال
نیست شما را که حبس و منع کنید زنان را [illegible]
بگیرد [illegible] و طلاق دهد او را و بعضی گفته اند که فاحشه نشوز است [illegible]

واز او کند و سلیطه و بد زندگانی باشد و بعضی گفته اند که هر معصیت فاحشه است وعاشروهن بالمعروف و زندگانی کنید با زنان بنیکی [illegible]
و خوبی و تازه رویی و گفتار نیکو و عدل در قسمت شب [illegible] فان کرهتموهن پس اگر کراهت داشته باشید در صحبت زنان [illegible]
ایشان فعسی ان تکرهوا شیئا و یجعل الله فیه خیرا کثیرا پس شاید که کراهت دارید چیزی را و بگرداند خدای در آن چیز خیر [illegible]
بسیار ترغیب کرد مردان را بنگاهداشت زنان و مکروه داشتن تعجیل در طلاق ایشان در وقت عدم محبت ایشان [illegible]
بود و در آن خیر بسیار باشد [illegible] حاصل شود و الفت پیدا شود وان اردتم استبدال زوج مکان زوج
وآتیتم احدیهن قنطارا فلا تاخذوا منه شیئا اتاخذونه بهتانا و اثما مبینا و اگر خواهید بدل کردن زنی بجای زنی و داده باشید یکی از ایشان را
مال بسیار پس مگیرید از آن چیزی را آیا میگیرید آن را بهتان و گناهی ظاهر گفته اند که چون مردی میل میکرد بزنی و میخواست که او را نکاح کند
او را بهتان فاحشه می بست [illegible] تا بطلاق دهد [illegible] نکاح زن [illegible]
صرف کند پس نهی فرمود این را عز شانه بقول خود که وان اردتم اگر اراده کنید خطاب بشوهرانست استبدال زوج مکان زوج
کردن زنی را بجای زنی دیگر وآتیتم احدیهن قنطارا و داده باشید یکی از ایشان را [illegible] قنطارا [illegible] چنانچه در سوره آل عمران گذشت
که آن پوست گاو است پر طلا یا دیه آدمی است و غیر آن که ذکر شد فلا تاخذوا منه شیئا پس مگیرید از آن قنطار هیچ چیز اتاخذونه
بهتانا استفهام انکار و توبیخ است یعنی آیا میگیرید شما از آنچه داده اید بباطل و ظلم [illegible] و بهتان دروغی است [illegible]
آنکه او را بر وی گویند و مستعمل میشود در فعل باطل و ظلم و اثما مبینا و گناهی ظاهر وکیف تاخذونه و قد افضی بعضکم الی بعض واخذن منکم میثاقا
غلیظا افضا رسیدن یعنی و چگونه میگیرید آن را و حال آنکه رسیده است بعضی از شما ببعضی و گرفته اند زنان از شما پیمانی محکم وکیف تاخذونه
و تعظیم از گرفتن مهر است یعنی و چگونه و کدام وجه و چه جهت باز میگیرید آن را و قد افضی بعضکم الی بعض این کنایه از جماع است و حال آنکه
رسیده است بعضی از شما ببعضی و کل صداق استقرار یافته است و بعضی گفته اند که بمجرد خلوت کل مهر مستقر میشود [illegible]
واخذن منکم میثاقا غلیظا و گرفته اند زنان از شما عهدی و پیمانی که قوی و استوار است بعضی گفته اند که میثاق غلیظ آن عهد است
که از مرد گرفته است که زن را با نیکی نگاه دارد یا با سانی و خوبی طلاق دهد و بعضی گفته اند که این میثاق آن کلمه است که بآن عقد نکاح میشود
و بآن فرج حلال میشود و در این که این آیه منسوخ است یا محکم خلافست صاحب کشاف [illegible] میگوید که عمر روزی بر خواست خطبه گفت
ای مردمان گران مکنید مهر زنان خود را که اگر در این بزرگی بودی یا تقوی نزد خدا اولی بآن رسول خدا میبود صلی الله علیه و آله و او
صداق نکرد زنان خود را زیاده از دوازده اوقیه گفته اند که اوقیه چهل درهم است پس برخاست زنی و گفت یا امیر المومنین از برای چه منع میکنی
از ما آنچه خدا بما داده است و فرموده است وآتیتم احدیهن قنطارا پس گفت عمر که هر کس [illegible] دانا تر است از عمر [illegible]
[illegible]
امثال این بسیار است [illegible] در فضائل و مناقب [illegible]
از حد حصر و شمار بیرون است افمن یهدی الی الحق احق ان یتبع امن لا یهدی الا ان یهدی فما لکم کیف تحکمون ولا تنکحوا ما نکح آباؤکم من النساء الا ما قد
سلف انه کان فاحشة و مقتا و ساء سبیلا النکاح عقد شوهر و زن [illegible] جماع کردن مقت دشمن داشتن یعنی و نکاح مکنید آنچه نکاح
کرده اند پدران شما الا آنچه گذشته است [illegible] که آن هست عملی قبیح و دشمن داشته شده [illegible] گفته اند در جاهلیت زن پدر را
زن میکردند و چون وفات کرد [illegible] که از صالحان انصار بود [illegible] او را خواست که زن کند گفت [illegible]
و تو از مردان صالحی [illegible] رسول خدا [illegible] پس آمد آن زن بخدمت رسول و این را عرض کرد پس رسول صلی الله علیه و آله [illegible]
کرد بخانه خود پس حق جل شانه فرستاد که ولا تنکحوا ما نکح آباؤکم و نکاح مکنید آنرا که نکاح کرده اند پدران شما مراد از نکاح نزد اکثر [illegible]
و حرام میشود [illegible] عقد [illegible] خواه باآن دخول کرده باشد و خواه نباشد [illegible] خلافست [illegible]
[illegible] الا ما قد سلف [illegible] گذشته است [illegible] مواخذه نیست و بعضی گفته اند که مراد این است [illegible] الا ما قد سلف [illegible]
[illegible] اجتناب نمایید [illegible] انه کان فاحشة و مقتا [illegible]
و موجب غضب و دشمنی خداست و میتوان گفت که موجب دشمنی خلق باشد از برای آنکه صاحبان مروت [illegible] حرام نمودن [illegible]
و فرزندی که از زن پدر حاصل میشد او را [illegible] میگفتند و ساء سبیلا و بد راهیست این نکاح باطل [illegible]

حرامست [illegible] حرمت علیکم امهاتکم و بناتکم و اخواتکم و عماتکم و خالاتکم و بنات الاخ و بنات الاخت و امهاتکم اللاتی ارضعنکم و اخواتکم
من الرضاعة و امهات نسائکم و ربائبکم اللاتی فی حجورکم من نسائکم اللاتی دخلتم بهن فان لم تکونوا دخلتم بهن فلا جناح علیکم و حلائل ابنائکم الذین
من اصلابکم و ان تجمعوا بین الاختین الا ما قد سلف ان الله کان غفورا رحیما [illegible] حلائل جمع حلیله یعنی حرام گردانیده شده است
مادران شما و دختران شما و خواهران شما و عمه های شما و خاله های شما و دختران برادر و دختران خواهر و مادران شما آنکه شیر داده اند شما را و خواهران
شما از جهت شیر خوردن و مادران زنان شما و دختران زنان شما آنانکه در کنارهای شما اند از زنان شما آنانکه دخول کرده اید با ایشان پس اگر نباشید که دخول
کرده باشید با ایشان پس هیچ باکی نیست بر شما و زنان پسران شما آنانکه از پشتهای شما باشند و آنکه جمع کنید میان دو خواهر مگر آنچه پیش گذشت بدرستی که خدا
آمرزنده رحم کننده حق عز شانه بیان فرمود آن زنان که حرامست نکاح ایشان بقول خود که حرمت علیکم امهاتکم مضاف محذوفست و تقدیر این که حرام
شده است بر شما نکاح مادران شما از برای آنکه حرمت تعلق نمیگیرد مگر بفعل [illegible] و مختلف میشود بحسب اختلاف مضاف الیه پس در حرمت
علیکم المیتة اکل محذوفست یعنی حرامست بر شما خوردن مرده و در حرمت علیکم امهاتکم نکاح محذوفست چنانچه ذکر شد و هر زن که نسب تو بوی میرسد
بولادت مادر است ترا خواه ترا زاییده باشد یا پدر ترا یا [illegible] و مثل این بالا رو
[illegible] و بناتکم و حرام شده است بر شما نکاح دختران شما و هر زن که نسب او بتو میرسد بولادت او دختر است ترا خواه بی واسطه از تو متولد شده
باشد یا از پسر تو یا از دختر تو هر چند که پایان آید و اخواتکم و خواهران شما و خواهر هر زنیست که با تو از یکی متولد شده باشند در درجه اولی و عماتکم
جمع عمه است و هر زنی که ولادت تو [illegible] خواهر او عمه تو است چون خواهر پدر و پدر پدر و پدر مادر و مثل این هر چند که بالا رود
و بنات الاخ و بنات الاخت و دختران برادر و دختران خواهر چنانچه ذکر شد هر چند که پایین روند [illegible]
و از ابن عباس مرویست که گفت حرام گردانید خدای تعالی هفت زن را بسبب نسب و هفت زن را [illegible]
از سبب [illegible] و لا تنکحوا ما نکح آباؤکم و آنچه از سبب حرامست آنست که فرمود وامهاتکم اللاتی ارضعنکم و مادران شما که شیر داده اند شما را نکاح
ایشان چون نکاح مادران حرامست و این هر زنیست که [illegible] از جهت شیر مادری پس آنکه ترا شیر داده است یا زنی را که شیر داده
[illegible] هر چند که بالا رود [illegible] واخواتکم من الرضاعة و خواهران شما از جهت شیر [illegible]
و روایت از رسول صلی الله علیه و آله که فرمود خدای تعالی حرام گردانید از رضاع آنچه حرام گردانید از نسب پس این حدیث ثابت شد [illegible]
[illegible] شرایط حرمت رضاع حاصل شود [illegible] گوشت [illegible]
و استخوان قوت گیرد یا یک روز و شب متصل [illegible]
[illegible]
وامهات نسائکم یعنی حرامست بر شما نکاح مادران زنان شما و مثل این حرامست نکاح مادر [illegible] هر چند که بالا رود و خواه از نسب
و خواه از رضاع و حرام میشود این مادران بمجرد عقد [illegible] خواه آنکه دخل کرده باشد با دختر یا نکرده باشد وربائبکم اللاتی
فی حجورکم و حرامست بر شما دختران زنان شما [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] من نسائکم اللاتی دخلتم بهن [illegible]
دخل کرده باشید [illegible] فلا جناح علیکم پس هیچ باکی نیست
بر شما که دختران را نکاح کنید و حلائل ابنائکم الذین من اصلابکم حرامست بر شما زنان پسران شما که از پشتهای شما باشند یعنی زن پسر خوانده حرام
نیست [illegible] رسول صلی الله علیه و آله [illegible] پسر خوانده خود [illegible]
[illegible] وان تجمعوا بین الاختین یعنی حرامست بر شما که جمع کنید [illegible]
زن میتواند کرد و اگر دو خواهر کنیز او باشند و با یکی وطی کند آن دیگری بروی حرامست [illegible] الا ما قد سلف
مستثنی منقطع است یعنی لیکن آنچه گذشته است بر شما در آن مواخذه نیست [illegible] ان الله کان غفورا رحیما بدرستی که خدا
بسیار آمرزنده رحم کننده و آنچه در این آیه خدای تعالی حرام گردانیده حرام موبد است خواه جمع باشند [illegible] الا دو خواهر که جمع میان ایشان حرامست

و هر یک که منعقد باشند حلال اند و گفته اند که حکمت در تحریم این جمع که قبل ذکر شد آن است که اجتماع مردمان مطلوب شارع است و از این جهت امر باجتماع در عبادات و ادراک
اکثر العبادات و نوع انسان ... و استحکام حاصل نمیشود الا بنکاح و نکاح میباشد که محبت و حس یکدیگر را ... موجب
اجتماع است نکاح در آن فایده اجتماع میکند از برای آنکه بدون نکاح آن حاصل است ... نکاح اقارب ...
و محبت نیست ... نکاح ایشان تا آنکه حاصل شود اجتماع و محبت و از اینست که چون ضعیف شود اجتماع نسبی چون دختر عم و دختر خال
حلال باشد نکاح ایشان و در رضاع چون شباهت اجتماع است حکم او حکم نسب است ... حرمت نکاح والمحصنات من النساء الا ما ملکت ایمانکم
کتاب الله علیکم و احل لکم ما وراء ذلکم ان تبتغوا باموالکم محصنین غیر مسافحین فما استمتعتم به منهن فآتوهن اجورهن فریضة و لا جناح علیکم فیما تراضیتم
به من بعد الفریضة ان الله کان علیما حکیما محصنات جمع محصنه ... زنان شوهردار ... محصنین جمع محصن ... مسافحین جمع مسافح
زناکار یعنی حرام شده است بر شما شوهرداران از زنان شما الا آنچه مالک شده است دستهای شما کتاب خدا بر شما ... حلال شده
از برای شما سوای آنکه بجویید بمالهای خود ... پس آنچه ... از زنان ... اجرهای ایشان را
که فرض شده است و نیست گناهی بر شما ... از بعد فرض ... والمحصنات
[illegible]

... ائمه اهل البیت علیهم صلوات الله که رسول صلی الله علیه و آله در شان ایشان فرموده که انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی اهل بیتی ما ان تمسکتم بهما
لن تضلوا ابدا یعنی من میگذارم در میان شما دو چیز ... کتاب خدا و عترت اهل بیت خود ...
... و روایات ایشان ... مذکور و مشهور است ... باقر علیه السلام که فرمود علی بن ابی طالب علیه الصلوة و السلام ...
... عن المتعة ... الا شقی ...
... گفت ابو بصیر که سوال کردم از صادق علیه السلام از متعه فرمود که نازل شده ...
فما استمتعتم به منهن فآتوهن اجورهن فریضة و لا جناح علیکم فیما تراضیتم به من بعد الفریضة ... از صادق علیه السلام مرویست ...
[illegible]

رخصت صاحبان ایشان نه بر سبیل آنکه مهرهای ایشان بپردازید در حالی که نگاهداران عفت خود باشند نه زناکاران آشکارا و نه فراگیران یاران پنهانی
پس اگر بفعل آورند زنا را پس بر ایشان است نصف آنچه بر زنان آزاد است از عذاب این نکاح کنیزان از برای کسی است که بترسد از زنا
کنید بهتر است از برای شما و خدای آمرزنده است رحم کننده است حق تعالی
فادر نباشند

[illegible]

کرده

عقد

ادای

[illegible]

ونصیبی در آخرت تا آخر آیه دیگر خیانت است از برای آنکه خدای تعالی میفرماید ومن یغلل یأت بما غل یوم القیمة یعنی هر که خیانت کند بیاورد آنچه خیانت
کرده است در روز قیامت دیگر منع زکوة فرض است از برای آنکه خدای تعالی میفرماید یوم یحمی علیها فی نار جهنم فتکوی بها جباههم وجنوبهم
وظهورهم هذا ما کنزتم لانفسکم فذوقوا ما کنتم تکنزون روز قیامت گرم میکنند طلا و نقره ایشان را اگر زکوة فرض آن را نداده اند پس داغ میکنند
بآن پیشانیهای ایشان و پهلوهای ایشان و پشتهای ایشان و میگویند ایشان را که اینست که جمع کرده بودید از برای نفسهای خود پس بچشید آنچه
جمع کرده بودید دیگر گواهی بدروغ و پوشیدن گواهیست از برای آنکه خدای عز و جل میفرماید ومن یکتمها فانه آثم قلبه و هر که بپوشد گواهی را پس
بدرستی که گناهکار است دل او دیگر آشامیدن خمر است از برای آنکه خدای عز و جل آن را بعبادت بتان مساوی کرده یعنی در آیه انما الخمر والمیسر والانصاب
تا آخر آیه و ترک نماز است عمدا یا چیزی از آنچه فرض کرده است خدای تعالی از برای آنکه فرموده رسول الله صلی الله علیه و آله هر که ترک کند نماز را
بعمد پس بتحقیق که بری است از ذمت خدای عز و جل و ذمت رسول او صلی الله علیه و آله دیگر شکستن عهد است و قطع رحم است از برای
آنکه خدای تعالی میفرماید که اولئک لهم اللعنة ولهم سوء الدار یعنی آنانکه عهد میشکنند و قطع رحم میکنند ایشان راست لعنت و ایشان راست دوزخ

هریک گردانیدیم وارثان از آنچه باز گذارند پدر و مادر و خویشان نزدیک و آنکسان که عقد کرده است دستهای شما پس بدهید حصه ایشان را زیرا که
که خدا هست بر همه چیز گواه و لکلٍّ و از برای هر یکی از شما از مردان و زنان جعلنا موالی گردانیدیم وارثان که میبرند میراث آن را
مما ترک از آنچه میگذارد آن [illegible] الوالدان [illegible] یعنی آن موالی وارثان پدر و مادر اند والاقربون و خویشان
نزدیک و از این معلوم میشود که خویش نزدیکتر مانع دورتر از میراث والذین عقدت ایمانکم و آنانکه عقد کرده است ایمان شما
که در زمان جاهلیت مردان با یکدیگر سوگند میخوردند [illegible] که خون تو خون منست و حرب تو حرب من و صلح تو صلح من و تو از من میراث
میبری و من از تو میراث میبرم [illegible] پس از آن وقت هم سوگند شش یک میراث هم سوگند میبرد
خدایتعالی در اول اسلام آن را باقی گذاشت بعضی گفته اند که این منسوخ شد با آیات [illegible] که هر که ایمان داشت و هجرت کرده بود میراث
میبرد بعد از آن این هم منسوخ شد [illegible] بقول خدایتعالی که واولوا الارحام بعضهم اولی ببعض و بعضی گفته اند که منسوخ نیست [illegible]
[illegible] که وارث نسبی و سببی [illegible] میراث میبرد و اولیست که عقد ایمان ثابت کرده است و این [illegible]
برای این میگویند که در وقت سوگند دستهای هم را میگرفتند از برای آنکه هم سوگند میشدند و بعضی گفته اند که والذین عقدت ایمانکم زنان و شوهران
که بعقد نکاح از هم میراث میبرند فآتوهم نصیبهم یعنی پس بدهید هر یکی از ایشان را حصه و نصیب ایشان ان الله کان علی کل شیء شهیدا
آن را اگر منع کند وارث را از نصیب که خدا بر همه چیز حاضر است یا گواه است و چیزی بروی پوشیده و پنهان نیست الرجال قوامون علی النساء بما
فضل الله بعضهم علی بعض و بما انفقوا من اموالهم فالصالحات قانتات حافظات للغیب بما حفظ الله واللاتی تخافون نشوزهن فعظوهن
واهجروهن فی المضاجع واضربوهن فان اطعنکم فلا تبغوا علیهن سبیلا ان الله کان علیا کبیرا قوام ایستاده در راست کردن کار
جمع [illegible] [illegible] [illegible] میان زن و شوهر [illegible] مضاجع جمع مضجع خوابگاه یعنی مردان
مسلط بر زنان [illegible] تفضیل دادن خدا بعضی از ایشان را بر بعضی و [illegible] مردان [illegible] بر زنان
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
در خوابگاهها [illegible] [illegible] که خدا هست [illegible]
بن ربیع [illegible] [illegible] ثابت بن قیس [illegible] [illegible] سعد بن ربیع [illegible] محمد [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] صلی الله علیه و آله [illegible]
کردند حضرت صلی الله علیه و آله [illegible] [illegible] صلی الله علیه و آله [illegible]
که اراده کردیم [illegible] خدا [illegible] جبرئیل علیه السلام این آیه آورده است که الرجال قوامون علی النساء
مردان ایستاده و مسلط اند بر زنان [illegible] بما فضل الله بعضهم علی بعض بسبب تفضیل دادن
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] طلاق
و بما انفقوا [illegible] [illegible] تفضیل مردان بر زنان [illegible] [illegible] [illegible]
و اجبست [illegible] فالصالحات قانتات [illegible] [illegible] [illegible]
حافظات للغیب حفظ کنندگان [illegible] [illegible] [illegible] شوهران
[illegible] [illegible] صلی الله علیه و آله [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
و مال شوهر را [illegible] صلی الله علیه و آله [illegible] [illegible]
غائب شود [illegible] [illegible] بما حفظ الله [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] توفیق و عصمت خدا بود ایشان

حفظ میکردند در حال غیبت واللاتی تخافون نشوزهن و آن زنان که ترسید نافرمانی ایشان را فعظوهن پس پند دهید ایشان را بقول خدای
برم شود با تعلیم کنید ایشان را حقوق واجبه واهجروهن فی المضاجع اگر پند و عظ نفع ندهد ایشان را دوری کنید از ایشان در خوابگاه
بعضی گفته اند که ای است که با وی در یک جامه خواب نخوابند و بعضی گفته اند که پشت بجانب وی کرده بخوابند و بعضی گفته اند پس
از ترک جماعت واضربوهن و اگر هجرت در مضاجع هم نفع ندهد بزنید ایشان را و گفته اند چنان بزنند که گوشت را جراحت نکند
[illegible] علیه الصلوة والسلام [illegible] [illegible] فان اطعنکم پس اگر فرمان برداری کنند شما را [illegible]
فلا تبغوا علیهن سبیلا پس مطلبید بر ایشان راهی یعنی دیگر متعرض ایشان نشوید [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] ان الله کان علیا کبیرا [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
شقاق بینهما فابعثوا حکما من اهله و حکما من اهلها ان یریدا اصلاحا یوفق الله بینهما ان الله کان علیما خبیرا [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
میان شوهر و زن فابعثوا حکما من اهله و حکما من اهلها پس برانگیزانید حاکمی از اهل شوهر و حاکمی از اهل زن [illegible]
شوهر و زن حاکم [illegible] [illegible] میان ایشان [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] ان یریدا اصلاحا اگر اراده [illegible] اصلاح میان شوهر
و زن یوفق الله بینهما [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] ان الله کان علیما خبیرا [illegible]
[illegible] [illegible] واعبدوا الله ولا تشرکوا به شیئا و بالوالدین احسانا و بذی
القربی والیتامی والمساکین والجار ذی القربی والجار الجنب والصاحب بالجنب وابن السبیل وما ملکت ایمانکم ان الله لا یحب من کان مختالا فخورا
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] واعبدوا الله [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] و بالوالدین [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
والیتامی والمساکین [illegible] [illegible] در سوره البقره والجار ذی القربی [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] رسول صلی الله علیه و آله [illegible] [illegible]

خواه در دنیا که بر روی او کند در کوه عصیان او در آخرت و قیامت [illegible] دوست و مصاحب و یار [illegible] شیطان گردد در دنیا [illegible]

دعوت میکند و در آخرت در دوزخ [illegible] وماذا عليهم لو آمنوا بالله واليوم الآخر وانفقوا مما رزقهم الله وكان الله بهم عليما

و چه ضرر است بر ایشان اگر ایمان آوردندی بخدا و روز قیامت [illegible] بعضی از آنچه روزی کرده است ایشان را خدا [illegible]

وماذا عليهم یعنی چیست [illegible] کافر است و چه وبال لاحق میشود ایشان را لو آمنوا بالله واليوم الآخر وانفقوا مما رزقهم الله اگر ایمان میاوردند

بخدا و روز قیامت [illegible]

آنچه در [illegible]

اگر چه بواسطه احتیاط باشد [illegible] وكان الله بهم عليما [illegible]

بجمیع احوال ایشان ان الله لا يظلم مثقال ذرة وان تك حسنة يضاعفها ويؤت من لدنه اجرا عظيما [illegible]

[illegible]

[illegible]

الا ان الذین ... الکتاب

[illegible]

جواب آنست که در بیان قصد و جار است که تفضیل کند بر بعضی و آن بعضی و بس اشرک بالله و هر که شرک گرداند بخدا امر او را العبادت بخدا قربی پس
تحقیق که ریا هم است و دروغ با آنکه غیر خدا است او را عبادت نیست یا عظیما گناهی بسیار بزرگ ابو العباس گفت که سؤال کردم صادق علیه
السلام از ادنی شرک فرمود آنست که مردی بخدا در بدعتی خواهد که او را آن دوست دارد [illegible]

[illegible]

[illegible]

آنکه سمی میکویند دو روح از جانب شان و بعضی گفته اند که جبت ساحر است و طاغوت شیطان و بعضی میکویند که جبت ساحر است و طاغوت کاهن
میکوید که من از غیب خبر میدهم و بعضی گفته اند که جبت حیی بن اخطب است و طاغوت کعب بن اشرف و گفته اند که جبت در اصل اسم بتی است استعمال میکنند
بر هرچه عبادت او کنند غیر از خدا و طاغوت بر هرچیزی که باطل باشد خواه عبادت او کنند یا نه اولئك الذين لعنهم الله ومن يلعن الله
فلن تجد له نصيرا اینها که گذشت که ایشان آنانند که دور گردانیده است ایشان را خدا از رحمت خود یا نفرین کرده است و هر کرا خدا
لعنت کند پس البته نیابی از برای او یاری کننده یعنی یاری که دفع کند از وی عقاب خدا را در دنیا و نه در آخرت [illegible]
کردم از باقر علیه السلام از قول خدای عز وجل که اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم حضرت علیه السلام این آیه در جواب فرمود که الم تر
الى الذين اوتوا نصيبا من الكتاب يؤمنون بالجبت والطاغوت ويقولون للذين كفروا هؤلاء اهدى من الذين آمنوا سبيلا میکویند [illegible]
[illegible] اولئك الذين لعنهم الله ومن يلعن الله
فلن تجد له نصيرا ام لهم نصيب من الملك [illegible] فاذا لا يؤتون الناس نقيرا [illegible]
[illegible]
ام يحسدون الناس على ما آتاهم الله من فضله [illegible]
[illegible] آل ابراهيم الكتاب والحكمة وآتيناهم ملكا عظيما [illegible]

[illegible]

[illegible]
[illegible] علی بن ابی طالب علیه السلام [illegible]
[illegible] ان الذين كفروا بآياتنا سوف
نصليهم نارا كلما نضجت جلودهم بدلناهم جلودا غيرها ليذوقوا العذاب ان الله كان عزيزا حكيما [illegible]

[illegible]

[illegible] والذين آمنوا وعملوا الصالحات سندخلهم جنات تجري من تحتها الانهار خالدين فيها ابدا لهم فيها ازواج [illegible]

[illegible]

[illegible]

و نهی از منکرات و حکم بعدل ... [illegible] ... یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم فان تنازعتم فی شیء فردوه الی الله والرسول ان کنتم تؤمنون بالله والیوم الآخر ذلک خیر واحسن تأویلا

[illegible]

واستغفر لهم الرسول لوجدوا الله توابا رحيما و نفرستاديم ما هيچ پيغمبر را مگر براى آنكه اطاعت كرده شود ... بامر خدا و اگر ايشان در وقتى كه ستم كردند

نفسهاى خود را بيامدندى ترا پس استغفار ميكردندى خدا را و استغفار ميكرد از براى ايشان رسول البته مى‌يافتند خدا را قبول كننده توبه رحم كننده

... رسول الا ليطاع ...

[illegible]

[illegible]

کار شما کسی هست که تاخیر و درنگ از جهاد و بیرون رفتن ... لیبطئن گفت لام اول لام ابتداست و لام دوم لام جواب قسم مقدر و قسم با جواب صلهٔ من است و بعد

است که و ان منکم لمن احلف بالله لیبطئن یعنی بعضی از شما سوگند میخورد که اگر درنگ و تاخیر میکند از قتال ...

[illegible]

[illegible]

من يطع الرسول فقد اطاع الله ومن تولى فما ارسلناك عليهم حفيظا

[illegible]

ويقولون طاعة فاذا برزوا من عندك بيت طائفة منهم غير الذي تقول والله يكتب ما يبيتون فاعرض عنهم وتوكل على الله وكفى بالله وكيلا

[illegible]

کننده یا جزا دهنده حسنات و سیئات و اذا حییتم بتحیة فحیوا باحسن منها او ردوها ان الله کان علی کل شیء حسیبا تحیت سلام کردن حسیب حافظ و کافی
یعنی چون سلام کرده شوید بتحیتی پس تحیت کنید نیکوتر از آن تحیت یا رد کنید آن را بدرستی که خدا هست بر همه چیز حافظ و حساب کننده حضرت حق جل و علا
خطاب میفرماید بجمیع مکلفان را و امر میکند برد دادن سلام بقول خود و اذا حییتم بتحیة یعنی هر گاه سلام کنند شما را فحیوا باحسن منها پس سلام دهید
باحسن و نیکوتر از آن تحیت پس اگر سلام کننده گوید سلام علیکم در جواب گوئی سلام علیکم و رحمة الله این احسن است و نیکوتر و اگر گوید سلام علیکم و رحمة الله در جواب
گوئی سلام علیکم و رحمة الله و برکاته این احسن است و اگر گوید سلام علیکم و رحمة الله و برکاته نوبت این احسن همین را دهی که در جواب چنانچه روایت کرده اند
مردی بخدمت رسول الله صلی الله علیه و آله و گفت السلام علیک پس حضرت صلی الله علیه و آله در جواب فرمود و علیک السلام و رحمة الله پس مردی دیگر آمد و سلام کرد
و گفت السلام علیک و رحمة الله حضرت در جواب فرمود و علیک السلام و رحمة الله و برکاته پس دیگری آمد و گفت السلام علیک و رحمة الله و برکاته پس حضرت
پیغمبر در جواب وعلیک پس گفتند یا رسول الله یاد کردی از برای اول و دوم در سلام و یاد نکردی از برای سوم فرمود که این باقی نگذاشت از برای
من چیزی از سلام پس رد کردم بروی مثل آن او ردوها عطف است بر فحیوا یعنی چون تحیت سلام کنند شما را پس تحیت کنید نیکوتر از آن یا رد کنید
همان تحیت را بسلام کننده و بعضی گفته اند که احسن جواب سلام کننده مسلمانست و رد از برای سلام کننده از اهل کتاب است یا دارا تجاوز گفته است جواب داده
نمیشود و گفته اند که در جواب مسلمانست و حق آنست که تحیت او کرده اند یا آنکه تحیت را احسن و نیکوتر جواب دهد یا همان را رد بسلام کننده و دلیل بر این
از مضمون روایت مفهوم میشود که اهل کتاب در جواب ایشان میگویید علیکم یا علیک از برای آنکه ایشان گاهی میگویند السام علیکم و سام مرگ است و این
و این آیت دلالت میکند بر وجوب جواب سلام اما واجب کفایی است هر گاه یکی از جمعی سلام کند و یکی جواب دهد از دیگران ساقط میشود و اگر یک
سلام کند بر هر یک رد سلام واجبست و علی بن ابراهیم در تفسیر خود از صادقین علیهم السلام روایت کرده است که مراد بتحیت در این آیه سلامست و هم سلام
از احسان و نیکوئی و اگر در نماز باشد و سلام کند بروی واجب است بروی رد سلام از برای آنکه امر بسلام مطلق است پس مطلقا واجبست در همه حال و مراد او
جنت سلام را آنکه نرد بازی میکند یا شطرنج یا غنا و خوانندگی و هر چه معصیت خدا است و گفته اند که مکروه داشته اند آن را که سلام را اهل کتاب و مراد از آن
سلام که سلام کند ایستاده بر نشسته و سواره بر پیاده و اسب سوار بر خر سوار و کوچک بر بزرگ و عار است بزرگ را که سلام کند بر
کوچک چنانچه رسول صلی الله علیه و آله سلام میکرد بر طفلان و سلام کردن از جمله سنتهای موکده است و روایتست از رسول صلی الله علیه و آله که چون
بیکدیگر رسید سلام کنید و مصافحه و چون از هم جدا شوید از برای هم استغفار کنید و فرمود صلی الله علیه و آله آیا دلالت نکنم شما را بر کاهل ترین مردمان
و بخیل ترین مردمان و دزدترین مردمان و جفا کارترین مردمان و عاجزترین مردمان گفتند بلی یا رسول الله دلالت کن فرمود اما بخیل ترین مردمان
مردیست که میگذرد بر مسلمانی و سلام نمیکند بروی اما کاهل ترین مردمان بنده ایست صحیح فارغ و ذکر خدا نمیکند بلب و زبان و اما دزدترین مردمان
مردیست که میدزدد از نماز خود چیزی پس نماز میپیچد آن را او را چون جامه کهنه و بر روی او میزنند و اما جفا کارترین مردمان مردیست که چون نام من نزد او
برند صلوات نفرستد و اما عاجزترین مردمان آنست که عاجز است از دعا و روایتست که چون کسی بکسی رسد و سلام کند یا رد کند کسی سلام کند چنانست که بنده
آزاد کرده است و روایتست که میان سلام کننده و جواب دهنده صد حسنه است نود و نه از آن سلام کننده است و یکی از آنکه جواب داده و
کسر حبر است که بر بنده را از عذاب افشای سلام و اطعام طعام و نماز گذاردن در شب در حالی که مردمان در خواب باشند و روایتست از رسول صلی الله علیه و آله
که هر که گوید السلام علیکم نوشته شود از برای او ده حسنه و هر که گوید السلام علیکم و رحمة الله نوشته شود از برای او بیست حسنه و هر که گوید السلام علیکم و رحمة الله و برکاته
نوشته شود از برای او سی حسنه ان الله کان علی کل شیء حسیبا بدرستی که خدا است بر همه چیز حسیب یعنی حساب کننده و جزا دهنده و بعضی گفته اند که کافی است
الله لا اله الا هو لیجمعنکم الی یوم القیمة لا ریب فیه و من اصدق من الله حدیثا خدا است هیچ معبودی سزاوار پرستش مگر او که جمع میکند شما را
در روز قیامت که هیچ شکی نیست در آن و کیست راستگوتر از خدا از روی قول الله لا اله الا هو مبتدا و خبر است و جایز است که الله مبتدا
و لا اله الا هو جمله معترضه باشد و لیجمعنکم خبر باشد و لام در آن جواب قسم مقدر است یعنی والله لیجمعنکم و ممکن است بود که الی یوم القیمة معمول باشد یعنی بخدا سوگند
که جمع میکند شما را در روز قیامت که قیام مینماید مردگان از قبور و ممکن است که حال باشد یعنی که جمع میکند شما را در حالی که رسانیده میشوید تا آنکه
و من اصدق من الله حدیثا کیست راستگوتر از خدا از روی گفتار یعنی هیچ کس نیست صادقتر از روی اخبار از برای آنکه دروغ گفتن یا از برای جر نفع یا دفع ضرری
یا بواسطه جهالت بقبح آن یا سفاهت و نادانی است و خدا او حکیم و دانا و غنی بی نیاز منزه و مبراست از آن چنانچه منزه است از جمیع قبایح فما لکم فی المنافقین
فئتین والله ارکسهم بما کسبوا اتریدون ان تهدوا من اضل الله و من یضلل الله فلن تجد له سبیلا یعنی پس چیست شما را در منافقان
که حال شما چنین است که دو گروه شده اید و خدا باز گردانید ایشان را بسبب آنچه کرده اند آیا اراده دارید که هدایت کنید آن را که حکم بگمراهی او کرده است خدا و

واکثر

بازی م

سلام م

کرا کسیت که راهی داده است بوی خدا ای جهت کردن با ایشان برای او راهی گفته اند که قومی از منافقان رخصت خواستند از پیغمبر صلی الله علیه و آله که اندیر بیرون
روند و گفتند که علت این بیرون که هوای این زمان سازگار نیست و خوف بیماری داریم پس بیرون رفتند بیاده منزل منزل می شدند تا بمشرکان پیوستند
مسلمانان در ایشان خلاف کردند گفتند که ایشان مشرک شده اند و بعضی گفتند که ایشان مسلمانند پس این آیه نازل شد و بعضی گفته اند که نازل شد در
آنانکه بیرون رفتند با رسول الله صلی الله علیه و آله باحد بعد از آن بازگردیدند پس خلاف کردند در ایشان اصحاب رسول صلی الله علیه و آله بعضی گفتند
که میکشیم ایشان را و گروهی گفتند نمیکشیم پس این آیه نازل شد و بعضی گفته اند که جمعی از اهل مکه بمدینه آمدند و اظهار اسلام کردند مسلمانان بعد از آن
باز آمدند بمکه و اظهار شرک کردند بعد از آن بشعر رفتند از برای مشرکان بیماری اراده کردند مسلمانان که با ایشان جنگ و قتال کنند بعضی گفتند که ایشان
مشرکانند و بعضی گفتند که مسلمانانند حق تعالی بیان فرمود که فما لکم فی المنافقین فئتین یعنی چیست شما را از برای چه در منافقان دو گروه شده اید جمعی
حکم میکنید بکفر ایشان و جمعی میگویید که ایشان کافر نیستند والله ارکسهم بما کسبوا و خدا باز گردانید ایشان را در حکم کفر بسبب آنچه اظهار کرده
یا آنکه هلاک کرد ایشان را بواسطه کفر یا سرنگون برد ایشان را در دوزخ اتریدون ان تهدوا من اضل الله یا شما اراده
دارید که حکم کنید بهدایت آنکه حکم کرده است خدا بضلالت او و او را ضال خوانده است و گفته اند که یعنی اضل الله است که خدا او را یاری نکرد و توفیق نداد
چنانچه مومنان را داد او را برای آنکه معاصی کردند و خلاف امر خدا پس خدا عقوبت کرد او را باین و من یضلل الله فلن تجد له سبیلا و هر که را سبب
الضلالت پس نمی یابی تو از برای او راهی یعنی نفع میکند که تو گوئی که او بر هدایت ودوا لو تکفرون کما کفروا فتکونون سواء فلا تتخذوا منهم اولیاء
حتی یهاجروا فی سبیل الله فان تولوا فخذوهم واقتلوهم حیث وجدتموهم ولا تتخذوا منهم ولیا ولا نصیرا دوست داشتند اگر شوید چنانچه کافر
شدند پس باشید مساوی پس و الا مراد ایشان اگر هجرت کنند در راه خدا پس اگر اعراض کنند پس بگیرید ایشان را هر جا که بیابید ایشان را
و در اکمیر بدارید ایشان را دوست و نه یاری بیان فرمود در این آیه احوال منافقان و دوا لو تکفرون کما کفروا یعنی دوست میدارند و آرزو میکنند
منافقان که کافر شوید شما ای مومنان چنانچه کافر شدند ایشان فتکونون سواء پس باشید شما و ایشان جمیع مساوی در کفر و ضلالت فلا تتخذوا
منهم اولیاء پس ایشان را دوست مگیرید و نصیحت از ایشان مشنوید و یاری مطلبید حتی یهاجروا تا آنکه هجرت و دوری کنند از دار الکفر و از مشرکان فی سبیل الله
در راه خدا و طلب رضای او پس در آن وقت مثل شما میشوند و در این سبیل و طریق میگویند از برای آنکه هر گردان در میاید او امر ساید بهشت فان تولوا
پس اگر اعراض کنند و روی بگردانند از هجرت که علامت صدق ایشان است در ایمان فخذوهم پس بگیرید شما ای مومنان ایشان را واقتلوهم حیث وجدتموهم
و بکشید ایشان را هر جا که بیابید ایشان را خواه در حل و خواه در حرم ولا تتخذوا منهم ولیا و مگیرید هیچ یک از ایشان را دوستی ولا نصیرا و
یاری گر یاری کننده شما را در شما الا الذین یصلون الی قوم بینکم و بینهم میثاق او جاؤکم حصرت صدورهم ان یقاتلوکم او یقاتلوا
قومهم ولو شاء الله لسلطهم علیکم فلقاتلوکم فان اعتزلوکم فلم یقاتلوکم و القوا الیکم السلم فما جعل الله لکم علیهم سبیلا حصر و تنگ شد اعتزال
دوری کردن یعنی بگیرید ایشان را و بکشید مگر آنکه بپیوندند بقومی که میان شما و میان ایشان پیمانی باشد یا بیایند شما را در حالی که تنگ باشد دلهای ایشان از آنکه قتال کنند با شما
یا قتال کنند قوم خود را اگر میخواست خدا مسلط میساخت ایشان را بر شما پس قتال میکردند با شما پس اگر دوری کنند از شما پس قتال نکنند با شما
و بجانب شما صلح را پس نگردانیده است خدا از برای شما بر ایشان راهی بعد از امر بقتال آنکه هجرت نمودند از جاده شرک
که متصل بودند بقومی که آن قوم را با مومنان عهد و پیمانی بود که الا الذین یصلون الی قوم بینکم و بینهم میثاق یعنی اگر روی بگردانند و اعراض کنند از هجرت
پس بگیرید ایشان را و بکشید ایشان را مگر آنکه متصل شوند و پناه برند بقومی که در میان شما و میان ایشان عهد و پیمانی باشد و این قوم بعضی
گفته اند که بنو مدلج بودند که آمده بودند از مکه بطلب معاهده با رسول الله صلی الله علیه و آله و درخواست نمودند که رسول صلی الله علیه و آله با قوم او عهد کند که اگر قریش اسلام
در آیند ایشان نیز مسلمان شوند از برای آنکه ایشان را با قریش عهدی بود و از باقر علیه السلام مرویست که این قوم اسلمی بودند که اهلال بن
عویمر اسلمی بخدمت رسول صلی الله علیه و آله و گفت یا محمد صلح میکنیم و عهد میکنیم که هر که با او پس آورد تو او را امین داری و هر که پناه بتو آورد ما امین
داریم پس این آیه نازل شد او جاؤکم یا آنان که اگر آمدند شما را حصرت صدورهم در حالی که تنگ بود سینهای ایشان ان یقاتلوکم از آنکه قتال کنند با شما
او یقاتلوا قومهم یا آنکه قتال کنند با قوم خود گفته اند که ایشان اشجع بودند و قصه ایشان آنکه بمدینه آمدند و سردار ایشان مسعود بن رحیله بود پس رسول
صلی الله علیه و آله صاعی از خرما بجهت ایشان فرستاد و گفت بگوئید که حاجت چیست از حاجت بعد از آن فرمود با ایشان که چرا آمده اید گفتند ما
آمده ایم بنزدیک تو و میخواهیم که با تو حرب نکنیم و در شکنیم از اینکه با قوم خود جنگ کنیم از برای آنکه قلیلیم و طاقت نداریم آمده ایم که با تو مصالحه
کنیم پس پیغمبر صلی الله علیه و آله با ایشان صلح کرد و لو شاء الله لسلطهم علیکم و اگر میخواست خدا مسلط میساخت ایشان را بر شما فلقاتلوکم پس

بعضی م

و بکشید ایشان را

شرک م

کنند م

آورده باشد وطفل تابع پدر و مادر است و آزاد کردن بنده کفاره قتلست یا اگر قاتل ... از بدن مقتول بیرون کرده است بیرون آورد نفسی از قید
عبودیت چه بنده مثل میتست ... و دیه مسلمة الی اهله واجب و دیه تسلیم شده باهل آن
مؤمن کشته شده و بعضی گفته اند که مراد از اهل وارثان باشند مطلق و دیه را مثل ارث قسمت میکنند و بعضی بر آنند که ...

حدیث کرده این آدمی بنای خداست ملعونست آنکه خراب میکند بنای خدا را و دیگر حدیث است که هر که یاری کند بر قتل مومن و اگر چه به نصف کلمه باشد میاید روز قیامت

و نوشته است بر پیشانی او که نا امید است از رحمت خدا و مرویست از صادق علیه السلام که ...

[illegible]

نوشتاده بیرون کرد از تهدید و وعید ضعیفان را و عاجزان را خواه از مردان و خواه از زنان و کودکان که در مانده باشند و قدرت حیله و چاره نباشد
ایشان را اگر توانند تا آن از میان کافران بیرون روند بواسطه عدم نفقه یا بواسطه بری یا ضعف و بیماری یا اگر راه ندانند چنانچه فرمود و لا یهتدون
سبیلا و گفته اند که در کر ولدان با رجال و نسا اشعار است که هر گاه عجز مردان و زنان نیز چو عجز طفلان باشند با ایشان مساوی اند در عدم تکلیف
و گناه و بعضی گفته اند که مراد از ولدان غلامان و کنیزانند نه طفلان و بعضی گفته اند که مراد اولادند که قریب ببلوغ رسیده اند و در روایت از ابو علیه السلام
آنست که نمیتوانند که ایمان بیاورند و نمیتوانند کافر شوند و ایشان طفلانند و آن مردان و زنان که عقل ایشان چون عقل طفلان باشد و ایشانند
که در وسعت از ایشان قلم تکلیف فاولئک عسی الله ان یعفو عنهم و کان الله عفوا غفورا پس آن گروه ضعیفان شاید که خدا عفو کند از ایشان
و هست خدا عفو کننده و در گذرنده از مهجوران و ضعیفان عفو و آمرزنده و پوشنده گناهان [illegible] روایت که رسول صلی الله علیه و آله در عقب نماز ظهر دعا
میکرد از برای ضعیفان و میگفت اللهم انج الولید بن الولید و سلمة بن هشام و عیاش بن ابی ربیعة و ضعیفان مسلمانان را از دست کافران و من یهاجر فی
سبیل الله یجد فی الارض مراغما کثیرا و سعة و من یخرج من بیته مهاجرا الی الله و رسوله ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره علی الله و کان الله غفورا
مهاجرت نماید بگریزد و دوری کند [illegible] مکانی که در آن جای گریزد بعد از هجرت [illegible] و هر که هجرت کند در راه خدا بیابد در زمین مکانی بسیار و هر که بیرون رود
از خانه خود در حالی که هجرت کرده باشد بجانب خدا و رسول او پس دریابد او را مرگ پس بتحقیق که ثابت شد اجر او بر خدا و هست خدا آمرزنده گناهان
رحم کننده گفته اند که چون این تهدید بر ترک هجرت نازل شد جندب بن ضمره [illegible] پسران خود را گفت که [illegible] بیمارم اما خود را از مستضعفان
نمیدانم از برای آنکه چاره رفتن میتوانم کرد و راه مدینه میدانم [illegible] که مرا اجل برسد و ترک هجرت نمایم پس حمل باید فرا بهمین گفت که خوابیده او را
بیرون برند بجانب مدینه پسران او سریر او را بر داشته او را بیرون آوردند و چون بتنعیم رسید از مرگ بر وی ظاهر شد دست راست خود را در دست
چپ گذاشت و گفت خداوندا این دست از آن تست و این دیگر از رسول تو بیعت میکنم با تو بانچه بیعت کرد با تو رسول تو و این بگفت و بر رحمت
حق پیوست پس چون خبر او باصحاب رسول صلی الله علیه و آله رسید گفتند اگر او بمدینه میرسید و در آنجا وفات میکرد ثواب عظیم میبود و
بجده میگفتند که نیافت مطلب خود را پس حق تعالی بنا بر این آیه فرستاد که و من یهاجر فی سبیل الله یجد فی الارض مراغما کثیرا و سعة هر که هجرت
کند از اهل شرک و بگریزد بواسطه دین از شهر و دیار خود بیابد در زمین مکان بسیار که در آن آسوده باشد و وسعت در فراخی در روزی و ظاهر ساختن
دین حق و من یخرج من بیته مهاجرا الی الله و رسوله و هر که بیرون رود از خانه خود در حالی که او هجرت کرده باشد در که یعنی باشد از شهر خود بواسطه دین
بجانب خدا و رسول او ثم یدرکه الموت پس دریابد او را مرگ قبل از رسیدن بدیار مسلمانان فقد وقع اجره علی الله پس بتحقیق که ثواب عمل او بر خدا است
و رسیده است که هر گونه ثواب میباید او را و گفته اند که هر که بواسطه عمل دینی چون طلب علم و رفتن حج و جهاد و طاعت خدا او بدیار دیگر
و طلب روزی حلال و امثال این دوری کند از شهر خود پس هجرت بخدا و رسول او و اگر در راه بمیرد او را مرگ پس اجر و ثواب او بر خدا است و کان الله غفورا
رحیما و هست خدا پوشنده و آمرزنده گناهان رحم کننده و مهربان و اذا ضربتم فی الارض فلیس علیکم جناح ان تقصروا من الصلوة ان خفتم ان یفتنکم الذین
کفروا ان الکافرین کانوا لکم عدوا مبینا و چون سفر کنید در زمین پس نیست بر شما هیچ گناه در آنکه کوتاه سازید نماز را اگر ترسید آنکه فتنه اندازند شما را آنانکه کافر شدند
بدرستیکه کافران هستند شما را دشمنان آشکار روایت از زراره و محمد بن مسلم که گفتند سوال کردیم از امام محمد باقر علیه السلام از نماز سفر که چگونه است و چند است
که خدای عز و جل میفرماید که و اذا ضربتم فی الارض فلیس علیکم جناح ان تقصروا من الصلوة و نفرمود که افعلوا پس چگونه [illegible] گفت که خدای عز و جل فرمود که لیس علیکم جناح ان تقصروا و نفی شدن
گناهی از تقصیر کنید و امر نمود که تقصیر کنید پس چگونه واجب ساخت تقصیر را در سفر چنانچه واجب ساخت اتمام را در حضر فرمود علیه السلام که خدای عز و جل
فرمود در سعی صفا و مروه که ان الصفا و المروة من شعائر الله فمن حج البیت او اعتمر فلا جناح علیه ان یطوف بهما پس طواف آن واجب است و معروف از برای
آنکه خدای عز و جل ذکر نموده است آن را در کتاب خود و رسول صلی الله علیه و آله فعل آورده است تقصیر در نماز چیزیست که از رسول صلی الله علیه
و آله فعل آورده است و خدای تعالی ذکر کرده است آن را در کتاب خود گفتند زراره و محمد بن مسلم پس اگر کسی در سفر نماز کند چهار رکعت اعاده میکند یا نه
فرمود که اگر خوانده شده است بر وی آیه تقصیر و تفسیر شده است و بعد از آن نماز چهار رکعت گذارده است اعاده کند نماز را و اگر خوانده نشده است بر وی آیه
تقصیر و ندانسته نماز کرده است بر وی اعاده نیست و کل نمازهای فریضه در سفر دو رکعت الا نماز شام که آن سه رکعت است تقصیر در آن نیست گذاشت آن را
رسول صلی الله علیه و آله در سفر و حضر سه رکعت و روایت کرده سماعه که پرسیدم یعنی از کاظم یا از صادق علیهما السلام که مسافر در چه مقدار از سفر تقصیر میکند فرمود
در برگرد و زه راه و این دو برید است که هشت فرسخ باشد و هر که مسافرت کند تقصیر میکند نماز را و افطار میکند روزه را الا آنکه مرد با در شاهی شکار
باشد یا بیرون رفته باشد بقصد معصیت یا بقصد ایذا و آزار که هلکا و باشد و یک روزه مسافت باشد و شب نزد اهل خود باشد که در آن تقصیر میکند و افطار

بنا

میکند و همچنین هر سفری که مقصود از آن معصیت خدا است تقصیر میکند بواسطه آنکه تقصیر از برای تخفیف مشقت است نیکو چیست آن از برای آنکه سفر معصیت میکند
و اگر آنکه سفر او مباح باشد و در سفر معصیت از وی صادر شود قصر میکند ان خفتم ان یفتنکم الذین کفروا ظاهر این دلالت میکند بر آنکه قصر در سفر
مشروط است بخوف از کافران و نیست در واقع چنان بلکه چون در آن زمان اغلب سفرها با خوف بود این بود که خوف بواسطه آنست عادتا
نه جهت وجوب تقصیر در سفر خواه خوف باشد یا نباشد و بعضی از اهل خلاف در این خلاف کرده اند بلی خوف موجب قصر است خواه در سفر
و خواه در حضر چنانچه ان شاء الله در آیه دیگر شود و فتنه کافران یا در دست یا در نفس و بعضی گفته اند که معنی آنست که اگر رسید از کافران در نماز گزاردن
شما را ساندو و بعضی گفته اند که اگر بترسید که شما را عذاب کنند ان الکافرین کانوا لکم عدوا مبینا و ظهر دادند میکرد اند بر میان را اکراه کافران غافل باشید
که ایشان دشمنانند شما را و عداوت ایشان مقولست و آن را اطلاق بر واحد و جمع میکنند و اذا کنت فیهم فاقمت لهم الصلوة فلتقم طائفة منهم معک
و لیاخذوا اسلحتهم فاذا سجدوا فلیکونوا من ورائکم و لتأت طائفة اخری لم یصلوا فلیصلوا معک و لیاخذوا حذرهم و اسلحتهم ود الذین کفروا
لو تغفلون عن اسلحتکم و امتعتکم فیمیلون علیکم میلة واحدة و لا جناح علیکم ان کان بکم اذی من مطر او کنتم مرضی ان تضعوا اسلحتکم
و خذوا حذرکم ان الله اعد للکافرین عذابا مهینا اسلحه جمع سلاح است و حرب اذی آزار و مطر باران یعنی و چون باشی در میان ایشان پس بپا
داری از برای ایشان نماز را پس باید که بایستند طائفه از ایشان با تو و باید که فرا گیرند سلاحهای خود را پس چون سجده کنند پس باید که باشند از جهت
شما و باید که بیایند طائفه دیگر که نماز نکرده اند پس باید که نماز کنند با تو و باید که فرا گیرند احتیاط میکنند ایشان از دشمنان دوست میدارند آنانکه کافر شدند
که اگر غافل شوید از سلاحهای خود و متاعهای خود پس حمله کنند بر شما یک حمله و هیچ گناهی نیست بر شما اگر باشد بشما آزاری از باران یا باشید بیمار
آنکه گذارید سلاحهای خود را و فرا گیرید احتیاط میکنید آن از دشمنان بدرستیکه خدا آماده کرده است از برای کافران عذابی خوار کننده خوار کننده
بیان میشود در این آیه کیفیت نماز خوف بر جماعت گو و اذا کنت فیهم و هر گاه که باشی تو یا محمد در میان اصحاب خود در حالی که ایشان ترسان
از هجوم دشمنان بر ایشان فاقمت لهم الصلوة پس بپا داری از برای ایشان نماز را با شرایط و ارکان و امامت کنی ایشان را ظاهر خطاب اگر چه
مخصوص برسول است صلی الله علیه و آله اما تکلیف نماز عامست بدلیل وجوب تاسی و پیروی او علیه السلام فلتقم طائفة منهم معک پس باید که باشند طائفه و گروهی از
اصحاب تو با تو در نماز و طائفه دیگر در برابر دشمنان باشند تا ایشان را بر نماز گزارندگان هجوم نکنند و لیاخذوا اسلحتهم و باید که فرا گیرند با خود نگاه دارند نماز
گزارندگان در حالت نماز سلاحهای خود را چون شمشیر و خنجر و امثال آن فاذا سجدوا پس چون سجده کنند آن طائفه که در نماز و رکعت نماز ایشان تمام شود
فلیکونوا من ورائکم پس باید که ایشان از عقب شوند یعنی جای ایشان که ایشان میروند میشوند از امام و یک رکعت دیگر را خود میگزارند و بعضی گفته اند که از
دشمنان میباشند و امام در نماز ایستاده تا آنکه آن گروه که در برابر دشمن بوده اند و نماز نکرده اند بیایند چنانچه فرمود و لتأت طائفة اخری لم یصلوا
و باید که بیایند طائفه دیگر که نماز نکرده اند فلیصلوا معک پس باید که نماز کنند با تو و ایشان یک رکعت با امام میکنند و امام تشهد میخواند و طول
میدهد تشهد را تا آنکه ایشان یک رکعت دیگر را ادا میکنند و با ایشان سلام میدهد و اگر نماز شام باشد مخیر است امام در آنکه با طائفه اول دو رکعت
بکند و با دوم دو رکعت و در اکثر عکس این کنند و لیاخذوا حذرهم و باید که فرا گیرند بیداری و آگاهی خود را و احتیاط کنند از دشمنان و اسلحتهم و باید
که فرا گیرند سلاحهای خود را و ود الذین کفروا لو تغفلون عن اسلحتکم دوست میدارند و آرزو دارند کافران که اگر غافل شوید از سلاحها و آلات حرب
خود و امتعتکم و از متاعهای خود که در سفر با خود دارید فیمیلون علیکم میلة واحدة پس حمله کنند جمع بر شما یک حمله در حالی که شما در نماز باشید پس بکشند شما را
و غارت کنند متاعهای شما را و لا جناح علیکم ان کان بکم اذی من مطر او کنتم مرضی ان تضعوا اسلحتکم و نیست باکی و گناهی بر شما اگر باشد شما را
آزاری از باران که بآن سنگین شود اسلحه یا آنکه مریض باشید که بگذارید سلاحهای خود را و خذوا حذرکم و فرا گیرید بیداری و آگاهی خود را تا آنکه حمله
نکنند بر شما کافران ان الله اعد للکافرین عذابا مهینا بدرستیکه خدا آماده و مهیا ساخته از برای کافران عذابی خوار کننده در این آیه دلیلست
بر صحت نبوت رسول صلی الله علیه و آله و صدق او از برای آنکه رسول بعسفان بود و مشرکان بضجنان پس پیغمبر صلی الله علیه و آله نماز ظهر با صحابه
کرد و مشرکان دیدند و بعد از نماز ایشان حسرت میخوردند که چرا در حال نماز با ایشان هجوم نکردیم بعضی گفتند از ایشان که مسلمانان را نمازی دیگر
هست که عزیزتر است بنماز باستثنای ایشان که آن نماز عصر است چون داخل میشوند بان بر سر ایشان میرویم و ایشان را میکشیم و اموال ایشان را برمیگیریم
پس خدای تعالی قبل از نماز عصر این آیه فرستاد و پیغمبر صلی الله علیه و آله نماز را بطریق مذکور گذارد و گفته اند که این نماز را آنگاهی میکنند که دشمنان
در خلاف جهت قبله باشند یا اگر در جهت قبله باشند حایلی در میان باشد ایشان را از دیدن ایشان را آنوقتی باشد که مسلمانان ایشان
ایمن باشند و مسلمانان بسیار باشند تا آنکه ممکن باشد که دو فرقه شوند و یکی در نماز ایستند و دیگری در برابر دشمنان و خلاف در کیفیت این نماز است

میباشند م

که مسلمانان م

بر شتابان م

آنچه مذکور شد موافق اکثر امامیه است و کافیست همین آیه دلیل بر تاکید نماز جماعت و در کتاب من لا یحضره الفقیه میگوید که فرض کرده است خدای تعالی
و تعالی بر مردمان از جمعه تا جمعه سی و پنج نماز را و از ان یک نماز را فرض کرده است در جماعت و آن نماز جمعه است و اما باقی نماز با جماعت در آن
نیست لیکن سنت است که هر که ترک کند آن را و روی بگرداند از آن و از جماعت مسلمانان بدون علتی نماز نیست او را و هر که ترک کند [illegible]
بغیر علتی او منافق است و فرمود صادق علیه السلام که هر که نماز صبح و عشاء را بجماعت بگذارد در [illegible] خداست [illegible] ظلم کند [illegible]
ظلم کرده است [illegible] نماز جماعت را [illegible]
کرده باشند و فضل و ثواب نماز جماعت [illegible] بسیار است [illegible] فاذا قضیتم الصلوة فاذکروا الله قیاما و قعودا و
علی جنوبکم فاذا اطمأننتم فاقیموا الصلوة ان الصلوة کانت علی المؤمنین کتابا موقوتا پس چون ادا کنید نماز را پس یاد کنید خدا را در حالی که ایستاده
باشید و نشسته باشید و بر پهلوها باشید پس چون آرامیده شوید [illegible] بپای دارید نماز را [illegible] که نماز هست بر مومنان فرضی معین بوقت
[illegible] الصلوة یعنی چون ادا کردید نماز را [illegible] فاذکروا الله قیاما و قعودا و علی جنوبکم پس یاد کنید خدا را در همه حال [illegible]
[illegible]

[illegible]

که هرزه‌ای بهر رساند و او نطیم نفسه آنکه گناهی کند که وبال آن بهمین نفس او باشد و بعضی گفته‌اند که سو گناهی غیر از شرکست و ظلم نفس شرکست و در این آیه بعث
و ترغیب است بدکاران را ظالمان نفس خود در ابا استغفار و توبه هر چند گناه بزرگ باشد مثل خیانت ابا طعمه و بهتان بستن او بر بیگناه که مستوجب استغفار
خدا آن را بجهت لیکن مروایتست که ابا طعمه توبه نکرد و مرتد گشت و بمکه رفت و بعد از آن بدزدی رفت و دیوار خانه‌ای نقب کند آن دیوار بر سر
او افتاده شد و او از آن هلاک شد و من یکسب اثما فانما یکسبه علی نفسه و کان الله علیما حکیما و هر که کسب کند و بفعل آورد گناهی را پس جز این نیست که کسب میکند
آن را بر ضرر نفس خود و خدا علیم بوده است باحوال بندگان حکیم و محکم کار است در جمیع احکام و از بودن فعل و کسب دزدان و من یکسب خطیئة او اثما ثم یرم
به بریا فقد احتمل بهتانا و اثما مبینا و هر که بکند خطائی یا گناهی پس بیندازد آن را بیگناهی پس بتحقیق که حمل کرده است و بر دوش گرفته است بهتانی را
و گناهی که ظاهر است و من یکسب خطیئة او اثما بعضی گفته‌اند که خطیئة گناه صغیره است و اثم کبیره و بعضی گفته‌اند که خطیئه آنست که بی قصد واقع شود و اثم
آنکه بقصد واقع شود چنانکه ابو طعمه خیانت کرد و آن را بلبید بن سهل یا زید یهودی نسبت داد فقد احتمل بهتانا و اثما مبینا پس بتحقیق که بار کرد و بر دوش گرفت
بهتان و دروغی که آدمی از آن متحیر میشود و اثما مبینا و گناهی ظاهر و هویدا و این آیه دلالت میکند بر آنکه از کسی که گناهی صادر شود اگر نسبت دهد آن گناه را
بر بیگناهی و مروایتست از رسول صلی الله علیه و آله که هر که بهتانی بگوید بر مردی مؤمن یا زنی مؤمنه و بگوید در وی آنچه نیست در وی او را باز دارد
خدای عز و جل بر تلی از آتش تا آنکه بیرون آید از عهده آنچه گفته است در وی و لولا فضل الله علیک و رحمته لهمت طائفة منهم ان یضلوک و ما یضلون
الا انفسهم و ما یضرونک من شیء و انزل الله علیک الکتاب و الحکمة و علمک ما لم تکن تعلم و کان فضل الله علیک عظیما و اگر نه فضل ... قصد کردن یعنی اگر
نه فضل خدا میبود بر تو و رحمت او هر آینه قصد کرده بودند گروهی از ایشان آنکه گمراه کنند ترا و گمراه نمیکردند الا نفسهای خود را و ضرر نمیرسانیدند ترا
هیچ ضرری و فرو فرستاده است خدا بر تو این کتاب را و حکمت را و تعلیم کرده است ترا آنچه نبودی که دانی آن را و هست فضل خدا بر تو بزرگ بعضی گفته‌اند
که این آیه در بنی ابیرق و قبیله ایشان که بشفاعت آمده بودند نازل شده و بعضی گفته‌اند در گروهی از قبیله ثقیف نازل شد که بخدمت رسول صلی الله علیه و آله آمده بودند
گفتند یا محمد آمده‌ایم که با تو بیعت کنیم بشرط آنکه نشکنیم بتان خود را و بتهای خود را بشرط آنکه یک سال دیگر باشیم بعبادت آن بتان ... اعراض
میکوید حق تعالی اشاره باین آیه بیان فرمود فضل و لطف خود را بر رسول خود صلی الله علیه و آله و لولا فضل الله علیک و رحمته ... فضل
نبوتست که برسول خود داد و رحمت او نصرت و یاری کردن او بوحی و بعضی گفته‌اند که فضل خدا الطاف اوست و رحمت او نعمت او و بعضی گفته‌اند
که فضل خدا نبوتست و رحمت او عصمت لهمت طائفة منهم ان یضلوک هر آینه و البته قصد میکردند طایفه‌ای از بنی ابیرق اضلال ترا با آنکه گواهی دهند
خائنان را تا آنکه از جهت حق باز دارند ترا پس خدا تعالی بفضل و رحمت خود ترا از آن معصوم گردانید و بعضی گفته‌اند که آن طایفه ثقیف بودند
که التماس مینمودند از پیغمبر صلی الله علیه و آله که چاره نمود و بعضی گفته‌اند که منافقان بودند که قصد قتل رسول صلی الله علیه و آله کردند و مراد از اضلال
قتلست یعنی اگر حفظ خدا نمیبود بر تو منافقان قصد قتل تو کرده بودند و ما یضلون الا انفسهم گمراه نمیکردند الا نفسهای خود را یعنی و بال
قصد ایشان که کرده‌اند از گمراه گردانیدن یا کشتن عاید میشود بر ایشان با آنکه مستحق عذاب ادم میشوند و ما یضرونک من شیء و ایشان هیچ ضرری نمیتوانند
رسانید ترا هیچ ضرر از برای آنکه خدا حافظ و ناصر و موید تست و انزل الله علیک الکتاب و الحکمة و فرو فرستاده خدا بر تو قرآن را و حکمت را
ذلک و علمک ما لم تکن تعلم و تعلیم کرد ترا آنچه نبودی که دانی آن را از شرایع و امور خفیه از دین و اخبار پیغمبران و غیر ذلک
و کان فضل الله علیک عظیما و هست فضل خدا بر تو عظیم با آنکه ترا گردانیده خاتم پیغمبران و سید ایشان و مبعوث بعالمیان و شفیع عاصیان لا خیر
فی کثیر من نجواهم الا من امر بصدقة او معروف او اصلاح بین الناس و من یفعل ذلک ابتغاء مرضات الله فسوف نؤتیه اجرا عظیما هیچ
نیست یعنی نیست خیری در بسیاری از راز گفتن ایشان مگر آنکس که امر کند بصدقه دادن یا نیکی کردن یا صلح کردن میان مردمان و هر که بفعل آورد آن را
برای طلب خشنودی خدا پس زود باشد که میدهیم او را مزدی بزرگ لا خیر فی کثیر من نجواهم نیست هیچ خیری و خوبی نیست در بسیاری از راز
ایشان بعضی گفته‌اند که مراد آنست که دو کس با یکدیگر سخن کنند و دیگران نشنوند و بعضی گویند خواه آهسته گویند و خواه بلند و این را نجوی گویند الا من امر بصدقة
را گویند یا آنکه امر کنند و الخ باید که گیرد الصدقه و دادن او معروف یا هر چیزی که عقل نیکو داند آن را مثل قرض دادن و یاری در ماندگان کردن
و بعضی گفته‌اند که صدقه آنست که واجب باشد و معروف آنچه سنت باشد او اصلاح بین الناس یا آنکه امر کند او در آن باشد که صلاح
آورد میان مردمان و الفت اندازد میان ایشان و من یفعل ذلک و هر که بکند آنچه مذکور شد از امر بصدقه و معروف و اصلاح میان مردمان ابتغاء
مرضات الله بواسطه طلب رضای خدا فسوف نؤتیه اجرا عظیما پس زود باشد که میدهیم او را مزدی بزرگ این آیه مفهوم میشود که فضل امر بصدقه و ... اصلاح
میان مردمان آنست که بقصد طلب رضای حق تعالی از آن و من یشاقق الرسول من بعد ما تبین له الهدی و یتبع غیر سبیل المؤمنین نوله ما تولی

ونصله

و نصله جهنم و ساءت مصیرا و هر که خلاف کند رسول را از بعد آنکه ظاهر شده از برای او راه راست و پیروی کند غیر راه مؤمنان را واگذاریم او را با آنچه از آن تولی
کرده است و درآوریم او را جهنم و بد بازگشتیست آن بعضی گفته‌اند که این آیه در شان ابن ابیرق نازل شد اگرچه حکم آن عامست و من یشاقق الرسول
و هر که مخالفت کند این رسول را که محمد است صلی الله علیه و آله در امری از امور من بعد ما تبین له الهدی از بعد آنکه ظاهر و هویدا شده
باشد او را راه راست که اسلامست و دین حق و ثابت شده باشد حجت و دلیل بر نبوت رسول صلی الله علیه و آله و یتبع غیر سبیل المؤمنین و پیروی
کند غیر راه مؤمنان را که آن دین حق است نوله ما تولی واگذاریم او را با آنچه با آن متصل شده است و کار خود در آن گذاشته و یاری نکنیم
و نصله جهنم و ساءت مصیرا ظاهر است معنی آن از تقریر مذهب حجیت اجماع که این آیه دلالت بر حجیت اجماع میکند و اگر گوییم که وعید بر مخالفت
غیر مؤمنان است گوییم که مراد از مؤمنان کل و ایمانند از معصومین از آل رسول علیهم السلام ان الله لا یغفر ان یشرک به و یغفر ما دون ذلک لمن یشاء
و من یشرک بالله فقد ضل ضلالا بعیدا بدرستی که خدا نمیآمرزد آنکه شرک آورده شود بوی و میآمرزد آنچه غیر آنست از هر که میخواهد و هر که
شرک آورد بخدا پس بتحقیق که او گمراه شد گمراهی در نهایت دوری که گذشت در همین سوره مثل این آیه و تفسیر آن و تکرار این از برای تاکید است
و مروایتست که پیری از اعراب آمد بخدمت رسول صلی الله علیه و آله و گفت یا رسول الله پیرم و غرق گناهم الا آنکه تا خدا را شناخته‌ام بوی شرک نیاورده‌ام
و تصور نکرده‌ام که بغیر او ولی بگیرم غیر خدا را ... و حال ایدام پشیمان از گناه و توبه کنان در درگاه حال مرا چون می‌بینی حق تعالی
این آیه فرستاد ان یدعون من دونه الا اناثا و ان یدعون الا شیطانا مریدا لعنه الله نمیخوانند کافران از غیر خدا الا اناث که لات و عزی و منات
مگر شیطانی که سرکش است از طاعت لعنت کرده است او را خدا ان یدعون من دونه الا اناثا یعنی نمیخوانند یا عبادت و پرستش میکنند
این کافران بدون خدا تعالی الا اناثا که بتان را و بتان را اناث نمود یا بواسطه آنکه اسم اناث را و نهاده‌اند چون لات و عزی که مونث
عزی مونث اعز است و لات مونث الله یا از برای آنکه ایشان جماد بودند چون مردگان نه عقل دارند و نه نطق و نه ضرر و نه نفع
این موضع لیست از مشرکان عرب اناث میگویند و گفته‌اند که هر قبیله از عرب بتی بود و آن را انثی بنی فلان میگفتند و بعضی گفته‌اند که بتان را اناث
میگویند از برای آنکه منفعل میشوند از فعل غیر و فاعل نمیباشند که فعلی از ایشان صادر شود و حال آنکه میباید که معبود فاعل باشد نه منفعل و این دلیل است
بر نهایت جهل و حماقت مشرکان و بعضی گفته‌اند که مراد از اناث ملائکه‌اند که مشرکان عبادت میکنند و میگویند ملائکه بنات الله‌اند و ان یدعون
و نمیخوانند یا عبادت نمیکنند مشرکان بعبادت بتان الا شیطانا مریدا مگر شیطانی که وصف او اینست که سرکش است در طغیان و کفر و رانده شده
از جمیع خیرات لعنه الله و دیگر از وصف شیطان اینست که لعنت کرده است او را خدا و دور گردانیده است او را از رحمت خود با سرکشی و ...
از برای دخول در دوزخ و قال لاتخذن من عبادک نصیبا مفروضا و گفت شیطان که البته فرا گیرم از بندگان تو حصه معلوم را
فرمان بری شیطان میکنند او را نصیب و حصه و بهره شیطانست و مروایتست از پیغمبر صلی الله علیه و آله که ... فرزندان آدم بود ...
دوزخ و یکی در بهشت و در روایتی دیگر از هر هزار یکی از آن خداست و باقی در دوزخ از آن شیطان و لاضلنهم و لامنینهم و لآمرنهم فلیبتکن آذان
الانعام و لآمرنهم فلیغیرن خلق الله و من یتخذ الشیطان ولیا من دون الله فقد خسر خسرانا مبینا ... بریدن گوش چهارپایان ...
گمراه میگردانم ایشان را و البته در آرزو می‌افکنم ایشان را و البته امر میکنم ایشان را پس میبرند گوشهای چهارپایان را و البته امر میکنم ایشان را پس تغییر میدهند
خلق خدا را و هر که فرا گیرد دوست شیطان را بدون خدای پس بتحقیق که زیان کرده است زیانی روشن حق تعالی ... از عتاب
بیداد و ... شیطان و عداوت او که ... گفت که البته فرا گیرم از بندگان حصه و نصیبی
بطریق اجمال باز آن را تفصیل داد که و لاضلنهم و البته گمراه میگردانم ایشان را از راه حق و صواب بوسوسه و غرور و لامنینهم و البته باز
باطل میاندازم ایشان را بدرازی عمر و طول بقا در دنیا پس رغبت کنند در دنیا و نعمت آن از آخرت یا آنکه میگویم نیست بعثی و نشری و حسابی
و نه بهشتی و نه دوزخی و نه ثوابی و عقابی پس هر چه میخواهید بکنید و دیگر میگویم که رحمت خدا از برای مجرمانست و شفاعت کننده‌ای
کرده و ... میاندازم با ایشان شهوات دنیا را و زینتهای آن را و میخواهم هر یک را بنوعی که میل طبع او بآنست پس او روی از طاعت
و میافتد در معصیت و لآمرنهم فلیبتکن آذان الانعام و البته میفرمایم ایشان را پس میبرند گوشهای چهارپایان را چنانکه مشرکان هر گاه
ناقه پنج بار میزایید و در پنجم نر میزایید ... گوش آن را و حرام میکردند بر خود انتفاع از آن را چنانکه بیان آن ... در سوره المائده مذکور
میشود و لآمرنهم فلیغیرن خلق الله و البته میفرمایم ایشان را پس تغییر میدهند خلق خدا را یعنی دین خدا را که دین اسلام است با آنکه حلال
میکردانند حرام را و حرام میگردانند حلال را و بعضی گفته‌اند که تغییر خلق خدا اخته کردن حیوانست و آن از آدمی حرامست و از حیوانات دیگر کروه

[illegible]

سترده اند و بعضی گفته اند که کندن چشم چارپا است آن نیز در سوره المائده ان الله ذکر میشود و بعضی گفته اند که تغییر خلق الله عامست در الحاد که شده در لواط
و سحق و سوزن زدن در عضو و سیه در آن کردن تا انکه با آن حالی باقی بماند شود و من یتخذ الشیطان ولیا من دون الله و هر که فرا میگیرد شیطان را
یاری و مددکاری و بعضی گفته اند که پروردگاری من دون الله فرا گیرد طاعت خدا و از طاعت خدا فقد خسر خسرانا مبینا پس تحقیق که زیان کرده
زیانی روشن و عیان و کدام زیان بزرگتر است از انکه برگزیده دوزخ را از بهشت و رضا شیطان رجیم را از رضا خداوند رحمن رحیم
یعدهم و یمنیهم و ما یعدهم الشیطان الا غرورا وعده میدهد ایشان را و آرزو میافکند ایشان را و وعده میدهد ایشان را شیطان مگر فریب

[illegible]

میاید روز قیامت و یکی از دو جانب او میل داده و در روایتست از صادق علیه السلام که رسول صلی الله علیه و آله در بیماری قسمت میفرمود میان زنان خود

نزد ایشان و در روایتست که علی علیه السلام دو زن بود چون روز یکی بود در خانه دیگری وضو نمیکرد و معاذ بن جبل را دو زن بود هر دو بیکبار در طاعون

فرمود که کدام را اول دفن کنند و ان تصلحوا ای اگر اصلاح آورید میان زنان و مساوی دارید ایشان را و تتقوا و بپرهیزید

[illegible]

بر جمع ایشان گفتند که جمعی از اهل کتاب که ایمان بیاورید بآنچه نازل شده است بر مؤمنان در اول روز و کافر شوید در آخر روز شاید که مؤمنان باز گردند از ایمان
گویند که اهل کتاب داخل ایمان شدند اگر ایمان نیکو بودی از آن باز نمی گردیدند و کافر نمی شدند پس ایشان هم کافر شوند و بعضی گفته اند که مراد منافقان اند که ایمان
آورده اند پس مرتد شدند پس ایمان آوردند پس مرتد شدند و نفاق ورزیدند تا وقتی که مردند و از ابن عباس روایت کرده اند که این آیه در منافقی که در زمان
پیغمبر صلی الله علیه وآله در بیابان بود [illegible] و در تفسیر علی بن ابراهیم آنکه نازل شد این آیه در شأن آنانکه ایمان آوردند برسول الله صلی الله علیه وآله
در زمان آن حضرت [illegible] پس کافر شدند بآنکه نوشتند کتابی در میان خود و عهد کردند که نگذارند خلافت در اهل بیت او بعد از وی پس چون نازل شد اقرار
آیه انما ولیکم الله و رسوله صلی الله علیه وآله گرفت عهد امیر المؤمنین علیه السلام را از ایشان بزبان اقرار کردند و تصدیق پس چون رسول صلی الله علیه
وآله گذشت کافر شدند و زیاد کردند کفر را لم یکن الله لیغفر لهم نیست خدا که بیامرزد ایشان را از برای آنکه لقای ایشان حریص بود در
کفر و چشمهای ایشان کور از دیدن حق و لا لیهدیهم سبیلا و نیست که هدایت کند ایشان را راه بهشت بلکه ایشان را باز میگذارد و لطف نکند
با ایشان بواسطه عقوبت کفر ایشان بشّر المنافقین بان لهم عذابا الیما مژده ده یا محمد این منافقان را بآنکه از برای ایشان است عذابی مولم
دردناک و بشّر بجای اخبر فرمود از برای تهکم و استهزاء با ایشان و نهایت غضب بر ایشان که ثابت است ایشان را عذاب مولم دردناک
الذین یتخذون الکافرین اولیاء من دون المؤمنین ایبتغون عندهم العزة فان العزة لله جمیعا منافقان اند که فرا میگیرند کافران
[illegible] و قوت را

[illegible]

في الدرك الاسفل من النار ولن تجد لهم نصيرا بدرستیکه منافقان در طبقهٔ زیرترند از دوزخ ... [illegible]
درکات یعنی طبقات است و هر طبقه که پایین تر است عذاب آن سخت تر است طبقات آن بهشت ... [illegible]
... [illegible] گفته اند که منافقان را در تابوتهای آهنین که درهای آن بسته است در آتش دوزخ ... [illegible]
اسفل دارند نهایت عقوبت باشد ... [illegible] عذاب منافق سخت تر است از عذاب کافر ... [illegible]
کرده است ... [illegible] الا الذين تابوا واصلحوا واعتصموا بالله واخلصوا دينهم لله فاولئك مع المؤمنين وسوف يؤت الله
المؤمنين اجرا عظيما ... [illegible]
... [illegible] منافقان ... [illegible] الدرك الاسفل ... [illegible]
... [illegible]
ما يفعل الله بعذابكم ان شكرتم وآمنتم وكان الله شاكرا عليما ... [illegible]
... [illegible]
لا يحب الله الجهر بالسوء من القول الا من ظلم وكان الله سميعا عليما ... [illegible]

[illegible]

ببعض و نکفر ببعض و یریدون ان یتخذوا بین ذلک سبیلا در میان آن ناگاه کافر شدند بخدا و پیغمبران او و اراده میکنند که جدائی افکنند میان خدا و رسولان
او و میگویند ایمان میآوریم ببعضی و کافر میشویم ببعضی و میخواهند که فرا گیرند میان این راهی اراده تفرقه میان خدا و پیغمبران آنست که میگویند ایمان
بخدا داریم و تکذیب میکنند پیغمبران او را و ایمان ببعضی و کفر ببعضی چنانست که یهود کردند که ایمان بموسی و پیغمبران قبل از وی آوردند و کافر شدند
بعیسی و محمد صلی الله علیه و آله و چنانچه نصاری کردند که ایمان آوردند بعیسی و پیغمبران قبل از وی و تکذیب کردند محمد را صلی الله علیه و آله و اراده کردند
که فرا گیرند میان اسلام و کفر راهی که بدعت کردند خود آن را و علی بن ابرهیم در تفسیر خود میگوید که ایشان آنها اند که اقرار کردند برسول صلی الله علیه و آله و انکار
کردند امیر المؤمنین را علیه السلام پس حق تعالی شانه خبر میدهد از ایشان که اولئک هم الکافرون حقا و اعتدنا للکافرین عذابا مهینا
این گروه که تفریق میکنند میان ایمان بخدا و پیغمبران او و ایمان میآورند ببعضی و تکذیب میکنند بعضی را کافرانند حقیقة و مهیا و آماده ساخته ایم از برای کافران
عذابی خوار کننده حق تعالی شانه تاکید کرد کفر ایشان را که اولئک هم الکافرون حقا تا اگر توهم نکند کسی که گفتار ایشان که ایمان میآوریم ببعضی و کافر میشویم
ببعضی ایشان را بیرون میبرد از جمله کافران و ملحق میسازد بمؤمنان والذین آمنوا بالله و رسله و لم یفرقوا بین احد منهم اولئک سوف نؤتیهم اجورهم
و کان الله غفورا رحیما و اما کسانی که ایمان آوردند بخدا و جمیع پیغمبران او و فرق نکردند میان یکی از ایشان در ایمان بلکه ایمان آوردند بجمیع آن گروه زود باشد که
بدهیم ایشان را ثوابهای ایشان و هست خدا آمرزنده مهربان یسئلک اهل الکتاب ان تنزل علیهم کتابا من السماء فقد سألوا موسی
اکبر من ذلک فقالوا ارنا الله جهرة فاخذتهم الصاعقة بظلمهم ثم اتخذوا العجل من بعد ما جاءتهم البینات فعفونا عن ذلک و آتینا موسی سلطانا مبینا
سوال میکنند ترا اهل کتاب که فرود آوری بر ایشان کتابی از آسمان پس بتحقیق که سوال کردند موسی را بزرگتر از این پس گفتند بنمای ما را خدا را آشکارا
پس فرا گرفت ایشان را صاعقه بسبب ظلم ایشان پس فرا گرفتند گوساله را از بعد آنکه آمد ایشان را معجزات پس عفو کردیم از این و دادیم موسی را سلطنتی
ظاهر گفته اند که کعب بن اشرف و فنحاص بن عازورا و جمعی دیگر از یهود گفتند یا محمد اگر تو راست میگوئی که پیغمبری پس بیاور از آسمان کتابی
یعنی کتابی بیکبار ما نند توریة که رسول از جانب خدا ما ایمان نمی آوریم با تو تا اینکه بیاوری کتابی که ما مشاهده کنیم آن را که فرود میآید یا آنکه بفرستد
کتابی از آسمان جمله بیکبار چنانچه موسی آورده و این از روی عناد و انکار میگفتند که از برای این نمی گفتند که حق بر ایشان ظاهر شود
پس آمد بایشان پس خدا تعالی فرمود که یسئلک اهل الکتاب سوال میکنند ترا ای محمد یهود ان تنزل علیهم کتابا من السماء که فرود آوری بر ایشان
کتابی از آسمان فلان و فلان یا نشانه و عیان یا آنکه بیکبار جمله آن یا آنکه مکتوب بر الواح و آن آنچه سوال از موسی اکبر من ذلک
بتحقیق که سوال کردند از موسی از این بزرگتر فقالوا ارنا الله جهرة سوال ایشان از موسی علیه السلام این بود که گفتند بنمای ما را ای موسی خدا را آشکارا چنانچه
در سوره البقره گذشت در آیه لن نؤمن لک حتی نری الله جهرة فاخذتهم الصاعقة بظلمهم پس گرفت ایشان را صاعقه و آتشی از آسمان بسبب
ظلم کردند بر نفسهای خود بعد از قول ثم اتخذوا العجل من بعد ما جاءتهم البینات و آن را خدائی گرفتند من بعد ما جاءتهم البینات بعد از آنکه آمده بود ایشان را
حجتها و دلیلهای روشن و معجزات فعفونا عن ذلک پس بمغفرت و رحمت و سعت نعمت خود عفو کردیم و در گذشتیم از جرم عظیم ایشان و آتینا موسی
سلطانا مبینا و دادیم موسی را از جانب خود حجتی ظاهر و سلطنتی که دلالت میکرد بر صدق وی حق تعالی است و ایشان را بهود در زمان رسول صلی الله
علیه و آله اگرچه این قول از یهود در زمان موسی علیه السلام صادر شد از برای آنکه ایشان بر مذهب آن بودند و راضی بودند بآنچه از ایشان واقع شد
و رفعنا فوقهم الطور بمیثاقهم و قلنا لهم ادخلوا الباب سجدا و قلنا لهم لا تعدوا فی السبت و اخذنا منهم میثاقا غلیظا و بلند کردیم بر بالای ایشان کوه طور را
بسبب پیمان ایشان و گفتیم ایشان را اگر داخل دروازه شوید سجده کنان و گفتیم ایشان را که در مگذرید از شنبه و گرفتیم از ایشان پیمانی محکم گذشت در سوره البقره که
چون موسی علیه السلام توریة آورد قبول نکردند قوم او که بآن عمل نمایند حق جل و علا جبرئیل را امر فرمود که کوه طور را بر سر ایشان رفیع کرد و در رای موسی
علیه السلام گفت ایشان را اگر عهد میکنید که آنچه مامور شده اید در توریة بآن عمل نمایید و الا کوه بر سر شما ساقط میشود و ایشان از خوف آن میثاق و عهد کردند
اقوال دیگر در این و قلنا لهم ادخلوا الباب سجدا گذشت و این هم در سوره البقره که مراد از باب باب بیت المقدس است که آن را باب حطه میگویند و قلنا لهم
لا تعدوا فی السبت و گفتیم ایشان را که تجاوز مکنید در روز شنبه از آنچه مباح است شما را که خواستن آن بود بر شما از خوردن ماهی و غیر آن و اخذنا منهم
میثاقا غلیظا و گرفتیم از ایشان عهدی و پیمانی محکم استوار میگرفرمان بردن و امر الهی را و باز ایستادن از مناهی و معاصی فبما نقضهم میثاقهم و کفرهم
و کفرهم بآیات الله و قتلهم الانبیاء بغیر حق و قولهم قلوبنا غلف بل طبع الله علیها بکفرهم فلا یؤمنون الا قلیلا پس بشکستن ایشان پیمان را و لعنت
کردیم ایشان را و بجهت کفر ایشان بآیات خدا و کشتن ایشان پیغمبران را بغیر حق و گفتن ایشان که دلهای ما در غلاف است بلکه مهر نهاده است خدا
بر دلهای ایشان بسبب کفر ایشان پس ایمان نمیآورند الا اندکی ما در فبما نقضهم میثاقهم ابدا است از برای تحقیق آنکه حرم طیبات یا لعن و عقوبت ایشان

ق

بسبب کفر و بواسطه شکستن پیمان ایشان و یا با متعلق بحرمنا علیهم که بعد از این میآید یا متعلق محذوفی یعنی فبما هم و امثال آن و معنی لعنت کردیم ایشان را
بسبب شکستن ایشان پیمان را و کفرهم بآیات الله و بواسطه کفر ایشان بآیات و حجتهائی که دلالت میکنند بر صدق پیغمبران و قتلهم الانبیاء بغیر حق و کشتن
ایشان پیغمبران خدا را بناحق بغیر حق تاکید قبح فعل ایشانست و اگر قتل پیغمبران همه بغیر حق میباشد و قولهم قلوبنا غلف و بواسطه گفتار ایشان که دلهای
ما غلافست یعنی مانند ظرفهای علمست و محتاج بعلم شما نیستیم یا آنکه دلهای ما در غلافهاست و سخنهای محمد صلی الله علیه و آله میگوید بدل ما نمیرسد بل طبع الله
علیها بکفرهم بلکه مهر گذاشته است خدا بر دلهای ایشان بسبب کفر و انکار ایشان و توفیق نبردند و در آیات و مواعظ از ایشان نمی آید پس ما رکه
فلا یؤمنون الا قلیلا پس ایمان نمیآورند مگر بایدکی از ایشان یا ایمان ایشان را بایمانی است که ایمان میآورند بیکی چون عبدالله بن سلام از ایشان و بکفرهم
و قولهم علی مریم بهتانا عظیما و بواسطه کفر ایشان بعیسی و تعویت ایشان بسبب کفر ایشان بود بعیسی که کفر ایشان زیرا مکرر و مهتان عظیم گنهکار شده از شنیدن آن تحیر
میشود و آن بهتان نسبت زنا بود که بمریم دادند و روایت کرده اند که چون عیسی علیه السلام بگروهی از ایشان گذشت بعضی ایشان بعضی دیگر گفتند ساحر بن ساحره
و فاعل بن فاعله و نسبت فاحشه بمادر حضرت عیسی دادند حضرت فرمود اللهم انت ربی و بکلمتک خلقتنی اللهم العن من سبنی و سب والدتی
یعنی خداوندا توئی پروردگار من و بکلمه خود خلق کردی مرا و من نیامدم بایشان از پیش خود خداوندا لعنت کن آنکه دشنام داد مرا و
دشنام داد مادر مرا پس مستجاب کرد خدا دعای او را و مسخ کرد آنگروه را بصورت خوکها و قولهم انا قتلنا المسیح عیسی بن مریم رسول الله و ما
قتلوه و ما صلبوه و لکن شبه لهم و ان الذین اختلفوا فیه لفی شک منه ما لهم به من علم الا اتباع الظن و ما قتلوه یقینا و دیگر بسبب گفتار ایشان
که بدرستی که ما کشتیم مسیح را عیسی بن مریم رسول خدا را و حال آنکه نکشتند او را و بدار نکردند او را و لیکن مشتبه شد بر ایشان و بدرستی که آنها که اختلاف
کردند در وی هر آینه در شکند از وی نیست ایشان را بوی هیچ علمی الا پیروی گمان میکنند و او را بیقین و قولهم انا قتلنا المسیح عیسی بن مریم رسول الله و دیگر آنکه
خدا او در یهود این بود که میگفتند از روی فخر که ما کشتیم مسیح عیسی بن مریم را اگر رسول خداست رسول خدا ایشان گفتند عیسی از روی استهزا چنانچه فرعون گفت ان
رسولکم الذی ارسل الیکم لمجنون و میتواند بود که این کلام نبود رسول الله قول خدا باشد حکایت قول یهود و ما قتلوه و ما صلبوه خدا تعالی تکذیب کرد ایشان را
که نکشتند عیسی را و بدار نیاویختند او را و لکن شبه لهم علامت در آنکه مشتبه شد امر عیسی علیه السلام بر ایشان بعضی گفته اند که چون مسخ کرد خدای تعالی
آن قوم را که ناسزا بعیسی و مادرش گفتند دعای عیسی علیه السلام این خبر بر پیش یهود رسید که او را یهودا میگفتند ترسید که عیسی علیه السلام پس جمع کرد یهود را
و اتفاق نمودند بقتل عیسی علیه السلام پس خدای تعالی جبرئیل را فرستاد و ما که یاری کند عیسی را و اینست معنی قول خدای عز و جل و ایدناه بروح القدس
و یهود بعیسی جمع شدند و از وی سوال میکردند عیسی علیه السلام فرمود که ای قوم بدرستی که خدا از شما غضب کرده است پس ایشان بکشتن او در آمدند
جبرئیل عیسی را علیهما السلام داخل خانه کرد که در وی در سقف آن بود و او را از آن روزن بآسمان برد پس یهودا از اصحاب خود مردی را که طیطانوس نام
بود در آن خانه فرستاد تا او را بکشند عیسی را چون داخل خانه شد عیسی را نیافت پس خدای تعالی او را بصورت عیسی کرد و پس چون از آن خانه بیرون آمد او را
کشتند پس بعضی از آن قوم گفتند روی او چون روی عیسی است و بدن او چون بدن طیطانوس پس اگر او عیسی است طیطانوس کجا رفت و اگر او طیطانوس است
عیسی کجا رفت و این بود که مشتبه شد بر ایشان و بعضی گفته اند که عیسی با ده کس از حواریان داخل خانه شدند خدای تعالی جمیع آن جمع را بصورت عیسی کرد
پس گفتند که سحر کردید ما را یا عیسی را ظاهر نمائید و الا میکشیم جمیع شما را پس عیسی علیه السلام گفت کدام از شما نفس خود را میدهد بهشت را عوض بگو دیگر مردی از
از ایشان گفت من پس او در پس بیرون رفت و گفت منم عیسی پس او را کشتند و بر دار کردند و خدای تعالی عیسی را در همان روز بآسمان رفع کرد
و این بود که بر ایشان مشتبه شد و بعضی گفته اند که رؤسای یهود چون اراده قتل عیسی علیه السلام کردند خدای تعالی او را از ایشان رهانید و بآسمان رفع
کرد ایشان ترسیدند که مردمان ایمان آورند بوی نسخی را گرفتند و بموضعی بلند بر دار کردند و نگذاشتند کسی را که بوی نزدیک شود تا آنکه او متغیر شد و گفتند
عیسی را و بعضی گفته اند که مردی منافق از حواریان که اسم او بود پس گریا طالوس یا یهودا بود سی درهم گرفت و دلالت کرد یهود را بر عیسی علیه السلام و چون خواستند
بگیرند عیسی را حق تعالی او را بآسمان برد و آن منافق بشبیه او شد او را گرفتند و خود را نمودند و آن خود را گشتند که نصاری اور العنت میکنند و بعضی از نصاری میگویند که
بصورت عیسی شد او را بر دار کردند و میگفت که من عیسی نیستم من آنم که دلالت کردم شما را بر وی و ان الذین اختلفوا فیه لفی شک منه و بدرستی آنکه
اختلاف کردند در وی هر آینه در شکند از وی پس بعضی میگویند که کشتیم او را و بعضی میگویند که نکشتیم او را ما لهم به من علم الا اتباع الظن نیست ایشان را
بکشتن هیچ علمی الا آنکه پیروی گمان کردند که او را کشتند اگر کشتیم عیسی است پس یار ما کجاست و اهل انجیل گفتند که عیسی را ان بود و خدا بود و از آسمان نازل شد پس گفتند که
کردند در آن و اختلاف کردند بعضی گفتند که کشته شد و بعضی گفتند که از آن اختلاف کردند در عیسی پس بعضی گفتند که او بنده خداست و بعضی
گفتند که او پسر خداست و بعضی گفتند که او خداست و ما قتلوه یقینا معنی آنست که کشتند او را که ظن ایشان بود بیقین که او عیسی است یا معنی اینست که کشتند

عذاب
برای تفریق کرده
شتام
روی عایش را
روی عیسی کرده
یا طالوس کرده
اند ایهود
پس چون داخل
شد
عیسی م
گرفته

[illegible]

عیسی السلام ... و تحقیق بل رفعه الله الیه و کان الله عزیزا حکیما ... و خدای تعالی عزیز است ... اگر خواهد انتقام کند از دشمن
خود حکیم در جمیع افعال و تقدیرات وان من اهل الکتاب الا لیؤمنن به قبل موته و یوم القیامة یکون علیهم شهیدا و نیست از اهل کتاب احدی الا که ایمان بیاورد
قبل الموت او و روز قیامت باشد بر ایشان گواه بعضی گفته اند که ضمیر به و موته هر دو راجع به مسیح یعنی نیست احدی از اهل کتاب الا که ایمان بیاورد
به مسیح قبل از موت مسیح ...

[illegible]

گکیت صاحب شما گفتند چنین گفت چه عیب کنم او را گفتند نیکویی که او بنده خدا و رسول اوست و نبود که بنده کی خدا عیب و عار است که بنده او را عیب حق تعالی

این آیه بتصدیق رسول و تکذیب نصاری فرستاد فاما الذین آمنوا وعملوا الصالحات فیوفیهم اجورهم ویزیدهم من فضله واما الذین استنکفوا

واستکبروا فیعذبهم عذابا الیما پس اما آنکه ایمان آورده و اقرار بوحدانیت خدا کرده عملهای صالح کرده [illegible] تمام میدهد خدا اجر و ثوابها

ایشان را و زیاد میدهد خدا [illegible] از فضل خود [illegible] اضعاف [illegible] اما آنکه ننگ میدارند

از اقرار بوحدانیت او و بزرگی میکنند و کبر از بندگی او پس عذاب میکند ایشان را عذابی [illegible] ولا یجدون لهم من دون الله ولیا ولا نصیرا

و نمی یابند این ننگ داران [illegible] از برای خود [illegible] و دوستی که نجات دهد ایشان را از عذاب خدا [illegible]

ایشان را [illegible] یا ایها الناس قد جاءکم برهان من ربکم وانزلنا الیکم نورا مبینا [illegible]

[illegible]

این سوره میراث فرزند و پدر و مادر معلوم از آن میراث زن و شوهر و میراث برادران و خواهران از جانب مادر و در این آیت که آخر سوره است برادران و خواهران میراث م
جانب پدر و مادر و برادران و خواهران از جانب پدر در وقت عدم برادران و خواهران از جانب پدر و مادر سوره المائده کل این سوره مدنیست الا آیه الیوم اکملت لکم
دینکم که نازل شد در حالی که رسول صلی الله علیه و آله بر راحله بود در حجة الوداع و این سوره صد و بیست آیاتست بعدد کوفی فضل آن روایت کرد ابی بن کعب
از پیغمبر صلی الله علیه و آله که فرمود که هر که قرائت کند سوره المائده را اعطا کند خدای تعالی بوی از ثواب بعدد هر یهودی و نصرانی که نفس کشیده است
در دار دنیا ده حسنه و محو کند از وی ده سیئه و رفع کند از برای او ده درجه و مرویست از علی علیه السلام که قرآن منسوخ میکرد بعضی از آن بعضی را و امر میکردند ما
رسول علیه السلام آخر آن را و آنچه نازل شد آخر بر وی علیه السلام سوره المائده بود نسخ کرد ما قبل خود را و او نسخ نکرد او را چیزی و از امام محمد باقر علیه السلام مرویست
که هر که بخواند سوره المائده در هر پنجشنبه پوشیده نشود ایمان او بظلم و شرک نیاورد هرگز و از صادق علیه السلام مرویست که نازل شد سوره المائده بتمام
و نازل شد با آن هفتاد هزار ملک بسم الله الرحمن الرحیم یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود وفا کردن عهدها یعنی ای کسانی که ایمان آورده اید وفا
کنید بعهدها که میکنید حق تعالی بتعظیم و تکریم خطاب نمود مومنان را و امر فرمود ایشان را بوفا کردن بجمیع عقدها و عهدها که واقع است در میان ایشان از
حلال دانستن آنچه حلال کرده و حرام دانستن آنچه حرام کرده اند و قیام نمودن بفرایض و احکام و حدود و از جمله این عقود ذکر باید که میکنند از بیع و
وکالت و نکاح و غیر آن و وعده که با هم میکنند و سوگندی که با هم میخورند در نصرت و یاری یکدیگر بر ظالمان و در چیزی که در آن خصال نیکی
باشند در تفسیر علی بن ابرهیم از ابو جعفر ثانی علیه السلام روایت میکند که رسول صلی الله علیه و آله در ده موضع عهد گرفت از قوم بخلافت و ولایت امیر
علی علیه السلام پس حق تعالی بفرستاد که یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود یعنی وفا کنید بعهدی که بر شما در خلافت علی علیه السلام احلت لکم بهیمة الانعام
الا ما یتلی علیکم غیر محلی الصید و انتم حرم ان الله یحکم ما یرید بهیمه بسته زبان یعنی چهارپای انعام جمع نعم چهارپای حرم جمع حرام یعنی محرم یعنی حلال
گردانیده شده است از برای شما چهارپایان بسته زبان الا آنچه خوانده میشود بر شما غیر آنکه حلال دارنده نباشید صید را در حالی که شما محرمان باشید
بدرستی که خدا حکم میکند آنچه میخواهد احلت لکم بهیمة الانعام تفصیل عقود است یعنی از عقود و عهود آنست که حلال شده است از برای شما بهیمه
که آن انعام است و اضافه بیانیست مثل خاتم فضه و مراد از بهیمه انعام آنست که نموده است ثمانیه ازواج تا آخر آیه که شتر است و گاو و گوسفند و بز
و گوسفند میش هر یک از اینها زوجی که جمیع هشت صنفاست و بعضی گفته اند که مراد از بهیمه انعام بچه است که در شکم انعام مذکوره یافت شود
بیرون کرده باشند یا گوسفند چون مادر او را ذبح کنند و آن بچه مرده باشد حلالست بواسطه ذبح مادر و این مرویست از باقر و صادق علیهما السلام
و بعضی گفته اند که مراد از بهیمه انعام چهارپای وحشیست چون آهو و گاو وحشی و خر وحشی الا ما یتلی علیکم که آنچه خوانده میشود بر شما حرمت علیکم
المیتة و الدم و لحم الخنزیر است تا آخر آیه غیر محلی الصید حالست از اوفوا یعنی وفا کنید بعهدها در حالی که غیر حلال دارنده صید باشید در حال احرام
یا حالست از ضمیر لکم یعنی حلالست از برای شما بهیمه انعام در حالی که شما غیر حلال دارنده صید باشید در حال احرام و مراد از انعام انعام ... و حالست
از ضمیر علیکم یعنی حلالست بر شما بهیمه انعام الا آنچه تلاوت میشود بر شما از صید در همین سوره که غیر حلالست آن بر شما در حال احرام و انتم حرم حالست
یعنی ان الله یحکم ما یرید خدا حکم میکند آنچه میخواهد در خلق یا هر حلال میکند آنچه میخواهد و حرام میکند آنچه میخواهد و واجب میکند آنچه میخواهد و غیر این از احکام بر فعل
آورد آنچه شما را امر میکند و باز میدارد از آنچه شما را نهی میکند یا ایها الذین آمنوا لا تحلوا شعائر الله و لا الشهر الحرام و لا الهدی و لا القلائد و لا آمین البیت آیت م
الحرام یبتغون فضلا من ربهم و رضوانا و اذا حللتم فاصطادوا و لا یجرمنکم شنآن قوم ان صدوکم عن المسجد الحرام ان تعتدوا و تعاونوا علی
البر و التقوی و لا تعاونوا علی الاثم و العدوان و اتقوا الله ان الله شدید العقاب شعائر اعمال حج و نشانهای آن هدی چهارپایی که آن را بمکه
برند از برای ذبح قلاید جمع قلاده است و در اینجا مراد آنچیزیست که در گردن هدی بندند آمین قصد کنندگان جرم کسب کردن و قطع کردن شنآن دشمنی
یعنی ای آنکه ایمان آورده اید حلال مدارید شعایر خدا را و ماه حرام را و نه هدی را و نه گردن بندها را و نه قصد کنندگان بیت الحرام را که میجویند فضلی از
پروردگار خود و خشنودی و چون محل شوید پس شکار کنید و حمل نکند البته شما را دشمنی قومی که منع کردند شما را از مسجد الحرام اینکه در گذرید و یاری کنید بسبب
نیکی و پرهیزکاری و یاری مکنید در گناه و ستمکاری و بترسید خدا را که خدا سخت عقوبتست گفته اند که مردی بود که او را حطم بن هند بکری میگفتند
با جمعی آمد بمدینه و اتباع خود را در بیرون گذاشت و خود تنها بخدمت رسول صلی الله علیه و آله آمد و گفت ای محمد بچه چیز دعوت میکنی مردمان را فرمود
که بشهادت ان لا اله الا الله و بپای داشتن نماز و بدادن زکوة گفت نیکوست بگذار مرا تا بیاران خود مشورت کنم شاید که من و ایشان مسلمان شویم
و قبل از آنکه بیاید او رسول علیه السلام گفت اصحاب را که داخل میشود بر شما در این زودی مردی از بنی ربیعه که سخن میگوید بزبان شیطان پس چون او
برون رفت از نزد رسول فرمود که داخل شد او بروی کافر و بیرون رفت بعقب بیوفایی پس گذشت بچراگاه شتران اهل مدینه و آن را غارت کرد

بی

پس چون سال آینده شد قلاید در گردن شتران کرد از برای هدی و بحج آمد رسول علیه السلام خواست که او را بگیرند جمعی آمدند که و لا آمین البیت الحرام
حضرت علیه السلام ترک او کرد و بعضی گفته اند که در روز فتح مکه جمعی از مشرکان بعمره آمدند مسلمانان گفتند یا رسول الله این قوم مشرکند بگذار تا ایشان را غارت
کنیم این آیه نازل شد یا ایها الذین آمنوا لا تحلوا شعائر الله یعنی ای مومنان حلال مدارید حرمت مناسک و شعایر خدا را و بعضی گفته اند که یعنی حلال مدارید آنچه حرام
گردانیده است خدا در دین و تعدی مکنید در حدود که از اوامر و نواهی و فرایض او و بعضی گفته اند که شعائر مناسک حجست و مراد آنکه ضایع مگردانید آن را
و بعضی گفته اند که عرب صفا و مروه را از مناسک حج نمیدانستند و طواف آن نمیکردند پس نهی کرد خدای عز و جل از این و لا الشهر الحرام و حلال مدارید ماه حرام را
که قتال کنید در آن با دشمنان و مشرکان و ماه حرام چهار است سه ماه متصلند که آن ذو القعده و ذو الحجه و محرمست و یکی منفرد و آن رجبست و لا الهدی
یعنی حلال مدارید شتر یا گاو یا گوسفندی که کسی بقربانی الی الله ارسال بیت الله کرد قربان کند پس آن را غصب کنید از صاحب آن یا مانع شوید او را از آن
یا نگه دارید او را تا آنکه نرساند آن هدی را بمحل خود و لا القلاید یعنی حلال مدارید قلاید را و بعضی گفته اند که مراد از قلاید هدیست که در گردن او قلاده
باشد و در این بعد از هدی یاد کردن اهتمامست و در این یعنی حلال مدارید هدی را خصوصا آن هدی که در گردن آن قلاده باشد و بعضی گفته اند که قلاده بود م
بواسطه مبالغه باشد در احلال هدی یعنی حلال مدارید که متعرض شوید قلاید هدی چه جای آنکه حلال دارید که متعرض شوید بهدی و بعضی گفته اند
که در جاهلیت چون اراده حج داشتند پوست درختی بر گردن می بستند که علامت آن باشد که بحج میروند که کسی متعرض او از ایشان نشود پس از این منهی گشت که
حلال مدارید آن را که قلاده در گردن دارند و متوجه حجست و بعضی گفته اند که این نهی مومنانست که مثل مشرکان قلاده کنند در گردن پوست درخت را
و بعضی گفته اند که این نهیست از آنکه قلاده هدی را مالک شوند بلکه واجبست که آن را اگر قیمتی باشد تصدق کنند از او و لا آمین البیت الحرام یعنی حلال مدارید قصد کنندگان
بیت الحرام را که بیت الله است یعنی قتال مکنید با آنان که قصد بیت الله و زیارت آن دارند یبتغون فضلا من ربهم و رضوانا میجویند و طلب میکنند
فضل از پروردگار خود یعنی نفع در تجارت و رضوان و خشنودی خدا در آخرت اگر مشرک باشند بزعم خود و اگر مسلمان و مومن باشند بوعده خدای تعالی و این
کار از سوره ... منسوخست بقول خدای تعالی که اقتلوا المشرکین حیث وجدتموهم و بقول او که انما المشرکون نجس فلا یقربوا المسجد الحرام بعد
عامهم هذا و بعضی گفته اند که طلب میکنند فضل و زیادتی در تجارت و رضوان و خشنودی در دنیا که خدا اصلاح کند ایشان را در دنیا چون ایشان ... و بعضی
میگویند که طلب میکنند فضل و رضوان را جمیعا برای آخرت و اذا حللتم فاصطادوا و چون محل شوید پس صید کنید و این امر اباحتست یعنی وقتی که محل شوید
از احرام مباحست و حلال شما را اگر خواهید صید و شکار کنید و لا یجرمنکم شنآن قوم ان صدوکم عن المسجد الحرام ان تعتدوا و باید که حمل نکند و بر آن ندارد
شما را بغض و دشمنی قومی از برای آنکه منع کردند شما را از مسجد الحرام بر آنکه تعدی کنید و از حکم خدا بیرون روید بر ایشان بواسطه آنکه مشرکان در سال یبی م
حدیبیه شما را منع کردند از مکه شما را دشمنی آن بر آن ندارد که از حکم خدا بیرون روید و آدمی میباید که دایم باین خصلت عمل نماید و بواسطه عداوت بر ذمه
مرتکب مناهی و معاصی نشود و مفعول اول لا یجرمنکم است و مفعول دوم ان تعتدوا و تعاونوا علی البر و التقوی و باید که ... حق تعالی بشما
نیکوکاری را و یاری و مدد کاری کنید یکدیگر را به نیکوکاری و عفو و پرهیزکاری و مساعدت کنید یکدیگر را بفعل طاعت و ترک معصیت و لا تعاونوا علی
الاثم و العدوان و یاری و مدد کاری مکنید یکدیگر را بر گناه و عصیان و تجاوز و عدوان از حد ... در انتقام و غیر آن و اتقوا الله و بترسید از
خدا ان الله شدید العقاب ... که خدا سخت عقوبتست و در این تهدید است و وعید ... اگر تعدی بکنند از حدود خدا ...
سخت ... بدانکه اگر اهل ... دنیا ... حرمت علیکم المیتة و الدم و لحم الخنزیر و ما اهل
لغیر الله به و المنخنقة و الموقوذة و المتردیة و النطیحة و ما اکل السبع الا ما ذکیتم و ما ذبح علی النصب و ان تستقسموا بالازلام ذلکم فسق الیوم یئس الذین
کفروا من دینکم فلا تخشوهم و اخشون الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا فمن اضطر فی مخمصة غیر متجانف لاثم
فان الله غفور رحیم اهلال آواز برداشتن الخناق خفه شدن وقذ بچوب کشتن تردی از بلندی افتادن نطح سر کوبیدن به یکدیگر زدن نصب
کلوخ سنگها که کافران آن را عبادت میکردند زلم تیر بی پر ... استقسام طلب کردن قسمت مخمصه گرسنگی تجانف میل کردن یعنی حرام شده
بر شما مرده و خون و گوشت خوک و آنچه آواز برداشته باشد بغیر خدا از او و آنچه گلوی آن گرفته خفه شده باشد و آنچه بزدن چوب ... کشته شده باشد
و آنچه از بلندی افتاده مرده باشد و آنکه دیگری سر بر آن زده باشد و بآن مرده باشد و آنچه خورده باشد آن را درنده و بآن مرده باشد الا آنچه
حیوة او باقی باشد و شما ذبح کنید از اینها و آنچه ذبح کرده شده باشد بر سنگها و آنکه طلب قسمت کنید بتیرهای قمار اینها فسقست امروز ناامید شدند آنان
که کافر شدند از دین شما پس مترسید از ایشان و بترسید از من امروز کامل گردانیدم از برای شما دین شما را و تمام کردم بر شما نعمت خود را و راضی شدم
برای شما اسلام را دین پس هر که مضطر شود در گرسنگی در حالی که غیر مایل باشد بگناه ... پس بدرستیکه خدا آمرزنده است مهربان حق تعالی بشما

[illegible] فان الله غفور رحیم [illegible]

[illegible] روایت کرد عبد العظیم بن عبد الله الحسنی از امام محمد جواد علیه السلام [illegible]

[illegible] فمن اضطر غیر باغ ولا عاد [illegible]

[illegible] المنخنقة والموقوذة والمتردیة والنطیحة وما اکل السبع الا ما ذکیتم وما ذبح علی النصب [illegible]

[illegible]

است چون حرام کرد ایزد حق سبحانه و تعالی آنچه گفته شد از مرده و خون و گوشت خوک و غیر آن سؤال کردند از رسول صلی الله علیه و آله که چه چیز حلال است از برای
ایشان این آیه نازل شد و بعضی گفته‌اند که آمدند زید الخیل و عدی بن حاتم طائی بخدمت رسول صلی الله علیه و آله و گفتند که در میان ما دو مرد هستند که سگان
دارند و ما میگیریم بآن گاو وحشی و آهو و غیر آن و بعضی از آن در می‌یابیم ذکات آن و بعضی از آن میمیرد و حال آنکه حرام کرده است ایزد مردار
[illegible] پس چه چیز حلالست از برای ما از صید پس فرستاد خدای تعالی که فکلوا مما امسکن علیکم و معنی یسئلونک ماذا احل لهم [illegible]
ترا یا محمد که چه چیز حلال شده است ایشان را از صید و ذبایح و چیست آنچه حلالست از طعامها و از صید و جز آن قل احل لکم الطیبات
بگو یا محمد که حلال شده است از برای شما طیبات یعنی آنچه حلالست و آنچه لذیذ است از ماکولات از صید و ذبایح و غیر آن [illegible]
وما علمتم من الجوارح عطف بر طیبات [illegible] یعنی حلالست شما را طیبات و صید آنچه تعلیم داده اید آن را از جوارح که کسب کنند از [illegible]
و جانوران شکار کننده چون باز و چرغ و سگ و یوز [illegible] ابوبکر حضرمی از صادق علیه السلام که سؤال کردم از وی از صید باز و چرغ و یوز
و کلب فرمود که مخور از آن الا آنچه ذبح کنی آن را الا آنچه کشته باشد از آن کلب [illegible] از برای آنکه حق تعالی میفرماید که وما علمتم من الجوارح
مکلبین تعلمونهن مما علمکم الله فکلوا مما امسکن علیکم بعد از آن فرمود که هر چه از سباع نگاه دارد صید را از برای خود الا کلب [illegible]
از برای صاحب خود [illegible] اسم خدا را مکلبین در حالیکه شما صید کننده باشید [illegible] کلب باشید
تعلمونهن مما علمکم الله در حالیکه تعلیم [illegible] از آنچه تعلیم کرده است شما را خدا [illegible] صید [illegible] معلم [illegible]
که چون او را بصید فرستند برود و چون باز دارند باز ایستد [illegible] فکلوا مما امسکن علیکم [illegible]
برای شما [illegible] که حلالست [illegible] رسول صلی الله علیه و آله [illegible] عدی بن حاتم [illegible]
[illegible] حلال بودن آن [illegible]
[illegible] حلال [illegible]
برای شما جمیع حیوانات حلال [illegible] حلال گوشت [illegible]
[illegible]
[illegible] حرام [illegible] حلالست [illegible]
علیه و ذکر کنید نام خدا را [illegible] پس اگر [illegible] نام خدا را [illegible]
آن صید حلال نیست واتقوا الله [illegible] ان الله سریع الحساب [illegible]
وقت حساب [illegible] در قیامت [illegible] الیوم احل لکم الطیبات و طعام الذین
اوتوا الکتاب حل لکم و طعامکم حل لهم والمحصنات من المؤمنات والمحصنات من الذین اوتوا الکتاب من قبلکم اذا آتیتموهن اجورهن محصنین غیر مسافحین
ولا متخذی اخدان ومن یکفر بالایمان فقد حبط عمله وهو فی الآخرة من الخاسرین [illegible] حلال شد از برای شما طعامها [illegible]
[illegible] حلالست شما را [illegible]
[illegible]
[illegible] الیوم احل لکم الطیبات [illegible]
[illegible] و طعام الذین اوتوا الکتاب حل لکم [illegible]
[illegible] والمحصنات [illegible]
[illegible] والمحصنات من الذین اوتوا الکتاب من قبلکم [illegible]
[illegible]
[illegible] والمحصنات من الذین اوتوا الکتاب [illegible]
[illegible] اذا آتیتموهن اجورهن [illegible]
[illegible] صادق علیه السلام [illegible]
[illegible] فرمود علیه السلام [illegible]

محصنین در حالیکه شما [illegible] غیر مسافحین [illegible] ولا متخذی اخدان [illegible]
[illegible] ومن یکفر بالایمان [illegible]
صلی الله علیه و آله [illegible] فقد حبط عمله [illegible] وهو فی الآخرة من الخاسرین [illegible]
[illegible] یا ایها الذین آمنوا اذا قمتم الی الصلوة فاغسلوا وجوهکم وایدیکم الی المرافق وامسحوا برؤسکم وارجلکم الی الکعبین وان کنتم
جنبا فاطهروا وان کنتم مرضی او علی سفر او جاء احد منکم من الغائط او لامستم النساء فلم تجدوا ماء فتیمموا صعیدا طیبا فامسحوا بوجوهکم وایدیکم منه
ما یرید الله لیجعل علیکم من حرج ولکن یرید لیطهرکم ولیتم نعمته علیکم لعلکم تشکرون ای گروه مؤمنان چون قیام نمائید بنماز [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] یا ایها الذین آمنوا [illegible]
[illegible]
[illegible] اذا قمتم الی الصلوة [illegible]
[illegible] فاغسلوا وجوهکم وایدیکم الی المرافق وامسحوا برؤسکم وارجلکم الی الکعبین سؤال کرد زراره [illegible] امام محمد باقر
علیه السلام [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] علیه السلام [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] امیرالمؤمنین علیه السلام [illegible] محمد بن حنفیه [illegible]
[illegible]
[illegible] الحمد لله الذی جعل الماء طهورا [illegible] اللهم حصن فرجی [illegible]
[illegible]
[illegible] اللهم [illegible]
[illegible] اللهم [illegible]
[illegible] اللهم [illegible]
[illegible] یا ذا الجلال والاکرام [illegible]
[illegible] خدای تبارک و تعالی [illegible]
[illegible] خدای عز و جل [illegible] وامسحوا برؤسکم وارجلکم الی الکعبین [illegible]

اعاده کن ام

١٠٦

گواه باشید بعدل و انصاف [illegible] قوام دنیا و آخرت [illegible] بعضی گفته‌اند [illegible]

[illegible] عمل صالح [illegible] امر معروف و نهی از منکر و لا یجرمنکم شنآن قوم [illegible]

[illegible] اعدلوا هو اقرب للتقوی [illegible]

[illegible] و اتقوا الله [illegible] ان الله خبیر بما تعملون [illegible]

[illegible] امام جعفر صادق علیه الصلوة و السلام [illegible]

[illegible] علیه السلام [illegible]

[illegible] وعد الله الذین آمنوا و عملوا الصالحات لهم مغفرة و اجر عظیم [illegible]

[illegible]

و الذین کفروا و کذبوا بآیاتنا اولئک اصحاب الجحیم [illegible]

[illegible] یا ایها الذین آمنوا اذکروا نعمة الله علیکم اذ هم قوم ان یبسطوا الیکم ایدیهم فکف ایدیهم عنکم و اتقوا الله و علی الله فلیتوکل المؤمنون [illegible]

[illegible]

[illegible] احادیث اصحاب عصمت علیهم الصلوة و السلام دلالت میکند [illegible]

[illegible] قراءت جر [illegible] قراءت نصب [illegible]

و کعبین [illegible] بعضی گفته‌اند [illegible]

[illegible] جنابت حاصل میشود [illegible] خواه در خواب و خواه در بیداری [illegible]

[illegible] علی بن جعفر از برادر خود موسی بن جعفر علیه السلام [illegible]

[illegible] واجب است غسل [illegible]

[illegible] علی علیه السلام [illegible] واجب میشود غسل [illegible]

[illegible]

و صنایع که اشتند خدا [illegible] و جعلنا قلوبهم قاسیة گردانیدیم دلهای ایشان را سخت و غلیظ [illegible]
میکند از قبول حق یعنی برداشتیم از ایشان توفیق و لطف [illegible] دلهای ایشان [illegible] یحرّفون الکلم عن مواضعه
تبدیل و تغییر میدهند سخن را از مواضع خود [illegible] صفت رسول صلی الله علیه و آله
[illegible] و نسوا حظا مما ذکروا به [illegible]
[illegible] رسول صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible]
[illegible] و لا تزال تطلع علی خائنة منهم الا قلیلا منهم [illegible]
[illegible]
[illegible] فاعف عنهم و اصفح [illegible]
[illegible] و من الذین قالوا انا نصاری اخذنا میثاقهم فنسوا حظا مما ذکروا به فاغرینا بینهم العداوة و البغضاء الی یوم القیمة [illegible]
[illegible]

[illegible]

چون ظلمات است از برای آنکه حیرانست در آن صاحبان آن چنانکه در ظلمات و ایمان چون نور است از برای آنکه راه نجات می یابد از آن صاحبان آن
یعنی باز دارد بتوفیق یا لطف خود و یهدیهم الی صراط مستقیم و هدایت میکند ایشان را بطریق حق که دین اسلامست تا بهشت لقد کفر الذین
قالوا ان الله هو المسیح ابن مریم قل فمن یملک من الله شیئا ان اراد ان یهلک المسیح ابن مریم وامه ومن فی الارض جمیعا ولله ملک السموات
والارض وما بینهما یخلق ما یشاء والله علی کل شیء قدیر بتحقیق کافر شدند آنانکه گفتند بدرستی که خدا او است مسیح پسر مریم بگو پس کیست که مالک باشد
از خدا چیزی را اگر خواهد که هلاک کند مسیح پسر مریم را و مادر او را و هر که در زمین است همه را و از خداست ملک آسمانها و زمین و آنچه میان آسمان و زمین است میآفریند
آنچه را میخواهد و خدا بر همه چیز توانا است لقد کفر الذین قالوا ان الله هو المسیح ابن مریم سوگند یاد کرد حق سبحانه و تعالی بآنکه کافر شدند آنانکه گفتند که خدا عیسی بن مریم است
و این اعتقاد گروهی از فرق نصاری است ایشان کافر شدند بواسطه آنکه وصف کردند محدث را بصفت خدا و اثبات کردند
صفت خدا از برای او که او خداست و هر که جاهل بخدا او کافر است و بعضی گفته اند که ایشان تصریح نکردند باین ولیکن اعتقاد ایشان اینست که عیسی
خلق میکند و زنده میکرد مرده را و بصیر است برابر عالم میکند پس از این کافر شدند و ابطال قول ایشان از قول ایشان که مسیح بن مریم ظاهر است چون
مریم دلالت میکند بحدوث و تولد او از مریم و ثابت است که محدث محتاج است بمحدث و نمیتواند که اله محتاج شود قل فمن یملک من الله شیئا یعنی بگو یا محمد کیست
که مالک شود از امر خدا چیزی را اگر منع کند آن را ان اراد ان یهلک المسیح ابن مریم وامه ومن فی الارض جمیعا اگر اراده کند خدا که هلاک کند
عیسی بن مریم را و مادر او را و هر که در زمین است جمیع یعنی هیچکس قادر نباشد و نتواند که منع کند خدا را از هلاک ایشان اگر اراده کند هلاک
ایشان را پس معلوم شد که مسیح مغلوب و مقهور است پس نتواند که او خدا باشد ولله ملک السموات والارض وما بینهما و از خداست ملک جمیع آسمانها و زمین و بوده م
در میان آسمان و زمین است یخلق ما یشاء خلق میکند هر چه میخواهد اگر میخواهد خلق میکند بی پدر و مادر چون آدم و اگر خواهد خلق میکند بی پدر و مادر چون
عیسی و اگر خواهد خلق میکند از پدر و مادر پس اینکه عیسی بی پدر مخلوق شده دلالت نمیکند بر الوهیت او والله علی کل شیء قدیر و خدا بر همه چیز قادر و توانا است
پس او سبب خدا الا اله تعالی الله عما یشرکون وقالت الیهود والنصاری نحن ابناء الله واحباؤه قل فلم یعذبکم بذنوبکم بل انتم بشر ممن خلق
یغفر لمن یشاء ویعذب من یشاء ولله ملک السموات والارض وما بینهما والیه المصیر و گفتند جهودان و ترسایان که ما پسران خدائیم و دوستان او بگو
از برای چه عذاب میکند شما را بگناهان شما بلکه شما آدمیانید از آنان که او آفریده است خدا ایشان را میآمرزد هر کرا که میخواهد و عذاب میکند هر کرا که
میخواهد و از خداست ملک آسمانها و زمین و آنچه میان آنهاست و بسوی اوست بازگشت گفته اند که جمعی از یهود گفتند که ما در قرب منزلت از خدا بمنزله
پسر اوئیم و نصاری گفتند چنانکه مسیح پسر خداست پس ایشان خدا و دوستان اوئیم و بعضی گفته اند که یهود گفتند برسول صلی الله علیه و آله در وقتی
که ترسانید ایشان را از عذاب خدا که ما را یا محمد از عذاب چه اگر ما پسران خدا و دوستان اوئیم پس اگر غضب کند بر ما چنان خواهد
بود که غضب کند شخصی بر فرزندان خود یعنی زود زایل میشود آن پس حق جل و علا خبر داد که وقالت الیهود والنصاری نحن ابناء الله واحباؤه
فرمود رسول را صلی الله علیه و آله قل بگو یا محمد این دروغ گویان را فلم یعذبکم بذنوبکم پس از برای چه عذاب میکند شما را اگر چنانست که
شما میگوئید یعنی پدر و دوست عذاب نمیکند پسر و دوست خود را و حال آنکه شما میگوئید که عذاب میکند شما را خدا چنانکه نقل فرمود که قالوا لن تمسنا النار
الا ایاما معدودات و دیگر آنکه اگر شما ابناء الله میبودید از شما قبایح صادر نمیشد که آن مستوجب عذاب شوید و اگر دوستان خدا
میبودید عصیان خدا نمیکردید بل انتم بشر ممن خلق بلکه شما آدمیانید از بنی آدم که خلق کرده است ایشان را خدا و نیک و بدی کردند
جزای آن را چون دیگران و نیست شما را نزد خدا الا آنچه از برای هر شما است یغفر لمن یشاء ویعذب من یشاء میآمرزد هر کرا که میخواهد از اهل طاعت و عذاب
میکند هر کرا که میخواهد از اهل معصیت ولله ملک السموات والارض و همین از خداست ملک آسمانها و زمین و هر دو
وما بینهما و از او است آنچه مابین آسمانها و زمین است پس جمیع ملک اویند پس او منزه است از فرزند والیه المصیر و همان بسوی او است بازگشت جمیع خلقان
یا اهل الکتاب قد جاءکم رسولنا یبین لکم علی فترة من الرسل ان تقولوا ما جاءنا من بشیر ولا نذیر فقد جاءکم بشیر ونذیر والله علی کل شیء قدیر ای گروه
اهل کتاب بتحقیق که آمد شما را رسول ما که بیان میکند از برای شما در زمان انقطاع پیغمبران تا نگوئید تیمه م
که نیامد ما را هیچ بشارت دهنده و بیم کننده پس بتحقیق که آمد شما را بشارت دهنده و بیم کننده و خدا بر همه چیز قادر است حق تعالی شانه خطاب نمود یهود
و نصاری و تمام کرد حجت را بر ایشان بفرستادن رسول که محمد است صلی الله علیه و آله بقول خود که یا اهل الکتاب قد جاءکم رسولنا و او رسول ما است
رسول صلی الله علیه و آله ظاهر است یبین لکم روشن و بیان میکند رسول از برای شما بیان میکند دین
میکند آنچه شما پنهان میکنید آن علی فترة من الرسل از رسول که منقطع بود میان عیسی و محمد بود

صلی الله

صلی الله علیه و آله و در انجیل است که فترت پانصد و شصت سال بود یا چهار صد و شصت هجری یا پانصد هجری یا پانصد و شصت و نه سال بود یا ششصد بود یا چهار صد و هفتاد
و هجری بود و خلاف است و گفته اند که بعد از عیسی تا محمد صلی الله علیه و آله چهار پیغمبر آمدند سه از ایشان از بنی اسرائیل چنانکه در قول خود که اذ ارسلنا الیهم
اثنین فکذبوهما فعززنا بثالث و چهارم را اند و بعضی گفته اند که خالد بن سنان بود و از عرب بود و مدت این پیغمبران صد و سی و چهار سال
بود و ما بقی فترة بود و مسیح پیغمبری بود ان تقولوا ما جاءنا من بشیر ولا نذیر یعنی البته قد جاءکم رسولنا کراهة ان تقولوا ما جاءنا یا ان لا تقولوا ما جاءنا
یعنی آمد شما را رسول ما بواسطه کراهت آنکه گوئید که نیامد ما را بشارت دهنده و کراهت که مضاف است و مفعول له محذوف است آنکه گوئید که نیامد
ما را بشارت دهنده که کلام محذوف باشد فقد جاءکم بشیر ونذیر پس بتحقیق که آمد شما را محمد صلی الله علیه و آله که بشارت دهنده است مومنان و مطیعان را
بثواب و ترساننده است کافران و عاصیان را بعقاب والله علی کل شیء قدیر ظاهر است واذ قال موسی لقومه یا قوم اذکروا نعمة الله علیکم
اذ جعل فیکم انبیاء وجعلکم ملوکا وآتاکم ما لم یؤت احدا من العالمین و یاد کن که گفت موسی قوم خود را که ای قوم من یاد کنید نعمت خدا را بر شما چون گردانید
در میان شما پیغمبران را و گردانید شما را پادشاهان و داد شما را آنچه نداد هیچ یکی را از عالمیان حق تعالی شانه بواسطه تسلی رسول صلی الله علیه
و آله ذکر میفرماید مخالفت یهود را با پیغمبر خود موسی علیه السلام که اذ قال موسی لقومه اذکروا نعمة الله علیکم مراد ظاهر است اذ جعل فیکم انبیاء
نعمت اینست که مبعوث گردانید در میان شما پیغمبران که خبر میکنند شما را باخبار غیب و بیان میکنند از برای شما شرایع و دین او را
بواسطه ایشان در شما و مسیح است از پیغمبر نبود که بنی اسرائیل او و بعضی گفته اند که مراد پیغمبران بعد از موسی اند تا زمان عیسی علیه
السلام وجعلکم ملوکا و گردانید شما را پادشاهان یا بسبب ملک شما گردانید بعد از فرعون ملک او را و بعد از ملوک جبابره ملکهای ایشان را و بعضی
گفته اند یا یکدیگر مثل ملوک بود و خویشان گردانید شما را ایشان و بعضی گفته اند که ملک آنست که او را خانه واسع باشد
که در آن آب جاری باشد و بعضی گفته اند که آنست که او را خانه و خدمتکاران باشد و بعضی گفته اند که او را مال باشد که محتاج نباشد باعمال شاق که آنست او
و گفت و بعضی گفته اند که ملوک بودند من و سلوی و سنگی که آب از برای ایشان روان میشد و ابری که در بیابان سایه بر ایشان می انداخت و بعضی گفته اند که ملک بازان م
ایشان این بود که صاحبان منزلها و خدمتکاران بودند و کسی داخل منازل ایشان نمیشد الا باذن ایشان و هر که چنین است او پادشاه است
از رسول صلی الله علیه و آله که هر که او صباح کند و ایمن باشد در راه او و عافیت باشد در بدن او و او را باشد قوت روز او پس گویا که گرد کرده شده است
از برای او تمام دنیا وآتاکم ما لم یؤت احدا من العالمین و داد شما را آنچه نداد هیچ یکی را از عالمیان از ارسال کثیری از پیغمبران و شکافتن دریا و غرق کردن
دشمنان و سایه ابر و فرود آمدن من و سلوی و غیر این از امور عظام و بعضی گفته اند که مراد از عالمین عالمین زمان ایشانست یا قوم ادخلوا الارض المقدسة
التی کتب الله لکم ولا ترتدوا علی ادبارکم فتنقلبوا خاسرین ای قوم من داخل شوید در زمین پاکیزه که نوشته است خدا از برای شما و باز مگردید
بر عقبهای خود که پس باز گردید زیان کاران حق عز شانه حکایت قول موسی بقوم او میکند که یا قوم یعنی گفت موسی بقوم خود که ای گروه من ادخلوا
الارض المقدسة درآئید در این ارض مقدسه که مامور بودند بدخول آن چنانست که بیت المقدس بود یا طور یا دمشق یا فلسطین یا اردن یا شام التی
کتب الله لکم گفته اند که یعنی نوشته است خدا در لوح محفوظ که آن زمین از شما است و بعضی گفته اند که یعنی بخشیده است خدا آن را بشما و بعضی گفته اند که یعنی امر کرده
شما را بدخول آن و آن ارض مقدسه را از برای این میگویند که پاکیزه است از شرک و مسکن پیغمبران و مومنان است ولا ترتدوا علی ادبارکم یعنی
باز نگردید از آن زمین که مامور شدید بدخول آن از خوف جبابره گفته اند که نقباء بنی اسرائیل صفت جبابره با ایشان کردند ایشان گریه کردند و زاری کردند
و گفتند ای کاشکی مرده بودیم در مصر و گفتند بیائید سرداری از خود بسازیم و باز بمصر گردیم گفت موسی علیه السلام که ولا ترتدوا علی ادبارکم و جایز است که معنی
این باشد که مرتد شوید و باز گردید از دین خود بمخالفت امر خدا و عصیان رسول فتنقلبوا خاسرین پس باز گردید زیانکاران در دنیا و آخرت
منتشران که چون گذشتند بنی اسرائیل از دریا و هلاک شد فرعون و فرعونیان امر فرمود حق تعالی شانه بنی اسرائیل را بدخول ارض مقدسه پس چون موسی م
رسیدند بنهر اردن ترسیدند از دخول پس فرستاد موسی علیه السلام از هر سبط از بنی اسرائیل مردی را و ایشان دوازده نقیب بودند چنانکه فرمود وبعثنا منهم اثنی
عشر نقیبا پس چون داخل شدند دیدند که صاحب قوت و عظیم الشان اند باز گردیدند و موسی را از آن خبر دادند فرمود که پنهان دارند
از بنی اسرائیل پس نافرمانی کردند الا یوشع بن نون که از سبط یوسف بود و کالب بن یوفنا که از سبط یهودا بود و خلاف امر موسی کردند
و قوم را از آن خبر کردند چون این فاش شد در میان ایشان گفتند اگر داخل این زمین شویم زنان و فرزندان ما غنیمت کرده
گردند و خواستند که یوشع و کالب را سنگسار کنند پس موسی علیه السلام خشمناک شد و فرمود که رب انی لا املک الا نفسی واخی ای پروردگار من مالک
نیستم الا نفس خود و برادر خود را پس وحی کرد خدا بسوی او که ایشان حیران در آن زمین بمانند چهل سال و بیرون نیایند از آن بواسطه عصیان خدا

گرد در این اربعین چهل سال [illegible] در شانزده فرسخ در نه فرسخ یا در نه فرسخ در شش فرسخ علی الخلاف و ایشان ششصد هزار مرد جنگی بودند که [illegible]
ایشان را جامه متولد میشد و آن بزرگ میشد با ایشان و فرود میآمد از برای ایشان هر روز من و سلوی و مردند نقبا ایشان در آن بیابان
الا یوشع و کالب و اکثر ایشان مردند و فرزندان ایشان نشو و نما کردند تا آنکه فتح کردند اریحا را و اهل آن شدند بعضی گفته اند که موسی و یوشع
فتح اریحا کردند و بعضی گفته اند که یوشع بعد از وفات موسی اریحا را فتح کرد و گفته اند که قوم در محاربه بودند که آفتاب غروب کرد پس دعا کرد یوشع
که حق تعالی آفتاب را باز گردانید تا آنکه فتح نمودند اریحا را و گفته اند که وفات موسی و هارون در آن بیابان بوده و هارون یک سال قبل از موسی فوت
کرد و عمر موسی صد و بیست سال بود و در زمان افریدون و منوچهر و عمر یوشع صد و بیست و شش سال بود و [illegible] سال [illegible] بود بعد از موسی در بنی
اسرائیل و تدبیر امور ایشان بود والله اعلم قالوا یا موسی ان فیها قوما جبارین [illegible] یعنی گفتند قوم
موسی که ای موسی بدرستی که در ارض مقدسه اند قومی که جباران و با قوت و شدت اند گویند که چون دوازده نقیب [illegible] اهل ارض مقدسه شدند [illegible]
مردی از جباران که او را عوج میگفتند گرفت ایشان را و با میوه که از باغ چیده بود در آستین کرد و آورد ایشان را [illegible] پیش پادشاه [illegible]
[illegible] که اینها اراده قتال ما دارند [illegible] پادشاه این را [illegible] و گفته اند که [illegible]
[illegible] و بلندی موسی علیه السلام ده ذرع بود و عصای او ده ذرع
و جهید [illegible] از زمین ده ذرع و رسانید عصا را بکعب عوج [illegible] حق تعالی [illegible] و گفته اند که بلندی [illegible] ششصد ذرع بود و [illegible]
حتی یخرجوا منها فان یخرجوا منها فانا داخلون و بدرستی که ما داخل نشویم در آن زمین تا آنکه بیرون آیند قوم جباران از آن پس اگر بیرون آیند از آن
پس بدرستی که ما داخل شویم [illegible] قال رجلان من الذین یخافون انعم الله علیهما ادخلوا علیهم الباب فاذا دخلتموه
فانکم غالبون گفتند دو مرد از آنان که میترسیدند [illegible] بودند [illegible] انعام کرده بود بر ایشان باسلام و ایمان که داخل شوید بر
جباران از باب شهر ایشان پس چون داخل شوید [illegible] پس بدرستی که شما غلبه [illegible] گفته اند که آن دو مرد یوشع و کالب بودند که از
خدا ترسان و متقیان بنی اسرائیل بودند و بعضی گفته اند که از قوم جباران بودند و چون خبر موسی شنیدند تابع او شدند و باسلام در آمدند [illegible]
[illegible] بنی اسرائیل [illegible] و تقدیر [illegible] من الذین یخافهم بنی اسرائیل و انعام خدا ایشان را [illegible] اسلام
و طاعت [illegible] بنی اسرائیل [illegible] از قول موسی [illegible]
[illegible] و علی الله فتوکلوا ان کنتم مؤمنین و بر خدا پس توکل کنید اگر هستید ایمان آورندگان [illegible]
آن دو مرد قوم موسی را بتوکل کردن بر خدا در نصرت مؤمنان بر کافران قالوا یا موسی انا لن ندخلها ابدا ما داموا فیها فاذهب انت و ربک
فقاتلا انا ههنا قاعدون گفتند قوم موسی که ای موسی بدرستی که ما البته داخل نشویم این زمین را مادام که جباران در آن باشند پس برو تو و پروردگار تو
قتال کنید [illegible] ما در اینجا [illegible] نهایت انکار و عصیان [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
خدا و رسول او موسی [illegible] گفتند موسی [illegible] یا موسی [illegible]
[illegible] که موسی و هارون [illegible] قوم [illegible]
[illegible] قد [illegible] اللذین [illegible] الیهود [illegible]
[illegible] قال رب انی لا املک الا نفسی و اخی فافرق بیننا و بین القوم الفاسقین [illegible]
[illegible] و میان این قوم فاسقان [illegible]
[illegible]
الا نفسی و ان اخی لا یملک الا نفسه [illegible]
[illegible] فافرق بیننا و بین القوم الفاسقین [illegible]
ایشان از حق و صواب بواسطه عصیان و نافرمانی خدا و از این بود که حیران ماندند در بیابان یا معنی این است که خدا [illegible]

ما و میان

ما و میان قوم فاسقان بهشت و دوزخ قال فانها محرمة علیهم اربعین سنة یتیهون فی الارض فلا تاس علی القوم الفاسقین پس حیران شدند [illegible]
گفت خدا که پس بدرستی که ارض مقدسه حرام است بر ایشان چهل سال حیران میباشند در آن زمین پس غمگین مباش برای قوم فاسقان [illegible]
اربعین سنة [illegible] فانها محرمة علیهم بعد از آنکه [illegible] ادخلوا الارض المقدسة التی کتب الله لکم [illegible] حرام شد یعنی ممنوع شد دخول آن ارض بر ایشان [illegible]
[illegible] چهل سال [illegible] چهل سال [illegible]
[illegible] یتیهون فی الارض [illegible] چهل سال [illegible]
[illegible]
[illegible] من و سلوی [illegible]
[illegible]
[illegible] موسی و هارون [illegible]
[illegible]
[illegible] موسی [illegible] یوشع [illegible]
[illegible] یوشع و کالب [illegible] فلا تاس علی القوم الفاسقین [illegible]
[illegible]
[illegible] واتل علیهم نبا ابنی آدم بالحق اذ قربا قربانا فتقبل من احدهما و لم یتقبل من الآخر قال لاقتلنک قال انما یتقبل الله من المتقین
[illegible]
[illegible] آدم [illegible] هابیل [illegible]
[illegible] قابیل [illegible]
[illegible] هابیل [illegible] قابیل [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] هابیل [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
فصل [illegible] هابیل [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] بنی آدم [illegible]
[illegible] انما یتقبل الله من المتقین

[illegible] و شرب خمر و زنا و فواحش [illegible] غرق گردانید حق سبحانه [illegible] طوفان نوح علیه السلام [illegible]

من اجل ذلک کتبنا علی بنی اسرائیل انه من قتل نفسا بغیر نفس او فساد فی الارض فکانما قتل الناس جمیعا و من احیاها فکانما احیا الناس جمیعا و لقد جاءتهم رسلنا بالبینات ثم ان کثیرا منهم بعد ذلک فی الارض لمسرفون [illegible]

[illegible]

فی الارض

[illegible]

فی الارض بروی زمین

[illegible]

[illegible]

[illegible]

نزدیک

[illegible]

وجهت باشد قصد کرده و سرکش از ایشان [illegible] گشته و شتران ایشان را برده و مرتد شدند پس پیغمبر صلی الله علیه وآله علی الطلب ایشان فرستاد ایشان را در یافت
و نیت پس یافت حیران و سرگردان و بیرون نتوانستند شد ایشان را اسیر کرده بخدمت رسول صلی الله علیه وآله آورد و پس این آیه نازل شد پس
پیغمبر صلی الله علیه وآله فرمود تا دست و پای ایشان را از خلاف قطع فرمود و این [illegible] نمود و [illegible] جزاء الذین یحاربون الله و رسوله
کرامت فرماید الذین یحاربون اولیاء الله و رسوله یعنی جزاء آنان که محاربه میکنند با اولیاء خدا و مسلمانان و با رسول خدا و یسعون فی الارض
فسادا و سعی میکنند در روی زمین بفساد ان یقتلوا اگر کشته شوند و [illegible] از اهل البیت علیهم السلام که محاربه بتیغ و سلاح میکنند
و میترسانند مردمان را [illegible] در شهر باشند و میان مردمان [illegible] در بیرون و بیابان او یصلبوا او [illegible] او تقطع ایدیهم وارجلهم من خلاف
او ینفوا من الارض بعضی گفته اند که او از برای تخییر واباحت چنانچه مرویست از صادق علیه السلام که این برای امامست اگر میخواهد قطع میکند
و اگر میخواهد از شهر بیرون میکند و اگر میخواهد [illegible] میکند و اگر میخواهد میکشد [illegible] سوال کرد که او را بیرون میکند [illegible] فرمود که بیرون میکند از شهری بشهر
دیگر و بعضی گفته اند که او از برای ترتیب و حدیث مذکور محمول [illegible] حکم چنان است که روایت کرد ابو عبیده گفت سوال کردم از صادق علیه السلام
از قاطع الطریق و گفتم اهل سنت میگویند که امام در آن مخیر است هر چه خواهد میکند با ایشان فرمود که نیست آنکه هر چه میخواهد میکند با ایشان
میکند با ایشان باندازه جنایت ایشان هر کس قطع طریق کرده است و کشته است و مال برده است دست و پای او را قطع میکند و او را بدار میکند
[illegible] قطع طریق کرده است و کشته است و مال نبرده است میکشد او را و هر که قطع طریق کرده است و مال برده است و نکشته است دست و پای او را
قطع میکند و هر که قطع طریق کرده است و مال نبرده است و نکشته است او را از شهر بیرون میکنند و در روایت که سوال کرد [illegible] از صادق علیه السلام
از قول خدا تعالی که انما جزاء الذین یحاربون الله و رسوله تا آخر آیه که محاربه موجب چه چیز میشود چون بعمل آورد یکی از این چهار خصلت فرمود که چون محاربه
خدا و رسول او و سعی کند در زمین بفساد پس بکشد شخصی را کشته میشود و اگر بکشد و برد مال کشته میشود و بر دار کشیده میشود و اگر برد مال و نکشد قطع میشود دست
و پای او از خلاف یعنی دست راست و پای چپ او بریده میشود و اگر نکشد و محاربه کند با اولیاء خدا و رسول او و سعی فساد کند در زمین [illegible]
او را از آن شهر بیرون میکنند راوی سوال کرد که چگونه او را بیرون میکنند و حد آن چیست فرمود که بیرون میکنند او را از آن شهر که این عمل کرده [illegible]
بشهر دیگر و مینویسند باهل آن شهر که او را از شهر بیرون کرده اند پس با وی منشینید و خرید و فروش مکنید و نکاح مکنید و با وی طعام مخورید و میاشامید
پس چنین میکنند با وی یک سال و اگر از آن شهر بشهر دیگر رود مینویسند باهل آن شهر مثل این تا آنکه تمام شود سال [illegible] بگوید [illegible] فی الدنیا
[illegible] داخل آن شود و فرمود که قتال میکنند با ایشان [illegible] عقوبت که ذکر شد لهم خزی فی الدنیا ایشان را خواری و رسوائیست در دنیا و لهم
فی الآخرة عذاب عظیم و از برای ایشان آماده است در آخرت عذاب عظیم زیاده از عذاب دنیا الا الذین تابوا من قبل ان تقدروا علیهم
ان الله غفور رحیم [illegible] ان الله غفور رحیم [illegible]
[illegible] مخصوص است بحق الله که آن [illegible] ساقط میشود اما حق الناس که کشته باشند یا مجروح کرده باشند یا مال او برده باشند آن ساقط نمیشود الا
[illegible] عفو صاحبان و قول خدا تعالی که من قبل ان تقدروا علیهم [illegible] توبه کنند [illegible] تا وجوب حد [illegible] ساقط میکند اما اگر
توبه کنند بعد از [illegible] حد و عقوبت دنیا را ساقط نمیکند و اگر چه عقوبت آخرت را ساقط میکند یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله
وابتغوا الیه الوسیلة وجاهدوا فی سبیله لعلکم تفلحون وسیله نبود در [illegible] یعنی ای آنانکه ایمان آورده اید بترسید خدا را و طلب کنید بسوی او آنچه نزدیک
شوید و جهاد کنید در راه او تا آنکه رستگار شوید یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله یعنی بپرهیزید از ترک طاعت او و ارتکاب کنید از عصیان [illegible]
او وابتغوا الیه الوسیلة و طلب کنید آنچه توسل کنید و قرب وی را از اعمال مجرده از ریا و خالصه از شرک بلکه محض امتثال امر و نواهی او و گفته اند که وسیله عبادت [illegible]
و از [illegible] [illegible] زرگ و [illegible] فکر در آن کنید که [illegible] الله [illegible] و عالم الطف در این [illegible] ملکوت [illegible]
والارض [illegible] در [illegible] الله [illegible] [illegible] علیه السلام مرویست که طلب کنید وسیله از خدا تعالی [illegible] بعضای او
او بعضی گفته اند که وسیله افضل درجات بهشت است و در روایت از رسول صلی الله علیه وآله فرمود سوال کنید از خدا از برای من وسیله [illegible]
از بهشت که [illegible] الا یک بنده و امید وارم که من باشم آن بنده و از علی بن ابی طالب علیه السلام مرویست که فرمود در بهشت دو مروارید
[illegible] از زینت [illegible] یکی سفید و دیگری زرد [illegible] است مروارید سفید وسیله محمد است صلی الله علیه وآله و اهل بیت [illegible]
وسیله از بهشت و اهل بیت او [illegible] ابو سعید خدری مرویست که فرمود رسول صلی الله علیه وآله اگر سوال کنید وسیله را از خدا تعالی از برای من [illegible]
یا رسول الله وسیله چیست فرمود درجه ایست از برای من [illegible] [illegible] و یکبار [illegible]

جوهری که [illegible] یکی از یاقوت و یکی از طلا و یکی از نقره و در وسط [illegible] در میان درجات پیغمبران که در آن [illegible] درجات پیغمبران چون
ماه باشد در میان ستارگان هیچ پیغمبر و صدیقی نباشد الا آنکه گوید خوشا حال آنکه این درجه او است ندا آید از جانب خدا که این درجه محمد است صلی الله
علیه وآله پس بیرون آیم [illegible] نور پوشیده و تاج کرامت بر سر نهاده و علی بن ابی طالب در پیش من لواء حمد بدست گرفته و بر وی نوشته که لا اله الا الله محمد
رسول الله المفلحون هم الفائزون چون بر پیغمبران بگذریم گویند که این دو [illegible] مقرب اند که ایشان را نمیشناسیم و چون بر [illegible] بگذریم گویند که این دو
مرسلند پس بر بالا روم بر درجه رفیع خود و نشینم و علی از من یک درجه فروتر نشیند پس هیچ پیغمبر و صدیق و شهیدی نباشد الا آنکه گوید خوشا حال
این دو بنده چه عجب بزرگوارند نزد خدا تعالی پس ندا آید از جانب حق عز شانه بخلایق [illegible] بشنوید که این [illegible] حبیب من محمد است صلی الله علیه
وآله و این ولی من علی است علیه السلام خوشا حال آنکه دوست دارد ایشان را و وای بر آنکه دشمن دارد ایشان را پس [illegible] با علی [illegible] از دوستان
تو باشد الا که این شود [illegible] و [illegible] سعید شود و شاد گردد و هیچ کس از دشمنان تو نباشد الا که این شود و روی او سیاه شود و از خوف بلرزد [illegible]
شود و در این حال دو فرشته از جانب خدا تعالی یکی رضوان خازن بهشت و یکی مالک خازن دوزخ رضوان گوید السلام علیک یا احمد
گویم علیک السلام کیستی تو چنین نیکو روی و خوشبوی گوید من رضوانم و این کلیدهای بهشت است خدا تو را فرستاده است که این بهشت را [illegible] قبول
کنم و خدا را شکر کنم و کلیدها را به علی بن ابی طالب دهم [illegible] پس مالک بیاید و سلام کند جواب دهم و گویم کیستی تو که روی تو چنین
هولناک و دیدن تو چنین ترسانده است گوید که من مالک خازن دوزخم و این کلیدهای دوزخ خدا تعالی بتو فرستاده است که با دوزخ
ده [illegible] تو خواهی پس قبول کنم و خدا را شکر کنم و کلیدها را به علی [illegible] [illegible] دوزخ [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
که علی علیه السلام [illegible] [illegible] دوزخ گوید [illegible] علی [illegible] [illegible] علی علیه السلام گوید [illegible] دوزخ [illegible] [illegible]
[illegible] دوست [illegible] [illegible] دوزخ [illegible] [illegible] یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله
وابتغوا الیه الوسیلة یعنی [illegible] طلب کنید بخدا وسیله امام و جاهدوا فی سبیله و جهاد کنید در راه دین خدا با دشمنان خدا بدست و زبان و [illegible]
[illegible] لعلکم تفلحون [illegible] [illegible] ان الذین کفروا لو ان لهم ما فی الارض جمیعا و مثله معه
لیفتدوا به من عذاب یوم القیامة ما تقبل منهم ولهم عذاب الیم [illegible] یعنی [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
است [illegible] [illegible] عذاب روز قیامت قبول نمیشود از ایشان [illegible] [illegible] ان الذین کفروا
هر یک از کافران لو ان لهم ما فی الارض جمیعا اگر ثابت شود از برای ایشان آنچه در زمین است [illegible] ملک و حکم و مثله معه و مانند آن
[illegible] روی زمین است لیفتدوا به تا آنکه فدا کنند [illegible] [illegible] یوم القیمة از عذاب روز قیامت [illegible]
منهم قبول نمیشود آن فدا از ایشان [illegible] [illegible] [illegible] ولهم عذاب الیم
[illegible] روایت [illegible] صلی الله علیه وآله [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] عذاب [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] یریدون ان یخرجوا من النار وما
هم بخارجین منها ولهم عذاب مقیم [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
عذابی دائم بعضی گفته اند [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] دوزخ [illegible] والسارق والسارقة فاقطعوا ایدیهما جزاء بما کسبا نکالا من الله والله عزیز حکیم
[illegible] یعنی آن مرد دزد [illegible] و آن زن دزد [illegible] پس ببرید دستهای ایشان را [illegible] جزاء [illegible] [illegible]
عقوبت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] والسارق والسارقة
فاقطعوا ایدیهما [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] السارق والسارقة [illegible] [illegible] فاقطعوا
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] دزد است پس ببرید دستهای ایشان را [illegible]
[illegible] والسارقة [illegible] [illegible] فاقطعوا [illegible] [illegible] [illegible] که الذی سرق والتی سرقت فاقطعوا
یعنی [illegible] دزدی کند پس قطع کنید دستهای ایشان را [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
که فاقطعوا است [illegible] [illegible] [illegible] احادیث [illegible] علیهم السلام و آن این است که [illegible] دست او را اگر
آنچه دزدیده است ربع دینار [illegible] باشد و از حرز بیرون آورده باشد یعنی از جائی که غیر مالک [illegible] [illegible] [illegible]

از برای جزای [illegible] [illegible] [illegible] ایشان [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

جایز [illegible]

[illegible]

کمتر از ده

در آن مال شریک نباشد که اگر قیمت آن ... باشد یا اگر مال از حرز بیرون نیاورده باشد ... مالک او در آن ...
جایز باشد چون حمام و مسجد یا آنکه مالی باشد که خود در آن شریک باشد مثل غنیمت ... دست او را قطع میکنند و ... اگر در سال ... دزدی کند
دست او بریده شود ... اول او را ... قطع میکنند دست ... او ... پای چپ او ... اگر دیگر دزدی کند او را دایم
در زندان میکنند ... که اگر دیگر در زندان ... دزدی کند میکشند او را ... سوال کرده از صادق علیه السلام که از برای چه دست راست
و پای چپ دزد قطع میکنند و دست راست او با پای راست او قطع نمیکنند ... فرمود که خوب سوالیست ... از برای آنست که اگر دست راست
و پای راست او قطع میکنند ... جانب چپ ... قدرت ... ندارد ... چون دست راست ... قطع شود ...

[illegible]

کفار و متمرد که آن کتاب هدایت است انا انزلنا التوراة فیها هدی و نور یحکم بها النبیون الذین اسلموا للذین هادوا والربانیون والاحبار بما استحفظوا
من کتاب الله وکانوا علیه شهداء فلا تخشوا الناس واخشون ولا تشتروا بآیاتی ثمنا قلیلا ومن لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون

[illegible]

باشند مثل آن و غیر اینها از اعضا آن هم همچنین باشند اما در موضحه که زخمی است که گوشت را بشکافد و استخوان رسیده باشد و جائفه که آن زخم که تا جوف و اندرون رسیده باشد
در آن قصاص نیست بلکه دیه میگیرند از برای آنکه در قصاص خوف هلاکت است فمن تصدق به پس هر کس که ببخشد جانی را روی گرده باشد یعنی کسی از اولیای
او تصدق کند آن قصاص را یا بکشد جانی را یعنی گذشته است از موروث او فهو کفارة له پس آن تصدق کفاره است از برای آن
یا ولی جان مقتول از برای او نزد خدای تعالی و مرویست از صادق علیه السلام که کفاره میشود از گناهان او بقدر آنچه عفو کرده از جراحت
و غیر آن و مرویست از پیغمبر صلی الله علیه و آله که هر که تصدق کند چیزی از بدن خود را میشود از وی خدای تعالی گناهان او را بقدر آن و بعضی گفته اند
که ضمیر راجع است بجانی که تصدق کرده است بمجروح یعنی بروی تصدق عفو او سبب کفاره جانی میشود نزد خدای تعالی و من لم یحکم بما انزل
الله فاولئک هم الظالمون ظالمان اند چنانست یعنی هر که حکم کند بخلاف آنچه خدا نازل کرده است پس آن گروه ایشانند که ظالمانند بعلت آنکه
بار تکاب معصیت و قفینا علی آثارهم بعیسی بن مریم مصدقا لما بین یدیه من التوراة و آتیناه الانجیل فیه هدی و نور و مصدقا لما بین یدیه
من التوراة و هدی و موعظة للمتقین یعنی بعقب پیغمبران در آوردیم از پی آثار ایشان ... در آوردیم پیغمبران عیسی بن مریم را
در حالی که باور دارنده بود مر آنچه را که پیش از آن بود از توریة و دادیم او را انجیل را در حالی که در آن هدایت ... بود از برای
خلق و بشارت بعد از آن ... و یهود و نصاری ... و قفینا علی آثارهم یعنی از پی آن پیغمبران که یحکم بها النبیون
آثارهای ایشان بعیسی بن مریم مفعول دوم قفینا است و متعدی شده است بباء و مفعول اول محذوف است و تقدیر آن ...
است مصدقا حالست از عیسی لما بین یدیه مفعول مصدقا است من التوراة بیان ما بین یدیه است یعنی در حالی که عیسی مصدق آنچه پیش او بود
توریة است بود و آتیناه الانجیل فیه هدی و نور حال است از انجیل یعنی دادیم عیسی را انجیل حال آنکه در انجیل هدایت و ارشاد است و نور است
بیان راه می نماید چنانچه روشنی و مصدقا لما بین یدیه من التوراة و انجیل تصدیق کننده توریة است که آنچه در آنست حقست و واجب العمل است
آن و هدی و موعظة راه نماینده و پند دهنده است انجیل للمتقین پرهیزکاران را تا منع کند ایشان را از معاصی و بخواند ایشان را بطاعت
و لیحکم اهل الانجیل بما انزل الله فیه و من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الفاسقون و باید که حکم کنند اهل انجیل بآنچه نازل گردانیده است خدا در آن
و هر کس حکم نکند بآنچه نازل گردانیده است خدا پس آن گروه ایشانند فاسقان یعنی گفته اند که ظالم و فاسق جمع شد که موصوفست ...
که حکم کند بآنچه نازل گردانیده است خدا و بعضی گفته اند کافر آنست که منکر است حکم خدا را و ظالم و فاسق آنست که مقر است و بخلاف آن حکم کند
و انزلنا الیک الکتاب بالحق مصدقا لما بین یدیه من الکتاب و مهیمنا علیه فاحکم بینهم بما انزل الله و لا تتبع اهواءهم عما جاءک من الحق
لکل جعلنا منکم شرعة و منهاجا و لو شاء الله لجعلکم امة واحدة و لکن لیبلوکم فی ما آتیکم فاستبقوا الخیرات الی الله مرجعکم جمیعا فینبئکم بما کنتم فیه تختلفون
مهیمن حافظ و نگاهبان و حاکم و گواه و دانا ... خدای تعالی که شهید است از برای بندگان ... یعنی فرو فرستادیم
بسوی تو ای کتاب را بحق در حالی که تصدیق میکند مر آنچه را که پیش از آن است از کتاب ... پس حکم کن میان ایشان بآنچه نازل
کرده است خدا و پیروی مکن آرزوهای ایشان را از آنچه آمده است ترا از حق از برای هر یک از شما گردانیدیم شریعتی و راهی و اگر میخواست خدا
میگردانید شما را یک امت و لیکن تا بیازماید شما را در آنچه داده است شما را پس پیشی گیرید در خیرات بسوی خدا است بازگشت شما همه پس خبر دار
میکند شما را بآنچه هستید در آن اختلاف میکنید چون ... بعد از بیان نبوت موسی و عیسی علیهما السلام بیان نبوت محمد صلی الله علیه و آله و
ذکر قرآن کرد و انزلنا الیک الکتاب و فرو فرستادیم بتو یا محمد این کتاب را که قرآنست بالحق بعدل و صدق ... مصدقا لما بین یدیه من الکتاب
و موافق هر چه پیش از آنست از کتاب ها توریة و انجیل ... در توحید خدای تعالی و عدل او ... نبوت پیغمبر او و حکم رجم ...
در قتل و غیر این و مهیمنا علیه و این قرآن گواه و حافظ و نگاهبان آنست که نازل شده است قبل از این ... فاحکم بینهم بما انزل الله
پس حکم کن یا محمد میان مردمان بآنچه خدا نازل کرده است ... که حکم کنند میان اهل کتاب بحکم قرآن ...
اسلام و لا تتبع اهواءهم و پیروی مکن خواهشهای ایشان را ... از رجم و قصاص عما جاءک من الحق که عدول کرده ...
آمد ترا حکم قرآنست و رسول صلی الله علیه و آله ... معصومست و پیروی ایشان ... کند آن ...
لکل جعلنا منکم شرعة و منهاجا از برای هر یک از امت موسی و عیسی و محمد صلی الله ... گردانیدیم شریعتی و راهی و از برای هر یک از امت محمد صلی الله علیه و آله
و لو شاء الله لجعلکم امة واحدة و اگر میخواست خدا میگردانید شما را یک ملت و شرع ...
و لکن لیبلوکم فی ما آتیکم و لیکن گردانید شما را در شرایع مختلفه تا بیازماید شما را در آنچه فرض کرده است بر شما ...

کنایات م

موجب عقاب م

یهود و عیسی م

علیه و آله م

دیگر

در کتاب و احادیث و بعضی گفته اند که اگر میخواست جمیع شما را یک امت میگردانید بآنکه نمیفرستاد بشما هیچ پیغمبری و جمیع عبادات میکردید بعقل خود و لیکن
فرستاد پیغمبران را تا بیازماید شما را فاستبقوا الخیرات یعنی پیشی گیرید و رغبت کنید در آنچه واجب شده است بر شما و این دلیلست بر وجوب رغبت
بر امور واجبه و استحباب آن بر جمیع طاعات الی الله مرجعکم جمیعا بسوی خداست بازگشت جمیع شما فینبئکم پس خبر دار میگرداند شما را بما کنتم فیه تختلفون
بآنچه هستید در آن اختلاف میکنید از امر دین خود پس جزا میدهد شما را بآنچه سزاوار مزد شما است و ان احکم بینهم بما انزل الله و لا تتبع
اهواءهم و احذرهم ان یفتنوک عن بعض ما انزل الله الیک فان تولوا فاعلم انما یرید الله ان یصیبهم ببعض ذنوبهم و ان کثیرا من الناس
لفاسقون و ما فرستادیم که حکم کن میان اهل کتاب بآنچه فرستاده خدا است و پیروی مکن آرزوهای ایشان را و حذر کن از ایشان اینکه
اندازند ترا از بعض آنچه نازل گردانیده است خدا بسوی تو پس اگر روی گردانند پس بدان که اراده نکرده خدا الا آنکه برساند ایشان را عقوبت
از گناهان ایشان و بدرستی که بسیاری از مردمان فاسق شدند گفته اند که جمعی از احبار یهود آمدند نزد رسول صلی الله علیه و آله گفتند
یا محمد تو میدانی که ما از اشراف قومیم و چون ما ترا متابعت کنیم کل یهود ترا متابعت کنند و در این وقت میان ما خصومتست ... حکم
میسازیم اگر چنانچه رضا باشد حکم کنی از برای ما ... حق تعالی این آیه فرستاد که و ان احکم بینهم بما انزل الله و این عطف بر الکتاب در
سابق و معنی آنست که ما انزلنا الیک ان احکم بینهم بما انزل الله و ما فرستادیم بتو اینکه حکم کن میان ایشان بآنچه فرستاده خدا و لا تتبع اهواءهم
تکرار فرموده از برای آنکه یهود میخواستند که پیغمبر صلی الله علیه و آله بهوای ایشان حکم کند در حد زنا و در قصاص و دیه قتل و احذرهم ان یفتنوک عن بعض
ما انزل الله الیک و حذر کن از ایشان اینکه بیندازند ترا از بعض آنچه نازل کرده است بسوی تو خدا او بهوای ایشان حکم کنی و ترا از حکم
خدا بگردانند و در این دلیلست بر وجوب دوری از اهل بدعت و ضلالت و هوا فان تولوا پس اگر اعراض کنند از حکم تو بآنچه خدا نازل
کرده است فاعلم انما یرید الله ان یصیبهم ببعض ذنوبهم پس بدان که اراده نکرده خدا الا آنکه برساند ایشان را عقوبت بعضی از گناهان
بعضی گفته اند که مراد از بعض کلست و بعضی گفته که عقوبت در دنیا و آخرتست و بعضی گفته اند که لفظ بعض افاده تغلیظ عقاب میکند یعنی کافیست ایشان را عقوبت گفته اند م
عقوبت بعضی از گناهان و گفته اند که عقوبت ایشان که اراده کرد بنی نضیر بود از تهمت و از دیار در وقتی که قصد کردند رسول صلی الله علیه و آله و
حق را و قتل بنی قریظه بود چون عهد شکستند در روز احزاب و ان کثیرا من الناس لفاسقون کسانی که مخالفت رسول خود را صلی الله علیه و آله کنند
... افحکم الجاهلیة یبغون و من
احسن من الله حکما لقوم یوقنون آیا پس حکم جاهلیت را میطلبند و کیست نیکوتر از خدا از جهت حکم از برای قومی که یقین میدارند بعضی گفته اند
که این آیه در شان بنی قریظه و بنی نضیر نازل شده که رسول صلی الله علیه و آله فرموده که قصاص در هر دو قبیله مساویست و بنی نضیر گفتند که ما این را نمی پسندیم گشتگان م
و چون واجب میشد حکمی ... بر ضعفاء ایشان لازم میساختند ... و چون واجب میشد بر اقویا و اشراف ایشان ترک آن میکردند
پس خدای تعالی فرمود که افحکم الجاهلیة یبغون یعنی آیا پس حکم جاهلیت را طلب میکنند که ... میرسانند بآنکه ایشان
اهل علم و کتاب اند و بعضی گفته اند که این عامست و مراد جمیع آنکسانند که میطلبند غیر حکم خدا را از برای آنکه حکم باطلست و آن حکم جاهلیت
و بعضی تبغون بخطاب خوانده اند و من احسن من الله حکما یعنی هیچ کس از خدا نیکوتر از حکم لقوم یوقنون لام بمعنی نزد است یعنی نزد قومی که ایشان
اهل یقین اند یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا الیهود و النصاری اولیاء بعضهم اولیاء بعض و من یتولهم منکم فانه منهم ان الله لا یهدی القوم الظالمین
ای آنکسانی که ایمان آورده اید مگیرید جهودان و ترسایان را دوستان بعضی از ایشان دوستان بعضی اند و هر که دوستی کند ایشان را از شما
پس بدرستی که او از ایشانست بدرستی که خدا هدایت نمیکند قوم ظالمان را گفته اند که چون روز بدر مسلمانان غالب شدند بر مشرکان جمعی از یهود
با ایشان یاری داشتند گفتند که ایمان بیاورید قبل از آنکه برساند خدا بشما مصیبتی چنانچه رسانید مشرکان را ... صلی الله علیه و آله م
قریش و کفار ... بر ایشان ظفر یابند اگر ما جمع شویم بر شما ... پس عباده بن صامت که خدمت رسول
گفت یا رسول الله مرا از طوائف یهود دوستانند ... شوکت و بسیار سلاح ... من از موالات و دوستی
ایشان بیزارم ... بسوی خدا و رسول خدا پس گفت ... که من بیزار نیستم ...
از گردش زمان ... پس حق تعالی این آیه فرستاد و بعضی گفته اند که چون واقعه احد واقع شد و مسلمانان
متفرق شدند یکی میگفت که میروم بفلان یهودی و از وی میگیرم امان و دیگری میگفت که میروم بفلان نصرانی و میگیرم از وی
امان و میروم باوی بشام پس خدای تعالی این آیه فرستاد که یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا الیهود و النصاری اولیاء یعنی اعتماد کنید

بیاری ایشان و با یکدیگر معاشرت و دوستی کنید و کافران جمع ... یهود و نصاری اند ... بعضهم اولیاء بعض بعضی از کافران
دوستان بعضی دیگر اند و دست ایشان ... ومن یتولهم منکم فانه منهم و هر که دوستی کند با ایشان ...
... ان الله لا یهدی القوم الظالمین و خدا هدایت نمیکند ...
ایشان ... فتری الذین فی قلوبهم مرض یسارعون فیهم یقولون نخشی ان تصیبنا دائرة فعسی الله ان یاتی
او امر من عنده فیصبحوا علی ما اسروا فی انفسهم نادمین ...

[illegible]

بود گفت رب اشرح لی صدری و یسر لی امری واحلل عقدة من لسانی یفقهوا قولی واجعل لی وزیرا من اهلی هرون اخی اشدد به ازری واشرکه فی امری پس گفت بار
خدایا بگشای سینهٔ مرا و آسان کن کار مرا و بردار بند از زبان من تا بفهمند گفتار مرا و بگردان از برای من وزیری از اهل من هرون برادر من قوی
گردان بوی پشت مرا و شریک گردان او را در امر من پس تو اجابت کردی دعای موسی را و نازل کردی بروی قرآنی ناطقی که سنشد عضدک باخیک

[illegible]

من لعنه الله و غضب علیه [illegible] اکر لعنت [illegible] و بقدر [illegible] که از لعن الله [illegible] موجب [illegible] مقدار [illegible]
یعنی دور ازو او آنکس است که لعنت کرده است او را خدا یعنی از رحمت او دور کردانیده است و غضب کرده است [illegible]
که اند که مراد ازین اراده عقوبت ایشانست و بعضی گفته اند که ذلیل و خوار کردانیدن ایشانست [illegible] و خواری [illegible] و جعل منهم القردة
والخنازیر و مسخ کرد ایشان را بصورت بوزینگان و خوکان کردانید بعضی گفته اند که ایشان را که بزرگ بودند [illegible] بصورت بوزینه کردانید
و آنان را که کافر شدند [illegible] علیه السلام بصورت خوک کردانید و بعضی گفته اند که جمیع اصحاب سبت [illegible] ایشان بصورت بوزینه شدند [illegible] بصورت
خوک و عبد الطاغوت [illegible] گفته اند [illegible] و جعل منهم القردة و من عبد الطاغوت و بعضی گفته اند [illegible]
و من عبد الطاغوت [illegible] او را [illegible] طاغوت [illegible] طاغوت یا شیطان
یا کوساله یا کاهنان و روساء کمراهان اولئک این ملعونان و مغضوبان و عابدان طاغوت شر مکانا بدترین خلق اند از جهت مکان [illegible]
و اسیری و خواری در آخرت [illegible] و اضل عن سواء السبیل و کمراه ترند از راه حق و آن مومنان که عیب میکنند ایشان را [illegible]
و راه راست [illegible] و اذا جاؤکم قالوا آمنا و قد دخلوا بالکفر و هم قد خرجوا به و الله اعلم بما کانوا یکتمون
و چون بیایند بشما [illegible] که ایمان آوردیم و حال آنکه داخل میشوند [illegible] بیرون میروند [illegible] خدا [illegible]
و اذا جاؤکم [illegible] قالوا آمنا [illegible] یهود [illegible] منافقان و قد دخلوا [illegible] قالوا بالکفر [illegible] و هم قد خرجوا
[illegible] حق تعالی [illegible] منافقان [illegible] ایشان [illegible] کفر است [illegible]
[illegible] و الله اعلم بما کانوا یکتمون [illegible] و تری کثیرا منهم یسارعون فی الاثم و العدوان و اکلهم السحت لبئس ما کانوا یعملون
[illegible] محمد [illegible] یهود و منافقان [illegible] که [illegible] در کناه و تعدی و خوردن حرام [illegible] بعضی گفته اند [illegible]
کفر [illegible] و بعضی گفته اند [illegible] و بعضی گفته اند [illegible] تعدی است [illegible] خدا [illegible]
[illegible] ظالم [illegible] و مظلوم [illegible] بعضی گفته اند [illegible] و بعضی گفته اند [illegible] رشوه است [illegible]
[illegible] لولا ینهاهم الربانیون و الاحبار عن قولهم الاثم و اکلهم السحت لبئس ما کانوا یصنعون چرا نهی نمیکنند ایشان را
عالمان ربانی و عالمان [illegible] از کفتن ایشان دروغ و کناه و خوردن ایشان رشوه و حرام را [illegible]
[illegible] در نهایت مذمت عالمان و زاهدان [illegible] در ترک نهی از کفتن دروغ و کناه و خوردن حرام و رشوه [illegible]
مذمت [illegible] بئس ما یعملون [illegible] جماعت [illegible] بئس ما یصنعون و صانع [illegible]
[illegible] معصیت [illegible] و اکر ترک نهی [illegible]
[illegible] عالمان [illegible]
[illegible] و از ابن عباس روایت [illegible] آیه [illegible] قرآن و صاحب مجمع البیان [illegible]
[illegible] و قالت الیهود ید الله مغلولة غلت ایدیهم و لعنوا بما قالوا
بل یداه مبسوطتان ینفق کیف یشاء و لیزیدن کثیرا منهم ما انزل الیک من ربک طغیانا و کفرا و القینا بینهم العداوة و البغضاء الی یوم القیامة
کلما اوقدوا نارا للحرب اطفاها الله و یسعون فی الارض فسادا و الله لا یحب المفسدین [illegible] دست [illegible]
[illegible] یهود که دست خدا غل کرده شده است غل کرده شده باد دستهای ایشان و لعنت کرده شده باشند [illegible]
خدا [illegible] است [illegible] یهود [illegible] نازل شده [illegible]
ایشان [illegible] در میان ایشان دشمنی و خصومت [illegible] هرکاه [illegible] آتش [illegible]
[illegible] فساد [illegible] خدا [illegible] یهود [illegible] مبعوث کرداند
صلی الله علیه و آله [illegible] ایشان [illegible] حق تعالی بر ایشان روزی تنگ [illegible]
[illegible] اعظم ایشان [illegible] و قالت الیهود
ید الله مغلولة [illegible] خدا [illegible] بعضی گفته اند [illegible] صلی الله
علیه و آله [illegible] خدای تعالی [illegible] دستهای ایشان [illegible]

[illegible]

١١٧

این قول شنیع و قبیح اند [illegible] و معنی این آنست که غل باد دستهای ایشان و لعنوا [illegible]
و لعنوا بما قالوا [illegible] از رحمت خدا [illegible] و بعضی گفته اند [illegible]
[illegible] و در آخرت [illegible] بل یداه مبسوطتان [illegible] خدا [illegible]
خدا [illegible] ینفق کیف یشاء [illegible] و دنیا و آخرت و باطن و ظاهر
ینفق کیف یشاء [illegible] و لیزیدن کثیرا منهم ما انزل الیک من ربک طغیانا و کفرا [illegible]
[illegible] ایشان [illegible] محمد [illegible] کفر ایشان را [illegible] آیه و سوره [illegible]
[illegible] و القینا بینهم
العداوة و البغضاء [illegible] یهود [illegible] کلما اوقدوا نارا للحرب
اطفاها الله [illegible] محمد صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] رسول [illegible]
[illegible] و یسعون فی الارض فسادا [illegible] خدا [illegible] رسل [illegible]
وصف محمد صلی الله علیه و آله [illegible] و الله لا یحب المفسدین [illegible]
و لو ان اهل الکتاب آمنوا و اتقوا لکفرنا عنهم سیئاتهم و لادخلناهم جنات النعیم و اگر اهل کتاب ایمان [illegible]
[illegible] ایشان را [illegible] بهشتهای [illegible] اهل کتاب یهود و نصاری و لو انهم
اقاموا التوراة و الانجیل و ما انزل الیهم من ربهم لاکلوا من فوقهم و من تحت ارجلهم منهم امة مقتصدة و کثیر منهم ساء ما یعملون و اگر ایشان
توریه و انجیل [illegible] ایشان [illegible]
[illegible] اقاموا التوریة و الانجیل [illegible]
[illegible] ما انزل الیهم من ربهم [illegible] لاکلوا من فوقهم و من تحت
ارجلهم [illegible] برکت [illegible] باران از آسمان [illegible] برکت زمین [illegible]
[illegible] روی زمین [illegible] ایشان [illegible] توریه و انجیل [illegible]
[illegible] منهم امة مقتصدة [illegible]
[illegible] صلی الله علیه و آله [illegible] و بعضی گفته اند [illegible]
[illegible] رسول صلی الله علیه و آله [illegible] و کثیر منهم ساء ما یعملون [illegible]
[illegible] کتاب خدا [illegible] و من یتق الله یجعل له مخرجا و یرزقه
من حیث لا یحتسب و الّو استقاموا علی الطریقة لاسقیناهم ماء غدقا [illegible] یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک
و ان لم تفعل فما بلغت رسالته و الله یعصمک من الناس ان الله لا یهدی القوم الکافرین ای رسول [illegible] نازل شده است [illegible]
[illegible] رسالت [illegible] خدا [illegible] بعضی از اهل
[illegible] رسول صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] رسول صلی الله علیه و آله و بعضی گفته اند [illegible] حق تعالی [illegible] رسول صلی الله علیه و آله
[illegible] ابن عباس و جابر بن عبد الله [illegible] رسول صلی الله علیه و آله
[illegible] علی علیه السلام [illegible] رسول صلی الله علیه و آله [illegible]
خدای تعالی [illegible] رسول صلی الله علیه و آله [illegible] ولایت علی علیه السلام [illegible]
[illegible] من کنت مولاه فعلی مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه [illegible] صادق علیه السلام [illegible] رسول صلی الله علیه و آله
[illegible] رسول الله صلی الله علیه و آله [illegible]
خدای تعالی [illegible] یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک [illegible] رسول علیه السلام [illegible]

و بسیار هم مضطرب شوند و اطاعت نکنند پس جبرئیل باز گردید نگاه خود در روز دیگر در وقتی که رسول صلی الله علیه و آله فرود آمده بود در [illegible] نازل شد
جبرئیل و وحی این آیه که یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالته گفت جبرئیل بترسم از اصحاب خود که مخالفت کنند مرا پس
جبرئیل عروج نمود و نازل شد بر وی در روز سیوم در موضعی که آن را غدیر خم گویند و گفت یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل
فما بلغت رسالته والله یعصمک من الناس پس چون شنید این از رسول صلی الله علیه و آله فرمود که [illegible]
رسالت پروردگار خود را و فرمود که ساختند از برای وی منبری از جهاز شتران و بر آن رفت و علی را علیه السلام با خود بر آن [illegible]
بنهایت بلاغت مر مردمان را وعظ گفت و امر و نهی فرمود بعد از آن در آخر کلام فرمود که ای مردمان [illegible]
مردمان که [illegible] رسول الله [illegible]

[illegible]

در شیمی کنید [illegible] راه های [illegible] علی [illegible]

[illegible]

آن از هواهای ایشان و مخالف هوای ایشان بود و هرگاه که آمد ایشان را پیغمبری از پیغمبران فریقا کذبوا و فریقا یقتلون گروهی را تکذیب کردند و گروهی را میکشتند و [illegible]
بعد از آن ایشان تکذیب نمودند پیغمبران را از برای آنکه ایشان [illegible] و تکذیب و قتل پیغمبران را [illegible] گذشت در سوره
البقره در تفسیر فریقا کذبتم و فریقا تقتلون و حسبوا الا تکون فتنة فعموا و صموا ثم تاب الله علیهم ثم عموا و صموا کثیر منهم والله بصیر بما یعملون
و گمان بردند که نباشد فتنه و عقوبتی پس کور شدند و کر شدند پس توبه داد خدا و قبول کرد از ایشان پس کور شدند و کر شدند بسیاری از ایشان و خدا بیناست
بآنچه عمل میکنند ایشان [illegible] بنی اسرائیل الا تکون فتنة [illegible] تکذیب و قتل پیغمبران عقوبت و بلا و محنت و عذاب و قحط و بیماری که برسد
بایشان فعموا پس کور شدند از دیدن دلائل و هدی و راه دین و حق و صموا و کر شدند از شنیدن حق تا آنکه عبادت گوساله کردند ثم تاب الله علیهم
پس بعد از آن توبه کردند [illegible] پس قبول کرد خدا [illegible] ثم عموا و صموا پس دیگر کور شدند و کر شدند و گمراهی و ضلالت از سر گرفتند و طلب
رؤیت کردند و پیغمبران را تکذیب نمودند و بعضی گفته اند که ایشان آن یهود اند که در زمان پیغمبر بودند صلی الله علیه و آله و ایمان نیاوردند و لفظ [illegible]
[illegible] والله بصیر بما یعملون تهدید و وعید است
ایشان را یعنی خدا بیناست باعمال ایشان و مکافات میکند ایشان را [illegible] و علی بن ابراهیم رحمه الله در تفسیر این آیه میگوید که [illegible]
[illegible] امیر المؤمنین علیه السلام پس کور شدند و کر شدند از دیدن و شنیدن آن در حیات رسول صلی الله علیه و آله
بار دیگر کور و کر شدند [illegible] بعد از حیات رسول صلی الله علیه و آله لقد کفر الذین قالوا ان الله هو المسیح ابن مریم و قال المسیح
یا بنی اسرائیل اعبدوا الله ربی و ربکم انه من یشرک بالله فقد حرم الله علیه الجنة و مأواه النار و ما للظالمین من انصار بدرستیکه کافر شدند آنانکه
گفتند که خدا او مسیح پسر مریم است و گفت مسیح که ای بنی اسرائیل بندگی کنید الله را که پروردگار من و پروردگار شماست بدرستیکه هر که شرک آورد بخدا
بتحقیق که حرام گرداند بر وی بهشت را [illegible] طایفه از فرقه نصاری که ایشان را یعقوبیه میگویند گفتند که خدا تعالی
با عیسی متحد شد [illegible] لقد کفر الذین قالوا ان الله هو المسیح ابن مریم بعد از آن ذکر فرمود قول
عیسی را علیه السلام که و قال المسیح یا بنی اسرائیل اعبدوا الله ربی و ربکم فرق نگذاشت عیسی علیه السلام در میان خود و ایشان در آنکه مربوب و مخلوق [illegible]
والله رب و خالق و پروردگار [illegible] و در جمیع عبادت و بندگی [illegible] انه من یشرک بالله
شرک آورد [illegible] فقد حرم الله علیه الجنة و مأواه النار پس [illegible] منع کند خدا از وی بهشت را و مکان
و مأوای او دوزخ است و ما للظالمین من انصار [illegible] کلام عیسی باشد [illegible] کلام خدا [illegible]
[illegible] لقد کفر الذین قالوا ان الله ثالث ثلاثة و ما من اله الا اله واحد و ان لم ینتهوا عما یقولون لیمسن الذین
کفروا منهم عذاب الیم [illegible] خدا [illegible]
[illegible] صاحب مجمع البیان رحمه الله ذکر فرموده
[illegible]
[illegible] و ان لم ینتهوا عما یقولون لیمسن الذین کفروا منهم عذاب الیم تهدید و وعید است [illegible]
عذاب [illegible] الذین کفروا [illegible]
[illegible] افلا یتوبون الی الله و یستغفرونه والله غفور رحیم [illegible]
[illegible] استفهام [illegible]
ما المسیح ابن مریم الا رسول قد خلت من قبله الرسل و امه صدیقة کانا یأکلان الطعام انظر کیف نبین لهم الآیات ثم انظر انی یؤفکون نیست مسیح
پسر مریم مگر پیغمبری [illegible] از قبل او پیغمبران و مادر او بسیار تصدیق کننده است [illegible] طعام را نظر کن چگونه [illegible]
ایشان آیات را بعد از آن نظر کن چگونه بازگردانیده میشوند [illegible]
رسول [illegible] قد خلت من قبله الرسل [illegible]
[illegible]
[illegible] کانا یأکلان الطعام [illegible]

آن به اغذا احتیاج گردانیده او مرکب خواهد بود از استخوان و گوشت و رگ و پی و اخلاط [illegible] و این جسمی خواهد بود مخلوق چون مخلوقات دیگر و محتاج خواهد بود
بقضاء حاجت انظر کیف نبین لهم الآیات امر است رسول را صلی الله علیه و آله و امت او را بتفکر و نظر [illegible] کذب ایشان و بطلان
اعتقاد ایشان ثم انظر انی یؤفکون بعد از آن نظر کن چگونه باز گردانیده میشوند از حق و تدبر آیات پس اول امر است نظر کردن با آیات [illegible]
میکند بر کذب ایشان و دوم امر است [illegible] ایشان و ترک نمودن تدبر آن [illegible] قل اتعبدون من دون الله ما لا یملک لکم ضرا و لا نفعا
والله هو السمیع العلیم بگو یا محمد ترسایان را که آیا عبادت میکنید بدون خدا چیزی را که مالک نیست از برای شما ضرری را که دفع کند از شما و نفعی را که
برساند بشما و خدا اوست شنونده و داننده در این آیه توبیخ و سرزنش است ایشان را که عبادت میکنند مسیح را [illegible]
[illegible] اهل لعنت [illegible] و میرانیدن و روزی دادن و ضرر رسانیدن و نفع دادن والله هو
السمیع العلیم [illegible] قل یا اهل الکتاب لا تغلوا فی دینکم غیر الحق و لا تتبعوا اهواء قوم قد ضلوا من قبل و اضلوا کثیرا
و ضلوا عن سواء السبیل بگو ای اهل کتاب در مگذرید در دین خود بغیر حق و پیروی مکنید هواهای قومی را که گمراه شدند از پیش و گمراه گردانیدند
بسیاری را و گمراه شدند از راه راست قل یا اهل الکتاب لا تغلوا فی دینکم بعضی گفته اند که خطاب مخصوص است بنصاری و بعضی گفته اند که خطاب
در یهود و نصاری است و غلو نصاری در عیسی این بود که [illegible] و غلو یهود در وی این بود که [illegible]
[illegible] لا تغلوا [illegible] صاحب
کشاف فرموده است که غلو دو نوع است یکی غلو حق که مبالغه نماید در تفحص آن و تفتیش کند از معانی بعیده آن و جهد کند در تحصیل حجتهای
آن چون متکلمان از اهل عدل و توحید و دیگری غلو باطل که در گذرد از حق و اعراض کند از آن و پیروی شبهه کند چون اهل هوا و بدعت و لا تتبعوا
اهواء قوم قد ضلوا من قبل [illegible] اهل کتاب را [illegible] رسول صلی الله علیه و آله [illegible] یهود و نصاری [illegible]
بهوا و خواهش نفس خود و اضلوا کثیرا و گمراه گردانیدند ایشان بسیاری [illegible] و ضلوا عن سواء السبیل [illegible]
[illegible] گمراه شدند بسبب [illegible] کافر شدند بعیسی علیه السلام و گمراه گردانیدند بسیاری [illegible]
و دیگر باره گمراه شدند بسبب آنکه کافر شدند بمحمد صلی الله علیه و آله [illegible] لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل علی لسان داود
و عیسی بن مریم ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون لعنت کرده شدند آنان که کافر شدند از فرزندان یعقوب بر زبان داود و عیسی بن مریم
بسبب این بود که عصیان کردند [illegible] داود علیه السلام [illegible] اهل [illegible]
[illegible] ایشان [illegible] عیسی [illegible]
[illegible] عیسی علیه السلام [illegible]
[illegible] لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل علی لسان داود و عیسی بن مریم [illegible]
[illegible] ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون [illegible]
[illegible] صادق علیه السلام [illegible]
[illegible] کانوا لا یتناهون عن منکر فعلوه لبئس ما کانوا یفعلون [illegible]
[illegible] صاحب کشاف [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] رسول صلی الله علیه و آله [illegible] بنی اسرائیل [illegible]
[illegible] داود و عیسی بن مریم
[illegible]
[illegible] صادق علیه الصلوة و السلام [illegible]

وی انکار آن دارند تری کثیرا منهم یتولون الذین کفروا لبئس ما قدمت لهم انفسهم ان سخط الله علیهم و فی العذاب هم خالدون می بینی بسیاری از
اهل کتاب را که دوستی میکنند با کافران البته بد چیزیست که پیش فرستادند از برای ایشان نفسهای ایشان که خشم گرفت خدا بر ایشان
و در عذاب ایشان جاوید باشند تری کثیرا منهم یتولون الذین کفروا گفته اند که کعب بن اشرف و اصحاب او تولی و دوستی کردند با مشرکان
و ایشان را تهییج کردند بر مومنان و این در شان ایشان نازل شد و از باقر علیه السلام روایت است که این نازل شد در شان آنان که دوستی
و تولی میکنند با سلاطین ستمکار و رعیت میدهند با ایشان [illegible] که در دست آورند از دنیای ایشان [illegible]
این قوم را و خبر کرد در اعمال بد و اعتقاد خبیث ایشان بقول خود که لبئس ما قدمت لهم انفسهم و خبر کرد ایشان را بغضب خود که ان سخط الله علیهم
و فی العذاب هم خالدون و لو کانوا یؤمنون بالله و النبی و ما انزل الیه ما اتخذوهم اولیاء و لکن کثیرا منهم فاسقون و اگر بودند که ایمان
میاوردند بخدا و پیغمبر و آنچه نازل شده است بوی را نمیگرفتند کافران را دوست و لیکن بسیاری از ایشان فاسقانند اگر مراد یهود
بودند که مراد از نبی موسی باشد علیه السلام و از ما انزل الیه توریة یعنی اگر یهود ایمان میاوردند بخدا و موسی و توریة با کافران دوستی
نمیکردند و میتواند که مراد از نبی محمد باشد صلی الله علیه و آله و اگر مراد منافق باشند مراد از نبی محمد است صلی الله علیه و آله لتجدن اشد الناس
عداوة للذین امنوا الیهود و الذین اشرکوا و لتجدن اقربهم مودة للذین امنوا الذین قالوا انا نصاری ذلک بان منهم قسیسین
و رهبانا و انهم لا یستکبرون [illegible] عالم و رئیس نصاری را راهب زاهد نصاری [illegible]
[illegible] عداوت با اهل ایمان آوردند یهود [illegible]
[illegible] ایمان آوردند [illegible] نصاری [illegible]
[illegible]

[illegible]

وی را بوی داد کردند و گفت جعفر و اصحاب او را اگر ساکن باشید شما را در این زمین سلامت [illegible]
که جعفر و [illegible] ساکن گشتند [illegible] در بهترین جا و نیکوترین همسایه [illegible] که رسول صلی الله
علیه و آله [illegible] جعفر آمد نزد رسول صلی الله علیه و آله با جمیع ایشان که با وی بودند [illegible] رسول صلی الله
علیه و آله [illegible] جعفر [illegible] علیه السلام آنحضرت رسول علیه السلام از این [illegible]
[illegible] الله اکبر [illegible] جمیع مردمان [illegible] با جعفر آمدند بخدمت رسول
صلی الله علیه و آله [illegible] و از اهل شام که در میان ایشان بود بحیرا راهب و بعضی گفته اند که [illegible]
چهل مرد از نصاری نجران و سی و دو از ارض حبشه و هشت رومی از ارض شام پس قرائت کرد بر ایشان رسول صلی الله علیه و آله سوره [illegible]
تا آخر و ایشان بشنیدند و گریه کردند و ایمان آوردند و گفتند چه شبیه است این کتاب با آنچه نازل شده است بر عیسی علیه السلام و حق تعالی [illegible] در شان ایشان
لتجدن اشد الناس [illegible] حق تعالی [illegible] رسول را صلی الله علیه و آله از عداوت یهود و مشرکان [illegible]
بان قول خود که لتجدن اشد الناس عداوة للذین امنوا الیهود و الذین اشرکوا [illegible] یهود [illegible] مشرکان [illegible]
[illegible] ایشان [illegible]
[illegible] مودة للذین امنوا الذین قالوا انا
نصاری [illegible]
بان منهم قسیسین [illegible]
[illegible]
و رهبانا و انهم لا یستکبرون [illegible]
[illegible] و اذا سمعوا ما انزل الی الرسول تری اعینهم تفیض من الدمع مما عرفوا من الحق یقولون ربنا امنا فاکتبنا مع الشاهدین [illegible]
[illegible]
[illegible] و اذا سمعوا ما انزل الی الرسول تری اعینهم تفیض من الدمع [illegible]
[illegible] مما عرفوا من الحق [illegible]
[illegible] یقولون ربنا امنا [illegible]
[illegible] فاکتبنا مع الشاهدین [illegible]
[illegible] و ما لنا لا نؤمن بالله و ما جاءنا من الحق و نطمع ان یدخلنا ربنا مع القوم الصالحین [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] فاثابهم الله بما قالوا جنات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها و ذلک
جزاء المحسنین [illegible]
[illegible]
[illegible] و الذین کفروا و کذبوا بایاتنا اولئک اصحاب الجحیم
[illegible]
[illegible] یا ایها الذین امنوا لا تحرموا طیبات ما احل الله لکم و لا تعتدوا ان الله لا یحب المعتدین [illegible]
[illegible]
[illegible] رسول الله صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible]

زندگی کنند و ترک ... پوشیدن لباس ... و اینچنین بر روی ... کنند تا وقت ترک و بعضی قصد قطع ... اگر دیدند چون این خبر به سمع مبارک رسول صلی الله
علیه و آله رسید ایشان را طلب کرد و گفت این چیست اتفاق نموده اید برای ... گفتند بلی یا رسول الله مقصد ما از این کارها خیر است فرمود که من
مأمور نیستم به این پس فرمود که بدرستی که نفسهای شما را بر شما حقیست پس روزه بدارید در بعضی از اوقات و افطار کنید در بعضی دیگر و در شب هم خواب
و هم حاضر شوید بقیام ... من در شب هم خواب میکنم و روزه میدارم و افطار میکنم و گوشت و چربی میخورم و با زنان زندگی میکنم و هر که از سنت من
میگرداند از من نیست پس فرمود که مردمان را جمع نمودند و خطبه گفت ... که حرام میکنند بر خود زنان و طعام و بوی خوش
و خواب و شهوات دنیا را آگاه باشید که من امر نمیکنم شما را که قسیس و راهب باشید و ... در دین من ترک گوشت و زنان و صومعه
گزیدن نیست ... رهبانیت امت من جهاد است عبادت کنید خدا را و ... شرک میاورید ... حج کنید و عمره و بپای دارید
نماز و بدهید زکوة را و روزه دارید در ماه رمضان و مستقیم باشید تا مستقیم شود امور شما ... هلاک شدند قبل از شما بسبب این بود که سختی کردند
بر خود پس خدا هم بر ایشان سختی کرد ... در دیرها و صومعها ... پس خدای تعالی این آیه را فرو فرستاد
از صادق علیه السلام که این آیه نازل شد در شأن علی بن ابی طالب علیه السلام و عثمان بن مظعون که علی قسم خورده بود که خواب نکند الا ما شاء الله و بلال
قسم خورد که افطار نکند در روز هرگز و عثمان بن مظعون سوگند خورد که نکاح نکند ... پس حق تعالی فرمود که یا ایها الذین آمنوا لا تحرموا طیبات
ما احل الله لکم یعنی ای مؤمنان حرام مکنید طیبات یعنی چیزهای پاکیزه را که حلال گردانیده است خدا از برای شما ... کنید ...
و ... سوگند بر خود حرام مگردانید و طیب یعنی حلال ... آمده است ولا تعتدوا و ... از حدود خدای تعالی و احکام و حلال و حرام
او و اسراف مکنید و ترک خواب ... و قصد قطع ذکر ... ان الله لا یحب المعتدین بدرستی که خدا دوست نمیدارد ... را که از حد ...
ایشان را ... و کلوا مما رزقکم الله حلالا طیبا واتقوا الله الذی انتم به مؤمنون و بخورید از آنچه روزی داده است شما را
خدا ... حلال ... کره است ... رسید خدا را ... کلوا ... رزقکم الله ... روزی کرده است شما را
خدا حلالا حالست ... طیبا حال ... واتقوا الله ... است ... تقوی ...
... مؤمنان ... ایمان خود را ... در این ... خلوت ... ترک اهل و طلب فرزند و تجارت
... روایت که رسول صلی الله علیه و آله ... دوست میداشت حلوا و عسل ... دوست میداشت ...
... در شکم ... روایت ... گوشت ... قدید ...
... دوست میداشت ... که ... کدو ...
... روایت ... شکر ...
... خدا ... نعمت ...
... لا یؤاخذکم الله باللغو فی ایمانکم
ولکن یؤاخذکم بما عقدتم الایمان فکفارته اطعام عشرة مساکین من اوسط ما تطعمون اهلیکم او کسوتهم او تحریر رقبة فمن لم یجد
فصیام ثلاثة ایام ذلک کفارة ایمانکم اذا حلفتم واحفظوا ایمانکم کذلک یبین الله لکم آیاته لعلکم تشکرون ... مواخذه نمیکند شما را خدا بلغو
در سوگند شما و لیکن مواخذه میکند شما را ... سوگندهای خود را پس کفاره آن طعام دادن ده مسکین است از میانه آنچه طعام
اهل خود را یا پوشش ایشانست یا آزاد کردن بنده ایست پس هر که نیابد پس روزه سه روزه است این کفاره سوگندهای شما است
چون سوگند خورید و حفظ کنید سوگندهای خود را ... بیان میکند خدا از برای شما آیات خود را تا آنکه شما شکر کنید لا یؤاخذکم الله باللغو
فی ایمانکم یعنی سوگند لغو در صورت البقره ... کفاره نیست و لکن یؤاخذکم بما عقدتم الایمان ما احتمال دارد که موصول باشد
و معنی این باشد که و لیکن مواخذه میکند شما را بآنچه که عقد میکنید ... سوگندهای خود را و احتمال دارد که ما مصدریه باشد و معنی این
که و لیکن مواخذه میکند بعقد شما سوگندهای خود را و مراد از عقد آنست که ... و قصد قلب باشد و گفته اند که ایمان حکم ایمان
دارد و چنانچه ایمان همین زبان بدون اعتقاد قلب حقیقة ایمان نیست الا با عقد دل همچنین ایمان زبان بدون اعتقاد قلب
سوگندی نیست که واجب شود بآن گناهی و کفاره و تقدیر آنست که و لیکن مواخذه میکند شما را بآنچه عقد کنید سوگند از اعداد آن

خلاف

خلاف کنید آن را از برای آنکه قبل از آن گناه است و در کفاره قسم ... اطعام عشرة مساکین پس کفاره آن طعام دادن ده مسکین است من اوسط ما تطعمون
اهلیکم از اوسط آنچه طعام میدهید اهل و عیال خود را مراد از مسکین آن فقیر است که مستحق زکوة است و در اوسط بعضی گفته اند که قدر صدقه
و در آن خلاف است و از صادق علیه السلام روایت است که هر مسکین را مدیست از گندم یا آرد گندم و در کف دست از آن و بعضی گفته اند که اوسط آنست
که نان با نان خورش باشد و بهترین نان خورش گوشت است و کمترین آن نمک و اوسط آن سرکه و روغن گوسفند و زیتون او کسوتهم یا آنست کفاره
که بپوشند ده مسکین را بعضی گفته اند که هر یک را یک جامه و از معصومان علیهم السلام روایت است که هر یک را دو جامه بپوشند پیراهنی و ازاری الا در حال
اضطرار که یک جامه کافیست و گفته اند که جایز است ... و ... باشد و جایز است طعام دادن کوچک یا بزرگ
و مرد و زن و جایز نیست که یک مسکین را مکرر طعام دهند الا اگر این عدد یافت نشود پس روزی که طعام میدهد او را روز دیگر باز
طعام میدهد او را تا عدد تمام شود او تحریر رقبة یا آزاد کردن بنده گفته اند که شرط است در بنده که مسلمان باشد از عیبی که موجب آزادیست
و در آن بحث است و در روزه صغیر و کبیر بعضی گفته اند که در این کفاره کافر جایز است از برای آنکه رقبه مطلق مذکور است و جمعی برآنند که ایمان از جمله
شرطست و این مطلق محمولست بر مقید در کفاره قتل فمن لم یجد فصیام ثلاثة ایام پس هر که نیابد طعام یا کسوه یا رقبه پس کفاره او روزه داشتن سه روز است
تتابع در روزه شرط کرده اند و آنچه روایت از صادق علیه السلام سه روز متوالیست و کفاره پس هم مرتب است و هم مخیره اول مخیر است مکلف
در طعام دادن ده مسکین یا جامه دادن بایشان یا آزاد کردن بنده و چون هیچ یک نیابد و عاجز شود از همه روزه میدارد سه روز
متوالی و از باقر علیه السلام روایت است که اگر عاجز شود از روزه استغفار کند و از مضامین احادیث مستفاد میشود که وقتی کفاره واجب میشود که
خلاف سوگند بهتر نباشد از برای دین یا دنیا اگر سوگند خورده است که اگر در خلاف خیر باشد در دین کفاره واجب نیست پس هر گاه سوگند
خورد مثلا که کاری کند ... کفاره واجب میشود و اگر سوگند خورد که ... یا شراب بیاشامد و خلاف کند روی کفاره
واجب نمیشود و اگر سوگند خورد بفعلی که مباح باشد مثل اگر ... خلاف کند کفاره بروی واجب میشود ذلک کفارة ایمانکم
اذا حلفتم این که ذکر شد کفاره سوگندهای شماست چون سوگند خورید و خلاف کنید واحفظوا ایمانکم و حفظ و نگاه دارید سوگندهای
خود را اگر خلاف کنید هر گاه سوگند شما بر فعل واجب یا مندوب یا ترک حرام یا مکروه باشد یا بر مباح و احتمال دارد که مراد از حفظ ایمان
این باشد که مخورید سوگند در هر امری چنانکه گذشت در قول خدای تعالی و لا تجعلوا الله عرضة لایمانکم و فرمود صادق علیه السلام که سوگند مخورید
بخدای تعالی راست و دروغ کذلک یبین الله لکم آیاته همچنین بیان میکند خدا از برای شما آیات و فرض خود را لعلکم
تشکرون تا آنکه شما شکر کنید نعمت بیان خدا و جمیع نعمتهای او را که اعطا نموده است بشما یا ایها الذین آمنوا انما الخمر والمیسر والانصاب والازلام
رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه لعلکم تفلحون ... کننده ... انصاب جمع نصب ... ازلام جمع زلم ... تیرهای قمار
... رجس ... آن ... یعنی ای آنانکه ایمان آورده اید شراب و قمار و بتان و تیرهای قمار پلیدی از عمل شیطان پس اجتناب
کنید آن تا آنکه شما رستگار شوید از امام جعفر صادق علیه السلام روایت است که فرمود رسول صلی الله علیه و آله که ... کننده است حرامست و هر
کننده است حرامست و از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت است که خمر از پنج چیز میباشد از انگور و از مویز و از عسل و از جو و از خرما و در روایت دیگر از گندم
و از ... و آن ... پوست ... میدارد ... که ... خمر و قمار و ... بعد از این بنده
اول لفظ انما و دوم آنکه مقرون ساخت آن را بانصاب که بتانند و سیوم آنکه مقدم داشت آن را بر بتان و چهارم آنکه فرمود رجس و پنجم
آنکه فرمود از عمل شیطانست و ششم آنکه امر فرمود باجتناب از آن و هفتم آنکه اجتناب از آن را موجب فلاح گردانید و هشتم آنکه ذکر فرمود ... خمر و قمار
و بال آن را که عداوت و دشمنی در میان اصحاب آن ... و نهم آنکه باز میدارد از ذکر خدا و از نماز و مراعات اوقات آن و دهم آنکه فرمود ...
تهدید و مهابت و وعید که فعل ... خدا ... مؤمنان را ... یا ایها الذین آمنوا ای گروه مؤمنان ...
خدا و رسول ... الخمر والمیسر والانصاب والازلام ... شراب و قمار و بتان و فال ... فرموده است ...
والانصاب والازلام ... خمر ... مضاف محذوف باشد ...
رجس یعنی ... خمر ... و اوائل این سوره ... من عمل الشیطان یعنی ... و انواع ...
در آن ... انواع ... شیطانست ... آنکه ... میکند ...
... آنکه ... اوصاف ... شود ...

شود نصف او کلی فاجتنبوه و میسر یا ارجع بعمل شیطان است یا بکل واحد از شرب خمر و فعل قمار و انچه داده و اگر [illegible]
رجس است لعلکم تفلحون تا آنکه فلاح و رستگاری یابید [illegible] حق و قمار شوید ثواب وی و این آیه دلیل است بر آنکه خمر و قمار و بت پرستی و ازلام
حرام است گرچه [illegible] و بیع و شرای آن نیز حرام است زیرا که هر چیز را که حرام گردانیده است خدای تعالی ثمن آن را نیز حرام گردانیده است چنانکه
فرمود رسول صلی الله علیه و آله که لعنت خدا بر یهود باد که حرام شد بر ایشان پیه پس فروختند آن را و خوردند ثمن آن را و همچنین حرام است اجرت
این اشیا و آنچه باشد چون اجرت ساختن خمر یا فشردن آن یا ساقی بودن آن یا حمل نمودن آن یا اجرت منزل بواسطه حفظ یا بیع آن و مثل اجرت
آلات قمار چون نرد و شطرنج و غیر آن روایت کرده جابر رضی الله عنه که لعنت کرد رسول صلی الله علیه و آله خمر را و نشاننده آن را و فشارنده آن را
و ساقی آن را و بایع آن را و خورنده ثمن آن را پس برخاست شخصی اعرابی گفت یا رسول الله این تجارت من بود و حاصل شد مرا از بیع خمر مالی که
هیچ نفع میدهد اگر عمل کنم با آن مال در طاعتی فرمود صلی الله علیه و آله که اگر انفاق کنی از آن در حج یا جهاد مساوی پر پشه نیست نزد خدای تعالی خدا قول [illegible]
و حلال انما یرید الشیطان ان یوقع بینکم العداوة والبغضاء فی الخمر والمیسر ویصدکم عن ذکر الله وعن الصلوة فهل انتم منتهون اراده ندارد
الا آنکه بیندازد در میان شما دشمنی و [illegible] در شراب و قمار و آنکه باز دارد شما را از ذکر خدا و از نماز پس آیا شما باز ایستادگانید حق تعالی
[illegible] فرمود خمر و میسر را در آیه سابقه با انصاب و ازلام بعد از آن همین دو را در این آیه ذکر کرد و در این خطاب با مومنانست و عرض نهی ایشانست
از شرب خمر و لعب قمار و ذکر انصاب و ازلام از برای تاکید حرمت خمر و میسر و انصاب و ازلام جمیع از اعمال جاهلیت و اهل شرکست و در بیان
میان عبادت بتان و شرک پروردگار و میان شرب خمر و قمار و از آنست که فرمود انما یرید الشیطان ان یوقع بینکم العداوة والبغضاء فی
الخمر والمیسر [illegible] در خمر و میسر عداوت و دشمنی ظاهر و روشن است ویصدکم عن ذکر الله و منع میکند شما را شیطان بواسطه خمر و قمار از ذکر و
شکر و تسبیح خدا و ذکر شامل صلوة است لیکن بواسطه تعظیم صلوة [illegible] اشعار بانکه ترک و منع آن [illegible] عظیم آن را بعد از ذکر ذکر فرمود
وعن الصلوة بعد از آن بغایت وعید و نهایت تهدید فرمود که فهل انتم منتهون یعنی [illegible] ذکر شد از افعال خمر و قمار که هیچ عاقل از [illegible]
پس آیا که شما از آن باز ایستید و این یعنی نهی از این افعال است بصورت استفهام از برای آنکه چون خدای تعالی مذمت فرمود این افعال را
و اظهار کرد قبح آن بعد از آن استفهام فرمود از ترک آن و جواب [illegible] الا آنکه از ترک آن پس گویا که عهد و [illegible] بر ترک آن [illegible]
مبالغه است از طلب ترک آن و بعضی از احادیث که وارد شده از معصومین صلوات الله علیهم در حرمت شراب [illegible]
الخمر والمیسر گذشت در سوره البقره و بعضی در این موضع ذکر میشود روایت کرد ابو الربیع الشامی که سوال کردند صادق را علیه السلام از خمر [illegible]
رسول الله صلی الله علیه و آله که خدای تعالی برانگیخت مرا از برای رحمت عالمیان و از برای آنکه [illegible] آلات لهو و لعب [illegible]
و امور جاهلیت و بتان و فرمود که قسم خورد پروردگار من که [illegible] در دنیا الا آنکه [illegible]
از [illegible] در روز قیامت بعد از آن اگر خواهم عذاب کنم او را و اگر خواهم بیامرزم و گفت صادق علیه السلام که فرمود رسول الله صلی الله علیه و آله که هر که
بیاشامد خمر را بعد از آنکه حرام گردانیده است آن را خدای تعالی بر زبان من پس نیست اهل آنکه تزویج کنند بوی چون [illegible] و آنکه قبول کنند
چون شفاعت کند و آنکه تصدیق کنند او را چون حدیث گوید و آنکه امین دانند او را بر امانتی [illegible]
[illegible] از امام محمد باقر علیه السلام
روایت که فرمود [illegible] در روز قیامت روسیاه و زبان از دهان بیرون آمده [illegible] و واجبست بر خدای
عز و جل که [illegible] فرمود رسول الله صلی الله
علیه و آله که شارب الخمر اگر بیمار شود عیادت مکنید او را و اگر بمیرد حاضر مشوید جنازه او را و اگر گواهی دهد [illegible] قبول مکنید و اگر [illegible]
تزویج مکنید و اگر سوال کند از شما امانتی [illegible] و از صادق علیه السلام مرویست که فرمود خدای عز و جل [illegible]
[illegible]
رضای من داخل گردانم او را در بهشت [illegible] از صادق
علیه السلام مرویست که فرمود [illegible] در روز قیامت سیاه رو [illegible] از دهان بیرون آمده [illegible] العطش العطش
صادق علیه السلام مرویست [illegible] نزد امام محمد باقر علیه السلام [illegible]
[illegible]

الاولی

[illegible] بعد از آن فرمود که اگر تو سرمایه بوی دهی پس آن ضایع گردد یا هلاک شود نیست از برای تو بر خدای عز و جل اجری و نه آنکه عوض دهد
پس سرمایه بوی دادم و او ضایع کرد آن را پس دعا کردم که خدا اجر دهد مرا گفت ای پسر من خاموش باش نیست از برای تو بر خدای عز و جل اجری
گفتم این از برای چیست فرمود از برای آنکه خدای عز و جل میفرماید که ولا تؤتوا السفهاء اموالکم التی جعل الله لکم قیاما یعنی مدهید سفیهان را مالهای
خود پس آیا سفیهی [illegible] از شارب خمر بعد از آن فرمود که [illegible] جانب خدای عز و جل [illegible]
[illegible] خدای عز و جل پرده از وی و میگردد دوست و برادر شیطان لعنه الله و میشود گوش او و چشم او و دست او و پای او [illegible]
[illegible] و باز میگرداند او را از هر خیری روایت کرده [illegible] که لعنت کرد رسول خدا [illegible]
و فشارنده آن را و فروشنده و مشتری آن را و ساقی آن را و خورنده بهای آن را و [illegible] حمل میکند [illegible]
[illegible] فرمود صادق علیه السلام که هر که بیاشامد [illegible] با اعتقاد آنکه آن حلالست پس [illegible] در دوزخ است و هر که بیاشامد با اعتقاد آنکه آن حرامست
معذبست در دوزخ و فرمود صادق علیه الصلوة والسلام که [illegible] در میان او و میان او عصمت و نگاهداشتی [illegible] فرمود امام
محمد باقر علیه الصلوة والسلام که هر که بیاشامد مست کننده [illegible] در حالی که چیزی از آن در جوف وی باشد [illegible]
لبهای وی [illegible] و گفت یونس بن ظبیان که فرمود صادق علیه الصلوة والسلام که ای یونس
بن ظبیان [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
صلی الله علیه و آله مرویست که [illegible] شفاعت من [illegible]
[illegible] فرمود صادق علیه السلام که هر که بیاشامد مست کننده [illegible]
[illegible] اگر بمیرد در آن چهل روز [illegible] از امام محمد باقر
علیه السلام مرویست که فرمود هر که بیاشامد [illegible] چهل روز [illegible]
[illegible] از امام محمد تقی علیه السلام مرویست که فرمود [illegible]
[illegible]
بیاشامد مست کننده [illegible] چهل روز [illegible] از امام موسی کاظم علیه السلام
[illegible]
[illegible] روایت کرد حسین بن خالد گفت سوال کردم از امام موسی علیه السلام [illegible]
روایت از پیغمبر صلی الله علیه و آله که فرمود [illegible] چهل روز [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] از امام محمد باقر و امام جعفر صادق و رسول الله صلی الله علیه و آله مرویست که فرمود [illegible]
علیه السلام مرویست که فرمود [illegible]
از برای آنکه او تصدیق کتاب خدا [illegible] حرام میداشت حرام آن را [illegible] از صادق علیه الصلوة والسلام مرویست که فرمود خدای عز و جل

به بهار او رفتها کرده است که کلیدهای آن قفلها بر آن است و از امام محمد باقر یا امام جعفر صادق علیهما السلام روایت است که فرمود خدای عز و جل معصیت را در خانه کرده
و آن خانه را دری و قفلی ساخته است و آن قفل را کلیدی است کلید کل معصیت خمر است و هم از باقر یا صادق علیهما الصلوة والسلام روایت است که
فرمای خدای عز و جل [illegible] که سخت تر و بدتر باشد از شرب خمر که مست کننده باشد بدرستی که یکی از ایشان ترک میکند نماز فریضه را و بمادر
و خواهر و دختر خود در می‌آید در حالی که بی عقل و مست است و روایت است که سؤال کردند از امیر المؤمنین علیه السلام و گفتند که تو فرمودی که شرب خمر از
زنا و دزدی بدتر است فرمود علیه السلام که [illegible] و شارب الخمر چون شرب خمر کرد زنا میکند و دزدی میکند و میکشد نفسی
حرام کرده است خدای تعالی قتل آن را و ترک میکند نماز را و از صادق علیه السلام مرویست که هر که بیاشامد مست کننده را نماز او [illegible]
باشد که ساعتی را بعبادت کرده باشد و هر که ترک کند مست کننده را از خوف و ترس خدای عز و جل داخل گرداند او را خدای عز و جل در بهشت و سیراب گرداند
او را از رحیق مختوم و در روایات در اینکه شارب الخمر که عابد وثن و در اینکه شارب الخمر کافر و در اینکه مدمن الخمر که عابد وثن از معصومین صلوات الله
علیهم اجمعین کثیر است [illegible] و روایت کرد از صادق علیه السلام که فرمود حدیث کرد مرا پدرم از پدر خود از رسول صلی الله علیه و آله
که فرمود مدمن الخمر که عابد وثن گفت پرسیدم که کیست مدمن فرمود آنکه هر گاه بیابد آن را بیاشامد آن را ابن ابی یعفور گفت شنیدم از امام جعفر صادق
علیه السلام که فرمود نیست مدمن الخمر آنکه بیاشامد آن را همه روزه و لیکن آنکس است که [illegible] خود که هر گاه بیابد آن را بیاشامد آن را و در
سند این احادیث در حرمت قلیل آن از آنچه مذکور است در کتاب کافی و کتاب تهذیب و در کتاب جامع الاخبار مسطور است که فرمود رسول
الله صلی الله علیه و آله که قسم بخداوندی که مرا مبعوث کرده است بحق که هر که بیاشامد [illegible] مست کننده قبول نشود نماز او چهل روز و شب [illegible]
[illegible] قبول کند خدای تعالی از وی توبه را و هر که بیاشامد دو شربت از آن قبول نکند خدای تعالی [illegible]
از آن قبول نکند خدای عز و جل [illegible] و بر خدای تعالی واجب است [illegible] از عین الخبال گفتند این چیست یا رسول الله
که چرک اهل دوزخ و ریم ایشان و فرمود که قسم بخداوندی که مرا مبعوث کرد که شارب الخمر بیاید روز قیامت سیاه روی و ازرق چشم [illegible]
لب او کشیده [illegible] و فرمود صلی الله علیه و آله که [illegible] مبعوث گردانید [illegible]
شارب الخمر [illegible] محشور میشود در قیامت [illegible] هزار سال که واعطشاه وای از تشنگی [illegible]
[illegible] و ان یستغیثوا یغاثوا بماء کالمهل یشوی الوجوه بئس الشراب و ساءت
مرتفقا [illegible]
قسم بخداوندی [illegible]
میکند با وی نزد خدای تعالی و هر که قرآن خصم او است خدا خصم اوست و هر که خدا خصم اوست دوزخ جای او است و از انس بن مالک روایت است که
رسول الله صلی الله علیه و آله [illegible] در جهنم وادیست که استغاثه میکند از آن اهل دوزخ و در آن وادی چاهیست از آتش و در آن [illegible]
و در آن [illegible] هزار دندان و هر دندانی
هزار [illegible] گفت انس که سوال کردم [illegible] از برای کیست این عذاب فرمود از برای شراب خواران [illegible] و فرمود صلی الله علیه و آله که
[illegible] و فرمود صلی الله علیه و آله که خمر ام الخبائث است [illegible] و فرمود صلی الله
علیه و آله که جمع شده است کل شر در یک خانه و کلید آن شرب خمر است و فرمود صلی الله [illegible]
[illegible] خدای عز و جل [illegible]
[illegible]
[illegible] و فرمود صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] و فرمود خدای تبارک و تعالی که اخسؤا فیها و لا تکلمون [illegible]
[illegible] و فرمود صلی الله علیه و آله که طعام دهد شارب الخمر را [illegible]
[illegible]
[illegible]
سلام کند بر وی لعنت کند [illegible]

۱۲۱

آن را از عبد او العلم عند الله شاید که این یک عظیم بر طعام دهنده و سلام کننده بر شارب الخمر، حتی باشد که او هم [illegible] و قضاء حاجت او در امر حرام باشد و فرمود صلی الله
علیه و آله که چون بیاشامد بنده یک شربت از خمر در اول [illegible] شود دل او و در دوم بیزار شود از وی جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و جمیع فرشتگان و در سوم بیزار شود
از وی جمیع پیغمبران و اماما و در چهارم بیزار شود از وی خداوند جل جلاله و فرمود خدای تبارک و تعالی که و اما الذین فسقوا فمأویهم النار کلما ارادوا ان یخرجوا
منها اعیدوا فیها و قیل لهم ذوقوا عذاب النار الذی کنتم به تکذبون یعنی آنان که [illegible] جای ایشان آتش است هر چند که اراده کنند
که بیرون آیند از آن باز گردانند [illegible] و گویند ایشان را که بچشید عذاب آتشی که بودید که دروغ [illegible] و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله
که چون روز قیامت شود بیرون آید از جهنم نوعی از عقرب که سر او در آسمان هفتم بود و دم او در زیر هفتم طبقه زمین باشد [illegible]
[illegible] و فرمود [illegible] جبرئیل علیه السلام [illegible] تارک الصلوة و مانع الزکوة
و [illegible] و شارب الخمر [illegible] و فرمود صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] فرمود علی علیه السلام [illegible] و فرمود که [illegible]
[illegible]
[illegible] لا اله الا الله
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] و فرمود صلی الله علیه
و آله [illegible] خدای عز و جل حرام گردانیده است خمر را بعینها و هر چه مست کننده است [illegible]
کننده است حرام است و فرمود رسول الله صلی الله علیه و آله که مثل شارب الخمر چون [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که هر که سلام کند بر شارب الخمر [illegible]
[illegible] و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله [illegible] طعام دهد شارب الخمر را [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله [illegible]
علیهم لعنة الله و الملائکة و الناس اجمعین [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] و زین لهم الشیطان اعمالهم فصدهم عن السبیل فهم لا یهتدون [illegible] و رضوا بالحیوة الدنیا و اطمأنوا بها و الذین هم عن آیاتنا غافلون اولئک مأویهم النار

بکشیون، و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که سلام مکنید بر یهود و نصاری و سلام مکنید بر شارب الخمر و فرمود صلی الله علیه و آله که مجاورة یهود و نصاری بهتر از مجاورة
شارب الخمر است و دوستی مکنید با شارب الخمر از برای آنکه دوستی با وی موجب پشیمانیست و فرمود صلی الله علیه و آله که شارب الخمر را معذب میکند خدای
تعالی بصد و شصت نوع از انواع عذاب و روایتست که از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام سؤال کردند که از خمر و خمرخواره [illegible]
فرمود علیه السلام که اگر قطره خمر در چاهی افتد و آن چاه را پر از خاک کنند و بعد از سالها از آن گیاه بروید و گوسفندی از [illegible]
آن علف بخورد من گوشت آن را نخورم و اگر قطره در دریا افتد که اول آن از مشرق بود و آخر آن از مغرب [illegible]
هیچ نکردم از برای آنکه [illegible] چند وقت قبل از آن خمر بر آن [illegible] است این بود بعضی از احادیث که وارد شده است از معصومان علیهم السلام
در خمر و خمرخواره و روایات [illegible] در این [illegible] بسیار است چون ذکر آن موجب اطناب بود باین اختصار شده و اما آنچه وارد شده است در میسر
روایتست از امام موسی کاظم علیه السلام که فرمود که نرد و شطرنج و اربعة عشر و جمیع بازی میسر است و از امیر المؤمنین علیه السلام مرویست که فرمود
که شطرنج و نرد از میسر است و روایتست که شطرنج [illegible] بخداوند عظیم و بازی نرد بدتر است از شطرنج و مرویست از صادق علیه السلام
که فرمود خدای را است عز و جل در هر شب از شبهای ماه رمضان آزاد شدگان از آتش [illegible] الا کسی که افطار کند بر چیزی مست کننده یا کسی که با
مومنان عداوت کند یا کسی که صاحب شاهین باشد راوی گفت سؤال کردم که چیست شاهین فرمود که شطرنج و هم از صادق علیه السلام مرویست که فرمود
در قول خدای تعالی که فاجتنبوا الرجس من الاوثان واجتنبوا قول الزور فرمود که رجس از اوثان شطرنج است و قول الزور غناست و روایتست [illegible]
فضیل و گفت سؤال کردم از باقر علیه السلام از این چیزها که مردم بازی میکنند بآن از نرد و شطرنج و غیر آن فرمود که وقتی که خدای عز و جل جدا کرد [illegible]
حق را [illegible] انها با کدام خواهند بود گفتم با [illegible] گفت پس چه کار است ترا [illegible] و مرویست که آمد مردی بخدمت امام موسی علیه السلام و گفت
با قومی که شطرنج بازی میکنند و من آن بازی نمیکنم فرمود که چه کار است ترا [illegible] نظر نمیکند خدای تعالی باهل آن و روایت کرد مسعدة بن زیاد که سؤال
کردند از صادق علیه السلام از شطرنج فرمود که بگذارید این مجوسیت را باهل آن که لعنت کند خدا ایشان را و روایتست از امام رضا علیه التحیه
والثنا که آمد مردی بخدمت امام محمد باقر علیه السلام و گفت چه میگویی در شطرنجی که بازی میکنند بآن مردمان فرمود که خبر داد مرا علی بن الحسین
بن علی از امیر المؤمنین علیهم السلام از رسول الله صلی الله علیه و آله که هر که ناطق باشد و نطق او بغیر ذکر خدا باشد او لغو و بیهوده گوینده باشد و هر که [illegible]
باشد و سکوت او بغیر ذکر خدا باشد پس او سهو کننده باشد و حضرت ساکت شد پس آن مرد برخواست و بیرون رفت [illegible] و مرویست که [illegible]
صادق علیه السلام آمدم و گفتم فدای تو گردم چه میگویی در شطرنج فرمود که اگر آن را [illegible] گوشت خوک [illegible] است گفتم
چیست بر آنکه [illegible] گوشت خوک فرمود که باید بشوید دست خود را و مرویست از امام رضا علیه التحیه والثنا که هر که نظر میکند در شطرنج چنانست که
نظر میکند در آتش و مرویست که نهی فرمود صلی الله علیه و آله از بازی کردن بنرد و شطرنج و فرمود که هر که بازی کند بنرد چنانست که گویا دست خود را [illegible]
خوک آلوده کرده باشد و فرمود صادق علیه السلام که شطرنج بازی شرک است و سلام بر بازی کننده آن معصیت و فرمود رسول صلی الله علیه و آله که
نمیشوند ملایکه در خانه که در آن خمر باشد یا دف یا طنبور یا نرد و مستجاب نشود دعای ایشان [illegible] خدای تعالی از ایشان برکت را
و فرمود صلی الله علیه و آله هر که نرد بازی کند بتحقیق که عاصی شده است و فرمود علیه السلام که ملعونست آنکه شطرنج بازی کند و نظر کننده
بآن چون خورنده گوشت خوک است و در حرف دیگر نظر کننده بآن چون نظر کننده است بفرج مادر و اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و احذروا
فان تولیتم فاعلموا انما علی رسولنا البلاغ المبین و فرمان برید خدا را و فرمان برید رسول او را و حذر کنید پس اگر اعراض کنید پس بدانید
که نیست بر رسول ما الا رسانیدن روشن [illegible] بعد از امر باجتناب خمر و قمار و بتان و ازلام امر فرمود بطاعت خود و رسول خود [illegible]
که اطیعوا الله و اطیعوا الرسول که طاعت بجای آوردن امر است و بفعل آوردن [illegible] نهی شده است از آن و احذروا و امر
فرمود بحذر کردن از خلاف طاعت خود و روایتست از رسول الله صلی الله علیه و آله که قومی خواهند بود که بلهو و شرب خمر و غنا مشغول شوند
و در آن حال مسخ شوند و در صباح بوزینه و خوک شده باشند و اینست که خدا فرمود و احذروا فان تولیتم پس اگر اعراض کنید از طاعت خدا
و حذر نکنید از معصیت او فاعلموا پس بدانید انما علی رسولنا البلاغ المبین که نیست بر رسول ما الا رسانیدن ظاهر روشن و معنی آنست که [illegible]
از خلاف امر خدا و رسول لیس علی الذین آمنوا و عملوا الصالحات جناح فیما طعموا اذا ما اتقوا و آمنوا و عملوا الصالحات ثم اتقوا و آمنوا
ثم اتقوا و احسنوا والله یحب المحسنین نیست بر آنان که ایمان آوردند و عملهای صالح کردند گناهی در آنچه خوردند چون پرهیز کردند و ایمان آوردند
و عملهای صالح کردند بعد از آن ایمان آوردند و پرهیز کردند بعد از آن پرهیز کردند و احسان کردند و خدا دوست میدارد احسان کنندگان را

پرهیز کردند

بعضی برآنند که این آیه نازل شد در قومی که حرام کرده بودند بر خود گوشت و طعامهای لذیذ چون عثمان بن مظعون و غیره و بعضی برآنند که سبب نزول آن
بود که چون نازل شد تحریم خمر و میسر و تاکید آن گفتند صحابه که یا رسول الله چگونه است حال برادران ما که خمر آشامیده اند و میسر خورده اند و در آن حال
مردند آیه آمد که لیس علی الذین آمنوا و عملوا الصالحات جناح فیما طعموا نیست بر آنکه ایمان آوردند و عمل صالح کردند هیچ گناه و حرجی در آنچه
خوردند از خمر و میسر قبل از حرمت آن بود و در تفسیر اهل البیت علیهم السلام فیما طعموا آنچه خوردند از حلال اذا ما اتقوا چون تقوی نمودند از محرمات
و آمنوا و عملوا الصالحات ایمان آوردند بخدا و رسول و روز قیامت و باعمال صالحه عمل نمودند ثم اتقوا باز دیگر تقوی بعمل آوردند
و ایمان آوردند ثم اتقوا باز دیگر تقوی بعمل آوردند و احسنوا و نیکی بمردمان رسانیدند والله یحب المحسنین و خدا دوست میدارد اهل
[illegible] نموده است که احتمال دارد که این تکرار یا بحسب اوقات یا باعتبار احوال ثلث باشد که اول استعمال ایمان است و تقوی را در میان
خود و نفس خود و در میان خود و مردمان و در میان خود و خدای تعالی و احتمال دارد که باعتبار مراتب ثلث باشد که ابتدا و وسط و منتهی
و احتمال دارد که باعتبار [illegible] باشد که پرهیز او از آن است که پرهیز کند از محرمات بواسطه پرهیز از عقاب و از شبهات بواسطه احتراز از وقوع
در حرام و از بعضی از مباحات از برای حفظ نفس از خست [illegible] از چرک طبیعت و در این [illegible] که چنین باشد از
محسنان است و هر که محسن است محبوب خداست مرویست که قدامة بن مظعون در زمان عمر بن خطاب خمر آشامید پس عمر خواست که بر وی حد
بزند او قرائت کرد این آیه که لیس علی الذین آمنوا و عملوا الصالحات جناح فیما طعموا الایه پس عمر اراده نمود که حد از وی دفع نماید
علی علیه السلام که او را بگردانید در میان اصحاب رسول صلی الله علیه و آله اگر شنیده است از هیچکس آیه تحریم خمر را پس حد را از وی دفع کنید و اگر شنیده
از وی طلب توبه کنید و او را حد بزنید و اگر توبه نکند او را بکشید یا ایها الذین آمنوا لیبلونکم الله بشیء من الصید تناله ایدیکم و رماحکم لیعلم الله من
یخافه بالغیب فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب الیم ای گروه گروندگان میآزماید شما را خدا بچیزی از صید که میرسد بآن [illegible]
شما و نیزه های شما تا ظاهر گرداند خدا آنکس را که میترسد از وی در حال غیبت پس هر که از حد در گذرد بعد از این پس او راست عذابی دردناک گفته اند که
حدیبیه [illegible] رسول صلی الله علیه و آله را در حول حدیبیه خدای تعالی امتحان فرمود مومنان را بصید در وقتی که ایشان محرم بودند و صید
بسیار در آن وقت در میان رحال و بار ایشان در میآمد بنحوی که ایشان را ممکن بود که صید را بدست گیرند و بنیزه صید نمایند این آیه نازل شد
که یا ایها الذین آمنوا [illegible] مومنان را بالخطاب از برای آنکه ایشان منتفع میشوند بآن و اگر چه کافران نیز مکلفند [illegible]
مومنان لیبلونکم الله لام جواب قسم مقدر است یعنی والله که آزمایش میکند شما را خدا بشیء من الصید بچیزی از صید من احتمال دارد که از برای
تبعیض باشد یعنی [illegible] شما را بچیزی از بعضی از صید که آن صید بر است نه صید بحر و احتمال دارد که از برای بیان باشد یعنی آزماید شما را
بچیزی که آن صید است تناله ایدیکم و رماحکم صفت صید است [illegible] یعنی آنچه صید کرده [illegible] گفته اند که مراد
تناله ایدیکم صید [illegible] و رماحکم [illegible] بشیء من الصید بطریق تقلیل و تحقیر [illegible] است زیرا که این ابتلا نیست بچیزی سهل
و آسان [illegible] نه بامری عظیم چون بذل جان و مال لیعلم الله من یخافه بالغیب تا معلوم کند خدا آنکس را که میترسد از وی در حال غیب یعنی تا معامله کند خدا
مثل معامله کسی که میآزماید از برای آنکه [illegible] ظاهر ساختن معلوم خود است که کیست که میترسد از وی در حال غیب و تنهایی و خلوت و باز میدارد
خود را از صید از خوف خدا و عقاب او و با آنکه صید بوی نزدیکست و از ناظران غایب فمن اعتدی بعد ذلک پس هر که تجاوز کند و در گذرد
از حد خدا بعد از این ابتلا فله عذاب الیم پس از برای وی آماده است عذابی مولم در دنیا که جزای آنکه خود را منع نکرده است از برای [illegible]
چنان امری سهل و گفته اند که ابتلای خدا امت محمد را صلی الله علیه و آله بصید [illegible] ابتلای بنی اسرائیل است بصید بحر یا ایها الذین آمنوا لا تقتلوا
الصید و انتم حرم و من قتله منکم متعمدا فجزاء مثل ما قتل من النعم یحکم به ذوا عدل منکم هدیا بالغ الکعبة او کفارة طعام مساکین او عدل ذلک
صیاما لیذوق وبال امره عفا الله عما سلف و من عاد فینتقم الله منه والله عزیز ذو انتقام [illegible]
[illegible]
گروه گروندگان مکشید صید را و حال آنکه محرم باشید و هر که بکشد آن را [illegible] پس بر وی واجبست جزایی مثل آنچه کشته است [illegible]
بآن دو خداوند عدل از شما در حالتی که آن [illegible] باشد رسیده بکعبه یا بر وی واجبست کفاره که آن طعام دادن درویشانست یا بر وی [illegible] مانند آن روزه
تا آنکه بچشد سختی کار خود را در گذشت خدا از آنچه گذشت و هر که بگردد پس انتقام میکشد خدا از وی و خدا غالبست صاحب انتقام [illegible]
فرمود تحریم صید را بر محرم بقول خود که یا ایها الذین آمنوا لا تقتلوا الصید و انتم حرم و [illegible] که مراد از صید مصید است و آن هر حیوانیست که وحشی باشد

برانچه دارند و عام حاضر شده در روجامهای ابریشمین و غالیه و طیب آن بخشش بود پس چون متفرق شدند در مال مامون گفت یا ابا جعفر

اخبرت که بیان کرده ای ... واجب است ... امام علیه السلام که چون بکشد محرم صید را در حل

صید از مرغان کبیر باشد پس بر وی واجب است گوسفندی و اگر در حرم صید کند جزای آن مضاعف است

خاص آید و زیارت کند این خانه را و شناسد حق این خانه را و معتقد باشد وجوب او را احرام گرد او حمد او را از آتش قیاما للناس یعنی از برای است گردانید
امر مردمان در معاش ایشان و معاد ایشان از انکه پناه میبرد بآن خایف و ایمن است آن ضعیف و ربح میبرد از آن تاجر و ... [illegible]
کنندگان و عمره کنندگان و در روایت از صادق علیه السلام هر که اراده چیزی داشته باشد از برای دنیا و آخرت و بیاید بجانب این خانه ... [illegible]
و در روایت از معصومین علیهم السلام کرده اند که مردمان حج میکنند که را ... [illegible] ... و الشهر الحرام
عطف بر الکعبه یعنی گردانید خدا شهر حرام را از برای قیام مردمان بعضی گفته اند که مراد از شهر الحرام ذو الحجه است بعضی گفته اند که مراد جمیع ... [illegible]
و الهدی و القلائد گذشت معنی آن در اول سوره ... [illegible]
و شهر حرام و هدی و قلائد را لتعلموا ان الله یعلم ما فی السموات و ما فی الارض از برای اینست که تا بدانید که خدا میداند هر چیز را که در آسمانها است
و هر چیز را که در زمین است ... [illegible]
[illegible]
اعلموا ان الله شدید العقاب و ان الله غفور رحیم بدانید بتحقیق که خدا ... [illegible]
[illegible]
ما علی الرسول الا البلاغ و الله یعلم ما تبدون و ما تکتمون ... [illegible]
[illegible]

و جواب مطلوب از آن کردن ان تسألوا عنها حین ینزل القرآن تبد لکم است صفت اشیا است یعنی سوال اشیا بکنید از رسول صلی الله علیه و آله از تکالیف
شاقه چون سوال عکاشه از حج ... [illegible] ... و امثال این خبرها که اگر ظاهر شود آنها را شما را شاق باشد
و بد آید شما را ... [illegible] ... عفو کرده است خدا از آن ... [illegible] ... عفا الله عنها
و ان تسألوا عنها حین ینزل القرآن تبد لکم ... [illegible] ... در وقت نزول قرآن که پیغمبر در میان شما است ... [illegible]
[illegible] ... عفا الله عنها عفو کرده خدا از آن سوال کردید ... [illegible]
[illegible] ... قد سألها قوم من قبلکم ثم اصبحوا بها کافرین ... [illegible]
[illegible]
[illegible]
ما جعل الله من بحیرة و لا سائبة و لا وصیلة و لا حام و لکن الذین کفروا
یفترون علی الله الکذب و اکثرهم لا یعقلون ... [illegible]
[illegible]

[illegible]

شیخ قدس سره در مجمع البیان میفرماید که ذکر کرده است حاکم ابو سعید در تفسیر خود که این آیه دلیلست بر بطلان قول امامیه که ائمه علم غیب میدانند و من میگویم
که این طعنیست که او میکند بر این قوم از برای آنکه نمیدانم یکی از ایشان را و نه یکی از اهل اسلام را که وصف کند یکی از آدمیان را بعلم غیب و هر که وصف کند
مخلوقی را باین وصف البته او مفارقت دین حق کرده است و شیعه امامیه از این بری و بیگانه اند [illegible] خدا
میان او و میان ایشان اذ قال الله یا عیسی بن مریم اذکر نعمتی علیک وعلی والدتک اذ ایدتک بروح القدس تکلم الناس فی المهد وکهلا
واذ علمتک الکتاب والحکمة والتوریة والانجیل واذ تخلق من الطین کهیئة الطیر باذنی فتنفخ فیها فتکون طیرا باذنی وتبرئ الاکمه والابرص
باذنی واذ تخرج الموتی باذنی واذ کففت بنی اسرائیل عنک اذ جئتهم بالبینات فقال الذین کفروا منهم ان هذا الا سحر مبین یاد کن چون گفت خدا
که ای عیسی بن مریم ذکر کن نعمت مرا بر خود و مادر خود در آنکه قوت دادم ترا بجبرئیل سخن میگوئی با مردمان در گهواره و در حال کهولت و در آنکه تعلیم کردم ترا
کتابت و حکمت و توریة و انجیل و در آنکه میسازی از گل مثل هیئت مرغ باذن من پس میدمی در آن پس میشود مرغ باذن من و از علت بیرون میآوری
کور مادرزاد و ابرص را باذن من و در آنکه بیرون میآوری مردگان را باذن من و در آنکه باز داشتم بنی اسرائیل را از تو در وقتی که آوردی ایشان را
معجزات پس گفتند آنان که کافر شدند از ایشان که نیست این مگر سحری روشن اذ قال الله بدلست از یوم یجمع الله الرسل یعنی میگوید خدا در روز حشر
وجه آنکه یا عیسی بن مریم و در این توبیخ است نصاری را [illegible] اذکر نعمتی علیک وعلی والدتک
نعمت مفرد است و مراد از آن جمع است اذ ایدتک بروح القدس قوت دادم ترا بجبرئیل یا بکتاب انجیل یا با حیا دین یا با حیا موتی تکلم الناس
فی المهد وکهلا سخن گفتی با مردمان در گهواره یا در کنار مادر و در حال کهولت یعنی کلام تو در حال رضاع و در حال کهولت جمیع صحیح و صواب بود واذ
علمتک الکتاب و دیگر آنکه تعلیم کردم ترا خط و کتابت و از این معلوم شد که این علم از نعمتهای خداست والحکمة و تعلیم کردم ترا علم [illegible]
محکم و صواب والتوریة والانجیل یعنی علم این دو کتاب دادم ترا واذ تخلق من الطین کهیئة الطیر باذنی و دیگر آنکه ساختی از گل مانند هیئت مرغ باذن
من و گذشت ذکر این در سوره آل عمران فتنفخ فیها پس میدمیدی در آن فتکون طیرا باذنی پس گردید مرغ بفرمان من وتبرئ الاکمه و صحیح میگردانی
کور مادرزاد را والابرص و آنکه برص و پیسی بوی محکم شده است باذنی بامر و فرمان من واذ تخرج الموتی باذنی و دیگر آنکه بیرون میآوردی
مردگان را زنده بفرمان من و حقیقت این افعال اگرچه از خداست تعالی شانه اما چون بدعای عیسی علیه السلام بود بوی نسبت داد [illegible]
که زنده کرد بدعای عیسی علیه السلام سام بن نوح را و دو مرد دیگر و یک دختر را واذ کففت بنی اسرائیل عنک و دیگر از نعمتها آنکه باز داشتم
و منع کردم بنی اسرائیل را از قتل و آزار تو اذ جئتهم بالبینات در وقتی که آوردی ایشان را حجج و معجزات فقال الذین کفروا منهم پس گفتند آنانکه کافر شدند
[illegible] ان هذا الا سحر مبین نیست این که عیسی آورده است مگر سحری روشن ظاهر و حمزه و کسائی ساحر مبین خوانده اند یعنی نیست این مگر ساحری ظاهر واذ اوحیت
الی الحواریین ان امنوا بی وبرسولی قالوا امنا واشهد باننا مسلمون وحی رسانیدن بمعنی [illegible]
الهام یعنی دیگر چون الهام کردم حواریان را آنکه ایمان آورید بمن و برسول من گفتند که ایمان آوردیم و گواه باش بآنکه ما مسلمانانیم [illegible]
از تفسیر نعمتهاست که خدا تعالی بر عیسی انعام نموده بآنکه فرمود حواریان را که انصار و وزرای عیسی اند که ایمان آورید بخدا و رسول وی
است و ایشان ایمان آوردند و گفتند که ما مخلص و فرمان برداریم و گذشت در سوره آل عمران [illegible] مذکور شده است در معنی آن اذ قال
الحواریون یا عیسی بن مریم هل یستطیع ربک ان ینزل علینا مائدة من السماء قال اتقوا الله ان کنتم مؤمنین [illegible]
آنگه گفتند حواریان که ای عیسی بن مریم آیا میتواند پروردگار تو آنکه فرو فرستد بر ما خوانی از آسمان گفت بترسید خدا را اگر هستید
مؤمنان بعضی گفته اند که معنی هل یستطیع ربک ان ینزل علینا مائدة من السماء آنست که آیا اراده و حکمت پروردگار تو مقتضی آن هست که فرو
فرستد بر ما خوانی از آسمان گفت بترسید خدا را اگر هستید [illegible] و بعضی گفته اند که معنی یستطیع یطیع است یعنی آیا اطاعت میکند پروردگار
سوال ترا و بعضی گفته اند که غرض ایشان زیادتی تثبیت بود در دین چون قول ابراهیم علیه السلام ولکن لیطمئن قلبی و بعضی گفته اند که [illegible]
در ابتدا امر بود که هنوز ایشان را ایمان محکم نشده بود و مشاهده آثار [illegible] نموده بودند و از این بود که فرمود عیسی علیه السلام
که اتقوا الله ان کنتم مؤمنین یعنی بترسید از خدا [illegible] سوال میکنید [illegible] طلب نکرده است و بعضی گفته اند که [illegible]
خدا تعالی فرموده که یا ایها الناس اتقوا ربکم و یا ایها الذین امنوا اتقوا الله قالوا نرید ان ناکل منها وتطمئن قلوبنا ونعلم ان قد صدقتنا
ونکون علیها من الشاهدین گفتند حواریان که اراده داریم که بخوریم از آن مائده و آرام گیرد دلهای ما و بدانیم که تو راست گفتی با ما و باشیم
بر آن مائده از گواهان این تمهید عذر ایشانست از سوال مائده که غرض از آن تمتع اکل است و ازدیاد یقین و علم بتصدیق قول عیسی علیه السلام

ابرای

از برای آنکه دیده بالعیان زیاده میکرد و معرفت در نفس [illegible] متمکن میگردد و نکون علیها من الشاهدین میتواند بود که معنی این باشد که ما باشیم مشاهده کنندگان آن
[illegible] از نشانهای خدا قال عیسی ابن مریم اللهم ربنا انزل علینا مائدة من السماء تکون لنا عیدا لاولنا واخرنا وایة منک وارزقنا وانت خیر الرازقین
گفت عیسی بن مریم که خداوندا ای پروردگار ما فرو فرست بر ما خوانی از آسمان که باشد از برای ما عیدی از برای اولین ما و آخرین ما و آیه باشد از تو
و روزی کن ما را و تو بهترین روزی دهندگانی بعد از آنکه عیسی علیه السلام امر نمود قوم را بتقوی [illegible] سوال مائده نمودند [illegible]
داد عیسی بدعا و دعا کرد چنانچه میفرماید که قال عیسی بن مریم اللهم ربنا اصل اللهم یا الله است که حذف شده است از آن حرف ندا و عوض آن
میم مشدد آورده شده است و ربنا ندای دوم است [illegible] انزل علینا مائدة من السماء
تکون لنا عیدا یعنی روز نزول آن را روز عید و شادی باشد یا آنکه ما آن را تعظیم کنیم و مردمان بعد از آن روز را بزرگ دارند یا آنکه [illegible]
باشد از خدا بر ما لاولنا واخرنا بدلست از لنا یعنی عید باشد از برای اهل زمان ما و از برای مردمان بعد از ما و میتواند بود که معنی این باشد که [illegible]
از آن آخرین مردمان چنانچه بخورند اولین ایشان و گفته اند که مائده در روز یکشنبه نازل شده و از این جهت نصاری آن را عید میدانند چنانچه جمعه
عید امت محمد است صلی الله علیه و آله وایة منک عطف است بر عیدا و منک صفت اوست یعنی آیه و نشانه باشد از جانب تو که دلالت کند بر
کمال قدرت تو و صحت نبوت من وارزقنا و روزی کن ما را این مائده و نعمت را و روزی کن ما را شکر آن وانت خیر الرازقین و تو بهترین روزی
دهندگانی زیرا که روزی میدهی بدون غرض و عوض قال الله انی منزلها علیکم فمن یکفر بعد منکم فانی اعذبه عذابا لا اعذبه احدا من العالمین گفت
خدا که بدرستی که من نازل گرداننده ام این مائده را بر شما پس هر کس که کافر شود بعد از آن از شما پس بدرستی عذاب میکنم او را عذابی که عذاب نکنم بآن عذاب
یکی از عالمیان [illegible]
و بعضی گفته اند که خدا تعالی ایشان را بوزینه و خوک [illegible] و مسخ گردانید ایشان را و هرگز احدی را بآن عذاب معذب نگردانید بعضی گفته اند
که چون خدا این شرط را با ایشان کرد ایشان استعفا کردند و ترک نمودند طلب آن [illegible] که خدا تعالی آن را بر ایشان نازل کرد و این
از برای آنکه فرموده که انی منزلها علیکم و مشهور آنست که نازل شده در روز یکشنبه و خلافست در کیفیت نزول و در آنکه چه چیز در آن بود [illegible]
که عیسی علیه السلام امر نمود بنی اسرائیل را بسی روز روزه پس چون فارغ شدند گفتند یا عیسی اگر عمل میکردیم از برای یکی از ایشان چون فارغ میشدیم
از عمل ما را طعام میداد و ما روزه داشتیم و گرسنه شدیم پس دعا کن که خدا تعالی از برای ما مائده از آسمان فرو فرستد پس آوردند ملائکه از آسمان
که در آن هفت نان بود [illegible] و خوردند آخر ایشان چون اولین ایشان و بعضی گفته اند که در آن همه الوان طعام بود
الا گوشت و نان و بعضی گفته اند که ماهی و گوشت و بعضی گفته اند که نازل شد ماهی که در آن بود طعم کل طعام و بعضی گفته اند که در آن میوه
بود از میوه های بهشت [illegible] صبح و شام چون من و سلوی بر بنی اسرائیل و بعضی گفته اند که [illegible]
فارسی رضی الله عنه مرویست که عیسی علیه السلام [illegible]
[illegible] پس چون سوال کردند از وی حواریان نزول مائده [illegible] اللهم ربنا انزل
علینا مائدة من السماء [illegible] پس نازل شد سفره سرخی در میان دو ابر و مردمان نظر داشتند [illegible] تا آنکه افتاد پیش ایشان پس گریست
عیسی و گفت اللهم اجعلنی من الشاکرین اللهم اجعلها رحمة ولا تجعلها مثلة و عقوبة [illegible]
[illegible] پس گفت عیسی علیه السلام [illegible]
گفت شمعون که رئیس حواریان بود که تو سزاوارتری بآن یا روح الله پس برخاست عیسی علیه السلام و وضو کرد و نماز گزارد [illegible] بعد از آن
برداشت سرپوش را از آن و گفت بسم الله خیر الرازقین پس دیدند ماهی بریان [illegible]
و نزد دم او سرکه و در گرد او الوان سبزیها بود الا گندنا و [illegible] پنج نان بود بر یکی زیتون و بر دوم عسل و بر سوم روغن و بر چهارم پنیر و بر پنجم [illegible]
[illegible] پس گفت شمعون که یا روح الله آیا این از طعام دنیاست یا از طعام آخرت فرمود که [illegible]
که خلق کرده است آن را خدا تعالی بقدرت غالبه خود بخورید از آنچه سوال کردید و شکر کنید [illegible] و زیاده کند بر شما از فضل خود
پس گفتند حواریان که یا روح الله [illegible] از این آیه آیه دیگر پس عیسی علیه السلام گفت که ای ماهی زنده شو باذن خدا تعالی
پس ماهی [illegible]
[illegible] که نازل شود عذابی بر شما پس فرمود که ای ماهی [illegible] پس گفتند [illegible] یا روح الله اول تو بخور از این مائده

بعد از آن بخورید و عیسی ... سعاد الله از الکوس بخوریم از آن ... سوال کرده است پس ایشان را رسید ... آن پس عیسی علیه السلام
...
[illegible]

... اگر عذاب کنی ایشان را پس ... که ایشان بندگان تو اند و اگر بیامرزی ایشان را پس ...
عالی حکیمی ... در این تسلیم ... اگر عذاب کنی ایشان را ...
... قال الله هذا یوم ینفع الصادقین صدقهم لهم جنات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها ابدا رضی الله عنهم ...
ذلک الفوز العظیم ...
[illegible]

ایشان م

لوح م

محمد صلی الله علیه و آله م

صحبت ... م

برای م

بدام

واهل عالم را او ایشان بیاورد حجت خود را او قبول میکند حق تعالی بشارت [illegible]

[illegible]

سورة الانعام

[illegible]

است از برای آنکه طرق ضلالت بسیار است و نور را [illegible] از برای آنکه راه هدایت یکیست ثم الذین کفروا بربهم یعدلون [illegible]

خلق کرده است این اشیا را و اسباب وجود و معاش ایشان گردانیده [illegible]

[illegible]

میکردانند [illegible] هو الذی خلقکم من طین ثم قضی اجلا و اجل مسمی عنده ثم انتم تمترون [illegible]

[illegible]

[illegible] الم یروا کم اهلکنا من قبلهم من قرن [illegible] اهلاک کردیم از اهل قرنی [illegible]
[illegible] مکناهم فی الارض ما لم نمکن لکم [illegible] و ارسلنا السماء علیهم مدرارا [illegible]
[illegible] و جعلنا الانهار تجری من تحتهم فاهلکناهم بذنوبهم و انشأنا من بعدهم قرنا آخرین [illegible]
[illegible] ولو نزلنا علیک کتابا فی قرطاس فلمسوه بایدیهم لقال الذین کفروا ان هذا الا سحر مبین [illegible]
[illegible] و قالوا لولا انزل علیه ملک ولو انزلنا ملکا لقضی الامر ثم لا ینظرون [illegible]
[illegible] ولو جعلناه ملکا لجعلناه رجلا و للبسنا علیهم ما یلبسون [illegible]
[illegible] بصورت آدمی [illegible] جبرئیل علیه السلام [illegible] صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] ولقد استهزئ برسل من قبلک فحاق بالذین سخروا منهم ما کانوا به یستهزؤن [illegible]
[illegible] قل سیروا فی الارض ثم انظروا کیف کان عاقبة المکذبین [illegible]
[illegible] قل لمن ما فی السموات و الارض قل لله کتب علی نفسه الرحمة لیجمعنکم الی یوم القیمة لا ریب فیه الذین خسروا انفسهم فهم لا یؤمنون [illegible]
[illegible] از کیست ملک آنچه در آسمانها و زمین است [illegible] مخلوق و مملوک خداست [illegible]

این معیشت در جواب [illegible] که از خداست کتب علی نفسه الرحمة واجب کرد بر ذات خود رحمت [illegible]
[illegible] توحید خود [illegible] آنچه در آسمانها و زمین است [illegible]
میکند از معصیت و مهلت میدهد [illegible] لیجمعنکم الی یوم القیمة [illegible]
سوگند بخدا که جمع میکند او شما را در روز قیامت و گفته اند که الی در این مقام بمعنی فی است و بعضی گفته اند که لیجمعنکم [illegible]
[illegible] لا ریب فیه [illegible]
[illegible] الذین خسروا انفسهم [illegible] فهم لا یؤمنون [illegible]
ایشان ایمان نیاورند [illegible] و له ما سکن فی اللیل و النهار و هو السمیع
العلیم و از خداست هرچه سکون دارد در شب و روز [illegible] یعنی خداست هرچیز و مملوک اوست در هر
مکان که هست خواه در آسمانها و خواه در زمین و در هر زمان که هست خواه در شب خواه در روز [illegible]
و سکون مقابل حرکت و بعضی گفته اند که مراد آنست که هرچیز ساکن و متحرک باشد در شب و روز [illegible]
[illegible] و هو السمیع العلیم [illegible]
قل اغیر الله اتخذ ولیا فاطر السموات و الارض و هو یطعم و لا یطعم قل انی امرت ان اکون اول من اسلم و لا تکونن من المشرکین [illegible]
[illegible] قل انی امرت ان اکون اول من اسلم بگو یا محمد که من مامورم که باشم اول کسی [illegible]
[illegible] اول کسی که مسلمان شود [illegible]
[illegible] تبت الیک و انا اول المؤمنین [illegible] و لا تکونن من المشرکین [illegible]
[illegible] قل انی اخاف ان عصیت ربی عذاب یوم عظیم بگو یا محمد [illegible]
[illegible] صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] عذاب یوم عظیم [illegible]
[illegible] من یصرف عنه یومئذ فقد رحمه و ذلک الفوز المبین [illegible]
[illegible] رسول صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] و ان یمسسک الله بضر فلا کاشف له الا هو و ان یمسسک بخیر فهو علی کل شیء
قدیر [illegible]
[illegible] و هو القاهر فوق عباده و هو الحکیم الخبیر [illegible]
[illegible]

خود با کمتر داراست بخطاب اجمال اینکه قل ای شیء اکبر شهادة قل الله شهید بینی و بینکم و اوحی الی هذا القرآن لانذرکم به و من بلغ ائنکم
لتشهدون ان مع الله آلهة اخری قل لا اشهد قل انما هو اله واحد و اننی بریء مما تشرکون بگو کدام چیز بزرگتر است از روی گواهی بگو خدا است
او گواه است میان من و میان شما و وحی شده است بمن این قرآن تا بیم کنم شما را بآن و هر کس را که برسد آیا شما گواهی
میدهید که با خدا هست خدایان دیگر بگو من گواهی نمیدهم بگو نیست الا خدای یگانه و بدرستی که من بیزارم از آنچه شریک میاورید گفته اند که
جماعت نزد رسول صلی الله علیه و آله گفتند که آیا خدا نیافت غیر از تو احدی که او را برسالت فرستد و ما هیچ کس را که تصدیق کند ترا
و از علماء یهود و نصاری سؤال کردیم از صدق تو گفتند که در نزد ایشان نیست پس بیاور گواهی که شهادت دهد برسالت تو پس حق تعالی
این آیه فرستاد و آیه بعد از این که قل ای شیء اکبر شهادة بگو یا محمد این کافران را که کدام چیز بزرگتر است از روی گواهی تا شهادت دهد
و صدق من و تبلیغ من و گواهی دهد بر شما بتکذیب شما اگر گویند که خدا بزرگتر است گواهی او پس او گواه است و گواهی میدهد و اگر قل الله گو
خدا بزرگترین گواهانست شهید بینی و بینکم او گواه است میان من و میان شما گواهی میدهد از برای من برسالت و تبلیغ آن و بر شما بتکذیب
من و اوحی الی هذا القرآن و فرستاده شده است بمن این قرآن لانذرکم به تا بیم کنم بآن شما را و من بلغ عطف است بر ضمیر خطاب
یعنی بیم نمایم شما را و هر کسی را که برسد بوی قرآن از عرب و عجم و گفته اند که هر کس که رسد بوی قرآن تا روز قیامت و در این دلیلست بر آنکه
احکام قرآن عامست و مکلفند بآن آنانکه موجود بودند در وقت نزول آن و آنانکه بوجود آمدند بعد از آن و آنانکه بوجود آیند تا قیامت و گفته اند
که هر کس رسید بوی قرآن چنانست که دیده است محمد را صلی الله علیه و آله و شنیده است از وی و از امام محمد باقر و امام جعفر صادق
علیهما السلام مرویست که معنی من بلغ اینست که و رسانیده شده است بمن این قرآن تا آنکه من انذار کنم شما را و آنکس که رسیده باشد بوی از
کند شما را او مرا و آنکس است از آل محمد صلی الله علیه و آله [illegible]
محمد صلی الله علیه و آله [illegible] ائنکم لتشهدون ان مع الله آلهة اخری آیا شما گواهی میدهید که با الله
دیگر هستند معنی این استفهام انکار [illegible] قل لا اشهد بگو من گواهی نمیدهم بآنچه شما گواهی میدهید قل انما هو اله واحد بگو جز این نیست که
او الا خدا او یگانه [illegible] و اننی بریء مما تشرکون و بدرستی که من بیزارم از آنچه شریک میاورید بخدا تعالی از شان و حال الذین آتیناهم
الکتاب یعرفونه کما یعرفون ابناءهم الذین خسروا انفسهم فهم لا یؤمنون آنانکه دادیم ایشان را کتاب میشناسند رسول را صلی الله علیه و آله چنانچه
میشناسند پسران خود را پس ایشان ایمان نمیاورند [illegible] در سوره البقره و من اظلم ممن افتری علی الله کذبا او کذب بآیاته انه لا
یفلح الظالمون و کیست ظالمتر از آنکه بربافد بر خدا دروغی یا آنکه تکذیب کند آیات خدا را بدرستی که رستگار نمیشوند ستمکاران و من اظلم استفهام
بمعنی انکار است یعنی هیچ کسی ظالمتر [illegible] افتری علی الله کذبا از آنکه ببندد بر خدا دروغ یا بگوید که [illegible] بنات الله اند یا
خدا اند [illegible] او کذب بآیاته یا آنکه تکذیب کنند آیات خدا را که قرآن است و رسول صلی الله علیه و آله و معجزات او انه لا
یفلح الظالمون بدرستی که شان اینست که رستگار نمیشوند ظالمان برحمت و ثواب و رضوان خدا [illegible] و یوم نحشرهم
جمیعا ثم نقول للذین اشرکوا این شرکاؤکم الذین کنتم تزعمون و روزی که بر میانگیزانیم ایشان را جمیع پس میگوییم آنها را که شرک آوردند کجایند
شما [illegible] یوم منصوبست بفعل مضمر تقدیر آنکه اذکر یوم نحشرهم یا آنکه و یوم نحشرهم کان کذا و کذا و سؤال [illegible]
توبیخ ایشانست بآنکه [illegible] ایشان شفعاء ایشان خواهند بود در قیامت ثم لم تکن فتنتهم الا ان قالوا والله ربنا
ما کنا مشرکین پس نباشد معذرت ایشان الا آنکه گویند بخدا که نبودیم شرک آورندگان بعضی تفسیر کرده اند فتنه را بعذر چنانچه ذکر شد و بعضی
و بعضی بکذب [illegible] انظر کیف کذبوا علی انفسهم [illegible] انکار ایشان میکنند
آن یعنی در دنیا اعتقاد [illegible] انظر کیف کذبوا علی
و ضل عنهم ما کانوا یفترون نظر کن که چگونه دروغ میگویند بر نفسهای خود و گم گشت از ایشان آنچه بودند که افترا میکردند معنی کیف کذبوا
و افترا ایشان و معنی ضل عنهم ما کانوا یفترون [illegible] خدا است [illegible]
و منهم من یستمع الیک و جعلنا علی قلوبهم اکنة ان یفقهوه و فی آذانهم وقرا و ان یروا کل آیة لا یؤمنوا بها حتی اذا جاؤک یجادلونک
یقول الذین کفروا ان هذا الا اساطیر الاولین و از ایشان کسانند که گوش مینهادند بسوی تو و گردانیدیم بر دلهای ایشان پوششها تا فهم
نکنند و در گوشهای ایشان سنگینی و اگر ببینند کل آیه و معجزه ایمان نمیاورند بآن تا چون بیایند بتو جدال کنند میگویند آنان که کافر شدند

که نیست این الا افسانه‌های پیشینیان روایتست که ابو سفیان و ولید و نضر بن حارث و عتبه بن ربیعه و شیبه برادر او و ابوجهل و امثال ایشان جمع شدند در
مسجد الحرام و رسول صلی الله علیه و آله بتلاوت قرآن مشغول بود گفتند نضر بن حارث را [illegible] چون قصه رستم و اسفندیار [illegible]
که این چیست که میگوید محمد صلی الله علیه و آله گفت نمیدانم اگرچه میگوید الا آنکه حرکت میدهد دهان خود را و افسانه‌ها از دهان اول برای شما میخواند
چنانچه [illegible] میخوانم حق تعالی شانه فرمود خطاب رسول خود صلی الله علیه و آله که و منهم من یستمع الیک و بعضی از این کافران آنانند که گوش
مینهادند بسوی تو در حال قرائت قرآن و جعلنا علی قلوبهم اکنة ان یفقهوه و فی آذانهم وقرا و گردانیدیم پوشش و غلاف بر دلهای ایشان و گرانی
در گوشهای ایشان [illegible] دوری دلهای ایشان از قبول حق و گوشهای ایشان از شنیدن آن و نسبت این بخدا تعالی که فرمود و جعلنا
علی قلوبهم اکنة از برای اینست که خدا تعالی بجزای عصیان ایشان ختم و طبع و اکنه بر دلهای ایشان گذاشته است و همچنین بر چشم ایشان چنانچه فرمود
ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم و علی ابصارهم غشاوة و از برای اینکه این امریست ثابت در ایشان که پنداری که خدا ایشان را چنین خلق کرده
و بعضی گفته اند که پیغمبر صلی الله علیه و آله قرائت قرآن در شبها آشکار میکرد [illegible] و میباید معانی آن را [illegible]
چون میشنیدند آن را [illegible] میکردند و منع میشودند او را از بلند خواندن قرآن پس خدا تعالی بعد از اقامت حجت بر ایشان و قطع عذر
ایشان و ظهور آنکه سماع ایشان آن را نفعی نمیدهد با ایشان جواب داد ایشان را غالب گردانید که استماع قرآن نمیکردند پس تشبیه فرموده
ایشان را بپوشیدن دلها و [illegible] گوشهای ایشان و احتمال دارد [illegible] که در دلهای ایشانست [illegible]
آن را تمام کند [illegible] باشد [illegible] از روی تشبیه و آن را نسبت داده باشد بخود [illegible]
[illegible] و ان یروا کل آیة لا یؤمنوا بها
[illegible] صدق نبوت [illegible] ایمان نمیاورند [illegible] حتی اذا جاؤک یجادلونک
[illegible] یقول الذین کفروا ان هذا الا اساطیر
الاولین [illegible] اول چون قصه رستم و اسفندیار [illegible]
[illegible] و هم ینهون عنه و ینأون عنه و ان یهلکون الا انفسهم و ما یشعرون [illegible] دور گردن [illegible] و این کافران نهی و منع میکنند
مردمان را از متابعت قرآن و دوری میکنند خود از وی [illegible] هلاک نمیکنند الا نفسهای خود را و نمیدانند [illegible]
رسول صلی الله علیه و آله یعنی ایشان نهی میکنند مردمان را از پیروی رسول خود و دوری میکنند از پیروی وی [illegible]
و معنی ینهون عنه آنست که نهی میکنند [illegible] از رسول صلی الله علیه و آله و خود دوری میکردند از وی و بوی ایمان نمیاوردند
از جهل و تعصب [illegible] ابو طالب بود که نهی میکرد مردمان را که ایذا کنند رسول را صلی الله علیه و آله و خود بوی ایمان نمیاورد
[illegible] این قول [illegible] با اجماع اهل البیت علیهم السلام ایمان وی [illegible] ابو طالب [illegible]
[illegible] و ان یهلکون الا انفسهم [illegible] هلاک نمیکنند مردمان را از متابعت وی و دوری کردن از وی مگر نفسهای خود را
یعنی [illegible] و ما یشعرون و نمیدانند [illegible] و لو تری اذ وقفوا علی النار فقالوا یا لیتنا نرد و لا
نکذب بآیات ربنا و نکون من المؤمنین [illegible] وقف [illegible] اگر ببینی چون بازداشته شده ایشان بر آتش پس گویند ای کاشکی ما بازگردانیده
میشدیم [illegible] و تکذیب نمیکردیم آیات پروردگار خود را و میبودیم از جمله مؤمنان [illegible] جواب لو محذوفست تقدیر آنست که اگر ببینی
[illegible] ایشان را بر آتش [illegible] و خطاب با رسولست صلی الله علیه و آله [illegible]
چون واقف شوند بر آتش و معاینه کنند [illegible] آتش [illegible] باشند [illegible]
[illegible] عذاب [illegible] یعنی [illegible] میگویند کافران در وقت معاینه
عذاب از روی ندامت و حسرت که یا لیتنا نرد ای کاشکی ما بازگردانیده میشدیم بدنیا و لا نکذب بآیات ربنا و نکون من المؤمنین
یعنی تکذیب نمیکنیم آیات و کتب پروردگار خود را و میباشیم از مؤمنان [illegible] ای کاشکی باز میگشتیم و تکذیب نمیکردیم کتب خود را
و میبودیم از جمله مؤمنان [illegible] ای کاشکی باز [illegible] در حالی که هم تکذیب نمیبودیم و از جمله مؤمنان میبودیم بل بدا
لهم ما کانوا یخفون من قبل و لو ردوا لعادوا لما نهوا عنه و انهم لکاذبون [illegible] ظاهر شد [illegible] بود [illegible]
[illegible] گردانیده شوند بدنیا [illegible] کرده شده بودند از آن [illegible] بل بدا لهم ما کانوا یخفون

رسید و پرسید که آیا محمد راست میگوید یا دروغ و کسی هم از ما در اینجا نیست گفت ابو جهل که والله که محمد راست میگوید و هرگز دروغ نگفت لیکن هر گاه بنو قصی لوا
و سقایه و حجابت و نبوت جمع بردارند پس باقی قریش را چه چیز باشد که موجب عز ایشان باشد از برای این آیه در تسلی او حق تعالی نازل
آیه تسلی داد رسول را صلی الله علیه و آله که قد نعلم تحقیق میدانیم انه لیحزنک الذی یقولون [illegible] که حزین و غمناک میکرداند
ترا آنچه کافران میگویند که ساحر و شاعر و کاهن و کذابی فانهم لا یکذبونک پس بدرستی که ایشان تکذیب تو نمیکنند یعنی یا آنست که تکذیب نمیکنند ترا
بدل تو اعتقاد بلکه تکذیب میکنند ترا بزبان یا آنکه تکذیب نمیکنند بحجت و برهان یا اینکه نمی یابند ترا کاذب یا اینکه تکذیب تو نمیکنند حقیقة بلکه تکذیب
آیات خدا میکنند چنانچه فرمود که و لکن الظالمین بآیات الله یجحدون [illegible]
نبوت رسول صلی الله علیه و آله ظلمیست عظیم و لقد کذبت رسل من قبلک فصبروا علی ما کذبوا و اوذوا حتی اتاهم نصرنا و لا مبدل لکلمات
و لقد جاءک من نباء المرسلین و بتحقیق که تکذیب کرده شدند پیغمبران از پیش تو پس صبر کردند بر آنچه تکذیب کرده شدند [illegible]

[illegible]

با وریدگانی مثل قرآن اقتراح کردند و قالوا لولا انزل علیه آیة من ربه و گفتند چرا نازل نشده بر محمد صلی الله علیه و آله آیه و معجزی چون عصاء موسی و ناقه صالح و این را از عناد میگفتند و این آیات که رسول صلی الله علیه و آله کرد از آن قرآنست که تا قیامت بر جمیع عقلا آفاق آن ظاهر است

[illegible]

قل ان الله قادر علی ان ینزل آیة بگو یا محمد که خدا قادر است بر [illegible] سوال میکنند

[illegible] و لکن اکثرهم لا یعلمون [illegible]

[illegible]

باین تقدیر است که ما گفتیم و لقد ارسلنا الی امم من قبلک فاخذناهم بالبأساء والضراء لعلهم یتضرعون [illegible]
ایشان را بسختی و آفات شاید که ایشان تضرع کنند تقدیر این است که و لقد ارسلنا رسلا الی امم یعنی بتحقیق که فرستادیم پیغمبران را [illegible]
گذشته اند [illegible] یعنی فرستادیم ایشان را در پیش تو فاخذناهم یعنی بگرفتیم [illegible] و تکذیب کردند پس گرفتیم
ایشان را بالبأساء بفقر و بسختی والضراء و بیماری [illegible] لعلهم یتضرعون از برای آنکه ایشان تضرع و تذلل و زاری کنند [illegible]
فلولا اذ جاءهم بأسنا تضرعوا و لکن قست قلوبهم و زین لهم الشیطان ما کانوا یعملون پس چرا در وقتی که آمد ایشان را عذاب
زاری نکردند لکن سخت شده بود دلهای ایشان و زینت داده بود از برای ایشان شیطان آنچه بودند عمل می آوردند لولا از برای تحضیض
و سرزنش است از برای ترک عمل خدای تعالی سرزنش فرمود بایشان را که چون بأس و عذاب خدا بایشان آمد بسبب تکذیب پیغمبران
و معاصی تضرع و زاری و توبه نکردند بقول خود که فلولا اذ جاءهم بأسنا تضرعوا [illegible]
ایشان بود و آنکه شیطان اعمال قبیح ایشان را در نظر ایشان زینت داده بود و لکن قست قلوبهم و زین لهم الشیطان ما کانوا یعملون

[illegible]

فتطردهم فتکون من الظالمین طرد راندن یعنی پس اگر برانی ایشان را اگر میخواهند پروردگار خود را بصباح و شبانگاه میکنند رضا خدا را عیب نو
از حساب ایشان هیچ چیزی و نه از حساب تو بر ایشان هیچ چیزی پس برای ایشان را پس بیاشی از ظالمان فرود آمد که قومی از قریش
مؤمنان در مدینه بودند که ایشان را اصحاب صفه میگفتند و رسول صلی الله علیه و آله ایشان را در صفه جای داده بود و با ایشان بار
بسیار بود که خود بنفس نفیس خود طعام میداد برای ایشان که میخوردند و ایشان بخدمت رسول صلی الله علیه و آله آمده و سند میکردند و ایشان را
تقرب میکردانید و با ایشان مجالست و مؤانست میفرمود و اغنیا و متنعمان و رؤسا و منکران آن انکار این میکردند و میگفتند که ایشان
از نزد خود این گروه اعبد و بندگان را اگر از نو دور کنی ما بنزد تو آییم ...
صلی الله علیه و آله ...
[illegible]

و معادل است مانند معاد از آینده و اگر قبل از امتحان حال بر وی ظاهر است چنانکه بعد از امتحان الیس الله باعلم بالشاکرین این استفهام تقریر است
یعنی خدا عالم است بشکرکنندگان و مومنان و بآن توفیق رفیق ایشان میگرداند و مثل این دال است باحوال کافران و ایشان را
بآن مخذول میگذارد و در این فصل فقرا مومنان را [illegible]
[illegible]

146

گفته اند که این آیت که اقتراح میکردند ان الحکم الا لله نیست حکم در میان حق و باطل و در فرستادن آیات یا عذاب الا از خدا یقص الحق میگوید و خبر میدهد
بحق و بعضی یقضی خوانده اند حکم میکند بحق و جدا میکند حق را از باطل و هو خیر الفاصلین و او بهترین حاکمان و فاصلانست چه صاحب عدل و علم و قدرت
و غنیست ظلم نمیکند [illegible] قل لو ان عندی ما تستعجلون به لقضی
الامر بینی و بینکم والله اعلم بالظالمین بگو که اگر نزد من بودی آنچه تعجیل میکنید شما بآن [illegible] میان من و میان شما و خدا داناتر است بظالمان
قل بگو یا محمد این کافران را لو ان عندی اگر نزد من و در رای و اراده من بودی ما تستعجلون به آنچه تعجیل میکنید بآن از عذاب که نازل شود بر شما
لقضی الامر بینی و بینکم هر آینه قضا میشد میان من و شما [illegible] هلاک میکردم شما را و راحت می یافتم از آزار شما والله اعلم بالظالمین [illegible]
یعنی و خدا عالمتر است بظالمان و بوقت عذاب ایشان و حکمت و مصلحت در تاخیر آن و در این دلیلست بر آنکه تاخیر عذاب ایشان [illegible]
از مصلحت که شاید که توبه کنند یا ایمان آورند [illegible] و عنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو و یعلم ما فی البر والبحر و ما تسقط من ورقة الا یعلمها و لا
حبة فی ظلمات الارض و لا رطب و لا یابس الا فی کتاب مبین مفاتح جمع مفتح کلید و جمع مفتح خزانه نیز و نزد خداست خزانهای غیب [illegible]
[illegible]

که غالب است بر فوق بندگان خود و میفرستد بر شما نگاهبانان تا وقتی که بیاید یکی را از شما مرگ قبض کند جان او را رسولان ما و ایشان تقصیر نمیکنند
و هو القاهر فوق عباده بیان کمال قدرت اوست و معنی آنست که غالب و مستعلی است بر بندگان خود نه آنکه مکان او رفیع است
چه او منزه است از مکان از برای آنکه مقدس و مبرا است از جهت و این مثل آنست که گویند علم فلان فوق علم فلان است یعنی او از وی عالمتر است
و یرسل علیکم حفظة و میفرستد بر شما نگاهبانان را الکرام الکاتبین اند که حفظ میکنند اعمال شما را و مینویسند و حساب آن نگاه میدارند و در این لطف است
از برای آنکه چون معلوم شد که ایشان حافظانند از جانب خدا باز میایستند از معاصی حتی اذا جاء احدکم الموت توفته رسلنا تا آنکه وقتی که آید
یکی از شما را مرگ و اجل او منقضی شد قبض میکنند روح او را رسل ما که ملک الموت و یاران اویند [illegible] قبض ارواح میکنند و هم لا یفرطون و ایشان
هیچ تقصیر و ناچیزی نمیکنند ثم ردوا الی الله مولیهم الحق الا له الحکم و هو اسرع الحاسبین پس باز گردانیده شوند [illegible]
[illegible] ثم ردوا الی الله یعنی باز گردانیده میشوند بحکم و جزای خدا یا بموضعی که مالک حکم
در آن الا او مولیهم خداوندی که متولی امور ایشان است بتصرف در امور ایشان الحق حق و ثابت است الا له الحکم [illegible]
و بعضی گفته اند که حق یعنی محقست و بعضی بمعنی ثابت گفته اند [illegible] الا له الحکم یعنی بخصوص اوست حکم و قضا در روز قیامت
و چون در دنیا دیگری را حکم نیست و هو اسرع الحاسبین گفته اند که حق جل جلاله [illegible] حساب جمیع مکلفان میکند [illegible]
و حساب [illegible] حساب یکی از حساب دیگری [illegible]
که از امیرالمومنین علیه السلام سوال کردند که چگونه خدای تعالی حساب خلق میکند و ایشان نمی بینند او را فرمود که چنانکه روزی میدهد ایشان را و او را نمی بینند
قل من ینجیکم من ظلمات البر و البحر تدعونه تضرعا و خفیة لئن انجانا من هذه لنکونن من الشاکرین بگو کیست که میرهاند شما را از تاریکیهای بیابان و دریا
در حالیکه میخوانید او را بزاری و پنهان و میگوئید اگر نجات دهی ما را از این البته میباشیم از شکرکنندگان [illegible]
[illegible] ظلمات البر و البحر [illegible]
[illegible]
[illegible] تضرعا و خفیة [illegible]
[illegible]
[illegible] روایت است از پیغمبر صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] رسول صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] قل الله ینجیکم منها و من کل کرب ثم انتم تشرکون بگو یا محمد خدای است که میرهاند شما را از این ظلمات و از هر غم
پس شرک میآرید [illegible] قل هو القادر علی ان یبعث علیکم عذابا من فوقکم او من تحت ارجلکم
او یلبسکم شیعا و یذیق بعضکم باس بعض انظر کیف نصرف الآیات لعلهم یفقهون [illegible]
[illegible]
[illegible] نظر کن که چگونه مکرر میگردانیم آیات را [illegible] قل هو القادر بگو یا محمد که اوست خداوندی که کامل قدرت
ان یبعث علیکم عذابا من فوقکم او من تحت ارجلکم بعضی گفته اند که عذاب فوق آنست که از جانب آسمان باشد چون صیحه و بانگ بر قوم ثمود و طوفان
و باران بر قوم نوح و ریح و باد بر قوم عاد و حجاره و سنگ بر قوم لوط و امثال آن و عذاب تحت آنکه از جانب زمین باشد [illegible]
و بعضی گفته اند که عذاب فوق آنست که از جانب امرا باشد و بزرگان و عذاب تحت از جانب ضعفا باشد و زیردستان و بعضی گفته اند که فوق
که از جانب ظلمه و سلاطین باشد و تحت آنکه از جانب سفله و بندگان بد باشد و بعضی گفته اند که فوق منع باران است و تحت منع نبات
او یلبسکم شیعا یا مخلوط گرداند شما را [illegible]
و معنی مخلوط گردانیدن بعضی گفته اند آنست [illegible]
بعضی بواسطه عداوت و عصبیت و یذیق بعضکم باس بعض [illegible]
و بعضی گفته اند [illegible]

و چشانیدن

و چشانیدن عذاب بعضی را بعضی مسلمانان را اهل صلوة را و روایت است که چون نازل شد این آیه قیام نمود نبی صلی الله علیه و آله و وضو کامل ساخت و دو رکعت
و با حسن وجهی بصلوة پرداخت و بعد از آن از حضرت حق عز و علا سوال نمود که نرسد امت مرا عذابی از فوق و تحت ایشان و ایشان را بیکدیگر
مخلوط نگرداند و نچشاند بعضی را باس بعضی پس نازل شد جبرئیل علیه السلام و گفت یا محمد خدای تبارک و تعالی شنید گفتار ترا و ایشان را
از دو خصلت پناه داد از عذاب فوق و از عذاب تحت و پناه نکرد ایشان را از دو خصلت گفت یا جبرئیل [illegible]
بعضی را باقی خواهد ماند و باز بر جا است بعد از آن نازل شد که الم احسب الناس ان یترکوا ان یقولوا آمنا تا آخر آیه و فرمود که ناچار است
از فتنه که بیازماید بآن خدای تعالی این امت را تا گردانند تمیز صادق از کاذب و وحی منقطع میشود و شمشیر باقی میماند [illegible] انظر کیف
نصرف الآیات نظر کن یا محمد که چگونه مکرر میگردانیم آیات را و ظاهر میگردانیم آن را در پی یکدیگر بوجوه دلالات [illegible] لعلهم یفقهون
[illegible] حق را و متابعت کنند و باطل را و از آن اجتناب نمایند و کذب به قومک و هو الحق قل لست علیکم بوکیل و تکذیب نمودند آن قوم تو
و حال آنکه آن حق است بگو نیستم من بر شما وکیل و کذب به ضمیر یا راجع بعذاب یا بانحضرت یا بقرآن و مراد از قوم تو قریش اند و هو الحق واقع [illegible]
میکند [illegible] و صدق قل لست علیکم بوکیل بگو نیستم من بر امور شما حافظ و نگاهدارنده شما بلکه من [illegible] رسولم [illegible] وکیل [illegible] مامور باشم
بحرب شما و گرفتن شما لکل نبا مستقر و سوف تعلمون از برای هر خبری از وعده و وعید خدا وقت قرار است و موعدی در دنیا یا در آخرت
و خواهید دانست شما آن را و درین تهدید و وعید است ایشان را بعذاب و اذا رایت الذین یخوضون فی آیاتنا فاعرض عنهم حتی یخوضوا
فی حدیث غیره و اما ینسینک الشیطان فلا تقعد بعد الذکری مع القوم الظالمین و چون ببینی [illegible]
از ایشان تا آنکه داخل شوند در حدیثی غیر آن و اگر فراموشی گرداند ترا شیطان این نهی پس بعد از یاد آن با قوم ظالمان [illegible]
ترک مصاحبت و مجالست کافران در وقتی که استهزا کنند بقرآن و خطاب نمود رسول که و اذا رایت الذین یخوضون فی آیاتنا و معنی یخوضون
یعنی تکذیب [illegible] گفته اند و بعضی یستهزئون [illegible] استهزا میکنند بآن و طعن میزنند در آن [illegible]
[illegible] فاعرض عنهم پس روی بگردان از ایشان [illegible] حتی یخوضوا فی حدیث غیره تا آنکه داخل
شوند در حدیثی غیر استهزا بقرآن و انکار و تکذیب آن گفته اند که خطاب برسول است و مراد [illegible]
[illegible] و اما ینسینک الشیطان و اگر فراموش گرداند ترا شیطان [illegible]
نهی از مجالست ایشان فلا تقعد بعد الذکری پس منشین بعد از آنکه یاد آید ترا نهی از مجالست ایشان مع القوم الظالمین با این فاسقان و کافران که
و عناد انکار قرآن میکنند روایت است که فرمود رسول صلی الله علیه و آله که هر که ایمان دارد بخدا و روز قیامت باید که ننشیند در مجلسی که دشنام داده شود در آن
امامی را یا غیبت کرده شود در آن مسلمانی و از برای آنکه خدای تعالی میفرماید که و اذا رایت الذین یخوضون تا مع القوم الظالمین و ما علی الذین یتقون من
حسابهم من شیء و لکن ذکری لعلهم یتقون و نیست بر آنانکه پرهیزکاری میکنند از حساب کافران هیچ چیزی و لکن پند داده شوند [illegible]
پرهیزکاری کنند روایت است که چون نازل شد آیه سابقه مسلمانان گفتند که چون ما [illegible] هرگاه که مشرکان استهزا کنند بقرآن [illegible]
پس داخل مسجد الحرام نتوانیم شد و طواف بیت الحرام نتوانیم کرد پس حق عز و جل این آیه نازل کرد و ما علی الذین یتقون من حسابهم من شیء
نیست بر متقیان از حساب کافران چیزی یعنی لازم نیاید بر ایشان از قبایح اقوال و افعال کافران چیزی و حساب آن بر متقیان نیست
و لکن ذکری و لیکن بر متقیان است که پند دهند ایشان را [illegible] منع کنند ایشان را از خوض در آیات خدا [illegible]
لعلهم یتقون تا آنکه این مشرکان پرهیز نمایند از این قبایح [illegible] و معنی این باشد که [illegible]
و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا و لهوا و غرتهم الحیوة الدنیا و ذکر به ان تبسل نفس بما کسبت لیس لها من دون الله ولی و لا شفیع و ان تعدل
کل عدل لا یوخذ منها اولئک الذین ابسلوا بما کسبوا لهم شراب من حمیم و عذاب الیم بما کانوا یکفرون [illegible]
کردن عدل [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
مجالست [illegible]

و اما حال بندگان و اما دو جز وارد و اذ قال ابراهیم لابیه آزر اتتخذ اصناما آلهة انی اراک و قومک فی ضلال مبین و در گرفتن چون گفت ابراهیم پدر خود را آزر
که آیا فرا میگیری بتان را الهه بدرستی که من میبینم ترا و قوم ترا در گمراهی ظاهر و اذ قال ابراهیم لابیه آزر جمیع اهل سنت ظاهر لفظ گرفته اند که آزر
پدر ابراهیم علیه السلام بود و چون در کتب تاریخ اسم پدر ابراهیم تارخ است گفته اند که تارخ [illegible] و شیعه بر آنند که پدر ابراهیم [illegible]
[illegible] صلی الله علیه و آله لم یزل ینقلنی الله تعالی من اصلاب الطاهرین الی ارحام المطهرات
حتی اخرجنی فی عالمکم هذا لم یدنسنی بدنس الجاهلیة یعنی [illegible] از پشت مردان طاهر [illegible] بیرون آورد

[illegible]

سازد این دین او دعوت نماید بدین دیگر گفت نمرود کدام خدا خواهد بود گفت درین غار گفت بیرون آمده است ... [illegible]

کی بیان فردا ان فرزندان حامله شدند و از ترس ... [illegible] ... پس چون وقت ولادت او شد گفت من بیمار ام که خدا انسوم ... [illegible]

زنان چون بیمار ... [illegible] ... ابرهیم علیه السلام ... [illegible]

آن را ساختند ... [illegible]

کذشت در آن غار پس چون ... [illegible]

... [illegible]

پس چون آفتاب ... [illegible]

... وجهت وجهی للذی فطر السموات والارض حنیفا وما انا من المشرکین ... [illegible]

[illegible]

عرب کرد قال یا قوم انی بری مما تشرکون ... [illegible]

فطر السموات والارض ... ابرهیم علیه السلام ... [illegible]

... [illegible]

القدم

[illegible]

ورثه ساخته اند و او را از ترک عبادت خدا ایشان گفته اند بعضی که آزر بت گر بود و بتان میساخت و با ابرهیم میداد که آن را بفروشد ابرهیم علیه السلام رسن در گردن
بتان میکرد و بخواری میکشید و میگفت کیست آن مشتری که [illegible] او را نفع [illegible]
[illegible] الا تأکلون ما لکم لا تنطقون [illegible] قوم [illegible] صورت میکرد [illegible]
[illegible] اتحاجونی فی الله [illegible] ابرهیم [illegible] عبادت خدا [illegible] کرده است [illegible]
[illegible] ولا اخاف ما تشرکون به [illegible] عبادت [illegible]
[illegible] چیزی [illegible] قدرت [illegible] علم [illegible]
[illegible] وسع ربی کل شیء علما [illegible] افلا تتذکرون [illegible]
[illegible] ولا تخافون انکم اشرکتم بالله ما لم ینزل به علیکم سلطانا فای الفریقین احق بالامن ان کنتم تعلمون [illegible]
[illegible] عبادت [illegible]
[illegible] ابرهیم [illegible] عبادت [illegible]
[illegible] عبادت خدا [illegible] و بعضی گفته اند [illegible]
[illegible] ما لم ینزل به علیکم سلطانا [illegible]
[illegible] فای الفریقین احق بالامن [illegible] ان کنتم تعلمون [illegible]
[illegible] عبادت [illegible] استعمال [illegible]
[illegible] الذین آمنوا ولم یلبسوا ایمانهم بظلم اولئک [illegible]
لهم الامن وهم مهتدون [illegible]
[illegible]
[illegible] حصول ثواب [illegible]
[illegible] و بعضی گفته اند [illegible] قول خدای تعالی است [illegible]
[illegible] وتلک حجتنا آتیناها ابرهیم علی قومه نرفع درجات من نشاء ان ربک حکیم علیم [illegible]
[illegible] ابرهیم علیه السلام [illegible]
[illegible] حجت [illegible] ابرهیم [illegible]
[illegible] حکیم [illegible] علیم [illegible]
[illegible] ووهبنا له اسحق و یعقوب کلا هدینا ونوحا هدینا من قبل
ومن ذریته داود وسلیمن وایوب ویوسف وموسی وهرون وکذلک نجزی المحسنین [illegible] ابرهیم را اسحق و یعقوب [illegible] هدایت کردیم
و نوح را هدایت کردیم از قبل و از ذریه او داود را و سلیمان و ایوب را و یوسف را و موسی را و هرون را [illegible]
و هبه [illegible] اسحق پسر ابرهیم است و یعقوب پسر اسحق است [illegible] اسحق و یعقوب را هدایت کردیم و بعضی گفته اند [illegible] ابرهیم [illegible]
و یعقوب را هدایت کردیم [illegible] نوح [illegible]
با ابرهیم [illegible] داود [illegible] سلیمان پسر داود است و ایوب [illegible] ابرهیم است [illegible]
کو [illegible] یعقوب بن اسحق بن ابرهیم است و موسی [illegible] عمران بن [illegible] لاوی بن یعقوب است و هرون [illegible] و کذلک نجزی
المحسنین [illegible] هدایت نمود [illegible]
وزکریا و یحیی و عیسی والیاس کل من الصالحین [illegible] هدایت کردیم زکریا را [illegible] و یحیی بن زکریا را و عیسی بن مریم و الیاس

ابرا

هر یکی از ایشان از صالحان [illegible] مرسل باشند بعضی گفته اند که الیاس ادریس جد نوح است چنانکه اسرائیل یعقوب است و بعضی گفته اند که از اولاد هرون
برادر موسی است و بعضی گفته اند که او خضر است واسمعیل والیسع ویونس ولوطا وکلا فضلنا علی العالمین و هدایت کردیم اسمعیل پسر ابرهیم را و الیسع
بن اخطوب را و یونس بن متی را و لوط را که برادرزاده یا خواهرزاده ابرهیم است همه را فضیلت دادیم بر عالمیان زمان ایشان و گفته اند که از ایشان
خدای تعالی عیسی بن مریم را از ذریه ابرهیم شمرده [illegible] دختر زاده [illegible] است و حسن و حسین [illegible] پیغمبران رسول الله اند صلی الله
علیه و آله چنانکه حدیث صحیح در این وارد است [illegible] حسن و حسین [illegible]
[illegible] علیه الصلوة و السلام [illegible] حسن و حسین علیهما السلام
[illegible] رسول الله صلی الله علیه و آله [illegible] خدای عز و جل
[illegible] عیسی بن مریم [illegible] داود و سلیمان [illegible] وکذلک نجزی المحسنین [illegible] ابرهیم [illegible]
[illegible]
[illegible] کلام عرب [illegible]
[illegible] امام محمد باقر علیه السلام [illegible] رسول الله صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] علیکم امهاتکم [illegible]
[illegible] رسول صلی الله علیه و آله [illegible] حسن و حسین علیهما السلام [illegible]
[illegible] رسول الله صلی الله علیه و آله [illegible]
ومن آبائهم وذریاتهم واخوانهم واجتبیناهم وهدیناهم الی صراط مستقیم [illegible] فرزندان [illegible]
[illegible] هدایت کردیم [illegible]
هدایت کردیم [illegible] پیغمبران [illegible] فرزندان ایشان [illegible]
[illegible] رسالت [illegible]
[illegible] الی صراط مستقیم [illegible] ذلک هدی الله یهدی به من یشاء من عباده ولو اشرکوا لحبط عنهم ما کانوا یعملون
این هدایت خدا است [illegible]
[illegible] هدی الله یهدی به من یشاء [illegible] هدایت خدا است [illegible]
[illegible] وکذلک نجزی المحسنین [illegible]
[illegible] لحبط عنهم ما کانوا یعملون [illegible] اعمال ایشان [illegible]
[illegible] اولئک الذین آتیناهم الکتاب والحکم والنبوة فان یکفر بها هؤلاء فقد وکلنا بها قوما لیسوا بها بکافرین [illegible]
[illegible]
[illegible] پیغمبران [illegible] کتاب [illegible] حکم [illegible]
والنبوة [illegible] فان یکفر بها هؤلاء فقد وکلنا بها قوما [illegible]
[illegible] لیسوا بها بکافرین [illegible] و بعضی گفته اند [illegible]
[illegible] محمد صلی الله علیه و آله [illegible] و بعضی گفته اند [illegible] رسول صلی الله علیه و آله و بعضی [illegible]
[illegible] لیسوا بها بکافرین [illegible] رسول الله صلی الله علیه و آله اولئک
الذین هدی الله فبهداهم اقتده قل لا اسئلکم علیه اجرا ان هو الا ذکری للعالمین [illegible] هدایت کرده [illegible]
هدایت ایشان اقتدا کن [illegible] الذین هدی الله [illegible] جماعت [illegible]
[illegible] هدایت کرده است [illegible] فبهداهم اقتده [illegible]
[illegible] و بعضی گفته اند [illegible]
[illegible] ابرهیم [illegible] موسی [illegible] عیسی [illegible] قل لا اسئلکم علیه اجرا [illegible]

سوال م

رسالت هیچ مزد و اجری چنانچه کردند پیغمبران قبل از من از برای آنکه [illegible] بواسطه [illegible] نبوت مردمان میکرد و از قبول آن [illegible]

قرآن الا ذکری للعالمین نیست این مگر پندی از برای جمیع عالمیان و در این دلیلیست که پیغمبر صلی الله علیه وآله مبعوث است بر جمیع عالمیان وما قدروا الله حق قدره

اذ قالوا ما انزل الله علی بشر من شیء قل من انزل الکتاب الذی جاء به موسی نورا وهدی للناس تجعلونه قراطیس تبدونها وتخفون کثیرا

وعلمتم ما لم تعلموا انتم ولا اباؤکم قل الله ثم ذرهم فی خوضهم یلعبون و نشناختند خدا را چنانچه حق شناخت اوست چون گفتند که فرو نفرستاده خدا بر

انسان هیچ چیزی [illegible] آن کتاب که آورد آن را موسی در حالی که روشن [illegible] بود مردمان را [illegible] ظاهر میکردانید آن

[illegible] بسیار [illegible] تعلیم کرده شده اید آنچه [illegible] شما و پدران شما [illegible] ایشان را [illegible]

از مردی از یهود که او را مالک بن الصیف میگفتند [illegible] رسول [illegible] رسول صلی الله علیه وآله [illegible]

[illegible] موسی علیه السلام فرستاد [illegible] تورات [illegible] خدا [illegible] دعوی علم میکرد [illegible] پس فرمود رسول

صلی الله علیه وآله [illegible] از [illegible] یهود [illegible] ما انزل الله علی بشر من شیء [illegible]

[illegible] موسی علیه السلام نازل کرد [illegible]

[illegible] کعب بن اشرف [illegible] و بعضی گفته اند که قایل این قول فنحاص بن عازورا [illegible]

و بعضی گفته اند که قومی از یهود گفتند که یا محمد [illegible] کتاب [illegible] خدا [illegible] انزل الله کتابا پس این آیه نازل شد و بعضی

گفته اند [illegible] حق جل و علا [illegible] و ما قدروا الله حق قدره [illegible] حق معرفت اوست [illegible]

او و لطف [illegible] رسول [illegible] اعظم رحمت [illegible]

[illegible] معرفت خدا [illegible] حق معرفت اوست [illegible] و بعضی گفته اند [illegible] ما قدروا الله حق قدره یعنی

ما عظموا الله حق عظمته [illegible] خدا را چنانچه حق تعظیم اوست و بعضی گفته اند [illegible] ما وصفوا الله حق صفته [illegible]

قالوا ما انزل الله علی بشر من شیء [illegible] نازل کرده است خدا [illegible] ظاهر است [illegible] حکمت [illegible] ارسال رسل و انزال

کتب است [illegible] قل من انزل الکتاب الذی جاء به موسی [illegible] یا محمد

[illegible] موسی [illegible] یهود [illegible] تورات [illegible] موسی نازل کرد

نورا وهدی للناس [illegible] آن نوری بود که روشنائی [illegible] مردمان [illegible] تجعلونه قراطیس گردانید

[illegible] تبدونها و تخفون

کثیرا [illegible] بسیاری [illegible]

از آن [illegible] صفت رسول صلی الله علیه وآله [illegible] وعلمتم ما لم تعلموا انتم

ولا اباؤکم خطاب با یهود است یعنی تعلیم داده شدید ای قوم یهود [illegible] قرآن [illegible] محمد صلی الله علیه وآله [illegible] شما [illegible]

شما [illegible] و بعضی گفته اند [illegible] قل الله یعنی بگو یا محمد که خدا نازل کرده است آن کتاب را [illegible]

قدرت [illegible] ثم ذرهم فی خوضهم یلعبون [illegible]

[illegible] وهذا کتاب انزلناه مبارک مصدق الذی بین یدیه ولتنذر ام القری ومن حولها

والذین یؤمنون بالآخرة یؤمنون به وهم علی صلاتهم یحافظون [illegible] کتابیست که فرستادیم [illegible] مبارک [illegible]

[illegible] ایمان [illegible] بآخرت [illegible]

این قرآن کتابیست که فرستاده ایم [illegible] از آسمان بر زمین [illegible] کثیر المنافع است [illegible]

[illegible]

[illegible] مصدق الذی بین یدیه تصدیق کننده

سید م

چون توریة و انجیل و [illegible] ولتنذر ام القری ومن حولها [illegible]

این کتاب را [illegible] ام القری [illegible] اهل مکه [illegible] ام القری [illegible]

[illegible] والذین یؤمنون بالآخرة

[illegible]

زیر م

یؤمنون به و آنان که ایمان دارند بآخرت ایمان دارند بقرآن [illegible] رسول باشد صلی الله علیه وآله [illegible]

صلوتهم یحافظون [illegible] صلوة [illegible] العصر [illegible]

[illegible] صلی الله علیه وآله [illegible]

ومن اظلم ممن افتری علی الله کذبا او قال اوحی الی ولم یوح الیه شیء ومن قال سانزل مثل ما انزل الله ولو تری اذ الظالمون فی غمرات

الموت والملائکة باسطوا ایدیهم اخرجوا انفسکم الیوم تجزون عذاب الهون بما کنتم تقولون علی الله غیر الحق وکنتم عن آیاته تستکبرون [illegible]

[illegible] ستمکارتر [illegible] گفت [illegible] وحی کرده شده است [illegible]

[illegible] فرو فرستاد خدا [illegible] ظالمان باشند در [illegible] مرگ [illegible]

که بیرون کنید جانهای خود [illegible] عذاب [illegible] بودید [illegible] آیات او [illegible]

افتری علی الله کذبا [illegible] او قال اوحی الی ولم یوح [illegible]

شده است [illegible] شده است [illegible]

سانزل مثل ما انزل الله [illegible] نازل میکردم مثل آنچه خدا نازل کرده است [illegible]

لو نشاء لقلنا مثل هذا [illegible] قرآن [illegible]

جانها و مالهای خود [illegible]

مثل ما انزل الله سعد بن ابی سرح است [illegible] کاتب وحی بود [illegible] رسول الله صلی الله علیه وآله [illegible] ولقد خلقنا الانسان

من سلالة من طین [illegible] ثم انشاناه خلقا آخر [illegible] ابن ابی سرح [illegible] فتبارک الله احسن الخالقین پس رسول [illegible]

[illegible]

رسول صلی الله علیه وآله

[illegible] علیما حکیما [illegible] غفورا رحیما [illegible] علی بن ابراهیم [illegible]

علیه السلام روایت کرده است که ابن ابی سرح [illegible] عثمان [illegible] مسلمان شد [illegible] وحی نازل میشد

رسول صلی الله علیه وآله [illegible] سمیع بصیر [illegible]

[illegible] بما تعملون خبیر [illegible] رسول صلی الله علیه وآله [illegible]

[illegible] عثمان [illegible] رسول صلی الله علیه وآله [illegible]

[illegible] رسول صلی الله علیه وآله [illegible]

[illegible] رسول الله [illegible] صلی الله علیه وآله [illegible]

حکایت حال ایشان میکند [illegible] ولو تری اذ الظالمون فی غمرات الموت [illegible] یا محمد [illegible] ظالمان [illegible]

مرگ باشند [illegible] والملائکة باسطوا ایدیهم اخرجوا انفسکم [illegible] ارواح ایشان [illegible]

ایشان و میگویند [illegible] الیوم

تجزون عذاب الهون [illegible] عذاب خوار کننده بما کنتم تقولون

علی الله غیر الحق [illegible] وکنتم عن آیاته تستکبرون [illegible]

[illegible] ظالمان [illegible] آل محمد [illegible]

[illegible]

[illegible]

وضل عنکم

[illegible] فرادی کما خلقناکم اول مرة وترکتم ما خولناکم وراء ظهورکم وما نری معکم شفعاءکم الذین زعمتم انهم فیکم

[illegible] فرادی [illegible]

[illegible]

[illegible]

موت [illegible] ارواح ایشان فرادی [illegible]

از دنیا دون و بیان کرامید شفاعت داشتید ازیشان [illegible] کما خلقناکم اول مرة [illegible]

[illegible]

و ما نری معکم شفعاءکم الذین زعمتم انهم فیکم شرکاء [illegible]

[illegible]

لقد تقطع بینکم و ضل عنکم ما کنتم تزعمون [illegible]

[illegible]

ان الله فالق الحب و النوی یخرج الحی من المیت و مخرج المیت من الحی ذلکم الله فانی تؤفکون [illegible] فالق الاصباح و جعل اللیل سکنا [illegible]

[illegible]

هداه الله در آخرت و قولی مستودع [illegible] و قولی که مستقر ایمان ثابت در قلب مرد تا وقت مرگ مستودع که مسلوب میشود ایمان از قلب [illegible]

[illegible] علیه الصلوة و السلام [illegible]

[illegible] قد فصلنا الآیات [illegible]

[illegible]

و هو الذی انزل من السماء ماء فاخرجنا به نبات کل شیء فاخرجنا منه خضرا نخرج منه حبا متراکبا و من النخل من طلعها قنوان دانیة و جنات من اعناب و الزیتون و الرمان مشتبها و غیر متشابه انظروا الی ثمره اذا اثمر و ینعه ان فی ذلکم لآیات لقوم یؤمنون [illegible]

[illegible]

باشد نه آنکه او را باشد دوم آنکه او را فرزند نیست زیرا که فرزند از دو زوج که از یک جنس باشند حاصل می‌شود و او منزه است [illegible]

و خلق کل شیء سیوم آنکه او آفریننده است هر چیز را [illegible] و هو بکل شیء علیم و او به هر چیز عالم بوده [illegible]

ذلکم الله ربکم لا اله الا هو خالق کل شیء فاعبدوه و هو علی کل شیء وکیل [illegible] آن الله است پروردگار شما

نیست هیچ خدایی الا او آفریننده هر چیز است [illegible] صفات کمال و مستحق عبادت [illegible] لا اله الا هو [illegible] خالق کل شیء آفریننده جمیع [illegible]

فاعبدوه پس او را عبادت کنید [illegible] و هو علی کل شیء وکیل و او بر همه چیز [illegible]

لا تدرکه الابصار و هو یدرک الابصار و هو اللطیف الخبیر [illegible] لطیف [illegible] خبیر [illegible]

[illegible]

قد جاءکم بصائر من ربکم فمن ابصر فلنفسه و من عمی فعلیها و ما انا علیکم بحفیظ [illegible]

[illegible]

و کذلک نصرف الآیات و لیقولوا درست و لنبینه لقوم یعلمون [illegible]

[illegible]

اتبع ما اوحی الیک من ربک لا اله الا هو و اعرض عن المشرکین [illegible]

و لو شاء الله ما اشرکوا و ما جعلناک علیهم حفیظا و ما انت علیهم بوکیل [illegible]

[illegible]

ایشان را از آنچه می‌کردند [illegible] ایشان [illegible] حاصل گرداند و تو پیغمبری بر تو است رسانیدن و بر ماست حساب و جزا و لا تسبوا

الذین یدعون من دون الله فیسبوا الله عدوا بغیر علم کذلک زینا لکل امة عملهم ثم الی ربهم مرجعهم فینبئهم بما کانوا یعملون سب دشنام دادن عدوا

ظلم و تعدی یعنی و دشنام مدهید آنها را که می‌خوانند از غیر خدا [illegible] پس دشنام دهند خدا را از روی ظلم [illegible]

[illegible]

و لا تسبوا الذین یدعون من دون الله [illegible]

فیسبوا الله عدوا بغیر علم [illegible]

کذلک زینا لکل امة عملهم [illegible]

[illegible]

ثم الی ربهم مرجعهم [illegible] فینبئهم بما کانوا یعملون [illegible]

و اقسموا بالله جهد ایمانهم لئن جاءتهم آیة لیؤمنن بها قل انما الآیات عند الله و ما یشعرکم انها اذا جاءت لا یؤمنون [illegible]

[illegible] رسول صلی الله علیه و آله [illegible]

[illegible]

و نقلب افئدتهم و ابصارهم کما لم یؤمنوا به اول مرة و نذرهم فی طغیانهم یعمهون [illegible]

[illegible] ایمان نیاوردند [illegible]

والسلام

[illegible] و نقلب افئدتهم وابصارهم [illegible]

ما كانوا ليؤمنوا الا ان يشاء الله ولكن اكثرهم يجهلون [illegible]

ولو اننا نزلنا اليهم الملائكة وكلمهم الموتى وحشرنا عليهم كل شيء قبلا [illegible]

ما كانوا ليؤمنوا الا ان يشاء الله ولكن اكثرهم يجهلون [illegible]

وكذلك جعلنا لكل نبي عدوا شياطين الانس والجن يوحي بعضهم الى بعض زخرف القول غرورا ولو شاء ربك ما فعلوه فذرهم وما يفترون [illegible]

[illegible]

تعلمون انه منزل من ربك بالحق [illegible]

وتمت كلمة ربك صدقا وعدلا لا مبدل لكلماته وهو السميع العليم [illegible]

وان تطع اكثر من في الارض يضلوك عن سبيل الله ان يتبعون الا الظن وان هم الا يخرصون [illegible]

[illegible]

حرف حلقی شش بود دان ای
همزه ها عین حا غین خا
۲۸
بدانکه بیست و هشت حروف هجی

رسل الله الله اعلم حيث يجعل رسالته سيصيب الذين اجرموا صغار عند الله وعذاب شديد بما كانوا يمكرون اجرام كه كردن صغار خواري [illegible]
وچون آمد كافران را [illegible] گويند كه البته ايمان نياوريم تا آنگه داده شويم مثل آنچه داده شده اند پيغمبران خدا [illegible]
خود را [illegible] باشد كه برسد آنان را كه گناه كردند خواري [illegible] خدا و عذاب سخت [illegible] وليد بن مغيره [illegible] رسول صلى الله عليه
وآله آمده گفت [illegible] اگر نبوت حق است من سزاوارترم [illegible] ابوجهل [illegible]

[illegible]

هر عمل کنید و در حساب است از آنچه عمل کرده اند و نیست پروردگار تو هیچ غافل از آنچه عمل میکنند و لکل درجات مما عملوا یعنی هر یک را مراتب یعنی از عمل خود بحسب الجزا

[illegible]

وربک الغنی ذو الرحمة ان یشأ یذهبکم ویستخلف من بعدکم ما یشاء کما انشأکم من ذریة قوم آخرین یعنی و پروردگار تو بی نیاز است

صاحب رحمت اگر خواهد ببرد شما را و جانشین گرداند از بعد شما آنکس را که خواهد چنانکه آفریده است شما را از ذریه قومی دیگر

[illegible]

[illegible]

[illegible] و هو الذی انشأ جنات [illegible]

[illegible] و آتوا حقه یوم حصاده [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

وکاو است و از ابل اگر نر خواهی است و دیگری نر خواب و این قول روایت از امام صادق علیه السلام قل آلذکرین حرم ام الانثیین بگو یا محمد ایشان را که

را ایشان که او خدای این دو گوسفند و بز را حرام کردانیده است یا این دو انثی را اما اشتملت علیه ارحام الانثیین حرام کردانیده است اگر

که در رحم این دو ماده است که میش و بز است نبئونی بعلم ان کنتم صادقین خبر دار کردانید مرا بعلم و دلیل اگر هستید راست میگوئید در تحریم

انها و تحلیل بعضی ومن الابل اثنین ومن البقر اثنین قل آلذکرین حرم ام الانثیین اما اشتملت علیه ارحام الانثیین ام کنتم شهداء اذ وصاکم الله بهذا

فمن اظلم ممن افتری علی الله کذبا لیضل الناس بغیر علم ان الله لا یهدی القوم الظالمین

[illegible]

آن ام

بیان انعام

مخلوط

[illegible]

فاتبعوه پس پیروی کنید آن را و بعضی بتخفیف نون خوانده اند و بعضی ان بکسوره خوانده اند و لا تتبعوا السبل و پیروی مکنید راههای کج را که مراد یهود
و نصاری و مجوس است و بعضی گفته اند که پیروی مکنید راههای هوی را فتفرق بکم عن سبیله پس پراکنده و مختلف گرداند شما را از راه دین حق که اسلامست
که توحید و متابعت حجت در زمان معلوم میشود و در تفسیر علی بن ابراهیم رحمه الله مراد بسبیله امامت است یعنی متابعت امام کنید و متابعت نکنید غیر امام را
که متفرق و مختلف گرداند شما را از راه حق و مرویست از رسول صلی الله علیه و آله که کشید خطی و فرمود این راه راست است بعد از آن کشید خطها از یمین
و یسار آن و فرمود که این راههاست که بر هر راهی شیطانیست که دعوت میکند پس تلاوت فرمود این آیه را ذلکم وصیکم به لعلکم تتقون این متابعت
و وصیت و امر میکند شما را پروردگار شما تا شاید که تقوی و پرهیز نمایید از ضلالت و اختلاف در دین و محفوظ باشید از عقاب خدای تعالی و از ابن عباس
مرویست که این آیات محکماتست منسوخ نیست چیزی از آن در جمیع کتب و اینها حرامست بر جمیع فرزندان آدم و اینها ام الکتاب است هر کس که
عمل نماید در جنت درآید و هر که ترک نماید داخل دوزخ گردد و از کعب الاحبار است که قسم به آنکه جان کعب در دست قدرت اوست که اول
آیتست که بسم الله الرحمن الرحیم قل تعالوا اتل ما حرم ربکم علیکم الی آخر آیات ثم آتینا موسی الکتاب تماما علی الذی احسن و تفصیلا لکل شیء و هدی و رحمة
لعلهم بلقاء ربهم یؤمنون پس دادیم موسی را کتاب از برای تمام کردن نعمت از برای جمیع و هدایت و رحمت تا که ایشان بلقای پروردگار
ایمان آورند ثم آتینا موسی الکتاب تقدیر است که یا محمد قل تعالوا اتل ثم قل آتینا موسی الکتاب قل تعالوا اتل ما حرم ربکم علیکم ثم آتینا موسی
الکتاب عطف

[illegible]

یعنی عیسی ... از آیات کتاب خدا ... از معرفت آن با امکان معرفت آن ... و روی گردانید از آن خود گمراه شود و گمراه گرداند

... سنجزی الذین یصدفون عن آیاتنا سوء العذاب بما کانوا یصدفون ...

... هل ینظرون الا ان تأتیهم الملائکة او یأتی ربک او یأتی بعض آیات ربک یوم یأتی بعض آیات ربک لا ینفع نفسا ایمانها لم تکن آمنت من قبل او کسبت فی ایمانها خیرا قل انتظروا انا منتظرون ...

[illegible]

[illegible]

سورة الاعراف

بسبب عصیان او و ایشان را هلاک میکرد اند عقوبت بار در آخرت و هرچه آینده است ... وانه لغفور رحیم ...
رسندگان نسبت ... عقاب ... رحمت ...
بالذات عقوبت کننده ... رحمت کننده است ... سوره الحمد ...
الحمد ... سورة الاعراف در مکه نازل شد ...
نازل شد ... ابی بن کعب از پیغمبر صلی الله علیه وآله ...
سورة الاعراف قرائت کند ... در روز قیامت ...
ابی بصیر از صادق علیه السلام ... سورة الاعراف ...
... صادق علیه السلام ...
... این سوره ...
بسم الله الرحمن الرحیم المص ... سورة البقرة ...

[illegible]

[illegible]

الآدم

[illegible]

پس آدم

[illegible]

آدم

[illegible]

قال انظرنی الی یوم یبعثون

[illegible]

قال انک من المنظرین

[illegible]

الی یوم الوقت المعلوم قال فبما اغویتنی لاقعدن لهم صراطک المستقیم

[illegible]

پس آدم

[illegible]

ندا آدم

[illegible]

[illegible]

بیرون ام

پس دون اعتبار
از غیر خدا ام

خطاب ام

[illegible]

الیقظان ام

بر بهاسو اهتمام

[illegible]

قل انما حرم ربی الفواحش ما ظهر منها وما بطن والاثم والبغی بغیر الحق وان تشرکوا بالله ما لم ینزل به سلطانا وان تقولوا علی الله ما لا تعلمون [illegible]

[illegible] ما ظهر منها وما بطن گذشت در سورة الانعام والاثم [illegible]

[illegible] وان تقولوا علی الله ما لا تعلمون [illegible]

[illegible] ولکل امة اجل فاذا جاء اجلهم لا یستاخرون ساعة ولا یستقدمون [illegible]

[illegible] یا بنی آدم اما یاتینکم رسل منکم یقصون علیکم آیاتی فمن اتقی واصلح فلا خوف علیهم ولا هم یحزنون [illegible]

[illegible]

گویند آورده که بعضی [illegible] ... فی امم قد خلت من قبلکم ... [illegible]

[illegible]

ربنا هؤلاء أضلونا فآتهم عذابا ضعفا من النار ... [illegible]

قال لكل ضعف ولكن لا تعلمون ... [illegible]

فما كان لكم علينا من فضل فذوقوا العذاب بما كنتم تكسبون ... [illegible]

إن الذين كذبوا بآياتنا واستكبروا عنها لا تفتح لهم أبواب السماء ولا يدخلون الجنة حتى يلج الجمل في سم الخياط وكذلك نجزي المجرمين ... [illegible]

[illegible]

بیمی ت ام م

اماسته م

گر گوید گیم

آن م

ایشان م

است م

آن م

و دنیا م

[illegible]

[illegible]

[illegible]

و در بند جمع یک چشم بر هم زدن هیچ ذکری باقی نگذاشت خدای تعالی کی را از ایشان اگر مگر رجوانی بمنا که آن داستانی کند در صباح کل ایشان ...
مرده بودند پس خدای تعالی ایشان را ... و از آسمان ... کل ایشان را ... و روایت از رسول الله صلی الله علیه و آله ...
علیه السلام ... رسول ... است گفت او ... صالح ...
... رسول ... است گفت او ... روایت ... است گفت ...

[illegible]

پیاده بیا ... (margin)

کردانیده‌ام (margin)

سنده‌ام (margin)

[illegible]

تا اگر ایشان (margin)

آن هم (margin)

و معلوم (margin)

ایشان بیرون آمد گریان پس بجانب شهر التفات نمود دید که دود از آن بیرون می‌آید دانست که ایشان هلاک گردیدند و ایشان اهل او را و بالجمله [illegible]
بود [illegible] هلاک ایشان [illegible] مامور شدند [illegible] و لوطا اذ قال لقومه أتأتون الفاحشة ما سبقكم بها من احد من
العالمین و فرستادیم لوط را چون گفت قوم خود را آیا می‌آیید بدین فاحشه [illegible] پیشی نگرفته است شما را بآن هیچ احدی از عالمیان [illegible]
از برای افاده استغراق و ثانیه از برای تبعیض قصه لوط [illegible] پسر برادر ابراهیم خلیل الرحمن علیهما السلام و بعضی گفته‌اند که پسر خاله ابراهیم بود
و برادر ساره زن ابراهیم علیه السلام از ابو بصیر و ابو حمزه ثمالی از امام محمد باقر علیه الصلوة والسلام مرویست که لوط علیه السلام سی سال در میان قوم
بود و از آن قوم نبود و لیکن آمد با ایشان و دعوت نمود ایشان را بخدای تعالی و نهی نمود از فواحش و قبایح و تحریص کرد بر طاعت [illegible]
و اجابت وی نکردند و از جنابت طهارت نمیکردند و بخیلی میکردند بطعام و باین سبب [illegible] عادت شد [illegible] ایشان [illegible]
چنان بود که ایشان بر راه قافله مصر و شام بودند و ورود می‌آمدند اهل قافله نزد ایشان بمهمانی پس بخل ایشان داعی شد که چون [illegible]
ایشان را مهمان آید [illegible] بواسطه این عقوبت کسی نزد ایشان نزول ننماید پس این عمل [illegible]
طلب بر آن [illegible] لوط علیه السلام سخی و کریم بود و هر گاه مهمانی بیامد او را ضیافت میکرد پس او را از آن
نهی کردند و گفتند که ضیافت کسی مکن [illegible] مهمان [illegible] نزد وی [illegible] از ترس فضیحت [illegible] ایشان
[illegible] چون اراده حق سبحانه تعلق بعذاب آن قوم گرفت فرستاد ملائکه را [illegible] بشارت دهنده ایشان [illegible]
جل جلاله پس خدای تعالی جبرئیل را با چند نفر از ملائکه فرستاد با ایشان بصورت [illegible] ابراهیم علیه السلام [illegible]
ابراهیم گوساله [illegible] ذبح نمود از برای ایشان [illegible] ایشان [illegible] دست [illegible] رسولانیم از پروردگار تو [illegible]
[illegible] القوم لوط فرستاده است پس بیرون آمدند از نزد ابراهیم علیه السلام [illegible] لوط [illegible]
[illegible] ضیافت [illegible] این [illegible] اموال [illegible] ضیافت [illegible]
شده [illegible] پس لوط [illegible] زن خود را گفت [illegible] مهمانان [illegible] از قوم [illegible]
بود که هر گاه لوط مهمان بخانه آورد [illegible] بر بام خانه [illegible] تا آن قوم [illegible] بر بام خانه [illegible]
قوم خبردار گردیده بسرعت [illegible] در خانه لوط آمدند [illegible] جبرئیل علیه السلام [illegible] جمیع اهل آن شهر
[illegible] که عذاب [illegible] نازل شد پس گفت جبرئیل [illegible] لوط [illegible] بیرون رو [illegible] ایشان [illegible]
[illegible] جبرئیل [illegible] بآسمان [illegible] پس [illegible] ایشان [illegible]
[illegible] اهل آسمان [illegible] فریاد [illegible]
[illegible] سنگ [illegible] غایب بودند [illegible] و جمیع هلاک شدند [illegible] قوم لوط [illegible]
[illegible] بصورت جوانی [illegible] ایشان [illegible]
[illegible] پروردگار [illegible] السماء [illegible] عرش [illegible] آسمان [illegible] سنگ [illegible]
و زنی [illegible] انکم لتأتون الرجال شهوة من دون النساء بل انتم قوم مسرفون لوط علیه السلام بیان نمود ایشان فاحشه
ایشان را بطریق تعجب و انکار که آیا شما [illegible] مردان [illegible] شهوت [illegible] بدون زنان بلکه شما قوم [illegible] کننده‌اید
[illegible] و ما كان جواب قومه الا ان قالوا اخرجوهم من قریتکم
انهم اناس یتطهرون [illegible] جواب قوم لوط [illegible] جواب قوم او الا آنکه گفتند [illegible] لوط را [illegible]
[illegible] ایشان [illegible] موجب [illegible]
فانجیناه و اهله الا امرأته کانت من الغابرین [illegible] لوط [illegible] او و اهل او را الا زن او [illegible] کافران [illegible]
هلاک شده با ایشان [illegible] و امطرنا علیهم مطرا فانظر کیف کان عاقبة المجرمین و بارانیدیم بر قوم لوط [illegible] پس نظر کن چگونه
بود عاقبت [illegible] حق [illegible] هلاک [illegible]
و عذاب دنیا و آخرت [illegible] غسل [illegible]
پاک [illegible] خدا [illegible]

[illegible]

[illegible] حساب [illegible] عذاب [illegible]
[illegible] علیه السلام [illegible] رسول صلی الله علیه و آله [illegible] علی بن ابی طالب [illegible]
[illegible] علیه السلام [illegible] خدای تعالی [illegible]
شعیبا قال یا قوم اعبدوا الله ما لکم من اله غیره قد جاءتکم بینة من ربکم فاوفوا الکیل والمیزان ولا تبخسوا الناس اشیاءهم ولا تفسدوا فی الارض
بعد اصلاحها ذلکم خیر لکم ان کنتم مؤمنین [illegible] تمام [illegible] کیل [illegible] ترازو [illegible]
مدین [illegible] شعیب [illegible] ای قوم [illegible] خدای [illegible]
[illegible] کیل [illegible] ترازو [illegible] ایشان [illegible] اصلاح
[illegible] ابراهیم خلیل [illegible] علیه السلام [illegible]
[illegible] شعیب [illegible]
[illegible] ایشان [illegible] خدای تعالی [illegible] رسالت [illegible] اهل مدین [illegible]
[illegible] اعبدوا الله ما لکم من اله غیره [illegible]
[illegible] موسی علیه السلام [illegible] ایشان [illegible] فاوفوا الکیل
فاوفوا الکیل والمیزان [illegible] ولا تبخسوا الناس اشیاءهم [illegible] نقصان [illegible] کیل و میزان
[illegible] ولا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها [illegible]
[illegible] اصلاح [illegible] ذلکم خیر لکم ان کنتم مؤمنین [illegible]
[illegible]
[illegible] ولا تقعدوا بکل صراط
توعدون وتصدون عن سبیل الله من آمن به وتبغونها عوجا واذکروا اذ کنتم قلیلا فکثرکم وانظروا کیف کان عاقبة المفسدین
[illegible] ایمان [illegible]
[illegible] عاقبت [illegible]
[illegible] قطاع الطریق [illegible] خدای تعالی [illegible]
[illegible] ولا تقعدوا
[illegible] وتصدون عن سبیل الله
من آمن به [illegible] وتبغونها عوجا [illegible]
[illegible] واذکروا اذ کنتم قلیلا فکثرکم [illegible]
[illegible] ابراهیم [illegible] لوط [illegible] قلیل المال و فقرا
[illegible] اموال شما [illegible] وانظروا کیف کان عاقبة المفسدین
[illegible] عاقبت [illegible] قوم نوح و عاد و ثمود و لوط [illegible]
[illegible] وان کان طائفة منکم آمنوا بالذی ارسلت به وطائفة لم یؤمنوا فاصبروا حتی یحکم الله بیننا وهو خیر الحاکمین [illegible]
[illegible] ایمان [illegible] حکم [illegible]
[illegible] قرآن [illegible] موعظت [illegible]
[illegible] ایشان [illegible]
قال الملأ الذین استکبروا من قومه لنخرجنک یا شعیب والذین آمنوا معک من قریتنا او لتعودن فی ملتنا قال اولو کنا کارهین [illegible]
[illegible] شعیب [illegible]
ای شعیب [illegible] ایمان [illegible] شعیب [illegible]

الجزو التاسع

گرفتیم اهل آن را بسختی و تنگی و رنج و بیماری تا مگر ایشان تضرع و زاری کنند یعنی چون پیغمبر آورد با ایشان حجت و برهان اعراض نمودند از ایمان و تکذیب
پیغمبر نمودند ایشان را بقحط و بیماری و امثال آن گرفتیم که شاید متنبه شوند از آن و روی بطاعت آرند حق آورند و از کفر و تکذیب توبه کنند ثم بدلنا
مکان السیئة الحسنة حتی عفوا و قالوا قد مس آباءنا الضراء والسراء فاخذناهم بغتة وهم لا یشعرون پس تبدیل کردیم سختی را بجای چیزی دیگر یعنی

[illegible]

[illegible]

دست در گریبان میکرد و بیرون میآورد سفید بود ... آفتاب ... قال الملأ من قوم فرعون ان هذا لساحر علیم گفت گروهی از قوم

فرعون که این موسی ساحری است ... عصا ... چوب اژدها بیرون میآورد و دست ... یرید ان یخرجکم من ارضکم ...

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

چون [illegible] فرعون [illegible]

[illegible]

آن را شکر [illegible] وقع علیهم الرجز قالوا یا موسی ادع لنا ربک بما عهد عندک

لئن کشفت عنا الرجز لنؤمنن لک ولنرسلن معک بنی اسرائیل [illegible] عذاب [illegible]

[illegible] لئن کشفت عنا الرجز لنؤمنن لک ولنرسلن معک بنی اسرائیل [illegible]

وقع علیهم الرجز بعضی گفته اند [illegible] طوفان [illegible] بعضی گفته اند که طاعون بود [illegible]

[illegible]

ظاهر شدن و کوه خرد و مرد و موسی بیهوش افتاد چون آمد موسی بوقت معین ما را و سخن گفت او را پروردگار او گفت موسی ای پروردگار من بنمای مرا تا نظر
کنم بسوی تو گفت خدا هرگز نبینی مرا و لیکن نظر کن بسوی کوه پس اگر قرار گیرد در مکان خود پس زود ببینی مرا پس چون ظاهر شد پروردگار موسی برای آن
کوه گردانید آن را خرد و مرد و در افتاد موسی بیهوش پس چون بهوش باز آمد گفت منزه میکنم ترا [illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

موسی بود که سبعین رجلا لمیقاتنا یعنی هفتاد مرد اختیار کرد موسی از قوم خود هفتاد مرد را از برای میقات ما اگر از مفسران ...
این میقات همان میقات است که ...
[illegible]

[illegible]

[illegible] والنور الذی انزل معه [illegible] اولئک هم المفلحون [illegible]

[illegible] واتبعوا النور الذی انزل معه اولئک هم المفلحون [illegible]

قل یا ایها الناس انی رسول الله الیکم جمیعا الذی له ملک السموات والارض لا اله الا هو یحیی ویمیت فآمنوا بالله ورسوله النبی الامی الذی یؤمن بالله وکلماته [illegible]

[illegible] هود م

[illegible] یا ایها الناس انی رسول الله الیکم جمیعا [illegible]

[illegible] الذی له ملک السموات والارض [illegible] لا اله الا هو [illegible]

[illegible] فآمنوا بالله ورسوله النبی الامی الذی یؤمن بالله وکلماته [illegible]

[illegible]

کتاب خدا و یقولون سیغفر لنا و حال آنکه چون آن حرام را عرض میکردند منتی دارند مغفرت را و میگویند که زود بود که آمرزیده شود از ما گناه و ان یاتهم عرض مثله یاخذوه

و اگر بیاید مر ایشان را عرضی دیگر مثل آن حرام و رشوه باز بگیرند آنرا امید و تمنی مغفرت دارند [illegible] الم یوخذ علیهم میثاق الکتاب

ان لا یقولوا علی الله الا الحق آیا گرفته نشده است [illegible] عهد و پیمان در کتاب تورات [illegible] که نگویند بر خدا مگر حق [illegible] و درسوا ما فیه

[illegible] و الدار الآخرة خیر للذین یتقون [illegible] افلا تعقلون [illegible]

و الذین یمسکون بالکتاب و اقاموا الصلوة انا لا نضیع اجر المصلحین [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ... واشهدهم علی انفسهم الست بربکم قالوا بلی ... [illegible]

... ان تقولوا یوم القیمة انا کنا عن هذا غافلین ... [illegible]

[illegible]

آدم م

[illegible]

ایست مثل قوم نوح که تکذیب میکنند و دروغ میدانند آیات ما را که مراد آنست که ایشان یهود بودند که قبل از بعثت رسول صلی الله علیه و آله [illegible]

[illegible] بشارت میدادند و چون مبعوث شد تکذیب آن کردند [illegible]

پس چون از رسول صلی الله علیه و آله [illegible] فاقصص القصص لعلهم یتفکرون [illegible]

[illegible] ساء مثلا القوم الذین کذبوا بآیاتنا و انفسهم کانوا یظلمون [illegible]

[illegible] فهو المهتدی و من یضلل فاولئک هم الخاسرون [illegible]

[illegible]

[illegible]

ذکر کرده است و بعضی گفته اند که حوا چون مرتبه اول حامله شد ابلیس بصورت مردی نزد وی آمد و گفت ای حوا [illegible]
و گفت [illegible] شیطان آمد نزد حوا و گفت [illegible] از خدا سؤال کنم [illegible]
خلق کند مثل صورت تو و سهل و آسان گرداند [illegible]
آدم و اسم ابلیس حارث بود و این وجه بعید است [illegible]
و طاعت شیطان [illegible]
کرده اند علما [illegible]
و هم یخلقون [illegible] آدم و حوا شیطان را شریک [illegible]
از انبیا علیهم السلام [illegible] لا یخلق شیئا و هم یخلقون [illegible]
چیزی را و حال آنکه ایشان خلق شده و آفریده شده اند [illegible]
پروردگار عالمیان و لا یستطیعون لهم نصرا و لا انفسهم ینصرون و استطاعت و قدرت ندارند بتان از برای عابدان خود نصرت و یاری [illegible]
نمیتوانند کرد و ان تدعوهم الی الهدی لا یتبعوکم سواء علیکم ادعوتموهم ام انتم صامتون [illegible]
[illegible] و ان تدعوهم الی الهدی [illegible]
شما ای مؤمنان مشرکان را [illegible] لا یتبعوکم [illegible] سواء علیکم ادعوتموهم ام انتم صامتون [illegible]
[illegible]
[illegible]
ان الذین تدعون من دون الله عباد امثالکم فادعوهم فلیستجیبوا لکم ان کنتم صادقین [illegible]
امثال شما [illegible] ان الذین تدعون من دون الله [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
الهم ارجل یمشون بها ام لهم اید یبطشون بها ام لهم اعین یبصرون بها ام
لهم اذان یسمعون بها قل ادعوا شرکاءکم ثم کیدون فلا تنظرون [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ان ولیی الله الذی نزل الکتاب
و هو یتولی الصالحین [illegible]
[illegible]
و الذین تدعون من دونه لا یستطیعون نصرکم و لا انفسهم ینصرون [illegible]
[illegible]
[illegible] و ان تدعوهم الی الهدی لا یسمعوا و تریهم ینظرون الیک [illegible]
[illegible]
[illegible] و تریهم ینظرون الیک [illegible]

زد ها کرد

بوده

کرانش [illegible] و حال آنکه نمی شنیدند حق را و راه هدی را نمی دیدند [illegible]
[illegible]
[illegible] خذ العفو و أمر بالعرف و أعرض
عن الجاهلین [illegible] و امر کن بمعروف [illegible] مکارم
اخلاق و خصال [illegible] خذ العفو [illegible] رسول صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] خذ العفو [illegible]
[illegible]
[illegible] خذ العفو [illegible]
[illegible] جبرئیل [illegible]
[illegible] و امر بالعرف [illegible]
[illegible] سوره آل عمران [illegible] عن الجاهلین [illegible]
در وقت قیام حجت [illegible] صادق علیه السلام [illegible]
و تعالی [illegible] صلی الله علیه و آله بمکارم اخلاق [illegible] ینزغنک من الشیطان نزغ
فاستعذ بالله انه سمیع علیم [illegible]
[illegible] خذ العفو [illegible] رسول الله
[illegible] نزغ [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ان الذین اتقوا اذا مسهم طائف من الشیطان
تذکروا فاذا هم مبصرون [illegible]
[illegible] ان الذین اتقوا اذا مسهم طائف [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ثم لا یقصرون [illegible]
[illegible]
[illegible]
ایشان و اذا لم تأتهم بآیة قالوا لو لا اجتبیتها قل انما اتبع ما یوحی الی من ربی هذا بصائر من ربکم و هدی و رحمة لقوم یؤمنون [illegible]
[illegible]
[illegible] رسول صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible]
[illegible] قالوا لو لا اجتبیتها [illegible] قل انما اتبع ما یوحی الی
[illegible]
[illegible] هذا بصائر من ربکم [illegible]
[illegible]
و اذا قرئ القرآن فاستمعوا له و انصتوا لعلکم ترحمون [illegible]

میان استماع و الانصات و بعضی گفته اند که استماع شنیدن است و انصات آرام دادن نفس است بشنودن و خاموشی و بعضی گفته اند که در اول اسلام در نماز تکلم میکردند و چون ...
داخل میشد و میرسید که چند رکعت گذارده اید جواب میگفتند پس نهی نمود خدای تبارک و تعالی ایشان را از آن و امر کرد بگوش داشتن قرآن در وقت خواندن در نماز و خاموشی
از کلام و اما در غیر نماز مستحب است گوش داشتن بآن و بعضی گفته اند که در حال خطبه جمعه واجبست که خاموش شوند و گوش دارند بخطبه که قرآن خوانده میشود در آن و بعضی گفته اند
که امر مطلق است و واجبست که هر وقت که قراءت قرآن کنند گوش دارند و بعضی گفته اند که معنی استمعوا و انصتوا اینست که گوش دارید بقرآن و عمل کنید ...

[illegible]

وحقاً صفت مفعول مطلق محذوف است تقدیر اولئک هم المؤمنون ایماناً حقاً یا مصدر موکد جمله است یعنی حق ذلک حقاً و مفهوم انما المؤمنون الذین اذا ذکر الله

اولئک هم المؤمنون حقاً آنست که هر که متصف باین صفات نیست مومن نیست ... اگر این صفات حیات مومنان و کمال ایشانست

همام روایت شده است از صادق علیه السلام که امیر المومنین علیه السلام خطبه میفرمود ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

عبد المطلب و عقیل بن ابی طالب را بیرون آوردند و دیگران هم بیاشامیدند و فردا آن روز رسول صلی الله علیه و آله بجای که ذکر شد با صحابه فرود آمد

[illegible]

اکره

و آله ام

[illegible]

قال

نجات یافت و مکه آمده محمد را با حرب [illegible]

قبول نکردند و کفار [illegible] اصحاب رسول صلی الله علیه و آله [illegible]

مذکور میشود [illegible] رسول صلی الله علیه و آله [illegible]

[illegible]

باب نام

[illegible]

[illegible]

[illegible] وما جعله الله الا بشری ولتطمئن به قلوبکم وما النصر الا من عند الله ان الله عزیز حکیم [illegible]

[illegible]

[illegible]

بهم خیرا یعنی قبول هدایت و اقبال بر طلب حق لاسمعهم [illegible] ایشان را [illegible] آن سخن شنیدند و لو اسمعهم لتولوا و اگر شنواند و لطف نماید ایشان را [illegible]
گردانند و روی بگردانند از حق الا اگر ایمان آورند [illegible] و از دین بر گردیدند و بعضی گفته اند که [illegible] ایشان [illegible] گفته رسول صلی الله علیه
[illegible]
کلام و شهادت او [illegible] الاوامر کنند [illegible] و معنی [illegible]
[illegible] محمد صلی الله علیه و آله [illegible]
و دیانت بود [illegible] و بعضی گفته اند که این در شان منافقانست یا ایها الذین آمنوا استجیبوا لله وللرسول اذا دعاکم لما یحییکم واعلموا ان الله یحول بین المرء
وقلبه وانه الیه تحشرون ای مومنان اجابت کنید خدا را و رسول را چون بخوانند شما را بانچه زنده میکرداند شما را و بدانید که خدا حایل است میان مرد و
دل او و آنکه بسوی او محشور میشوید [illegible] ایها الذین آمنوا استجیبوا لله وللرسول
اذا دعاکم [illegible] پس استجابت خدا [illegible] رسول [illegible] لما یحییکم [illegible]
[illegible]
ایشان [illegible] و در جهاد [illegible] حیوة [illegible]
و علوم [illegible] علی بن ابراهیم [illegible] علیه السلام [illegible]
علی بن ابی طالب است [illegible] واعلموا ان الله یحول بین المرء وقلبه [illegible]
خدا حایل [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] صادق علیه السلام [illegible]
[illegible]
ایمان [illegible] وانه الیه تحشرون [illegible] واتقوا فتنة لا تصیبن الذین
ظلموا منکم خاصة واعلموا ان الله شدید العقاب [illegible]
[illegible]
[illegible] علی علیه السلام [illegible]
[illegible]
[illegible] علیه الصلوة والسلام [illegible]
[illegible] صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] علی بن ابی طالب
علیه السلام [illegible]
[illegible] صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] لا تصیبن الذین ظلموا منکم خاصة [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] واعلموا ان الله شدید العقاب [illegible]
واذکروا اذ انتم قلیل مستضعفون فی الارض تخافون ان یتخطفکم الناس فآواکم وایدکم بنصره ورزقکم من الطیبات لعلکم تشکرون [illegible]
[illegible]
[illegible]

گردانید شما را بنصرت و یاری خود [illegible] و روزی داد شما را از طیبات که غنیمت است طیب و حلال گردانید از برای شما [illegible]
اگر شما شکر کنید مراد اگر مقابله کنید این حال که شما در وقت رسیدید بحالی که زمان قدیم بود [illegible] شما را [illegible]
قبیلهٔ عرب ذلیل‌ترین مردمان بودند و فقیرترین ایشان [illegible] بسبب اسلام ممکن گردانید ایشان را [illegible]
در شهرها و وسیع گردانید بر ایشان رزق و ایشان را ملوک گردانید یا ایها الذین آمنوا لا تخونوا الله والرسول وتخونوا اماناتکم وانتم تعلمون [illegible]
کردن امانت یعنی ای گروه مومنان خیانت مکنید خدا را و رسول را و خیانت مکنید امانتهای خود را و حال آنکه شما میدانید یا ایها الذین آمنوا لا تخونوا
الله والرسول مراد اگر خیانت مکنید خدا را در فرایض او [illegible] رسول [illegible]
[illegible]
[illegible] وانتم تعلمون [illegible]
[illegible] جبرئیل علیه السلام [illegible]
صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] رسول علیه السلام [illegible]
[illegible] رسول علیه السلام [illegible]
[illegible] ابو لبابه [illegible]
[illegible] رسول علیه الصلوة والسلام [illegible] ابو لبابه [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] رسول الله صلی الله علیه و آله [illegible] علیه السلام [illegible]
[illegible] صلی الله علیه و آله
[illegible] صادق علیهما السلام [illegible] واعلموا انما اموالکم واولادکم فتنة وان الله عنده اجر عظیم
[illegible] اموال و اولاد
[illegible]
[illegible] علیه السلام [illegible]
[illegible] واعلموا انما اموالکم واولادکم فتنة یا ایها الذین آمنوا ان
تتقوا الله یجعل لکم فرقانا ویکفر عنکم سیئاتکم ویغفر لکم والله ذو الفضل العظیم [illegible]
[illegible] یا ایها الذین آمنوا ان تتقوا الله [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
والله ذو الفضل العظیم [illegible]
[illegible]
[illegible]
واذ یمکر بک الذین کفروا لیثبتوک او یقتلوک او یخرجوک ویمکرون ویمکر الله والله خیر الماکرین [illegible]
[illegible]

مکار است علی بن ابراهیم در تفسیر آورده است که این آیه قبل از هجرت نازل شده و سبب نزول آنکه چون ظاهر شد دعوت رسول صلی الله علیه و آله [illegible]
آمدند که بیعت رسول فرمود با ایشان رسول علیه الصلوة و السلام [illegible] ثواب بهشت
قبول نمودند و گفتند [illegible] فرمود وعده [illegible] لیلة الوسطی [illegible] پس رسول
صلی الله علیه و آله گفت با ایشان [illegible] عبد المطلب [illegible] اوس و خزرج داخل شدند نبی صلی الله علیه و آله
فرمود که حفظ و حمایت [illegible] پس گفتند اسعد بن زراره و براء بن معرور و عبد الله
بن حرام قبول کردیم یا رسول الله [illegible] برای خود [illegible] فرمود [illegible]
کنید [illegible] اهل و [illegible]
بپی فرمود که بهشت [illegible] پس فرمود رسول صلی الله علیه و آله که بیاورید دوازده گواه [illegible]
از بنی اسرائیل دوازده نقیب [illegible] از خزرج و [illegible] از اوس از خزرج اسعد بن زراره و براء بن معرور و عبد الله بن حرام
و ابو جابر بن عبد الله و رافع بن مالک و سعد بن عباده و منذر بن عمرو و عبد الله بن رواحه و سعد بن ربیع و عباده بن صامت و از اوس ابو الهیثم بن تیهان و اسید بن
حضیر و سعد بن خیثمه پس چون جمع شدند و با رسول صلی الله علیه و آله بیعت کردند ابلیس [illegible] ای گروه قریش و عرب محمد با جوانان [illegible]
بیعت میکنند [illegible] قریش [illegible] رسول صلی الله علیه و آله شنید [illegible] انصار که متفرق شوید
گفتند یا رسول الله [illegible] رسول علیه الصلوة و السلام [illegible] خدای تعالی [illegible]
گفتند پس [illegible] قریش [illegible] امیر المؤمنین علیه السلام [illegible]
چون [illegible] گفتند [illegible] قریش [illegible]
[illegible] قریش [illegible] محمد صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] داخل [illegible] چهل سال [illegible] ابلیس بصورت پیری [illegible]
شیخ اهل نجدم [illegible] اجتماع شما [illegible] داخل شو پس ابلیس داخل شد و چون
در مجلس نشستند گفت ابو جهل که ای گروه قریش [illegible] اهل القدیم [illegible]
در حرم خدای [illegible] محمد بن عبد الله [illegible]
گفتند [illegible] رسول است [illegible] آسمان [illegible]
[illegible] آتش دوزخ است پس [illegible]
[illegible]
پس [illegible] محمد [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] قریش [illegible]
چون [illegible] قریش [illegible]
و داخل بود با ایشان [illegible] ابو لهب عم پیغمبر صلی الله علیه و آله و جبرئیل بر نبی صلی الله علیه و آله نازل شد [illegible] قریش
[illegible]
[illegible] در شب بروی داخل شوید [illegible]

۱۸۰

و صباح بروی داخل میشویم پس شب خوابیدند حوالی حجره رسول صلی الله علیه و آله و رسول فرمود که فراش او را مهیا کردند و گفت علی بن ابی طالب را که
[illegible] نفس خود [illegible] پس علی علیه السلام بر فراش رسول خوابید و کسا را بر خود پوشید و جبرئیل آمد و دست رسول علیه السلام
گرفت و او را از قریش گذرانید و ایشان در خواب بودند و رسول علیه السلام قرائت کرد و جعلنا من بین ایدیهم سدا و من خلفهم سدا فاغشیناهم فهم
لا یبصرون و جبرئیل گفت راه ثور را گیر و آن کوهیست در راه [illegible] رسول صلی الله علیه و آله رفت
در غار ثور داخل شد پس چون صباح شد و قریش در حجره درآمدند و قصد فراش رسول کردند برجست علی علیه السلام در روی ایشان آمد
چه میخواهید گفتند کجاست محمد فرمود که مرا نگاهبان وی کرده بودید و شما میگفتید که بیرون میکنیم او را از بلاد خود پس بیرون رفت او از میان شما پس
علی علیه السلام [illegible] و در کوههای اطراف متفرق شدند بطلب رسول و در میان ایشان مردی بود از خزاعه که از قدم اثر پیدا کردی
ابو کرز گفتند او را که یا ابا کرز [illegible] و ایشان را آورد بر در حجره رسول و گفت این قدم محمد است صلی الله علیه و آله
است [illegible] رسول علیه السلام بیرون آمد ابو بکر [illegible] ابو کرز گفت این آثار قدم ابی قحافه است
[illegible] و ایشان را آورد [illegible] بر در غار [illegible] یا بآسمان بالا رفتند [illegible]
عنکبوت [illegible] در غار [illegible] پس قریش [illegible] کوه متفرق شدند و حق تعالی
[illegible] رسول صلی الله علیه و آله [illegible] پس حق تعالی فرمود که و اذ یمکر بک الذین کفروا
[illegible] عتبه و شیبه پسران ربیعه و نضر بن حارث و ابو جهل بن هشام و ابو البختری بن هشام و زمعة بن الاسود و حکیم بن حزام و امیة بن خلف [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
و اذا تتلی علیهم آیاتنا قالوا قد سمعنا لو نشاء لقلنا مثل هذا ان هذا الا اساطیر الاولین [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
گفتند که ان هذا الا اساطیر الاولین [illegible] نضر بن حارث [illegible]
[illegible]
اسیر کردند و رسول علیه السلام فرمود که یا علی [illegible]
[illegible]
[illegible] پس علی علیه السلام [illegible]
[illegible] قالوا اللهم ان کان هذا هو الحق من عندک فامطر علینا
حجارة من السماء او ائتنا بعذاب الیم [illegible]
از آسمان [illegible]
پس [illegible]
قوم [illegible] رسول خدا [illegible] آسمان [illegible]

آن نفقه بر ایشان حسرت و پشیمانی پس مغلوب کرده شوند ... [illegible]

[illegible] ... والذین کفروا الی جهنم یحشرون ... [illegible]

لیمیز الله الخبیث من الطیب ویجعل الخبیث بعضه علی بعض فیرکمه جمیعا فیجعله فی جهنم ... [illegible]

[illegible]

کو عزیا باشند که از دعوت حق جبند و جمیع این اصناف ابن السبیل باشند و خلاف در قسمت خمس میان مخالفان و اهل سنت بسیار است و بعضی در ذکر آن [illegible]
و وزن آن نصف امام سهم یتامی و مساکین و ابن السبیل باشان تسلیم میشود و در سهم امام در میان علما مشهور خلاف است بعضی بر آنند که آن را دفن
کنند از برای آنکه در خبر است که چون امام علیه السلام ظهور میکند [illegible] و کنجهای زمین [illegible]
و بعضی بر آنند که آن را جدا میکنند از مال خود و منتظر ظهور امام میباشند و چون خوف مرگ بهم رسد او را قبل از ظهور امام وصیت میکند بشخص صاحب
اعتماد [illegible] که بعد از وی آن را حفظ کند و بجا بیاید تا ظهور امام علیه السلام و بعضی بر آنند که حصه امام را [illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]

... وَلَوْ تَرَى إِذْ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ ... [illegible]

... ذَلِكَ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ ... [illegible]

... كَدَأْبِ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ ... [illegible]

[illegible]

عهد را و

نموده دیگر در حرب خندق عهد شکستند و ابوسفیان را یاری کردند و چون بدترین آدمیان کافرانند و بدترین کافران آن گروه معاهدان عهدشکنان بودند پس
بدترین ایشانند و اما تثقفنهم فی الحرب فشرد بهم من خلفهم لعلهم یذکرون ... و در یابی بر دوی ایشان متفرق گردان ایشان با اضطراب
پس اگر بیابی و دریابی تو کافران را در حرب و ظفر یابی برایشان پس متفرق گردان بدیشان بسبب قتل و عقوبت ایشان آن کافران را که در عقب ایشانند
تا مگر ایشان پند پذیرند و حق بشنوند و رسول را صلی الله علیه و آله اگر بیابد آن عهدشکنان را در حرب بکشد و عقوبت کند ایشان را بر وجهی
که برمانند و متفرق سازد کافران دیگر را که در عقب ایشان باشند بعبرت گیرند و پند پذیرند و اما تخافن من قوم خیانة فانبذ الیهم علی سواء ان الله لا یحب
الخائنین و اگر بترسی تو یا محمد از قومی که میان تو و ایشان عهدی هست خیانتی و شکستن عهدی پس بیفکن آن عهد را بسوی ایشان مساوی و برابر
بدرستی که خدا دوست نمیدارد خیانت کنندگان را و اما تخافن و اگر بترسی تو یا محمد از آن و علامات من قوم خیانة از گروه معاهدان بسوی ایشان فانبذ
الیهم علی سواء پس بیفکن عهد ایشان را بر سواء یعنی ظاهر کن بر ایشان که ساقط ساختی عهد او را بعد از آن با ایشان محاربه کن تا آنکه مجرم در حالی که ایشان
توهم نقض عهد ندارند بر ایشان در آیی و قتال کنی تا آنکه ایشان نسبت غدر بتو ندهند و بعضی گفته اند که معنی علی سواء آنکه مساوی باشی
در عداوت با ایشان و بعضی گفته اند که علی سواء یعنی بعدل یعنی بشکن آن عهد را پس آن عهد میان تو و ایشان بعیر باشد حرب کن ان الله لا یحب نقض عهد
و بعد از آن با ایشان حرب کن و اگر عهد ایشان با تو در دل باشد تمام و آنکه ... بعد از آن با ایشان حرب کن ان الله لا یحب
الخائنین بدرستی که خدا دوست نمیدارد خیانت کنندگان را در عهد و پیمان بعضی گفته اند که این آیه در بنی قینقاع نازل شده و رسول صلی الله
علیه و آله با ایشان ... کرد علی بن ابراهیم در تفسیر خود ذکر کرده است که نازل شده در معویه که خیانت کرد با امیرالمؤمنین علیه السلام و لا یحسبن
الذین کفروا سبقوا انهم لا یعجزون و البته مپندارند آنان که کافر شدند که سبقت گرفتند و خلاص شدند بدرستی که ایشان عاجز نمیکنند خدا را یا رسول را
از عذاب و بعضی گفته اند یعنی مپندارند کافران که در روز بدر خلاص شدند و فوت کردند از عذاب انهم لا یعجزون ...
و اعدوا لهم ما استطعتم من قوة و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوکم و آخرین من دونهم لا تعلمونهم الله یعلمهم و ما تنفقوا من شیء
فی سبیل الله یوف الیکم و انتم لا تظلمون ... آماده سازید ای مؤمنان از برای مشرکان آنچه توانید از قوت
و از بستن اسبان که بترسانید بآن دشمن خدا و دشمن خود را و دیگران را غیر ایشان را که نمیدانید ایشان را خدا میداند ایشان را و آنچه نفقه کنید
در راه خدا تمام بشما داده شود و ستم کرده نمیشوید و اعدوا لهم آماده سازید ای مؤمنان از برای قتال کافران و مشرکان ما استطعتم آنچه توانید
و قدرت دارید من قوة از مردان و سلاح و آلات حرب و روایت است از نبی صلی الله علیه و آله که فرمود قوت تیر و کمان است و بعضی گفته اند که قوت
اتفاق ... کلمه لا اله الا الله و اعتماد بخدا و اعتقاد بر ثواب ... و بعضی گفته اند که قوت حصن و حصار است و من رباط الخیل از بستن اسبان که
قوی ترین آلات جهاد است و روایت است از رسول صلی الله علیه و آله که فرمود در بند داشتن اسبان که ... عزت شماست و ... الدرع
نگاه داشتن ... امام موسی علیه السلام که هر که ببندد اسبی ... هر روز ... نوشته شود از برای او ... حسنه و هر که ببندد
اسبی که ... نوشته شود از برای او هر روز ... حسنه و هر که ببندد اسبی ... از برای او
بادفع دشمن ... هر روز ... نوشته شود از برای او ... حسنه و روایت است از امام علیه السلام که ... است ... تا روز
قیامت و روایت است که فرمود رسول الله صلی الله علیه و آله که سواری کنید و تیر اندازی دوست تر است پیش من از سواری ... و فرمود که لهو و بازی
مومن باطلست الا در سه چیز در ادب اسبان و انداختن تیر از کمان و بازی کردن با زن خود و این سه بازی حق است و خدای عزوجل داخل میکند
بسبب یک تیر سه کس را در بهشت آنکه چوب آن را ساخته است و آنکه قوت داده است آن را در راه خدا و آنکه انداخته است آن را در راه خدا و روایت است
که شیطان نزدیک نمیشود بصاحب اسب و داخل نمیشود خانه را که در آن اسب عتیق است و روایت است که آواز اسب میترساند شیطان را ترهبون
به میترسانید بآنچه آماده کرده اید از سلاح و مردان و اسبان عدو الله و عدوکم دشمنان خدا و دشمنان خود را از مشرکان مکه و غیر ایشان و آخرین
من دونهم و بترسانید بآن دیگران را غیر ایشان بعضی گفته اند که یهود بنی قریظه اند و بعضی گفته اند که فارسند و بعضی گفته اند که منافقانند
لا تعلمونهم نمیدانید ایشان را که دشمن اند شما را زیرا که نماز میکنند و روزه میگیرند و لا اله الا الله و محمد رسول الله میگویند و با مؤمنان مخلوط میشوند
الله یعلمهم خدا میداند و میشناسد ایشان را زیرا که او است مطلع بر اسرار کافران و ما تنفقوا من شیء فی سبیل الله و آنچه نفقه میکنید از چیزی که است در
راه خدا او یعنی جهاد یوف الیکم تمام و کامل داده میشود بشما ثواب آن در آخرت و انتم لا تظلمون و شما ستم کرده نمیشوید از ثواب آن چیزی و ان جنحوا
للسلم فاجنح لها و توکل علی الله انه هو السمیع العلیم و اگر میل کنند مشرکان بصلح پس تو هم میل کن یا محمد بصلح و توکل کن او بر خدا

کار خود را بخدا بدرستی که او شنوا و داناست ... روی پوشیده ... و بعضی گفته اند که این آیه منسوخ است بآیه فاقتلوا المشرکین حیث وجدتموهم و قاتلوا الذین
لا یؤمنون بالله و بعضی گفته اند که این در مصلحت با اهل کتاب است و آن در قتال کافران حربی و بعضی گفته اند که این امر موقوف بر رای امام است اگر صلاح بیند
با اهل آن را در حرب آید حرب کنند و اگر در صلح آید صلح کنند و ان یریدوا ان یخدعوک فان حسبک الله هو الذی ایدک بنصره و بالمؤمنین و الف
بین قلوبهم لو انفقت ما فی الارض جمیعا ما الفت بین قلوبهم ولکن الله الف بینهم انه عزیز حکیم و اگر اراده کنند که ترا فریب دهند پس بدرستی
که کافیست ترا خدا او ست آنکه قوت داد ترا بیاری خود و بمؤمنان و الفت انداخت میان دلهای ایشان اگر خرج میکردی آنچه در زمین است جمیع
نینداختی میان دلهای ایشان ولیکن الفت انداخت خدا میان ایشان بدرستی که او غالبست حکیم ... میان نعمت و قوت خود ... رسول
صلی الله علیه و آله یاد کرده ... و ان یریدوا ان یخدعوک و اگر اراده نمایند مشرکان ... فان حسبک الله پس کافیست
ترا ... هو الذی ایدک بنصره و بالمؤمنین او ست خداوندی که نصرت کرد ترا بیاری خود و بمؤمنان و الف بین قلوبهم
و الفت و محبت انداخت میان ایشان بعد از آنکه عداوت در میان ایشان و تعصب بنهایتی بود که ... بعضی گفته اند که مراد
از مؤمنان انصارند اوس و خزرج که در میان ایشان حروب واقع بود و هلاک شده بودند ... ایشان با هم ... دشمنی
ایشان ... بود که ... رسول لو انفقت ما فی الارض جمیعا ما الفت بین قلوبهم اگر نفقه میکردی آنچه در روی زمین است از اموال جمیع ...
... الفت اندازی در میان ایشان بواسطه حسد و نزاع ایشان ولکن الله الف بینهم ولیکن خدای تعالی ... باسلام ... ایشان
هدایت نمود ... انه عزیز حکیم ... در ... و الا ...
حکمت یا ایها النبی حسبک الله و من اتبعک من المؤمنین ای پیغمبر کافیست ترا خدا ... از مؤمنان ... بود که معنی
که کافیست ترا خدا و کافیست ترا مؤمنان ... و بعضی گفته اند که ... باشد که کافیست ترا و مؤمنان را خدا ... در غزوه بدر ...
... یا ایها النبی حرض المؤمنین علی القتال ان یکن منکم عشرون صابرون یغلبوا مائتین و ان یکن منکم مائة یغلبوا الفا من الذین کفروا بانهم قوم
لا یفقهون ... ای پیغمبر ... رغبت کن مؤمنان را بر قتال کافران اگر باشند از شما بیست تن ... کننده
... غالب میشوند ... کافران بسبب آنکه ایشان گروهی اند که نمیفهمند حق ...
رسول را صلی الله علیه و آله ... رغبت کند مؤمنان را ... یا ایها النبی حرض المؤمنین علی القتال بعد از آن وعده نصرت و ظفر داد
ایشان ... ان یکن منکم عشرون صابرون ... یغلبوا مائتین و ان یکن منکم مائة یغلبوا الفا ... و این صورت ... در اول اسلام
واجب بود در مسلمانان که ... مقابل ایشان باشند در جهاد ... علوم شده ... بانهم قوم لا یفقهون
که مغلوب میشوند ... کثرت ... بسبب آنکه ایشان گروهی اند ... صواب ... اگر ... در جهاد ...
... و تصدیق ... غالب میشوند ... چون مطلوب ... مطلوب خداست ...
... غالب ... و چون مطلوب مؤمنان مطلوب خداست ...
... گروهی اند که لا یفقهون ... کافر ...
... و بعضی ... که ... ثواب ... از ...
پس جرات ... الآن خفف الله عنکم و علم ان فیکم ضعفا فان یکن منکم مائة صابرة یغلبوا مائتین و ان یکن منکم
الف یغلبوا الفین باذن الله و الله مع الصابرین ... در اول اسلام مسلمانان قلیل بودند و کافران کثیر خدای تعالی امر فرمود ...
بر قیام ... پس چون اسلام قوی شد ... خدای تعالی ... که این حکم ... بر مسلمانان ... حکم اول را منسوخ گردانید ...
... و تخفیف کرد ... ضعف ... اگر باشد از شما صد تن ... غالب میشوند ...
غالب میشوند ... باذن الله ... و گفته اند که این ... نازل شد ... اگر چه ... در قرائت ...
... است ... واجب ... قلیل ... در ... اول ... بیان ... کثرت ...
... و مقاومت ... و اگر ... مقاومت ... در ...
و کافیست ... ما کان لنبی ان یکون له اسری حتی یثخن فی الارض تریدون عرض الدنیا و الله یرید الآخرة
و الله عزیز حکیم ... عرض متاع دنیا ... میخواهد ... الآخرة ...

نشغا

به هند شما را بهتر از آنچه گرفته شده است از شما و بیامرزد شما را و خدا آمرزنده است رحم کننده است روایت از عباس بن عبد المطلب که این آیه ... گفته م

[illegible]

وان یریدوا خیانتک فقد خانوا الله من قبل فامکن منهم والله علیم حکیم

[illegible]

اولیاء م

[illegible]

گفته م

[illegible]

[illegible]

و اذان من الله و رسوله الی الناس یوم الحج الاکبر ان الله بری من المشرکین و رسوله فان تبتم فهو خیر لکم و ان تولیتم فاعلموا انکم غیر معجزی الله و بشر الذین کفروا بعذاب الیم

[illegible]

شرک نبود ظاهر شوند و اقامت الصلوة و مثل صلوتست اگر نه وان احد من المشركين استجارك فاجره حتى يسمع كلام الله ثم ابلغه مأمنه ذلك بانهم قوم لا يعلمون واگر
یکی از مشرکان طلب زینهار کند از تو پس زینهار ده تو او را تا اگر بشنود او کلام خدا [illegible] پس برسان او را بموضع امن وی این بسبب آنست که ایشان گروهی اند که نمیدانند [illegible]
[illegible] حق تعالی [illegible] رسول صلی الله علیه و آله [illegible]
بقتال ایشان طلب امان نماید [illegible] کلام الله [illegible]
[illegible] و عذاب آخرت [illegible]
درین امر آنست که ایشان قوم لا یعلمون [illegible] کیف یکون للمشرکین عهد عند الله و عند رسوله الا الذین عاهدتم عند المسجد
الحرام فما استقاموا لكم فاستقيموا لهم ان الله يحب المتقين چگونه باشد مشرکان را عهدی نزد خدا و نزد رسول او الا آنان که عهد کردید با ایشان نزد مسجد الحرام
پس مادام که مستقیم باشند ایشان از برای شما پس مستقیم باشید شما از برای ایشان [illegible] کیف یکون للمشرکین عهد
[illegible] الا الذین عاهدتم عند المسجد الحرام [illegible]
ایشان نزد مسجد الحرام و نشکستند عهد را فما استقاموا لكم فاستقيموا لهم [illegible]
[illegible] ان الله يحب المتقين [illegible]
[illegible]
[illegible] كيف وان يظهروا عليكم لا يرقبوا فيكم الا ولا ذمة يرضونكم بافواههم وتأبى قلوبهم واكثرهم فاسقون [illegible]
[illegible]
[illegible] کیف [illegible]
[illegible] لا یرقبوا فیکم الا ولا ذمة [illegible]
[illegible]
[illegible] و اکثرهم فاسقون [illegible]
[illegible] اشتروا بایات الله ثمنا قلیلا فصدوا عن سبیله انهم ساء ما کانوا یعملون [illegible]
[illegible]
[illegible] رسول صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] لا یرقبون فی مؤمن الا ولا ذمة و اولئک هم المعتدون [illegible]
[illegible]
[illegible] فان تابوا و اقاموا الصلوة و آتوا الزكوة فاخوانكم في الدين ونفصل الايات
لقوم يعلمون [illegible]
[illegible] وان نكثوا ايمانهم من بعد عهدهم وطعنوا في دينكم فقاتلوا ائمة الكفر انهم لا ايمان لهم لعلهم ينتهون [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] رسول صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] الا تقاتلون قوما نكثوا ايمانهم وهموا باخراج الرسول وهم بدؤكم اول مرة
اتخشونهم فالله احق ان تخشوه ان كنتم مؤمنين [illegible]
[illegible]

[illegible] قاتلوا ائمة الکفر [illegible] الا تقاتلون قوما نکثوا ایمانهم وهموا باخراج الرسول [illegible]
قصد کردند که رسول را صلی الله علیه و آله از مدینه اخراج کنند [illegible]
[illegible] رسول صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible]
[illegible] فالله احق ان تخشوه ان کنتم مؤمنین [illegible]
[illegible]
[illegible] قاتلوهم يعذبهم الله بايديكم ويخزهم وينصركم عليهم ويشف صدور قوم مؤمنين [illegible]
[illegible]
[illegible] رسول صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] ويذهب غيظ قلوبهم ويتوب الله على من يشاء والله عليم حكيم [illegible]
[illegible] صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible]
[illegible] ام حسبتم ان تتركوا
ولما يعلم الله الذين جاهدوا منكم ولم يتخذوا من دون الله ولا رسوله ولا المؤمنين وليجة والله خبير بما تعملون [illegible]
[illegible]
[illegible] ام حسبتم [illegible]
[illegible] ولما يعلم الله الذين جاهدوا [illegible]
[illegible]
[illegible] ولم یتخذوا من دون الله ولا رسوله ولا المؤمنین [illegible]
[illegible]
[illegible] ما کان للمشرکین ان یعمروا
مساجد الله شاهدين على انفسهم بالكفر اولئك حبطت اعمالهم وفي النار هم خالدون [illegible]
[illegible]
[illegible] مسجد الحرام [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] شاهدین علی انفسهم بالکفر [illegible]
[illegible] شاهدین علی انفسهم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
علیه السلام [illegible] رسول صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] مسجد الحرام [illegible]
حبطت اعمالهم این گروه [illegible] وفی النار هم خالدون [illegible]

راست گفتم تو بی هر که خواهد ایمان آورد [illegible] جبرئیل علیه السلام آمد و گفت یا محمد پروردگار تو سلام میرساند و میگوید که اجعلتم سقایة الحاج وعمارة المسجد الحرام کمن آمن
بالله والیوم الآخر استفهام بمعنی انکار است [illegible]
اجعلتم اهل سقایة الحاج وعمارة المسجد الحرام کمن آمن بالله [illegible] آمن بالله والیوم الآخر وجاهد فی سبیل الله
لا یستوون عند الله [illegible] والله لا یهدی القوم الظالمین [illegible]
[illegible] الذین آمنوا وهاجروا وجاهدوا فی سبیل الله باموالهم وانفسهم اعظم درجة عند الله واولئک هم الفائزون [illegible]
[illegible]

[illegible] انما یعمر مساجد الله من آمن بالله والیوم الآخر واقام الصلوة وآتی الزکوة ولم یخش الا الله فعسی اولئک ان یکونوا من المهتدین عمارت [illegible]
[illegible]

شعبهای آن وادی در زیر درختان و چون صبح تاریک باشد حمله کنید بر آن قوم که محمد صلی الله علیه و آله آورده است یکی که حرب او ندیده بود
رسول صلی الله علیه و آله نماز صبح گذارده بامدادی فرود آمد در وادی حنین پس بیرون آمدند ایشان از کمینها و ازین جانب پس هزیمت شدند بنی سلیم و اصحاب
هزیمت و دیگر ان در عقب ایشان هزیمت شدند و حق تعالی ثابت قدم گردانید ... پس لشکر ... امیر المؤمنین علیه السلام
نصرت و قتال میکرد و با وی بود رایت ... که هزیمت شده بودند رسول صلی الله علیه و آله روی با ... عباس بن عبد المطلب و اصحاب رسول
صلی الله علیه و آله لجام استر او گرفته بود و ابو سفیان بن حارث بن عبد المطلب ... نوفل بن حرب و ربیعة بن حارث ...
ایمن بن ام ایمن بود و چون رسول صلی الله علیه و آله مشاهده نمود هزیمت قوم را ... عباس را ... آواز ده ...
مهاجران و انصار را ای اصحاب سورة البقرة ای اهل بیعت شجره ... رسول خدا پس چون مسلمانان شنیدند آواز عباس را گفتند لبیک لبیک
و ... انصار و قتال کردند با مشرکان ... رسول صلی الله علیه و آله ... الآن حمی الوطیس یعنی ... گرم گردید تنور جنگ
انا النبی لا کذب انا ابن عبد المطلب ... رسول علیه السلام دست به دعا برداشت و فرمود که اللهم لک الحمد و الیک المشتکی
و انت المستعان پس جبرئیل علیه السلام آمد و گفت یا رسول الله دعا کردی ... موسی ... دریا ...
... جانب خدای تعالی ... هزیمت ... مسلمانان در عقب ایشان ...

[illegible]

[illegible]

یا ایها الذین آمنوا انما المشرکون نجس فلا یقربوا المسجد الحرام بعد عامهم هذا و ان خفتم عیلة فسوف یغنیکم الله من فضله ان شاء ان الله علیم حکیم ای گروه

مومنان [illegible] مشرکان الا نجس [illegible] مسجد الحرام [illegible]

[illegible] حکمت یا ایها الذین آمنوا انما المشرکون نجس [illegible]

که فلا یقربوا المسجد الحرام [illegible]

[illegible]

کر شیده اند حلاوت مناجات خود را از دلهای ایشان و فرموده رسول الله صلی الله علیه و آله که فقها امینان پیغمبرانند مادام که داخل نشوند در دنیا سوال کردند که یا رسول الله

چیست دخول ایشان در دنیا فرمود که متابعت سلطان پس هرگاه چنین کنند حذر کنید از ایشان بر دین خود و فرمود صادق علیه السلام که چون ببینید عالم را که محب دنیاست

پس متهم دارید او را بر دین خود و فرمود که هر که اراده حدیث کند از برای منافع دنیا او را در آخرت هیچ نصیبی نمی‌باشد و فرمود علیه الصلوة والسلام که هر که طلب

علم کند تا آنکه مفاخرت و بزرگی کند با آن با علماء یا مجادله و بحث کند با آن با سفها یا آنکه روهای مردمان را بسوی خود کند پس باید که آماده سازد مکان خود را

از دوزخ بدرستی که ریاست صلاحیت ندارد الا اهل آن [illegible]

[illegible]

[illegible]

عليه السلام که هر که منع کند یک قیراط از زکوة [illegible] و فرمود عليه السلام [illegible]

[illegible]

... إن عدة الشهور عند الله اثنا عشر شهرا في كتاب الله يوم خلق السموات والأرض منها أربعة حرم ذلك الدين القيم فلا تظلموا فيهن أنفسكم وقاتلوا المشركين كافة كما يقاتلونكم كافة ...

[illegible]

که عنکبوت بر در غار تنیده است و کسی نیست آن مردی از قریش فرود آمده در آن غار بول کرد ابوبکر گفت یا رسول الله ما را دیدند فرمود که اگر دیده بودند ما را این جا [illegible]
نمیکردند و در بعضی [illegible] صلی الله علیه و آله گفت اللهم اعم ابصارهم پس حق تعالی چشمهای ایشان را نابینا گردانید که ندیدند رسول را صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] اذ یقول لصاحبه لا تحزن هیچ ظاهر نیست فضلی از برای ابی بکر چنانچه اهل سنت دعوی میکنند [illegible]
[illegible] یوسف صدیق علیه السلام گفت [illegible]
یا صاحبی السجن [illegible] قال له صاحبه وهو یحاوره اکفرت بالذی خلقک من تراب [illegible]
[illegible] رسول صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] وجعل کلمة الذین کفروا السفلی [illegible]
[illegible] وکلمة الله هی العلیا [illegible] اسلام [illegible]
کلمه توحید [illegible] لا اله الا الله است [illegible]
توحید است والله عزیز حکیم [illegible] انفروا خفافا وثقالا وجاهدوا باموالکم
وانفسکم فی سبیل الله ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون [illegible]
خود این بهتر است از برای شما اگر هستید که میدانید [illegible]
[illegible]
که عموم این حکم منسوخ شده به آیه لیس علی الضعفاء ولا علی المرضی [illegible]
[illegible]
[illegible] لو کان عرضا قریبا وسفرا قاصدا لاتبعوک [illegible]
بعدت علیهم الشقة وسیحلفون بالله لو استطعنا لخرجنا معکم یهلکون انفسهم والله یعلم انهم لکاذبون [illegible]
[illegible]
[illegible] رسول صلی الله علیه و آله [illegible]
بغزوه تبوک [illegible] رسول را صلی الله علیه و آله [illegible]
منافقان اذن طلب [illegible] رسول صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible]
[illegible] ولکن بعدت علیهم الشقة [illegible] وسیحلفون بالله لو استطعنا [illegible]
[illegible]
[illegible] یهلکون انفسهم [illegible] والله یعلم انهم لکاذبون [illegible]
[illegible] عفا الله عنک لم اذنت لهم حتی یتبین لک الذین صدقوا وتعلم الکاذبین [illegible]
[illegible] عفا الله عنک لم اذنت لهم [illegible] رسول صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] رسول صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible]
[illegible]
الذین صدقوا [illegible] وتعلم الکاذبین [illegible]
[illegible] رسول صلی الله علیه و آله [illegible]
اقامت در منازل خود [illegible] رسول را

عفا الله

صلی الله علیه و آله [illegible] لا یستأذنک الذین یؤمنون بالله والیوم الآخر ان
یجاهدوا باموالهم وانفسهم والله علیم بالمتقین طلب اذن نمیکنند از تو [illegible]
[illegible]
[illegible] انما یستأذنک الذین لا یؤمنون بالله والیوم الآخر وارتابت قلوبهم فهم فی ریبهم
یترددون [illegible]
[illegible]
[illegible] ولو ارادوا الخروج لاعدوا له عدة ولکن کره الله انبعاثهم فثبطهم وقیل اقعدوا مع القاعدین
[illegible]
[illegible]
لاعدوا له عدة [illegible]
[illegible]
کره الله انبعاثهم [illegible]
[illegible]
[illegible] فثبطهم وقیل اقعدوا مع القاعدین [illegible]
[illegible]
[illegible] رسول صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] لو خرجوا فیکم ما زادوکم الا خبالا ولاوضعوا خلالکم یبغونکم الفتنة وفیکم سماعون لهم والله علیم بالظالمین [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] سماعون لهم [illegible]
[illegible] والله علیم بالظالمین
[illegible] منافقان [illegible]
لقد ابتغوا الفتنة من قبل وقلبوا لک الامور حتی جاء الحق وظهر امر الله وهم کارهون [illegible]
[illegible]
لقد ابتغوا الفتنة من قبل [illegible] غزوه تبوک [illegible]
عبدالله بن ابی [illegible] رسول صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] غزوه تبوک [illegible] رسول صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] وقلبوا لک الامور [illegible]
[illegible] حتی جاء الحق [illegible]
[illegible]
ومنهم من یقول ائذن لی ولا تفتنی الا فی الفتنة سقطوا وان جهنم لمحیطة بالکافرین [illegible]
[illegible] رسول صلی الله علیه و آله [illegible]
بغزوه تبوک [illegible]
[illegible] رسول صلی الله علیه و آله [illegible]

زیاد میکردند در میان شما [illegible]

[illegible]

[illegible]

وَمِنْهُمْ مَنْ يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رَضُوا وَإِنْ لَمْ يُعْطَوْا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسْخَطُونَ

[illegible]

[illegible]

اوراد

[illegible]

کافران بترین انواع قتل است و جهاد منافقان با زبان و موعظه و تخویف است تا اقامت حدود و تغلیظ بر ایشان با همه نوعی که بتوان بدست اگر توان و اگر نه بزبان

و اگر نه بدل و ترش کردن روی در روی ایشان [illegible]

کافران را بالمنافقان و گفته که رسول صلی الله علیه و آله با منافقان جهاد نکرد [illegible]

کفار و منافقان [illegible] یحلفون بالله ما قالوا و لقد قالوا کلمة الکفر و کفروا بعد اسلامهم و هموا بما لم ینالوا و ما نقموا الا ان اغناهم الله و رسوله من فضله

فان یتوبوا یک خیرا لهم و ان یتولوا یعذبهم الله عذابا الیما فی الدنیا و الآخرة و ما لهم فی الارض من ولی و لا نصیر [illegible]

[illegible]

رسید نبوده و درین حر و گرما بگو یا محمد که آتش جهنم سخت تر است از گرمی این گرما اگر باشند که بدانند آن کار خود وا ره و عده و وعید جزاء فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا كَثِيرًا و عاقبت ...

جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ... یعنی پس باید که بخندند اندکی و باید که بگریند بسیاری جزا داده شدند جزای آنچه کسب ...

[illegible]

فَإِنْ رَجَعَكَ اللَّهُ إِلَىٰ طَائِفَةٍ مِنْهُمْ فَاسْتَأْذَنُوكَ لِلْخُرُوجِ فَقُلْ لَنْ تَخْرُجُوا مَعِيَ أَبَدًا وَلَنْ تُقَاتِلُوا مَعِيَ عَدُوًّا ...

[illegible]

از این منافقان پس چه رسی که راضی نمی‌شود خدا از این گروه فاسقان که بیرون روندگانند از طاعت خدا یعنی اگر شما راضی شوید از ایشان خشنودی شما چه سود دهد ایشان را
پس تو هم آن شود که اگر مؤمنان راضی شوند خدا راضی نمی‌شود از ایشان و در حدیث است از نبی صلی الله علیه و آله که هر که طلب نماید خشنودی خدا کند در ناخشنودی
راضی گردد خدا از وی و راضی گرداند مردمان را از وی و هر که طلب خشنودی مردمان کند در ناخشنودی خدا ناخشنود گردد خدا از وی و ناخشنود گرداند مردمان را
[illegible] الاعراب اشد کفرا و نفاقا و اجدر الا یعلموا حدود
ما انزل الله علی رسوله والله علیم حکیم [illegible]

[illegible]

آن وقت از جهار م ایشان شنیدم و مرویست که ابو طالب گفت بعلی علیه السلام که چیست این که تو در آنی فرمود که ایمان آوردم بخدا و رسول وی و تصدیق
کرده ام او را بهر چه آورده و اسلام آورده ام از جانب خدا و نماز گذاردم با وی از برای خدا گفت ابو طالب بوی که محمد صلی الله علیه و آله دعوت نمیکند الا بخیر ملازم وی باش
عباد بن عبد الله مرویست که شنیدم از علی علیه السلام که منم عبد الله بنده خدا و برادر رسول وی و منم صدیق اکبر نگوید این کلمه را بعد از من الا کذاب
نماز گزاردم قبل از جمیع مردمان در مدت هفت سال و مرویست از نبی صلی الله علیه و آله که صلوات دادند بر من و بر علی علیه السلام مدت هفت سال [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

علی تقوی من الله ورضوان خیر ام من اسس بنیانه علی شفا جرف هار فانهار به فی نار جهنم والله لا یهدی القوم الظالمین [illegible]

[illegible]

[illegible] سورهٔ آل عمران [illegible] والکاظمون الغیظ [illegible]

[illegible]

[illegible] علی بن الحسین زین العابدین علیهما السلام [illegible]

[illegible] اشتری من المؤمنین انفسهم واموالهم [illegible]

[illegible] ما کان للنبی والذین آمنوا ان یستغفروا للمشرکین ولو کانوا اولی قربی من بعد ما تبین لهم انهم اصحاب الجحیم [illegible]

[illegible]

[illegible]

در آن ... شد یعنی ... باشند مومنان که اگر بیرون روند جمیع ایشان ... بیرون نرفتند از هر فرقه از ایشان طایفه ... [illegible]

... رسول الله صلی الله علیه و آله ... [illegible]

وما کان المومنون لینفروا کافة ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

آن م

وحال او هرگاه که پروردگار رعوش باشد با بزرگی آن اسم پروردگار رجوع است سوی آنست تعبیر کرده اند که مراد از وی تبیینی ملک و سلطانست و معنی آنکه پروردگار ملک عظیم است
در آسمانها و زمین و بعضی برآنند که لقد جاءکم [illegible] آخر سوره [illegible] آخر نزول قرآنست و آخرین سوره که تمام یکبار نازل شد سوره توبه است فالحمد لله سوره یونس این سوره
نازل شد مگر سه آیه [illegible] فضل آن ابی بن کعب روایت کرد از نبی صلی الله علیه
و آله که فرمود هر کس قراءت کند [illegible] این سوره را اعطا نماید او را [illegible] حسنه بعدد [illegible] که تصدیق یونس کرده باشند و ده حسنه بعدد آنان که تکذیب او
کرده باشند و بعدد آنان که غرق شدند با فرعون و در روایت از امام جعفر صادق علیه الصلوة و السلام که فرمود هر کس بخواند سوره یونس را هر دو ماه یا در هر سه ماه خوف نیست
بر وی که او از جاهلان باشد و روز قیامت از مقربان باشد بسم الله الرحمن الرحیم الر تلک آیات الکتاب الحکیم گذشت کلام در این حروف در اول سوره بقره
علی بن ابراهیم قدس سره [illegible] میگوید که الر حرفیست از حروف اسم اعظم که منقطع است در قرآن [illegible] امام علیهم الصلوة و السلام [illegible]
[illegible]

[illegible]

تحیتهای ایشان یا بر ایشان بهای ایشان یا سعی آنست که جاریست در پیش بهرهای ایشان در جنات النعیم ... دعویهم فیها
سبحانک اللهم و تحیتهم فیها سلام و آخر دعویهم ان الحمد لله رب العالمین دعوی خواندن تحیت اکرام کردن و سلام دادن یعنی خواندن بهشتیان ...
که سبحانک اللهم و درود ایشان در آن سلام است و آخر دعاء ایشان اینست که الحمد لله رب العالمین دعویهم فیها سبحانک اللهم و این نوعی تکلیف است ...
تکلیف نیست ... بعضی گفته اند چون ...
اللهم پس از فرع ... ایشان ساقط میشود ... الحمد لله رب العالمین پس از فرع ...

[illegible]

و ثواب کردید مراد آنکه معامله میکنید با شما مثل معامله آنکس که امید شما را تا آنکه ظاهر کرده از شما آنچه ظاهر میشود از شما و اگر چه قبل از ظهور آن بر وی ظاهر و عیان بود که آن

ظاهر میشود عدل وی بر روی المعقول و استعمال النظر در صفات خدای تعالی بطریق مجاز است بواسطه آنکه حقیقت تامل و نظر است با حکم و دیدن چیزی [illegible]

ای دور خدا را جز خبیث و اذا تتلی علیهم آیاتنا بینات قال الذین لا یرجون لقاءنا ائت بقرآن غیر هذا او بدله قل ما یکون لی ان ابدله من تلقاء نفسی

ان اتبع الا ما یوحی الی انی اخاف ان عصیت ربی عذاب یوم عظیم مقدار روا و جانب یعنی چون خوانده شود بر مشرکان آیات ما در حالی که واضح و روشن است

گویند آنان که امید ندارند لقای ما را اگر بیاور قرآنی غیر این قرآن یا تبدیل کن این قرآن را بگو نیست مرا که تبدیل کنم قرآن را از جانب خود متابعت نمیکنم الا آنچه

وحی کرده شود بسوی من بدرستی که من میترسم اگر عصیان ورزم فرمان پروردگار خود را عذاب روزی بزرگ گفته اند که مشرکان نزد آن حضرت آمدند

عبادت بتان و وعید مشرکان کرده قرآنست پنج نفر عبد الله بن امیه و ولید بن مغیره و مکرز بن حفص و عمرو بن عبد الله و عاص بن عامر گفتند پیغمبر صلی الله علیه

و آله را اگر میخواهی که ایمان آوریم بتو قرآنی بیاور که در آن لات و عزی و منات و هبل نباشد و عیب آنها نکند ... در روایت مشهوره از علی بن ابراهیم قدس سره از حضرت صادق علیه السلام

روایت شده که گفتند آیت القرآن غیر هذا او بدله یعنی آنکه در شان امیر المومنین است علیه الصلوة و السلام چه عرض آنحضرت پیغمبر را بدل کن و ازو اسلم علیهم آیاتنا

بینات هر وقت که تلاوت کرده میشود بر مشرکان یا منکران آیات که قرآنست در حالی که واضح و مبین است آن آیات در حلال و حرام و سایر احکام

قال الذین لا یرجون لقاءنا میگویند آنان که ایمان ندارند ببعث و نشور یعنی طمع در ثواب و خوف از عقاب ندارند که ائت بقرآن غیر هذا بیار قرآنی غیر از این

که تلاوت میکنی بر ما او بدله یا تبدیل کن بعضی قرآن را یا آنکه تغییر ده حلال و حرام آنرا و بجای عذاب رحمت دیگر و ساقط کن مذمت بتان و عبادت ایشان را قل

ما یکون لی بگو یا محمد که نیست مرا حلال و سزاوار ان ابدله من تلقاء نفسی یعنی که تغییر و تبدیل کنم قرآن را از جانب نفس خود و از پیش خود که در آن گفته اند [illegible]

و عرایض ... این ... قرآن را تغییر و تبدیل کرد چون آورده قرآن معجز و انسان نیست ... اگر تو بود و خواستم که بدل

کنم تبدیل کنم آنرا از پیش خود ان اتبع الا ما یوحی الی پیروی و متابعت نمیکنم الا آنچه وحی میشود بمن ... در آن نیاورم و چیزی از آن کم نکنم اگر نسخ شود آیه

میکنم و اگر تبدیل شود آیه جای آیه متابعت میکنم انی اخاف ان عصیت ربی بدرستی که من میترسم که اگر عصیان ورزم فرمان پروردگار خود را با تبدیل و نسخ کلام او

از پیش خود عذاب یوم عظیم عذاب روز عظیم که آن روز قیامت است ... معلوم بود آن را که فصاحت و طلاقت قرآن از حد اعجاز

واحدی قادر نیست بر آوردن مثل آن لیکن ایشان را ادرک نمیکردند قل لو شاء الله ما تلوته علیکم و لا ادریکم به فقد لبثت فیکم عمرا من قبله افلا تعقلون

اذن ... اعلام کردن تو آموزانیدن غیر او و عمر ... که بگو یا محمد که اگر میخواست خدا تلاوت نمیکردم و نمیخواندم قرآن را بر شما و نمی آموزانید و اعلام نمیکرد خدا

آن پس تحقیق که درنگ کرده ام در میان شما عمری از پیش نزول قرآن آیا پس تعقل نمیکنید شما چون نزد ما مردم فرمود رسول صلی الله علیه و آله که گویید که تلاوت نمودن

رسول صلی الله علیه و آله قرآن را بر مردمان و اعلام نمودن خدا ایشان را امری است مشیت و خواهش اوست که قل لو شاء الله ما تلوته علیکم و لا ادریکم به یعنی اگر خواستی خدا

تلاوت نمیکردم یعنی خواست که تلاوت کنم آن را بر شما و تلاوت کردم و خواست که اعلام کند شما را بآن و اعلام کرد فقد لبثت فیکم عمرا پس بتحقیق که درنگ کردم

شما عمری من قبله از نزول قرآن مدت چهل سال و هیچ تلاوت قرآن نکردم و دعوی پیغمبری نکردم افلا تعقلون آیا پس عقل ندارید که فکر کنید و بفهمید که من عمری که

باشد و خط ناخوانده بوده ... در میان شما ... مشاهده نکرده باشید ... بوده باشد ... در آن علمی باشد

در شما کتابی فصیح که غالب باشد فصاحت آن بر هر کلام فصیح عالی و فائق باشد بر نظم منثور و منظوم سخن و مملو باشد بعلوم اصول و فروع و اخبار [illegible]

ناطق باشد بغیب که مدام آن را الا خدای تعالی و دایم در این مدت عمر مطلع باشید بر احوال او ... شما هیچ امر او را نشنیده باشید از وی حرفی از این

گاهی و وقتی واین کلام من عند الله است و این جواب قول ایشان است که ائت بقرآن غیر هذا فمن اظلم ممن افتری علی الله کذبا او کذب بآیاته انه لا یفلح المجرمون یعنی

کیست ظالم تر از آنکس که افترا کند و ببندد بر خدا دروغ یا تکذیب آیتهای خدا کند و کافر شود بآن بدرستی که شان چنین است که فلاح و رستگاری نمی یابند مجرمان مشرکان و یعبدون من

دون الله ما لا یضرهم و لا ینفعهم و یقولون هؤلاء شفعاؤنا عند الله قل اتنبئون الله بما لا یعلم فی السموات و لا فی الارض سبحانه و تعالی عما یشرکون و عبادت

میکنند از غیر خدا چیزی را که ضرر نمیرساند ایشان را و نفع نمیرساند ایشان را و میگویند که اینان شفیعان ما اند نزد خدا بگو یا محمد خبر میکنید خدا را بآنچه نمیداند در آسمانها و در زمین

پاکست خدا او منزه است از آنچه شریک او میدانند و عبادت میکنند من دون الله ما لا یضرهم و لا ینفعهم پرستش و بندگی میکنند این مشرکان دون الله یعنی اگر چیزی نمیرسانند

بایشان اگر ترک نمایند عبادت او را و هیچ نفع نمیرسانند بایشان اگر عبادت نمایند او را چون بدانند عقل با شعور مستحق است که عبادت کردن کسی را که قادر باشد بر ضر

و اگر چه قادر بر ضر و نفع باشد قبیح است و شنیع است عبادت کردن چیزی که قادر نباشد بر ضر و نفع و قبیح تر و شنیع تر خواهد بود و یقولون هؤلاء شفعاؤنا عند الله و میگویند

این کافران که این بتان شفیع خواهند بود نزد خدا و از نضر بن حارث مرویست که روز قیامت لات و عزی شفاعت میکنند و بعضی گفته اند که ایشان گفتند که این بتان شفیعان

اند در دنیا از برای اصلاح معاش و حاجات ایشان و از ابی نعیم است که اعتقاد داشتند چنانچه اخبار و نمود که و اقسموا بالله جهد ایمانهم لا یبعث الله من یموت و توهم کردند

قبل

کلام

که در عبادت بتان تعظیم خدا هم هست از تعظیم خدا در عبادت خدا قل اتنبئون الله بما لا یعلم بگو یا محمد که آیا خبر میکنید شما خدا را بآنچه نمیداند او که شریک است عبادت بتان شفیعان

خواهند بود روز حشر نزد خدا و اگر این صحیح بود و میبود خدا میدانست و چون صحیح نیست و نخواهد بود خدا نمیداند این فی السموات و لا فی الارض یعنی نمیداند این را در آسمان

و نه در زمین پس این معدوم و منتفی است سبحانه و تعالی عما یشرکون پاکست او و برتر است از آنچه بر او شریک میگیرند یعنی منزه میکردانم و تنزیه میکنم خدا را از شرک آوردن ایشان و [illegible]

که موصول باشد یعنی پاک و منزه و رفیع میکردانم او را از آنچه ایشان شریک میگردانند و ما کان الناس الا امة واحدة فاختلفوا و لولا کلمة سبقت من ربک لقضی

بینهم فیما فیه یختلفون و نبودند آدمیان مگر امتی یکانه پس خلاف کردند و اگر نبود کلمه که سابق شده است از پروردگار تو الزام حکم شدی میان ایشان در آنچه که در آن

اختلاف میکنند و ما کان الناس الا امة واحدة در تفسیر این آیه خلافست بعضی برآنند که بودند جمیع فرزندان آدم یک امت یعنی همه بودند بر یک دین و ملت که اسلامست بعد از آن

پس اختلاف کردند فرزندان او در وقتی که کشت قابیل برادر خود هابیل را و بعضی گفته اند که جمیع فرزندان آدم در زمان آدم در یک دین بودند و بعد از آدم تا زمان نوح

مختلف شدند و بعضی گفته اند که جمیع در دین اسلام بودند در زمان ابراهیم تا آنکه تغییر دادند آن را عمرو بن لحی و او اول کسی بود که تغییر ملت ابراهیم داد و عبادت بت کرد و دعوت [illegible] و بعضی گفته اند

که جمیع امت واحده و یک ملت بودند یعنی کافر بودند در زمان ابراهیم علیه السلام پس مختلف شدند بعضی ایمان آوردند و بعضی بر کفر ماندند و بعضی گفته اند

که چنانچه بودند بعد از وفات آدم تا زمان نوح و بعضی گفته اند که مراد از ناس عرب است که قبل از بعثت نبی صلی الله علیه و آله امت یکانه بودند و متفق بودند در شرک پس چون

پیغمبر صلی الله علیه و آله مبعوث شد ایشان اختلاف کردند بعضی ایمان آوردند و بعضی باقی ماندند در شرک و بعضی گفته اند که ما کان الناس الا امة واحدة یعنی مخلوق شدند بر

بر فطرت اسلام پس مختلف شدند در دینها و لولا کلمة سبقت من ربک و اگر نبود کلمه سابقه از پروردگار تو یعنی حکم بتاخیر حساب ایشان و عقوبت تا هنگام که ایشان

لقضی بینهم هر آینه حکم شده بود میان ایشان فیما فیه یختلفون در آنچه در آن اختلاف میکنند با هلاک نمودن عاصیان و کافران و نجات دادن مطیعان [illegible]

از روی تفضل جزای ایشان را تا روز قیامت و یقولون لولا انزل علیه آیة من ربه فقل انما الغیب لله فانتظروا انی معکم من المنتظرین و میگویند چرا فرستاده نشد

بر محمد آیتی از پروردگار او پس بگو که نیست علم غیب مگر خدا را پس منتظر باشید که من با شما از منتظرانم و یقولون و میگویند مشرکان که لولا انزل علیه من ربه چرا

فرو فرستاده نشد بر محمد صلی الله علیه و آله آیه و معجزه از جانب پروردگار او اگر مضطر کرداند خلق را بمعرفت صدق او و محتاج نباشند بآن که فکر و نظر و استدلال

کنند مثل معجزه که دلالت کند بر صدق وی چه آورده بود بآن معجزات که بر صدق وی دلیل بود آن ذات که آیت حقیقت معجزه است ... [illegible]

بسیار بیاورد و بدان اعراض نمودند و اقتراح نمودند معجزه دیگر و خدای تعالی قبول نمود که نفرستد آیات را که مضطر گرداند بایمان زیرا که در آن ایمان استحقاق [illegible]

نمیشود و آن را نفعی نبود فقل انما الغیب لله پس بگو یا محمد که علم غیب همین مخصوص است بخدا و اوست که میداند مصالح امور را پس نازل میکرداند آنچه

که صلاح میداند از آن ... انکر ... صلاحی نیست در انزال آن فانتظروا پس منتظر عقاب خدا باشید در دنیا بقتل و قهر و غلبه مومنان بر شما

و در آخرت بعذاب دوزخ انی معکم من المنتظرین که من با شما از منتظرانم از نزول عذاب و قهر و نصرت مومنان را که خدای تعالی وعده کرده [illegible]

اطاعت و عصیان ... و اذا اذقنا الناس رحمة من بعد ضراء مستهم اذا لهم مکر فی آیاتنا قل الله اسرع مکرا ان رسلنا یکتبون ما تمکرون و

بچشانیم آدمیان را راحتی از بعد سختی که رسیده باشد ایشان را ایشان را مکری است در آیتهای ما بگو که خدا سریع تر است در رسانیدن جزای مکر از شما [illegible]

که فرستادگان ما مینویسند آنچه شما مکر میکنید اخبار میباید چنانچه از حق تعالی از احوال ... اذقنا الناس رحمة مذکور عامست و مراد خاص است یعنی چون

بچشانیم کفار مکه را صحت و نعمت و آسانی من بعد ضراء مستهم از بعد بیماری و بلا و سختی که رسیده باشد ایشان را ... در چشیدن چیزی [illegible]

و در رحمت بطریق ... اذا لهم مکر فی آیاتنا پس ایشان راست ... بر دفع و رفع آیات بهر وجه که توانند [illegible]

جمله ... ایشان آنکه چون باران ... ایشان ... میگویند که ... تکذیب کردند رسول خدا و آیات خدا را قل الله

اسرع مکرا بگو یا محمد که خدا سریع تر است ... عقوبت ... که مکر خدا آنست که ایشان را عقوبت کند [illegible]

که خدا ... آن ان رسلنا یکتبون ما تمکرون بدرستی که رسولان ما که حفظه اند مینویسند آنچه مکر میکنید و ... بطریق غایب خوانده اند یعنی ملک

مینویسند آنچه مکر میکنند ایشان هو الذی یسیرکم فی البر و البحر حتی اذا کنتم فی الفلک و جرین بهم بریح طیبة و فرحوا بها جاءتها ریح عاصف و جاءهم الموج من

کل مکان و ظنوا انهم احیط بهم دعوا الله مخلصین له الدین لئن انجیتنا من هذه لنکونن من الشاکرین ... بسیر فرمودن و راندن در بیابان ریح عاصف [illegible]

شکننده و بسیار سخت موج اضطراب ... بعضی آب ... در بیابان و دریا چون باشید در کشتیها و جاری و روان شوند

کشتیها ... بباد خوش و شاد شوند ... بیاید کشتیها را بادی سخت شکننده و بیاید ایشان را موج ... هر مکانی و ظن ایشان

غالب شود که ایشان احاطه کرده شده است بایشان هلاک ... خدا را در حالتی که واخالص ... الحاح دهد از این ... بیاشیم از شکر گذاران ... منت ... بندگان از نعمتها که انعام نموده است برایشان که هو الذی یسیرکم ... خداوندی که انعام نموده [illegible]

[illegible]

حتى إذا كنتم في الفلك وجرين بهم [illegible]

[illegible] وظنوا أنهم أحيط بهم [illegible] دعوا الله مخلصين له الدين [illegible]

[illegible] فلما أنجاهم إذا هم يبغون في الأرض بغير الحق [illegible]

يا أيها الناس إنما بغيكم على أنفسكم متاع الحياة الدنيا ثم إلينا مرجعكم فننبئكم بما كنتم تعملون [illegible]

[illegible]

[illegible] فزیلنا بینهم [illegible]

[illegible] و قال شرکاؤهم ما کنتم ایانا تعبدون [illegible]

[illegible] فکفی بالله شهیدا بیننا و بینکم ان کنا عن عبادتکم لغافلین [illegible]

[illegible] هنالک تبلوا کل نفس ما اسلفت وردوا الی الله مولیهم الحق وضل عنهم ما کانوا یفترون [illegible]

[illegible] قل من یرزقکم من السماء والارض امن یملک السمع والابصار ومن یخرج الحی من المیت ویخرج المیت من الحی ومن یدبر الامر فسیقولون الله فقل افلا تتقون [illegible]

[illegible] فسیقولون الله [illegible]

[illegible] فذلکم الله ربکم الحق فماذا بعد الحق الا الضلال [illegible]

از اجسام [illegible]

۲۰۷

[illegible] فانی تصرفون [illegible]

[illegible] کذلک حقت کلمت ربک علی الذین فسقوا انهم لا یؤمنون [illegible]

[illegible] قل هل من شرکائکم من یبدؤا الخلق ثم یعیده قل الله یبدؤا الخلق ثم یعیده فانی تؤفکون [illegible]

[illegible] قل هل من شرکائکم من یهدی الی الحق قل الله یهدی للحق افمن یهدی الی الحق احق ان یتبع امن لا یهدی الا ان یهدی فما لکم کیف تحکمون [illegible]

الا ان یهدی

شمار او عبادت

[illegible] علی بن ابی طالب علیه الصلوة والسلام [illegible]

[illegible] وما یتبع اکثرهم الا ظنا ان الظن لا یغنی من الحق شیئا ان الله علیم بما یفعلون [illegible]

[illegible] وما کان هذا القرآن ان یفتری من دون الله ولکن تصدیق الذی بین یدیه وتفصیل الکتاب لا ریب فیه من رب العالمین [illegible]

بشارت رسالت محمد صلی الله علیه و آله و بودن آن معنی از قرآن و الست تصدیق آن و شاهد است بر صدق کتب سالفه و تعمیم کرده اند که تصدیق الذی بین یدیه تصدیق
قیامت و بعث و نشور و جزا و تفصیل الکتاب و از برای بیان معانی مجمله است و تفصیل آن کرده و آن شده روشن شده است از شرایع و احکام حلال و حرام یعنی
تصدیق و تفصیل را منصوب خوانده اند بتقدیر و لکن هو تصدیق الذی بین یدیه و تفصیل الکتاب لا ریب فیه من رب العالمین هیچ شکی نیست در آن که از جانب
پروردگار عالمیان است زیرا که معجز است و احدی قادر نیست بر آوردن مثل آن ام یقولون افتریه قل فأتوا بسورة مثله وادعوا من استطعتم من دون الله ان کنتم
صادقین بلکه آیا میگویند که بر بافته است قرآن را محمد از خود بگو پس بیاورید سوره مثل آن و بخوانید هر که را [illegible]
امر تعجیزی دیگر است بعد از اتمام حجت بسابق یعنی میگویند که او میگوید و از پیش خود ساخته است قرآن را محمد صلی الله علیه و آله پس لازم میآید [illegible]
فاسد که چگونه قرآن را بیاورند سوره مثل آن در بلاغت چه ایشان از اهل همان زبانند و اگر محمد قادر بود که بگوید قرآن را از جانب خود بایست که ایشان نیز
قادر باشند پس فرمود خدا تعالی که قل فأتوا بسورة مثله بگو پس چون این قرآن افترا است بیاورید شما نیز سوره مثل این چه در عربیت مانند او هستید و در فصاحت
و بلاغت و در نظم و نثر مشهورند [illegible] و اگر خود معارضه نمیتوانید کرد وادعوا من استطعتم من دون الله بخوانید و بخود یار کنید هر که را [illegible]
و قدرت دارید من دون الله از غیر خدا ان کنتم صادقین اگر هستید راست گویان در آنکه میگویید که قرآن افترا است و از جانب غیر خدا است و این نهایت تحدی است [illegible]
بل کذبوا بما لم یحیطوا بعلمه و لما یأتهم تأویله کذلک کذب الذین من قبلهم فانظر کیف کان عاقبة الظالمین بلکه تکذیب کردند بچیزی که احاطه نکردند بعلم آن [illegible]
تأویل آن اینچنین تکذیب کردند آنانکه بودند از قبل ایشان پس نظر کن چگونه بود عاقبت ستمکاران [illegible]

[illegible]

العضار آن قل أرأیتم إن أتیکم عذابه بیاتا أو نهارا ماذا یستعجل منه المجرمون بگو ای محمد [illegible] اگر بیاید شما را عذاب خدا در شب یا در روز چه چیز است که تعجیل [illegible]
[illegible] أرأیتم آیا دیدید [illegible] یعنی خبر کنید مرا إن أتیکم عذابه اگر بیاید شما را عذاب خدا بیاتا [illegible]
[illegible] خوابیده و یا نهارا یا در روز که بطلب معاش مشغول باشید و جواب شرط محذوف است تقدیر این که [illegible] علی الاستعجال [illegible]
عذاب خدا در شب یا روز نادم و پشیمان شوید از طلب تعجیل آن [illegible] جواب شرط [illegible] ماذا [illegible] اگر [illegible]
[illegible] أثم إذا ما وقع آمنتم به آلآن وقد کنتم به تستعجلون [illegible]
[illegible] ثم قیل للذین ظلموا ذوقوا عذاب الخلد هل تجزون إلا بما کنتم تکسبون [illegible]
[illegible] ویستنبئونک أحق هو قل إی وربی إنه لحق وما أنتم بمعجزین [illegible]
[illegible] ولو أن لکل نفس ظلمت ما فی الأرض لافتدت به وأسروا الندامة لما رأوا العذاب وقضی بینهم بالقسط وهم لا یظلمون [illegible]
[illegible]

در اثنا [illegible]

[illegible]

[illegible]

نیکی و بیحوای از جانب خدا هیچ از قرآن [illegible] یعنی [illegible] شأنست یعنی [illegible] در شان و حال هیچ از قرآن و لا تعملون

من عمل [illegible] هیچ عمل و کاری الا کنا علیکم شهودا اذ تفیضون فیه [illegible] پروردگار [illegible] گواه [illegible]

و ما یعزب عن ربک من مثقال ذرة [illegible]

[illegible] فی الارض ولا فی السماء ولا اصغر من ذلک ولا اکبر الا فی کتاب مبین [illegible] در لوح محفوظ است [illegible]

[illegible] ألا إن أولياء الله لا خوف عليهم ولا هم يحزنون

آگاه باشید [illegible] دوستان خدا [illegible]

[illegible]

الذين آمنوا وكانوا يتقون [illegible] ایمان آورده اند [illegible]

[illegible] لهم البشرى في الحياة الدنيا وفي الآخرة لا تبديل لكلمات الله ذلك هو الفوز العظيم [illegible]

[illegible] لهم البشرى في الحياة الدنيا [illegible]

[illegible] تتنزل عليهم الملائكة ألا تخافوا ولا تحزنوا وأبشروا بالجنة التي كنتم توعدون [illegible]

[illegible] الذين تتوفاهم الملائكة طيبين يقولون سلام عليكم ادخلوا الجنة [illegible]

[illegible] يقول لهم البشرى في الحياة الدنيا وفي الآخرة [illegible]

[illegible] لا تبديل لكلمات الله [illegible]

علی بن ابراهیم قدس سره [illegible]

علیه و آله

[illegible] ولا يحزنك قولهم

إن العزة لله جميعا هو السميع العليم [illegible]

[illegible] ألا إن لله من في السماوات ومن في الأرض [illegible]

وما يتبع الذين يدعون من دون الله شركاء إن يتبعون إلا الظن وإن هم إلا يخرصون [illegible]

[illegible]

هو الذي جعل لكم الليل لتسكنوا فيه والنهار مبصرا إن في ذلك لآيات لقوم يسمعون [illegible]

[illegible] قالوا اتخذ الله ولدا سبحانه هو الغني له ما في السماوات وما في الأرض إن عندكم من سلطان بهذا أتقولون على الله ما لا تعلمون [illegible]

[illegible] قالوا اتخذ الله ولدا [illegible]

[illegible] قل إن الذين يفترون على الله الكذب لا يفلحون [illegible]

متاع في الدنيا ثم إلينا مرجعهم ثم نذيقهم العذاب الشديد بما كانوا يكفرون [illegible]

واتل عليهم نبأ نوح إذ قال لقومه يا قوم إن كان كبر عليكم مقامي وتذكيري بآيات الله فعلى الله توكلت فأجمعوا أمركم [illegible]

ثم لا يكن أمركم عليكم غمة ثم اقضوا إلي ولا تنظرون [illegible]

[illegible] کبر علیکم مقامی [illegible]

علیه السلام که واتل علیهم نبأ نوح بخوان بر ایشان خبر نوح را اذ قال لقومه چون گفت نوح قوم خود را که مبعوث بود در ایشان [illegible] یا قوم ای گروه من ان کان
کبر علیکم مقامی اگر هست گران و بزرگ بر شما اقامت و بودن من در میان شما وتذکیری بآیات الله و پند و موعظه دادن من شما را بآیات خدا و دلالات و حجت
وحدانیت خدا و عدل او و بطلان دین شما فعلی الله توکلت [illegible] پس بر خدا توکل و اعتماد کردم و کار خود را
بوی گذاشتم فاجمعوا امرکم و شرکاءکم پس متفق سازید امر خود را و قصد کنید [illegible] با شرکا و بتان خود [illegible]
و بتان شما هیچ خوف ندارم ثم لا یکن امرکم علیکم غمة [illegible]

[illegible]

چو آن محمد چون است صاحب شریعت وقال موسی ربنا انک آتیت فرعون وملأه زینة واموالا فی الحیوة الدنیا ربنا لیضلوا عن سبیلک ربنا اطمس علی اموالهم
واشدد علی قلوبهم فلا یؤمنوا حتی یروا العذاب الالیم طرفه گردان از نیعنی گفت موسی که ای پروردگار ما در حق آن که دادی فرعون و گروه او را زینت و اموال
در زندگانی دنیا ای پروردگار ما عاقبت گمراه گردانیدند از راه تو ای پروردگار ما محو و پست گردان اموال ایشان و سخت گردان بر دلهای ایشان پس ایمان نیاورند
تا آنکه ببینند عذاب دردناک را وقال موسی چون بی نهایت ظلم و کبر و علو فرعون بر بنی اسرائیل دید موسی دست دعا بر داشت و گفت ربنا انک آتیت فرعون وملأه ای
پروردگار ما بدرستی که اعطا کردی و دادی فرعون را و اکابر قوم او را زینة آنچه تزئین میکنند بدو از لباس و زر و زیور و فراش و اثاث و گفته اند که این زر بود از در کیهام
مصر تا زمین حبشه کوهها که در آن معادن طلا و نقره و زمرد و یاقوت بود و بعضی گفته اند که زینت جمال است و صحت بدن و قامت طویل و صورت نیکو واموالا
و مالها که بآن زرنگی میکنند فی الحیوة الدنیا در زندگانی دنیا ربنا لیضلوا عن سبیلک یعنی این لام عاقبت است یعنی ای پروردگار ما زینت و اموال
اعطا نمودی عاقبت گمراه گردانیدند این مردمان را از راه تو و بعضی گفته اند که لام دعاست چون اراده حق نموده اند و بهدایت روی نیاورده اند
دعا کرد در ایشان که ای پروردگار ما گمراه گردان ایشان را اگر باقی باشند که راضی است از ضلالت و اضلال طریق وحی میدانست که ایشان هرگز ایمان
نخواهند آورد و فایده نفرین بر ایشان اظهار است از بیزاری از ایشان چون فایده لعن بر شیطان و دلیل بر این میکند قول خدای تعالی که ربنا اطمس علی اموالهم
این هم دعاست که ای پروردگار ما محو کن از اموال ایشان یعنی متغیر گردان آن را بوجهی که منتفع نشوند از آن متغیر گفته اند جمیع اموال ایشان
دینار از طلا و نقره و غیره سنگ گردید بهمان شکل و نقش که بود و طعوم اشیاء رحمت نکرده و گفته اند که این یکی از آیات نه بود واشدد علی قلوبهم و بعضی گفته اند
کذبت دادن ایشان از اعداد انکه مخوتند اموال ایشان در سینه ها … نباشند بر خروج از آن تا آنکه حسرت ایشان بر خست باشد و بعضی گفته اند که مراد
و هلاک گردان ایشان را بعد از محو اموال ایشان و بعضی گفته اند که مهر گذار بر دلهای ایشان تا توفیق نیابند بدخول ایمان در آن فلا یؤمنوا حتی یروا العذاب
الالیم جواب اشدد دعاست یعنی مهر گذار بر دلهای ایشان پس ایمان نیاورند تا آنکه ببینند عذاب دردناک … لیضلوا جایز است و این هم
جایز است و بعضی گفته اند که معنی آنست که باختیار ایمان نیاورند تا آنکه عذاب الیم را ببینند و بجبر ایمان آورند قال قد اجیبت دعوتکما فاستقیما ولا تتبعان
سبیل الذین لا یعلمون گفت خدا موسی و هارون را که بتحقیق که اجابت کرده شد دعای هر دو از شما پس مستقیم و ثابت باشید بر آن دعوت که … قوم
بخدای تعالی و وعظ و بیم و الزم روی و متابعت مکنید راه آنکسان که نمیدانند ایمان و موعود خدا را گفته اند که موسی دعا کرد و هارون آمین گفت
خدای تعالی فرمود که اجابت شد دعای هر دو از شما و گفته اند که گاه هست که خدای تعالی اجابت میکند دعای بنده را و تاخیر میکند ظهور آن را و چهل
فرمود موسی و هارون که اجابت شد دعای شما و بعد از چهل سال فرعون و قوم او را غرق گردانید وجاوزنا ببنی اسرائیل البحر فاتبعهم فرعون وجنوده
بغیا وعدوا حتی اذا ادرکه الغرق قال آمنت انه لا اله الا الذی آمنت به بنوا اسرائیل وانا من المسلمین و گذرانیدیم بنی اسرائیل را از دریا پس از پی در آمد
ایشان را فرعون و لشکران او برای ظلم کردن و از حد بیرون رفتن تا چون دریافت او را غرق شدن گفت ایمان آوردم بآنکه نیست معبود بحق جز آن
مگر آنکه ایمان آوردند بوی بنی اسرائیل ومن از گردن نهادگانم چون حق تعالی شانه دعای موسی و هارون اجابت نمود فرعون و قومش را وقت
عذاب ایشان رسید امر فرمود موسی را باخراج بنی اسرائیل از مصر در شب چون صباح شد فرعون با لشکران در عقب ایشان آمدند قوم موسی
جزع کردند و گفتند موسی را که این دریای قلزم در پیش و این فرعون با لشکران در عقب ما اکنون چه سازیم پس حق تعالی وحی فرمود بموسی که عصا را از ان م
بر دریا زن چون عصا زد دریا شکافته شد و دوازده کوچه پیدا شد و باد صبا وزید و زمین دریا را خشک گردانید و این کوچهها را …
تا جمیع این دوازده گروه همدیگر را میدیدند و داخل دریا گردیدند قوم فرعون چون رسیدند دیدند دریا شکافته و بنی اسرائیل گذشته از آن … فرعون
قولی آنست که فرعون گفت که من این دریا را شکافته ام و داخل آن شدند و چون میان دریا رسیدند امر فرمود خدای تعالی بدریا که بهم متصل شد و فرعون
و آل او جمیع غرق گردیدند و قولی آنست که فرعون و فرعونیان بدریا رسیدند و دیدند که شکافته … فرعون بر اسبی … سوار بود و جبرئیل سوار
بر مادیانی آمد و بدریا داخل شد و میکائیل بر اثر … چون اسب فرعون بوی مادیان شنید … فرعون داخل دریا شد و لشکران
او داخل شدند چون آخرین ایشان داخل شدند و قصد نمودند که اولین بیرون آیند دریا بهم متصل شد و جمیع غرق گردیدند و اینست که میفرماید که جاوزنا
ببنی اسرائیل البحر که ایشان بنی اسرائیل را از دریا بجا ذکر شد فاتبعهم فرعون وجنوده پس در پی ایشان افتاد فرعون و لشکران او بغیا وعدوا و بعضی شد اورا
ایشان را از برای ظلم و ستم و از حد در گذشتن بر بنی اسرائیل حتی اذا ادرکه الغرق تا چون دریافت او را غرق شدن و هلاک قال آمنت انه لا اله الا الذی
آمنت به بنوا اسرائیل گفت ایمان آوردم که نیست خداوندی بحق جز خداوندی که ایمان آوردند بوی بنو اسرائیل وانا من المسلمین ومن از جمله مسلمانانم

وطغیان

نوی م وطغیان و نفاق او بود چون … این قول گفت … مبادا این سبب … یعنی خدا الآن وقد عصیت قبل وکنت من المفسدین آیا الحال
ایمان میآوری و حال آنکه عصیان ورزیدی و نافرمانی خدا کردی قبل از این در مدت عمر و بودی از مفسدان و تباهکاران در زمین اضلال و دعوی خدائی تو
که بعضی گفته اند که این کلام را حق تعالی شانه بواسطه توبیخ و تعجیز موسی بسمع فرعون رسانید و علی بن ابراهیم روایت کرده از صادق علیه السلام که جبرئیل
الاکم علیه السلام برسول الله صلی الله علیه و آله … از زمان غرق فرعون … چون امر نمود او را خدای تعالی بنزول …
و خدا … فرمود رسول صلی الله علیه و آله که ای جبرئیل … ان وقت گفت یا محمد چون غرق کرد
خدای تعالی فرعون را او گفت آمنت انه لا اله الا الذی آمنت به بنوا اسرائیل من در گرفتم پاره از گل سخت از ریگ دریا و در دهان او کردم و گفتم الآن وقد عصیت
قبل وکنت من المفسدین بعد از آن ترسیدم که خدای تعالی بروی رحمت کند و مرا … عذاب کند … فرعون
ایمن نشدم … خدای تعالی شانه و روایت است که روزی جبرئیل علیه السلام نزد فرعون آمد و گفت حکم چیست در بنده که …
و نعمت … و از سایر … پس کفران نعمت کند و … فرعون بدست خود نوشت که ابو العباس ولید بن مصعب …
که سزای هر بنده که بر سید خود بیرون آید و … کافر گردد آنست که او را در دریا غرق کنند جبرئیل علیه السلام در آن وقت همان خط را بوی نمود و گفت
تو با تو عمل شده است فالیوم ننجیک ببدنک لتکون لمن خلفک آیة وان کثیرا من الناس عن آیاتنا لغافلون پس امروز نجات میدهیم و خلاص میکنیم
بدن تو را … که در عقب تو آیند … از آیات ما … که چون حق تعالی شانه فرعون و قوم
او را غرق گردانید بعضی از مردمان گفتند که او اعظم از آن بود که غرق گردد خدای تعالی بدن او را بیرون انداخت از دریا بر بلندی از زمین مرده و بی روح تا مردمان
ببینند او را و عبرت گیرند و اینست که فرمود الیوم ننجیک ببدنک و بعضی گفته اند … و بعضی گفته اند که مراد از بدن
آزام درعست یعنی ترا بر روی آب میاندازیم با درع تو تا آنکه شناسند ترا مردمان بان و عبرت گیرند و گفته اند که او را درعی بود از طلا که میپوشید و بآن معروف
بود و بعضی گفته اند که بقیه قوم او که در مصر بودند غرق و هلاک او را قبول نکردند و گفتند … حق تعالی شانه
وحی نمود تا او را بر کنار انداخت تا آنکه دیدند او را و عبرت گرفتند و اینست که فرمود لتکون لمن خلفک آیة تا آنکه تو آیه و علامتی باشی از آیات …
خدا تا دیگران عبرت گیرند … وان کثیرا من الناس عن آیاتنا لغافلون و بدرستی که بسیاری از مردمان از آیات و حجج و دلالات ما غافلند و
نمی بینند آنرا و در آن تفکر نمیکنند و عبرت نمیگیرند ولقد بوأنا بنی اسرائیل مبوأ صدق ورزقناهم من الطیبات فما اختلفوا حتی جاءهم العلم ان ربک
یقضی بینهم یوم القیمة فیما کانوا فیه یختلفون و بتحقیق که جای دادیم بنی اسرائیل را در مکان نیکو و روزی دادیم ایشان را از پاکیزه ها پس اختلاف نکردند تا آنکه
آمد ایشان را علم بدرستی که پروردگار تو حکم میکند میان ایشان در روز قیامت در آنچه بودند در آن اختلاف میکردند حق تعالی شانه اخبار میفرماید از انعام خود بر بنی
اسرائیل بعد از اهلاک گردانیدن فرعون و قوم او بایشان که ولقد بوأنا بنی اسرائیل مبوأ صدق و بتحقیق که جای دادیم بنی اسرائیل را مبوأ یا مصدر است
یا اسم مکان یعنی جای دادن یا مکان … پسندیده نیکو که آن بیت المقدس و شام است و آن را مکان صدق تعبیر فرمود زیرا که فضل المکان …
اماکن چون فضل صدق است بر کذب و بعضی گفته اند که جای دادیم ایشان را در موضعی که بسیار و وسعت است … بهره و نفع گرفتند …
نعمت … و بعضی گفته اند که مبوأ صدق مصر است که موسی گردانید بنی اسرائیل را از دریا و جای گرفتند در منازل آل فرعون و بعضی گفته اند که
شام و مصر است ورزقناهم من الطیبات و روزی دادیم ایشان را از طیبات و لذیذها و این دلیل بر وسعت رزق بر ایشان فما اختلفوا اختلاف نکردند
یهود در تصدیق به نبوت محمد صلی الله علیه و آله و جمیع مومن بودند بان قبل از بعثت حتی جاءهم العلم تا آنکه آمد ایشان را علم آنکه قرآنست پس چون آمد علم
اختلاف کردند … بعضی ایمان آوردند و اکثر کافر گردیدند و بعضی گفته اند که فما اختلفوا اختلاف کردند … قبل از موسی جمیع متفق بودند در کفر حتی جاءهم العلم
تا آنکه آمد ایشان را علم توریة از جانب موسی علیه السلام پس مختلف گردیدند جمعی ایمان آوردند و جمعی در کفر ثابت شدند ان ربک یقضی بینهم یوم القیمة فیما کانوا فیه یختلفون
ایشان م اخبار فرمود که او حکم میکند میان ایشان در روز قیامت در آنچه خلاف کرده اند … فان کنت فی شک مما انزلنا الیک
فسئل الذین یقرؤن الکتاب من قبلک لقد جاءک الحق من ربک فلا تکونن من الممترین پس اگر هستی در شکی از آنچه فرستاده ایم بتو پس بپرس از آنانکه میخوانند
کتاب را از پیش تو بتحقیق که آمده است ترا حق از پروردگار تو پس البته نباشی از شک کنندگان بعضی گفته اند که سوال … ایشان …
این در همان سوره است که میفرماید … یا ایها النبی اذا طلقتم النساء … خطاب برسولست صلی الله علیه و آله و مراد
امت و معنی آنست که اگر شک دارید از آنچه نازل کردیم بر شما پس سوال کنید و بپرسید از آنانکه میخوانند کتاب را قبل از شما که ایشان یهود و نصاری …
بود که مراد از خطاب رسول باشد صلی الله علیه و آله … و بعضی گفته اند که خطاب برسولست صلی الله علیه و آله اگر چه او شک نکرده …

کمرها بس جز گرد ایشان را اگر صباح روز سیوم عذاب برسد بایشان اگر توبه نکنند پس یکدیگر گفتند که از یونس هرگز دروغ نشنیده ایم ببینید اگر او شب در میان شما باشد اعتماد مکنید قول
وی را و اگر از میان شما بیرون برود بدانید که عذاب برسد شما را پس چون میان شب شد یونس از میان ایشان بیرون رفت و صبح را از عذاب ظاهر شد گفته اند که در آسمان
سیاه هولناک پیدا شد با دودی عظیم و فرود آمد تا آنکه شهر ایشان را پوشید و بام خانهای ایشان سیاه گردید گفته اند که وقت ...

[illegible]

الثاره
کل ایشان

[illegible]

من عملک
عذاب ...
علیه السلام در یونس

عبادت میکنم خدا را که میمیراند شما را و مامور شده ام بآنکه باشم از گروندگان و امروز نمود رسول را صلی الله علیه و آله بتبرا از شرک باطل خود که قل یا ایها الناس یعنی بگو ای محمد

باین مشرکان که ای گروه مردمان ان کنتم فی شک من دینی اگر هستید شما در شک از دین من که آیا حق است آن ...

[illegible]

سورة هود

[illegible]

[illegible]

خود را خدا تعالی پر نمود که الا حین یستغشون ثیابهم یعلم ما یسرون و ما یعلنون انه علیم بذات الصدور و ما من دابة فی الارض الا علی الله رزقها و یعلم

مستقرها و مستودعها کل فی کتاب مبین [illegible]

[illegible]

زبان مثل وی و ادعوا من استطعتم من دون الله [illegible]
اگر هستید شما راست گویان که این قرآن کلام ساخته [illegible]
علیه و آله تحدی نمود ایشان را و طلب کرد معارضه و آوردن مثل قرآن تا قائل شدن بعجز خود و اقرار باینکه آن معجز است [illegible]

[illegible]

پس این قوی ترین دلایلست بر عجز ایشان از آوردن مثل قرآن [illegible]

[illegible]

فی الآخرة من نصیب و مثل این است آیه من کان یرید العاجلة عجلنا له فیها ما نشاء لمن نرید ثم جعلنا له جهنم یصلیها مذموما مدحورا [illegible]
که قصد وی از اعمال صالح و طاعات [illegible] دنیا [illegible] جاه و [illegible] در آخرت [illegible]
و فرمود که فمن الناس من یقول ربنا آتنا فی الدنیا و ما له فی الآخرة من خلاق [illegible] ای پروردگار [illegible] ثواب [illegible]
در آخرت هیچ بهره و نصیبی [illegible] باشند [illegible] عصیان [illegible] عقوبت [illegible] در دنیا [illegible] در آخرت [illegible]
سالم باشند [illegible] در دار السلام در آیند [illegible] رسول صلی الله علیه و آله [illegible] صاحب جمال [illegible]
[illegible] دست [illegible]
[illegible] رسول صلی الله علیه و آله [illegible]
عقوبت کند [illegible] در دنیا تعجیل کرد و خدا تعالی چون خواهد [illegible] عقوبت کند [illegible]
[illegible] افمن کان علی بینة من ربه و یتلوه شاهد منه و من قبله کتاب موسی اماما و رحمة اولئک یؤمنون به
و من یکفر به من الاحزاب فالنار موعده فلا تک فی مریة منه انه الحق من ربک و لکن اکثر الناس لا یؤمنون [illegible]
[illegible] قرآن [illegible]
بود کتاب موسی [illegible]

[illegible]

[illegible]

باطل تیر میکنند و راه حق نمی‌بودند از عمل اقتباس میکنند و بگوش بر دل الکلام حق میشنوند و میشنوند و ما آن عمل میشایند و بدیده و گوش سمع نمیشنوند و عمل رسول را ما قبله
و برادران و قریب زده عاقل یعنی جاهل کور و کر و بینا و شنوا یکی بکر از بیشتر مثل این دو هر دو کار و مساوی هستند افلا تذکرون آیا پند گرفتن و تفکر نمیکنید در این و لقد ارسلنا پس م
نوحا الی قومه انی لکم نذیر مبین و بتحقیق که بر رسالت فرستادیم نوح را بقوم او با مکر بدرستی که من شما را بیم کننده ام آشکارا ایمان با لکم موجبات عذاب و دو جای
اذان حتی از قاریان انی بفتح خوانده اند بتقدیر بانی یعنی فرستادیم نوح را بقوم خود با مکر من مردم حیا که گذشت و بعضی انی بکسر خوانده اند بتقدیر قول یعنی قال انی لکم
که بدرستی که من شما را بیم کننده ام آشکارا ان لا تعبدوا الا الله انی اخاف علیکم عذاب یوم الیم که عبادت مکنید مگر الله را بدرستی که من بر شما عذاب
روزی دردناکی اما لا تعبدوا یعنی انذار و بیم میکنم شما را بگو پرستید الا الله مگر الله را موحد باشید و با خلاص او را عبادت کنید انی اخاف علیکم در گفتی بیم
یابید ام بر شما عذاب یوم الیم عذاب روزی که نهایت دردناکست عذاب در آن و وصف یوم بالیم از قبیل اسناد مجازیست چه وقوع آن الم در آن روز است
فقال الملا الذین کفروا من قومه ما نریک الا بشرا مثلنا و ما نریک اتبعک الا الذین هم اراذلنا بادی الرأی و ما نری لکم علینا من فضل بل نظنکم کاذبین
ارذل خسیس و حقیر او جمع اراذل بادی الرای ظاهر و هویدا آنچه پیش گفته گروه کافران آنکه کافر بودند از قوم نوح که نمی‌بینیم ترا مگر آدمی مانند ما و نمی‌بینیم ترا که متابعت
کرده باشند ترا مگر آنان که ایشان اراذل و حقیران قوم ما بکار نا ماند در ظاهر رای و نمی‌بینیم از برای شما بر ما هیچ فضل و زیادتی بلکه گمان میبریم شما را دروغگویان
فقال الملا الذین کفروا من قومه ما نریک الا بشرا مثلنا ادعا نموده که رسول باید که از غیر جنس انسان باشد که انسان نباید و گفتند ترا مانند ایم الا مثل ما چه
پس چگونه تو رسول باشی بر ما و ما نریک اتبعک و متابعت کرده‌اند ترا ظاهر و آشکار نمی‌بینیم که متابعت کنند ترا الا اراذل و خسیسان که ذمامی اربد
و جاهی بادی الرای یعنی اگر ایشان متابعت تو کرده‌اند از ظاهر رای بدون آنکه تفکر کنند و تدبر نموده باشند با آنکه متابعت تو کرده اند از ظاهر بر باطن الکذاب
اراذل شده اند و ظاهر اگر دوران احتیاج تأمل و تفکر نیست و ما نری لکم علینا من فضل و نمی‌بینیم شما را بر خود هیچ زیادتی تو بعض بودند و مراد ایشان آنکه اگر تو بر ترکی م
حق میبودی باید سزاوارتر بودیم از تو بجهت ایم که تو و متابعان تو را باشند بر ما فضل و زیادتی بدنیا و جاه و شرف در نسب بل نظنکم کاذبین بلکه ظن
است که شما دروغ گویانید جاهل بودند آن قوم بطریق استدلال و اگر استدلال میکردند معجزه ظاهر شده بر ایشان که نوح علیه السلام پیغمبر است
و تصدیق او کرده است مؤمن است و معنی الحال و سرایش کافر شده اند صاحب کشاف میگوید انکار اراذل بر اتباع نوح مؤمنان از برای انکار ایشان فقر بود و داد
دور و اهل جهل ایشان بود چه ایشان ظاهر بین بودند که دنیا را سید میدانند و شرف و بزرگوار نزد ایشان کسی بود که او را مال و جاه باشد چنانچه می بینی اکثر کسانی از
نصف مسلمانان که شان کرده اند اعتقاد ایشان آنست و نشاید که ذاتی ام اکرام کردن بدرد و گوارا و داشتن و حقیر و خوار کردن و حقیر داشتن را نه دانسته اند که تقرب
بدنیا هیچ کس را از دین نزدیک نمیگرداند و دور نمیگرداند و رفیع نمیگرداند و وضیع نمیگرداند و راه جای اکثر دنیا سبب احتیاج و حقوق
آن بغیر ان از دنیا زار رغبت میکنند در طلب آخرت و ترک دنیا و میل ندارند و خوار میدارند حال دنیا را و حال آنانکه میل دارند بدنیا پس باید دوری
ایشان بزرگواری و شرف بسبب آنچه دور میگرداند از خدا و موجب نیست خوار نیست نزد خدا تصدیق قول او آنچه در دعا وارد است از امام معصوم
علی بن الحسین علیهما الصلوة و السلام که بار خدایا مگردان شکر مرا از آنچه منع کردی از من چیزی از شکر من مرا از آنچه دادی پس و الظاهر رد از آنکه کمال
کرم ما دارد و بیجر حتی با آنکه کمال زام تصاحب مال و توانگری فضلی نیست دینی که بزرگوار آنکه کرده است و او را طاعت بود و عزیز
الملک عزیز گردانیده است او را عبادت تو قال یا قوم ارأیتم ان کنت علی بینة من ربی و آتانی رحمة من عنده فعمیت علیکم انلزمکموها و انتم لها
کارهون گفت نوح که ای قوم من خبر دهید مرا اگر باشم بر حجتی از پروردگار خود و بدهد مرا رحمتی از نزد خود پس پوشیده باشد بر شما آیا الزام میکنیم شما
آن را و حال آنکه شما از آن کراهت دارید قال گفت نوح در جواب قول ایشان که بل نظنکم کاذبین در جواب ما نریک الا بشرا مثلنا در جواب و ما نریک
اتبعک الا الذین هم اراذلنا بادی الرای در جواب ما نری لکم علینا من فضل در جواب از جمیع اینها یا قوم ارأیتم ای قوم خبر کنید مرا ان کنت علی س م
بینة من ربی اگر باشم من با حجت و برهان و معجزه از جانب پروردگار خود و بعضی گفته اند اگر باشم با یقین و بصیرت و بینایی و معرفت که منافی
ظن کذب است بر ما ما میگویید که مینمایم الا بشرا مثلنا میگوئید که می بینم که متابعت نکردند الا اراذل یا میگوئید که نمی‌بینیم از برای شما بر خود هیچ فضلی
با آنکه جمیع اینها میگوئید و آتانی رحمة من عنده و داده است مرا رحمتی یعنی نبوت و بعضی گفته اند که آن نبوتست یا معجزه است از نزد خود فعمیت علیکم پس
مخفی و پوشیده است و بعضی فعمیت خوانده اند یعنی پوشیده شده است آن حجت و بینه بر شما انلزمکموها و انتم لها کارهون آیا اراده داریم که
و ملزم امید که الزام کنیم و جبر کنیم شما را آن بینه را او آن رحمت را در حالی که شما کاره باشید نخواهید آن را یعنی الزام کنیم شما را قبول آن
در حالی که نخواهید و کاره باشید قبول آن را و یا قوم لا اسئلکم علیه مالا ان اجری الا علی الله و ما انا بطارد الذین آمنوا انهم ملاقوا ربهم و لکنی
اریکم قوما تجهلون و ای قوم من سؤال نمیکنم شما را بر تبلیغ رسالت مالی نیست مزد من الا بر خدا و نیستم من راننده آنان که ایمان آورده اند بدرستی

ملاقات کنندگان پروردگار خویشند و لیکن می‌بینم شما را گروهی که جاهلی میکنید و یا قوم لا اسئلکم علیه مالا ای قوم من نمیخواهم بر تبلیغ و دعا و خواندن شما بر خدا هیچ
در اوی که شما از خوف دادن آن از ایمان باز مانید ان اجری الا علی الله نیست اجر و مزد و ثواب من الا بر خدا و ما انا بطارد الذین آمنوا سوال کرده بودند نوح
علیه السلام که مؤمنان فقیر را از نزد خود دور سازد که جیشم می‌کنیم ایشان اگر ایمان آورده اند از نزد خود و ایشان را بخواری از نزد خود دور گردان انهم ملاقوا ربهم
که ایشان ملاقات کننده و رسنده اند پروردگار خود و جزای وی پس هر که ظلم میکند بر ایشان حکم میراند بخواری بغیر حق ایشان را خدا عذاب میکند او را یا ایشان
ملاقات میکنند پروردگار خود و او دانا است بضمایر و دلهای ایشان و جزای ایشان را میدهد از خیر و شر و لکنی اریکم قوما تجهلون و لیکن می‌بینم و میدانم شما را
قومی که جهل میکنید بلکه سوال میکنید راندن مؤمنان یا بلکه تفضل در و یا قوم من ینصرنی من الله
ان طردتهم افلا تذکرون و ای قوم من کیست که یاری کند مرا اگر برانم ایشان را آیا پند نمیگیرید نوح بقوم گفت که کیست که قوت کند مرا و باز دارد عذاب خدا را از من
راندن و خوار گردانیدن مؤمنان یعنی که اجابت نهایت عظیم که امید خلاصی نیست از آن بیاری احدی افلا تذکرون آیا پند نمیگیرید یعنی باید که تفکر کنید و بدانید پس م
و بدانید که این راه ولیست راندن مؤمنان و خوار گردن ایشان سبب عذاب خداست و آنچه که در دعا خود فرموده اند زین العابدین
علیه الصلوة و السلام که خداوندا نابینا و بمیرم سوی آنکه خوار دارم فقیران و لا اقول لکم عندی خزائن الله و لا اعلم الغیب و لا اقول انی ملک و لا اقول للذین
تزدری اعینکم لن یؤتیهم الله خیرا الله اعلم بما فی انفسهم انی اذا لمن الظالمین و نمیگویم شما را که نزد من است خزینهای خدا و نمیدانم غیب را و نمیگویم که بدرستی که
من فرشته ام و نمیگویم آنان را که خوار میدارند ایشان را چشمهای شما که نمیدهد ایشان را خدا اجری خدا دانا تر است بآنچه در نفسهای ایشانست بدرستی که من آنوقت
از ستمکاران و لا اقول لکم عندی خزائن الله حکایت قول نوحست بقوم خود و معنی آنکه دعوی نداشته ام که من خود را و ادعا نکنم چیزی را که دعوی مرتبه باشید و بگوئیم س م
شما که نزد منست خزینهای اموال خدا و روزی خدا که شما میگوئید که ما نری لکم علینا من فضل و لا اعلم الغیب و نمیگویم که میدانم علم غیب را تا آنکه بدانم ضمایر ایشان
که متابعت میکنند مرا و میگویند شما که ایشان اراذلند بادی الرأی و دلالت کنم شما را بر منافع و مضار شما و لا اقول انی ملک و نمیگویم که من فرشته ام و از اخبار آسمان خبر
آگاهی خدا اعلام کند مرا آنکه شما میگوئید که تو بشری مثل مایی و لا اقول للذین تزدری اعینکم و نمیگویم آنان را اگر خوار و حقیر میدارند چشمهای شما ایشان را
لن یؤتیهم الله خیرا هرگز نمیدهد ایشان را خدا جزای اعمال ایشان هیچ خیری در دنیا و آخرت الله اعلم بما فی انفسهم خدا دانا تر است بآنچه در دلهای ایشانست از ایمان
و غیر آن انی اذا لمن الظالمین بدرستی که من آنگاه که برانم ایشان را از جمله ستمکاران باشم قالوا یا نوح قد جادلتنا فاکثرت جدالنا فأتنا بما تعدنا ان کنت من الصادقین
گفتند قوم در جواب نوح که ای نوح بدرستی که مجادله کردی با ما پس بسیار گردانیدی جدال ما را پس بیاور برای ما آنچه وعده میدهی ما را یعنی از عذاب
اگر هستی از راستگویان در عذاب خدا قال انما یأتیکم به الله ان شاء و ما انتم بمعجزین گفت نوح که نیاورد بر شما عذاب را الا الله اگر خواهد و نیستید شما عاجز خدام
کنندگان یعنی خدا را از عذاب در دنیا و در آخرت بگریختن و لا ینفعکم نصحی ان اردت ان انصح لکم ان کان الله یرید ان یغویکم هو ربکم
و الیه ترجعون و نفع نمیدهد شما را نصیحت کردن من اگر اراده کنم که نصیحت کنم شما را اگر باشد خدا که اراده میکند اغوا کند شما را اوست پروردگار شما و بسوی
او باز گردانیده میشوید و دلیل کرده اند این آیه را جبریه که اگر خواست خدا که اراده کند اغوا کند شما را یعنی عقوبت کند پس نفع نمیدهد شما را نصیحت من اگر اراده
کنم که نصیحت کنم شما را اگر اغوا در مقام یعنی عذاب باشد و گفته اند که هر گاه شرطی بر شرط دیگر در آید جزا از شرط ثانی بحسب معنی مقدم است بر شرط اول و اگر چه مؤخر است
در لفظ پس در این تقدیر اینست که لا ینفعکم نصحی ان کان الله یرید ان یغویکم ان اردت ان انصح لکم و معنی آنکه نفع نمیدهد شما را نصیحت من اگر خواست خدا که اراده
میکند عذاب شما را اگر من اراده کنم نصیحت شما را وجه دیگر آنکه ان کان الله یرید ان یغویکم یعنی اگر اراده کند خدا عقوبت و گمراه گردانیدن که شما را مراد اعوام
و وجه دیگر آنکه معنی ان کان الله یرید ان یغویکم اینست که ان کان الله یرید ان یهلککم یعنی اگر خواست خدا که اراده میکند هلاک شما را نفع نمیدهد شما را نصیحت من در وقت
نزول عذاب و اگر چه قبول کنید در آن وقت قول مرا و ایمان بیاورید چه قبول ایمان نمیکند در وقت نزول عذاب و وجه دیگر آنکه اعتقاد قوم نوح این بود که خدا
ایشان را میراند باراده خداست پس نوح بطریق تهکم و استهزا گفت نصیحت من نفع نمیکند شما را اگر باشد که خدا اراده اغوا و گمراهی شما کرده باشد این وجوه جمیع
بمذهب ایشان معقولست کشاف گفته است که چون خدا دانست که اختیار کفر مینمایند و او را بایمان اغوا و اضلال
نام کرده است و جایز نیست که مراد از اغوا حمل بر کفر باشد و جبر زیرا که خلق کفر و اراده آن قبیح است فتعالی الله عن ذلک علوا کبیرا هو ربکم اوست
پروردگار و خالق و رازق شما و الیه ترجعون و بسوی او بازگردانیده میشوید و جزای اعمال خود میبینید ام یقولون افتراه قل ان افتریته فعلی اجرامی
و انا بریء مما تجرمون اجرام جرم کردن یعنی آیا میگویند که دروغ بر بافته است آن را اگر بر بافته ام پس بر منست وبال جرم من و من بری ام از آنچه شما جرم بکوم
میکنید معنی آیه آنست که آیا ایمان نیاوردند کافران بمحمد صلی الله علیه و آله بلکه میگویند افترا بر نوح بگو یا محمد در جواب ایشان
بگو یا محمد که اگر بر بافته ام پس بر منست عقوبت جرم و گناه من و شما را مواخذه نمیکنند آن و من بری و بیزارم از جرم و گناه شما و مرا مواخذه نمیکنید

بقیت که قوم نوح گفتند که نوح در دعوت و هدایت ما دروغ میگوید [illegible] حق تعالی فرمود او را که قل ان افتریته فعلیّ اجرامی و اوحی الی نوح انه لن
یؤمن من قومک الا من قد آمن فلا تبتئس بما کانوا یفعلون یعنی اندوهگین مباش بسبب آنچه میکردند یعنی وحی کرده شد بنوح که ایمان نیاورد از قوم تو الا کسی که ایمان
آورده پس اندوهگین مباش [illegible] چون عطا نکردیم ایمان قوم و عدم آن [illegible] از قوم تو الا آنان که ایمان آورده اند و [illegible] کرد ایشان را از ایمان ایشان پس بعد از آن فرمود که نوح [illegible]
خواهند آورد از قوم تو الا آنان که ایمان آورده اند و نومید کرد ایشان را از ایمان ایشان [illegible] ایشان را
آن ایس نوح چون دانست که هیچ از ایشان و اولاد ایشان ایمان نیاورند نفرین کرد بر آن قوم و گفت رب لا تذر علی الارض من الکافرین دیارا انک ان تذرهم
یضلوا عبادک و لا یلدوا الا فاجرا کفارا یعنی ای پروردگار من مگذار بر روی زمین از کافران کسی را [illegible] که اگر ایشان را بگذاری [illegible]
میکنند بندگان ترا و خدا تعالی چون اراده هلاک آن قوم نمود امر فرمود بنوح علیه السلام بساختن کشتی بقول خود که واصنع الفلک باعیننا و وحینا
و لا تخاطبنی فی الذین ظلموا انهم مغرقون یعنی بساز کشتی [illegible] که [illegible] باشند یعنی در نظر ما [illegible] و حفظ [illegible] و مخاطبه مکن مرا در باب آنان که ستم کردند
بدرستی که ایشان غرق شدگانند و اصنع الفلک یعنی بساز کشتی را [illegible] و حمایت [illegible]
حفظ [illegible] از ضرر و نقصان و هلاک [illegible] ساختن آن [illegible] بعضی گفته اند که مراد از اعین ملائکه اند که موکل بودند بنوح علیه السلام
که در حضور و نظر ایشان کشتی میساخت و وحینا و بوحی و الهام ما [illegible] کیفیت [illegible] و لا تخاطبنی فی الذین ظلموا
یعنی [illegible] از برای امان [illegible] و طلب [illegible] انهم مغرقون از برای [illegible] غرق شدگانند حکم شده است [illegible]
و جاری شده است قلم قضا بر آن [illegible] نهایت [illegible] بود او را [illegible] بدعا [illegible]
و یصنع الفلک و کلما مر علیه ملأ من قومه سخروا منه قال ان تسخروا منا فانا نسخر منکم کما تسخرون و میساخت کشتی را و هرگاه که گذشتند بر وی گروهی از کافران
از قوم وی سخریه کردند از وی گفت اگر سخریه میکنید از ما پس بدرستی که ما سخریه میکنیم از شما چنانچه شما سخریه میکنید و یصنع الفلک حکایت [illegible] است که شروع کرد نوح
و میساخت کشتی را چنانچه خدا تعالی [illegible] کلما مر علیه ملأ من قومه سخروا منه [illegible] بر وی میگذشتند گروهی از اشراف قوم وی [illegible]
میکردند و [illegible] نوح [illegible] از [illegible] و [illegible] کردند [illegible]
ان تسخروا منا فانا نسخر منکم کما تسخرون گفت نوح با قوم که اگر [illegible] سخریه میکنید [illegible] در زمان آینده [illegible]
میکنید فسوف تعلمون من یأتیه عذاب یخزیه و یحل علیه عذاب مقیم پس [illegible] عذاب [illegible] و از [illegible]
میکند و [illegible] عذاب مقیم [illegible] روایت است که نوح علیه السلام سیصد سال قوم را بخدا تعالی دعوت نمود و [illegible]
پس قصد آن کرد که نفرین کند بر ایشان [illegible] از [illegible] ملائکه آسمان دنیا [illegible] طلوع [illegible]
آسمان دنیا پانصد سال راه است [illegible] آسمان دنیا تا دنیا پانصد سال [illegible] از آسمان در وقت طلوع صبح [illegible] سوال [illegible] نفرین بکنی
بقوم خود نوح فرمود که مهلت دادم ایشان را سیصد سال [illegible] نبوت نوح [illegible] و ایمان نیاوردند و قصد نفرین ایشان کرده [illegible]
از فاتحه ملائکه آسمان دوم [illegible] نوح [illegible] آسمان دوم [illegible] آسمان دوم پانصد سال راه [illegible]
دوم تا آسمان دنیا پانصد سال راه است و غلظت آسمان دنیا پانصد سال راه است و از آسمان دنیا تا دنیا پانصد سال راه است [illegible] در وقت طلوع [illegible]
و در [illegible] سوال [illegible] نفرین بکنی قوم خود نوح علیه السلام فرمود که مهلت دادم ایشان را سیصد سال دیگر پس [illegible] سیصد سال
و ایمان نیاوردند نوح علیه السلام قصد نفرین ایشان کرد حق عز و جل نازل گردانید که لن یؤمن من قومک الا من قد آمن [illegible] نوح علیه السلام
رب لا تذر علی الارض من الکافرین دیارا انک ان تذرهم یضلوا عبادک و لا یلدوا الا فاجرا کفارا و حق تعالی امر کرد او را که درخت خرما بکارد [illegible]
سخریه میکردند و جاهل [illegible] چون پنجاه سال گذشت و درختان خرما [illegible] ساختن کشتی [illegible] سخریه میکردند [illegible]
و جبرئیل تعلیم کرد او را که چگونه بسازد کشتی را و طول آن را هزار و دویست ذرع گردانید و عرض آن را هشتصد ذرع و عمق آن را هشتاد ذرع و نوح [illegible]
[illegible] میکند در ساختن کشتی خدا تعالی فرمود که [illegible] کشتی [illegible] طلا و نقره [illegible]
پس قوم او را مدد کردند و در روایت است که خدای عز و جل چون اراده هلاک آن قوم نمود چهل سال زنان ایشان [illegible] و فرزندان ایشان [illegible]
نشد و چون نوح از ساختن کشتی فارغ شد امر فرمود او را خدا تعالی [illegible] جمع شوند بوی جمیع حیوانات پس چون [illegible]
از هر نوع دو عدد از آن داخل کشتی گرد [illegible] در وقتی که در کشتی بودند شکوه کردند بنوح از [illegible] و [illegible] نوح علیه السلام [illegible]
خوک او جفتی او را اسیر کرد پس او عطسه کرد و از بینی او یک جفت موش بیرون آمد و نسل آن بسیار شد و [illegible] چون موشان بسیار گردیدند

شکوه

شکوه کردند بنوح علیه السلام پس او اسد کرد [illegible] فرمود و [illegible] او را [illegible] گردد و او عطسه کرد دو از بینی او [illegible] بیرون آمد و در روایت دیگر آنکه شکوه کردند
از نجاست و غذا [illegible] پس خدا تعالی امر فرمود بفیل که عطسه کرده از بینی او خوک بیرون آمد که نجاست را [illegible] و [illegible] مردمان بنوح آورده بودند
در روایت صادق علیه السلام هست [illegible] و قولی آنست که عرض کشتی ششصد ذرع بوده و قولی آنست که طول کشتی سیصد ذرع بوده و عرض آن پنجاه ذرع
سی ذرع بجانب آسمان [illegible] گفته اند که کشتی را سه طبقه بود طبقه زیرین از برای وحوش و درندگان و مار و امثال آن از حشرات و طبقه میانین برای شتر و گاو
و گوسفند و سایر چهارپایان و طبقه اعلی و بالاترین نوح خود با اهل و متابعان که با وی بودند سوار گردیدند با هر توشه که آن محتاج بودند و قولی آنست که کشتی از
ساج بود و در روایت است که چون نوح از ساختن کشتی فارغ شد و آب از تنور جوشیده و کوه [illegible] آب شد [illegible] طفلی داشت که او را بسیار دوست میداشت او را
برداشته بیرون آورد و بجانب کوه [illegible] پس چون آب [illegible] رسید [illegible] کوه شد [illegible] از آن [illegible]
[illegible] دست خود بر بالای سر [illegible] آب [illegible] و اگر خدا تعالی رحم بکی از ایشان میکرد البته رحم میکرد بر آن مادر و طفل حتی اذا جاء امرنا و فار
التنور قلنا احمل فیها من کل زوجین اثنین و اهلک الا من سبق علیه القول و من آمن و ما آمن معه الا قلیل [illegible] جوشیدن دیگ [illegible] وقتی که امر ما [illegible]
تنور گفتیم که حمل کن در کشتی از هر جنس دو تا و اهل خود را الا کسی که پیشی گرفته است بر وی قول و هر کس که ایمان آورده است و ایمان نیاورده بودند با نوح الا اندکی
حتی شده است بعد از آن بکلام دیگر و غایت و منتهی بصنع است و ما بین یصنع و حتی [illegible] کلمات علیه السلام [illegible] حال است از فاعل یصنع یعنی نوح علیه السلام
در صنعت و ساختن کشتی بود در حالی که هر گروه از کافران [illegible] سخریه میکردند از وی و او را [illegible] حتی اذا جاء امرنا و وقتی که آمد امر
و قضاء ما بنزول عذاب و فار التنور و جوشید [illegible] تمام [illegible] گفته اند تنور آدم بود علیه السلام که حوا در آن نان میپخت و بنوح رسیده بود و علامت عذاب
جوشیدن آب بود از آن و بعضی گفته اند که آن تنور در خانه نوح بوده و مفضل بن عمر از صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود این تنور در خانه پیره زنی بود مومنه در
قبله [illegible] مسجد کوفه و گفت او [illegible] بیرون آمد آب این تنور [illegible] خدا تعالی خواست که بنماید آیه بقوم نوح بعد از آن الله تعالی [illegible]
از آسمان باران بارید [illegible] و [illegible] گرداب و آب و [illegible] بحکمت عظیم [illegible] خدا تعالی القوم [illegible] نوح [illegible]
که با وی بودند گفت چند روز نوح در کشتی بود [illegible] آب فرو رفت و بیرون آمدند [illegible] و روشن [illegible]
جمیع [illegible] و [illegible] رسول الله صلی الله علیه و آله در وقتی که در شب معراج بسیر آسمان [illegible] جبرئیل [illegible] محمد [illegible] آدم علیه السلام
[illegible] رسول علیه السلام [illegible] جبرئیل علیه السلام [illegible] در روایت دیگر آنست
که [illegible] کشتی [illegible] و ماء [illegible] روی [illegible] علیه الصلوة و السلام [illegible]
[illegible]
[illegible] علیهم السلام و بعضی گفته اند که مراد از تنور [illegible] اسکا [illegible] و [illegible]
قول خدا تعالی که فرمود و فجرنا الارض عیونا و قولی آنست که معنی فار التنور آنست که طلوع کرد نور صبح و ظاهر شد علامت [illegible] و بعضی گفته اند که مراد از تنور
بلند [illegible] و معنی آنکه جوشید آب از [illegible] و قولی آنست که فار التنور یعنی [illegible] قلنا احمل فیها من کل زوجین اثنین [illegible]
حمل [illegible] در کشتی من کل زوجین اثنین بعضی از قاریان من کل [illegible] خوانده اند [illegible] و تنوین عوض است [illegible] در کشتی از هر نوع
از حیوان [illegible] از هر زوجی [illegible] و گفته اند که مراد از زوج [illegible] است [illegible] صفت موکده [illegible] است و بعضی من کل زوجین [illegible]
[illegible] خوانده اند [illegible] احمل [illegible] و اهلک حمل کن در کشتی اهل و فرزندان خود را الا من سبق
علیه القول [illegible] سابق [illegible] هلاک [illegible] ایمان نیاورده و او زن نوح بود و اعلوس [illegible] یعنی حمل کن در کشتی
که ایمان آورده است از غیر اهل خود و ما آمن معه الا قلیل و ایمان نیاورده بودند بنوح الا اندکی از فرزندان که زوجه مسلمه او بود و سه پسر او سام و حام و یافث و [illegible]
ایشان و [illegible] ایشان که جمیع با نوح علیه السلام [illegible] بودند و [illegible] گفته اند که [illegible] و [illegible] نوح [illegible]
ایشان باشند و عرب و روم و فارس و [illegible] فرزندان سام اند و حبش و زنج و [illegible] فرزندان حام اند و ترک و چین [illegible] و یاجوج و ماجوج
فرزندان یافث و گفته اند که نوح جد آدم ثانی [illegible] و قال ارکبوا فیها بسم الله مجریها و مرسیها ان ربی لغفور رحیم [illegible]
و روان کرده شده و محل روان شدن [illegible] ثابت کردن [illegible] یعنی گفت نوح اهل خود [illegible] که مومنان بودند [illegible]
که سوار شوید در کشتی حال آنکه بنام خداست جاری و روان شدن آن و بنام خداست ثابت شدن [illegible] پروردگار من آمرزنده [illegible]
رحیم بخشنده است بسم الله مجریها و مرسیها حال است از فاعل ارکبوا که آن واو است [illegible] احتمال دارد که مجری و مرسی [illegible]

القرآن بکلامی مثل آن بیاورند ... پس چون شروع کرد در این آیه ... این کلام بشر نیست ...

نوح ربه فقال رب ان ابنی من اهلی وان وعدک الحق وانت احکم الحاکمین ... ای پروردگار ...

... قال یا نوح انه لیس من اهلک انه عمل غیر صالح فلا تسئلن ما لیس لک به علم انی اعظک ان تکون من الجاهلین ...

پس سوال مکن ... قال یا نوح انه لیس من اهلک ... بعضی گفته اند که این پسر صلبی نوح بود ...

[illegible]

نوح ع

ابن نوح

[illegible]

گرپروردگار من بر طریق مستقیم و راه عدلست انی توکلت علی الله ربی و ربکم متصل است باقول هود که ... [illegible]

توکل کرده ام بر خدا تعالی ... ما من دابة الا هو آخذ بناصیتها ... [illegible]

... ان ربی علی صراط مستقیم ... [illegible]

فان تولوا فقد ابلغتکم ما ارسلت به الیکم و یستخلف ربی قوما غیرکم و لا تضرونه شیئا ان ربی علی کل شیء حفیظ ... [illegible]

... ولما جاء امرنا نجینا هودا والذین آمنوا معه برحمة منا ونجیناهم من عذاب غلیظ ... [illegible]

[illegible]

و در ساعت بدآید و تیر از وی فرود آید صالح او نمود که این سوال که دیدید درین محل است و نزد خدا آسان پس برخواست و دو رکعت نماز گزارد بعد از ان سجده کرد
و بجناب حق تعالی تضرع نمود و هنوز سر از سجده برنداشته بود که آن کوه شکافته گردید و صدای از ان بیرون آمد که جمع ایشان ترسیدند نزدیک بود
که از ان هلاک شوند و ظاهر شد سر ناقه بیرون آمد از کوه [illegible]

[illegible]

از آن جمله و بعضی گفته‌اند که ایشان سه ملک بودند جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و از صادق علیه السلام مرویست که چهار بودند و اسم چهارم کروبیل بود و بعضی گفته‌اند که نه و ده
و بعضی یازده گفته‌اند و با حسن صورت بر ایشان آمده بودند فلما رای ایدیهم لا تصل الیه نکرهم و اوجس منهم خیفة قالوا لا تخف انا ارسلنا الی قوم لوط و امرأته قائمة
فضحکت فبشرناها باسحق و من وراء اسحق یعقوب الجاس هم در دل گرفتن یعنی چون دید ابرهیم دستهای ایشان را که نمیرسد بگوساله انکار کرد ایشان را و در دل
آورد از ایشان ترسی گفتند مترس بدرستی که ما فرستاده شده‌ایم بقوم لوط و زن ابرهیم ایستاده بود پس خندید پس بشارت دادیم او را باسحق و از بعد اسحق
یعقوب فلما رای ایدیهم پس چون دید ابرهیم دستهای فرستادگان را لا تصل الیه کشیده نمیشود و نمیرسد بگوساله بریان انکار ایشان کرد و اوجس منهم خیفة
و در دل گرفت بیم و ترسی از ایشان یا از برای آنکه آن ملایکه بصورت جوانان صاحب قوت بودند در اطراف شهر و طعام او نخوردند و در زمان [illegible]
کس طعام شخصی نخورد آن شخص از آنکس ایمن نبود و چون قصد بدی با کسی داشتند طعام او نمیخوردند یا از برای آنکه میدانست که ایشان دزدانند یا از برای آنکه
دانست که ایشان فرشتگانند که بعذاب قومی آمده‌اند ترسید که بعذاب قوم وی آمده باشند قالوا لا تخف گفتند ملایکه با برهیم که مترس انا ارسلنا الی قوم لوط
بدرستی که ما فرستاده شده‌ایم بعذاب اهلاک قوم لوط نه قوم تو و امرأته قائمة و زن ابرهیم که ساره بنت هارون و دختر عم ابرهیم بود ایستاده بود در پس
پرده بالخدمت میهمانان ایستاده و بعضی گفته‌اند که ساره دختر خاله ابرهیم بود فضحکت پس خندید ساره یا از شادی آنکه ایمن شد از خوف ایشان یا از
هلاک قوم لوط که اعمال خبیث پلید از ایشان صادر میشد یا از تعجب از غفلت قوم لوط که عذاب بایشان نزدیک بود و ایشان از آن غافل و مشغول بودند بعصیان
یا از تعجب از آنکه ایشان طعام نخوردند و گفت عجب است که خود بنفس خود خدمت میهمان اشتغال داریم و ایشان از طعام تناول نمی‌نمایند یا از برای اینکه قبل از این
با برهیم گفته بود که پسر برادر خود لوط را نزد خود آور که من میدانم که نزول عذاب بقوم وی عذابی نازل میشود پس چون رای او راست شد خندید از
تعجب و شادی آنکه بشارت اسحق شنید از فرشتگان چه عمر وی بنود و نه سال رسیده بود و شوهر او بصد و بیست سال بود و بعضی صد سال و بعضی صد و بیست سال
گفته‌اند و ایشان را هرگز فرزند نشده بود در جوانی و با این [illegible] نخواهد بود و بعضی ضحکت را حاضت تفسیر کرده‌اند یعنی زن ابرهیم ایستاده بود پس حائض شد
فبشرناها باسحق پس بشارت دادیم از زبان ملایکه زن ابرهیم را به پسری اسحق نام پیغمبری و من وراء اسحق یعقوب بشارت دادیم که بعد از اسحق فرزندی بوی میدهیم
که نام او یعقوبست و گفته‌اند که وراء فرزند فرزند را میگویند قالت یا ویلتی ءالد و انا عجوز و هذا بعلی شیخا ان هذا لشیء عجیب گفت ساره که وا ویلا آیا
بزایم و حال آنکه من زن پیرم و این شوهر من در حال پیریست بدرستی که این چیز عجیب است عادت زنان جاریست که در حال تعجب کلمه وا ویلا استعمال میکنند و ادا
بود در قدرت حق تعالی لیکن چون خارج از عادت بود که مرد و زنی که در حال جوانی فرزند از ایشان حاصل نگردد در وقت پیری زاینده از ایشان نمیبود و بعضی
گفته‌اند که خواست بداند که آیا در حال پیری فرزند از ایشان متولد میشود یا آنکه جوان میشوند و فرزند از ایشان بهم میرسد قالوا اتعجبین من امر الله رحمت الله و برکاته
علیکم اهل البیت انه حمید مجید گفتند فرشتگان بساره که آیا تعجب میکنی از امر و فرمان خدا و برکات او که زیادتی چیزهاست رحمت است ای اهل بیت بدرستی که خدا حمید
ستوده است مجید و بزرگوار است باظهار کرم [illegible] در قالوا اتعجبین من امر الله تنبیه است که مقام تعجب نیست که شما مردمان تعجب نمایید از امر و فرمان خدا
رحمة الله و برکاته علیکم دعا است از ملایکه باهل بیت ابرهیم علیه السلام و مرویست [illegible] علیه السلام که [illegible] سلام کرد در ایشان گفتند و علیک السلام
و رحمة الله و برکاته [illegible] از نوح علیه السلام [illegible] از برای [illegible] که گفتند ملایکه از برای ابرهیم علیه السلام که رحمة الله و برکاته علیکم انه حمید
که خدا محمود و ستایش کرده شده است برای افعال وی و بعضی گفته‌اند که حامد و ثنا کننده است بندگان خود را از طاعات مجید صاحب کرمست بسبب احسان نمودن
بندگان قبل از استحقاق فلما ذهب عن ابرهیم الروع و جاءته البشری یجادلنا فی قوم لوط ان ابرهیم لحلیم اواه منیب روع خوف و ترس یعنی پس چون رفت
از ابرهیم خوف و ترسی که در دل داشت از دست نابردن میهمانان بطعام و آمد او را بشارت بفرزندان مجادله او کرد با فرشتگان ما در شان قوم لوط
بدرستی که ابرهیم بردبار بود و آه و ناله کننده از گناهان [illegible] بسوی ما بازگردنده بخدا و [illegible] گفته‌اند که مجادله ابرهیم علیه السلام با ایشان
این بود که گفت شما هلاک میکنید اهل قریه که در آن صد مومن باشد گفتند نه [illegible] گفت [illegible] ده کم [illegible] رسید به یک [illegible] گفتند
گفت لوط در آن قریه است گفتند ما نجات میدهیم لوط را و اهل او را و بعضی گفته‌اند که مجادله این بود که ترسید که [illegible] عذاب استیصال
البته ایشان مستاصل میشوند یا آنکه توبه کنند از آن خلاص میشوند و میپرسید که چگونه در میان ایشان نجات می‌یابند و چون بسیار از این سوال کرد فرمود که مجادله
قوم لوط و تفسیر اواه و حلیم در سوره توبه گذشت و در این اشاره است بآنکه هیچ کراهت در مجادله ابرهیم علیه السلام نبود و از آنجهت که خدا تعالی او را مدح نمود
که از روی رحمت و رقت قلب و رافت چون دانست که آن قوم مستوجب عذاب شده‌اند [illegible] یا ابرهیم اعرض عن هذا انه قد جاء امر ربک و انهم آتیهم
عذاب غیر مردود حکایتست قول فرشتگان که گفتند که یا ابرهیم روی بگردان از این جدال در شان قوم لوط که بدرستی که شان اینست که آمده است امر و فرمان
پروردگار تو بعذاب ایشان و بدرستی که ایشان آمده است ایشان را عذابی که برگردانیده شده نیست و هیچکس قادر نیست بر رد آن از ایشان و آن عذاب

ولما

پس م

بگوساله م

و بعضی [illegible] / [illegible] / رحمت خدا اگر [illegible] اهل البیت / او و برکات او [illegible] / منصوب [illegible] / اهل بیت [illegible] علیه السلام [illegible] / که رحمة الله و برکاته علیکم [illegible]

ولما جاءت رسلنا لوطا سیء بهم و ضاق بهم ذرعا و قال هذا یوم عصیب سوء غمگین کردن و بدی کردن ضیق تنگ ذرع [illegible] عصیب سخت و دشوار
یعنی و در آن وقت که آمدند رسولان ما لوط را غمگین شد بایشان و تنگدل شد بایشان و گفت این روز سخت و دشوار است [illegible]
لوط علیه السلام و گفتن او این قول را از جهت آن بود که ملایک بصورت جوانان نیکو روی آمده بودند و لوط میترسید از آنکه قوم [illegible] عادت
ایشان بود در رسوایی ایشان آورند و مرویست از صادق علیه السلام که ملایک آمدند نزد لوط در وقتی که او در قریب شهر زراعت بود و سلام کردند
با حسن جمال و هیئت نیکو جامها و عمامهای سفید پوشیده پس ایشان را تکلیف ضیافت نمود بمنزل خویش و ایشان در عقب وی میرفتند با خود گفت
چکار است که میکنم این را آوردم بنزد این قوم و حال آنکه میشناسم ایشان را و روی بازگردید و گفت شما میآیید بجانب مردمانی که بدترین خلق خدا تعالی
جبرئیل علیه السلام گفته بود که هلاک مکن قوم لوط را تا آنکه او گواهی دهد بدی ایشان سه بار پس جبرئیل گفت این یک بار بعد از آن لوط علیه السلام رفت
دیگر روی بملایک کرد و گفت شما میآیید بجانب بدترین خلق خدا جبرئیل گفت این دو بار پس رفت تا آنکه در شهر رسید التفات بملایک کرد و گفت شما میآیید بجانب بدترین
خلق خدا پس جبرئیل گفت این سه بار پس لوط داخل شد و ملایک با وی تا آنکه داخل منزل لوط شدند زن لوط [illegible] و حال ایشان را دید بر بام رفت و دست
بر دست زد و ایشان نشنیدند پس [illegible] و جاءه قومه یهرعون الیه و من قبل کانوا یعملون
السیئات قال یا قوم هؤلاء بناتی هن اطهر لکم فاتقوا الله و لا تخزون فی ضیفی الیس منکم رجل رشید اهراع سرعت و شتاب کردن [illegible] یعنی
و آمدند لوط را قوم او در حالی که شتاب می‌نمودند و میدوانیدند بسوی او و از قبل این بودند که عملهای بد میکردند گفت لوط که این دختران من پاکیزه‌ترند از برای
شما پس بترسید از خدا و مرا رسوا مکنید در شان میهمانان من آیا نیست از شما مردی راه یافته و جاءه قومه یهرعون الیه و آمدند لوط را قوم و شتاب کردند
[illegible] یعنی بسرعت میآمدند [illegible] بعضی از ایشان [illegible] بعضی [illegible] و من قبل و از قبل آمدن ملایک
لوط یا قبل از آمدن قوم لوط بخانه او یا قبل از بعثت لوط کانوا یعملون السیئات بودند قوم لوط عمل کننده فاحشه‌های [illegible] در مباشرت
و لواطه میکردند و بسیار این عمل شنیع از آنقوم بعمل آمده بود که قبح آن در نظر ایشان سهل میبود و [illegible] از برای این عمل آمده بودند
و لوط این را میدانست قال یا قوم هؤلاء بناتی هن اطهر لکم گفت لوط که ای قوم من این دختران من اند [illegible] پاکیزه‌ترند از برای شما از نهایت کرم
[illegible] عوض میهمانان کرد و نکاح دختران با ایشان عوض نمود و بعضی گفته‌اند که دختران صلبی خود را گفت میدهم شما را و نکاح میکنم [illegible]
میهمانان من بدارید و قبل از این از لوط طلب نموده بودند و او قبول نکرده بود و گفته‌اند که در آنوقت جایز بود که زن مومن را با کافر نکاح کنند [illegible]
صلی الله علیه و آله دختران خود را بعتبة بن ابی لهب و ابی العاص بن الربیع نکاح نموده بود و آن دو مرد هر دو کافر بودند و گفته‌اند که در قوم لوط دو نفر
رئیس و مطاع ایشان بودند و لوط دختران خود را [illegible] خواست که نکاح کنند تا آنکه میهمانان را از ایشان نجات دهد و بعضی گفته‌اند
مراد لوط از بنات زنان امت وی بودند چه پیغمبران پدران امتند و زنان [illegible] دختران ایشان و بعضی گفته‌اند که اراده نمود که دختران خود را
دهد بشرط ایمان فاتقوا الله پس بترسید از عقوبت خدا در دخول مردان و ترک کردن زنان مباح را از ایشان و لا تخزون فی ضیفی و خوار و رسوا مکنید مرا
و رسوا مسازید مرا [illegible] در شان میهمانان من [illegible] چون فرود آید میهمان نزد شخصی او را خواری و رسوایی برسد [illegible]
و عار و رسوایی بمیهمان لاحق میشود الیس منکم رجل رشید آیا نیست از شما مردی که راه یافته باشد و عمل [illegible] امر کند بمعروف و نهی نماید از
منکر و قبیح [illegible] رشید بمعنی مرشد و راه نماینده باشد و گفته‌اند که [illegible] عوض بودن لوط دختران را آنقوم [illegible]
تا آنکه ایشان را شاید [illegible] و دست از میهمانان [illegible]
قالوا لقد علمت ما لنا فی بناتک من حق و انک لتعلم ما نرید گفتند قوم لوط بوی که بتحقیق دانسته‌ای تو که نیست ما را در دختران تو هیچ حقی و بدرستی
که تو البته میدانی آنچه اراده داریم که آن نیل بمردان [illegible] و دختران و مراد ایشان از آنکه گفتند لقد علمت ما لنا فی بناتک من حق
آنکه نیست ما را با ایشان هیچ حاجتی [illegible] حاجتی نیست در آن میل [illegible]
در آن و بعضی گفته‌اند که ایشان گفتند که نیست ما را در دختران تو حقی زیرا که نکاح کرده نبودند با ایشان و میدانستند [illegible]
نکاح ایشان [illegible] در وی حقی نیست قال لو ان لی بکم قوة او آوی الی رکن شدید گفت لوط علیه السلام در جواب ایشان
که کاشکی مرا بود بشما قوتی یا آنکه پناه میگرفتم برکنی سخت قال لو ان لی بکم قوة جواب لو محذوف است تقدیرش آنکه اگر میبود مرا بشما قوتی او آوی
الی رکن شدید یا آنکه جای میگرفتم و منضم میشدم بخویشی و قومی که [illegible] قوی بودند و بایشان قوت میگرفتم البته منع میکردم شما را
و میکردم چنین و چنان و لیکن قوت و رکنی نیست مرا مرویست از صادق علیه السلام که جبرئیل گفت که اگر میدانست که چه مقدار است قوه او

دل شدن م

مشغول م

و ایشان م

قبل از وی م

[illegible]

دیگر ملتفت شد و دوست نبی صلی الله علیه و آله گفت ... رحمت خدا بر برادرم لوط باد که او ... رکن شدید که یاری خداست ... آمد که لوط علیه السلام مهمانان

را در خانه جای داده بود و در خانه بر قوم بسته ... لوط ...

قالوا یا لوط انا رسل ربک لن یصلوا الیک فاسر باهلک بقطع من اللیل ولا یلتفت منکم احد الا امرأتک انه مصیبها ما اصابهم ان موعدهم الصبح الیس الصبح بقریب

[illegible]

در آن تو

يا قوم ارهطي اعز عليكم من الله واتخذتموه وراءكم ظهريا ان ربي بما تعملون محيط

ويا قوم اعملوا على مكانتكم اني عامل سوف تعلمون من يأتيه عذاب يخزيه ومن هو كاذب وارتقبوا اني معكم رقيب

هلاک م

علیه السلام م

شعیب م

ایشان م

بودم

مارا

نکرد خدا ایشان را الا بهلاک بعضی [illegible] و اهلاک ایشان بسبب اینست که عادت آنها موجب هلاک [illegible] رسانست وکذلک اخذ ربک اذا اخذ القری وهی ظالمة ان اخذه الیم شدید و مثل اینست که ذکر شد از هلاک ایشان گرفتن خدا و گرفتن پروردگار تو وقتی که گیرد اهل دیهها که ایشان ظالم باشند بدرستی که اخذ و عقوبت خداوند دردناکست سخت و درین حدیث است از عاقبت ظلم که هر کس ظلم میکند بر غیر خود یا بر نفس خود باید که [illegible] عقوبت و عذاب الیم شدید ان فی ذلک لآیة لمن خاف عذاب الآخرة ذلک یوم مجموع له الناس وذلک یوم مشهود بدرستی که درین قصهها که خوانده شد از دعوت پیغمبران و انکار ایشان و هلاک ایشان هر آینه آیه و عبرت و علامت عظیمه است از برای آنکه بترسد از عذاب آخرت و عقوبت خدا در روز قیامت این روزیست که جمع شده است در آن روز مردمان جمیع از اولین و آخرین از برای جزا و حساب و این روزیست مشهود که شاهد و حاضر شوند در آن جن و انس و اهل آسمان و زمین و غیر او و روز قیامت هیچ روز دیگر باین صفت موصوف نیست و [illegible] وما نؤخره الا لاجل معدود و تاخیر نمیکنیم و باز پس نمیداریم آن روز را مگر برای گذشتن مدتی شمرده شده که معلوم است نزد خدا تعالی که اصلاح خلق در دوام تکلیف است و در لفظ معدود اشاره است بقرب قیامت چه هرچه قلیلست موصوف میشود بمعدود یوم یأت لا تکلم نفس الا باذنه فمنهم شقی وسعید روزی که بیاید قیامت تکلم نکند و سخن نمیگوید هیچ نفس الا باذن خدا تعالی پس اهل موقف [illegible] و حمزه از قراء [illegible] یای خوانده اند با اصل خود و بعضی بحذف یا بواسطه کثرت استعمال و معنی لا تکلم نفس الا باذنه اینست که تکلم نمیکند هیچ نفس الا بکلامی که خدا تعالی اذن داده است بخلاف دنیا که مردمان کلام حسن که اذن داده خدا آن را میگویند و کلام قبیح که اذن نداده آن را نیز میگویند یا اینکه تکلم نمیکند هیچ نفس بشفاعت کسی و سخنی که از آن باشد الا باذن خدا تعالی و در قیامت مواقف و احوال مختلف است در بعضی از آن مردمان سخن میگویند باذن حق چنانچه ادای آن مفهوم است و در بعضی از آن نطق نمیشود و اذن [illegible] ایشان را در آن چنانچه فرموده که هذا یوم لا ینطقون ولا یؤذن لهم فیعتذرون و بعضی از ایشان سؤال میکنند وقفوهم انهم مسئولون و بعضی سؤال نمیکنند که فرموده فیومئذ لا یسأل عن ذنبه انس ولا جان [illegible] تعالی الله الحکیم العلیم عن ذلک فمنهم شقی وسعید پس بعضی از اهل موقف بدبخت است که در دنیا بمعاصی خدا تعالی و اعمال قبیحه عمل آورده و بآن مستحق عقاب [illegible] شده است و بعضی از ایشان نیکبخت که در دنیا طاعت حق جل و علا بعمل آورده است و اعمال حسنه بفعل آورده و بآن مستحق ثواب شده است فاما الذین شقوا ففی النار لهم فیها زفیر وشهیق زفیر اول بانگ خر است و شهیق آخر آن یعنی پس آنان که بدبخت شدند پس در آتش دوزخ اند پس ایشان راست [illegible] چون فریاد خر [illegible] اصوات [illegible] خالدین فیها ما دامت السموات والارض الا ما شاء ربک ان ربک فعال لما یرید مخلد و جاوید باشند این بدبختان در دوزخ مادام که آسمانها باشد و زمین باشد مگر آنچه خواهد پروردگار تو بدرستی که پروردگار تو کننده است هر چیز را که اراده میکند [illegible] در مجمع البیان [illegible] است که این آیه از مواضع مشکل است [illegible] دوام آسمانها و زمین [illegible] الا ما شاء ربک [illegible] چندین قولست [illegible] اول آنست که مراد از ما دامت السموات والارض آسمانها و زمین آخرت است که آن باقی میشود و ظاهر است که اهل آخرت [illegible] خواهند داشت [illegible] زیرا ایشان [illegible] خواهد بود [illegible] آسمان ایشان باشد [illegible] عرش است [illegible] یا مراد از آن دوام [illegible] چنانچه عرب میگوید [illegible] یا کوه و امثال آن [illegible] الا ما شاء ربک [illegible] مادام که آسمانها و زمین آخرت باقیست [illegible] خواهد [illegible] یا مگر آنکه [illegible] ایشان در محشر و حساب [illegible] و در بهشت [illegible] الا ما شاء ربک [illegible] در آتش دوزخ [illegible] پروردگار تو [illegible] یا مگر مراد از الذین شقوا اهل توحید [illegible] در آتش دوزخ [illegible] از آن نجات یابند و سعید گردند [illegible] جنت که مخلد در آن باشند [illegible] یا مگر مراد از قید خلود [illegible] تاکید خلود است یعنی مگر ایشان مخلد در دوزخند الا آنکه خدا خواهد که بیرون آیند و ظاهر است [illegible] از آتش خلاص گردد یا مگر [illegible] آنست که آن بدبختان مخلد در آتش اند [illegible] مادام که آسمانها و زمین دنیا باقیست و چون آسمانها و زمین دنیا فانی گردد عذاب ایشان منقطع شود [illegible] الا ما شاء ربک [illegible] بسبب توحید ایشان را [illegible] و اما الذین سعدوا ففی الجنة خالدین فیها ما دامت السموات والارض الا ما شاء ربک عطاء

[illegible]

[illegible]

۲۰

غیر مجذوذ قطع کرده نشده [illegible] یعنی و اما آنان که نیکبخت شدند پس در بهشت مخلد و جاوید [illegible] مادام که باشند آسمانها و زمین آخرت مادام [illegible] مگر آنچه خواهد پروردگار تو یعنی سوی آنچه خواهد پروردگار تو [illegible] از برای ایشان از نعیم جنت [illegible] و رضوان خدا اکبر [illegible] یا الا آنچه خدا خواهد [illegible] در محشر بحساب باشند [illegible] و ثواب [illegible] یا مگر مراد از الذین سعدوا آنانند که بسعادت توحید سعید گشته اند و بشقاوت معاصی شقی و بسبب شقاوت اعمال در دوزخ کرده شده اند [illegible] جنت سعید شده اند یا مگر مراد از قید خلود [illegible] تاکید خلود است [illegible] مادام که [illegible] و زمین دنیا باقیست و چون آسمانها و زمین فانی شود [illegible] عطاء غیر مجذوذ [illegible] در مقابل ان ربک فعال لما یرید [illegible] میکند با اهل [illegible] عطائی که منقطع [illegible] و بعضی از قراء سعدوا [illegible] خوانده اند و بعضی مجهول [illegible] فلا تک فی مریة مما یعبد هؤلاء ما یعبدون الا کما یعبد آباؤهم من قبل وانا لموفوهم نصیبهم غیر منقوص [illegible] پس مباش در هیچ شک [illegible] عبادت میکنند [illegible] عبادت میکردند پدران ایشان [illegible] وفا کننده ایم نصیب [illegible] رسول است و مراد جمیع مردمان [illegible] و عاقبت آن عذاب است [illegible] بدرستی که [illegible] ناتمام و کامل [illegible] موصول باشد یا مصدری [illegible] ولقد آتینا موسی الکتاب فاختلف فیه ولولا کلمة سبقت من ربک لقضی بینهم وانهم لفی شک منه مریب [illegible] بدرستی که دادیم موسی را کتاب تورات پس خلاف کرده شد در آن بعضی از قوم او ایمان آوردند و بعضی کافر شدند و اگر نبود کلمه [illegible] از پروردگار تو [illegible] در میان ایشان و بدرستی که ایشان در شکند از قرآن [illegible] علیه السلام [illegible] تکذیب کردند [illegible] ثواب و عقاب [illegible] وان کلا لما لیوفینهم ربک اعمالهم انه بما یعملون خبیر بدرستی که هر یک از مختلفان [illegible] تمام دهد [illegible] پروردگار تو جزای عملهای ایشان را بدرستی که او بهر چه عمل میکنند خبردار است [illegible] قسم است و لام لیوفینهم جواب قسم است [illegible] پروردگار تو اعمالهم جزای اعمال ایشان را [illegible] فاستقم کما امرت ومن تاب معک ولا تطغوا انه بما تعملون بصیر پس مستقیم باش [illegible] ولا ترکنوا الی الذین ظلموا فتمسکم النار وما لکم من دون الله من اولیاء ثم لا تنصرون [illegible] ومیل مکنید بسوی آنان که ظلم کردند پس برسد شما را آتش دوزخ [illegible] و نیست شما را بغیر خدا [illegible] یاری کنندگان که دفع کنند عذاب خدا را از شما [illegible]

در سورة [illegible]

[illegible]

مقدم

[illegible]

کرد خدای تعالی پیغمبری از پیغمبران در زمان پادشاهی ستمکار که برو و این ستمکار را بگو که خدای تعالی می‌فرماید که من ترا عامل نکرده‌ام که خونریزی کنی و مردمان را بگیری مال ایشان

ملک ترا عامل کرده‌ام از برای آنکه بازداری از من آواز مظلومان که من نمی‌گذارم ظلم ایشان را اگرچه ایشان کافر باشند و فرمود صادق علیه السلام

که هر کس که بخورد مال برادر خود را به ظلم و باز ندهد به وی بخورد در قعر جهنم پاره‌ای از آتش در روز قیامت و فرمود که عامل ظلم و یاری کننده او و راضی بودن به آن

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

اذ قال يوسف لابيه يا ابت انی رأيت احد عشر كوكبا والشمس والقمر رأيتهم لی ساجدين [illegible]

[illegible] الكريم ابن الكريم ابن الكريم ابن الكريم يوسف بن يعقوب بن اسحق بن ابراهيم [illegible] بن الكريم

[illegible]

ای بی

[illegible]

٢٣٩

[illegible]

یوسف [illegible] اگر [illegible] گفت لا تقتلوا یوسف [illegible] یوسف را [illegible] ارتسام
[illegible] هم قال قائل منهم [illegible] شما [illegible] اگر [illegible] یوسف [illegible]
[illegible] شما [illegible] یوسف [illegible] قال قائل منهم [illegible] یوسف [illegible]
[illegible] لا تقتلوا یوسف [illegible] والقوه فی غیابت الجب یلتقطه بعض السیارة ان کنتم فاعلین [illegible]
یوسف [illegible] در قعر چاه [illegible] یوسف [illegible]
[illegible] یوسف [illegible] یعقوب علیه السلام [illegible] صادق علیه الصلوة والسلام روایت [illegible] حسد [illegible]
[illegible] رسول صلی الله علیه وآله روایت است که خدای تعالی [illegible] موسی علیه السلام [illegible]
[illegible] صادق علیه السلام روایت است که حسد [illegible] صادق علیه السلام [illegible] حسد [illegible]
حسد [illegible] غبطه [illegible] نعمت [illegible]
[illegible] قالوا یا ابانا ما لک لا تأمنا علی یوسف وانا له لناصحون برادران یوسف [illegible]
آمدند نزد یعقوب و گفتند ای پدر [illegible] ارسله معه غدا یرتع ویلعب [illegible]
[illegible] یوسف [illegible] برادران یوسف گفتند [illegible]
یوسف را [illegible] یرتع ویلعب [illegible]
[illegible] یوسف [illegible]
[illegible] قال انی لیحزننی ان تذهبوا به واخاف ان یأکله الذئب وانتم عنه غافلون [illegible]
[illegible] یعقوب [illegible] یوسف [illegible]
[illegible] یعقوب علیه السلام [illegible] یوسف برادران [illegible] قالوا لئن اکله الذئب ونحن عصبة [illegible]
[illegible] یوسف [illegible] انا اذا لخاسرون [illegible]
[illegible] یعقوب علیه السلام [illegible] یوسف [illegible]
ویوسف [illegible]
[illegible] یعقوب [illegible]
غافلون [illegible]
[illegible] فرزندان یعقوب علیه السلام [illegible] یوسف [illegible]
[illegible] انا اذا لخاسرون [illegible]
گفته اند که یعقوب علیه السلام چون [illegible] یوسف علیه السلام [illegible]
[illegible] یوسف [illegible] ابرهیم علیه السلام [illegible] جبرئیل علیه السلام [illegible]
[illegible] یعقوب [illegible] فرزندان [illegible]
وداع کرده یوسف گفت ای پدر [illegible]
[illegible] یعقوب [illegible] برادران یوسف [illegible]
[illegible] فلما ذهبوا به واجمعوا ان یجعلوه فی غیابت الجب واوحینا الیه لتنبئنهم بامرهم هذا وهم لا یشعرون پس چون بردند برادران یوسف [illegible] ابن عم
[illegible] در قعر چاه [illegible]
[illegible] یعقوب یوسف را [illegible] برادران [illegible]
[illegible]

۲۵۰

یوسف را [illegible] فی غیابت الجب [illegible] در قعر چاه [illegible]
برادران چون یوسف را [illegible]
[illegible] یوسف [illegible]
[illegible] یوسف [illegible] چاه [illegible]
[illegible] برادران [illegible] یوسف [illegible] آن امر
آفتاب [illegible] یوسف [illegible] چاه [illegible]
چاه آب بود [illegible] در آن چاه [illegible]
[illegible] طعام و شراب [illegible]
یوسف [illegible] یوسف علیه السلام [illegible]
[illegible] ابرهیم [illegible] یعقوب [illegible] یوسف [illegible] صادق علیه السلام روایت [illegible]
[illegible] یعقوب [illegible] یوسف [illegible] یوسف را [illegible] صادق علیه السلام روایت [illegible]
برادران یوسف [illegible] چاه [illegible] یوسف [illegible] برادران [illegible]
[illegible] ابرهیم واسحق و یعقوب [illegible]
ابرهیم واسحق و یعقوب [illegible] اللهم انی اسألک بان لک الحمد لا اله الا انت بدیع السموات والارض ذو الجلال والاکرام ان تصلی علی محمد وآل محمد وان
تجعل لی من امری فرجا ومخرجا وترزقنی من حیث احتسب ومن حیث لا احتسب پس خدای تعالی او را از این چاه [illegible]
[illegible] روایت علی بن ابرهیم [illegible] یوسف علیه السلام در چاه گفت [illegible] ابرهیم واسحق و یعقوب [illegible]
[illegible] روایت از صادق علیه السلام که یوسف علیه السلام [illegible] اللهم ان کانت [illegible]
[illegible] ابرهیم واسحق و یعقوب پس خدای تعالی او را فرج داد [illegible] علیه السلام [illegible]
اللهم ان کانت [illegible] فانی اتوجه الیک بوجه نبیک نبی الرحمة [illegible] علی وفاطمة والحسن والحسین والائمة علیهم السلام [illegible]
[illegible] یوسف در چاه [illegible]
[illegible] یوسف در چاه [illegible]
علیه السلام [illegible] چاه [illegible]
[illegible] وهم لا یشعرون [illegible]
[illegible] یوسف [illegible]
[illegible] یوسف [illegible]
[illegible] وجاؤا اباهم عشاء یبکون [illegible] یوسف [illegible]
[illegible] یوسف [illegible] قالوا یا ابانا انا ذهبنا نستبق وترکنا یوسف عند متاعنا فاکله
الذئب وما انت بمؤمن لنا ولو کنا صادقین [illegible]
[illegible] یوسف [illegible]
[illegible] یوسف [illegible]
[illegible] یوسف [illegible] یعقوب [illegible]
[illegible] برادران یوسف [illegible]
[illegible] وجاؤا علی قمیصه بدم کذب قال بل سولت لکم انفسکم امرا فصبر جمیل والله المستعان علی ما تصفون [illegible]
یعنی آمدند برادران یوسف [illegible] یعقوب [illegible]
[illegible] بدم کذب [illegible] برادران یوسف [illegible]

و گفته اند که مالک بن ذعر ... با یوسف ... ایشان بود و چون ...
مالک حرکت کرد بجانب یوسف آمد نزد وی و گفت ... یوسف بن یعقوب بن اسحق بن ابراهیم علیه السلام پس مالک او را در بر گرفت و گریان شد
مردی بود ... یوسف ... دعا کرد ... خدای تعالی ...
[illegible]
... وقال الذی اشتراه من مصر لامرأته اکرمی مثواه عسی ان ینفعنا او نتخذه ولدا وکذلک
مکنا لیوسف فی الارض ولنعلمه من تأویل الاحادیث والله غالب علی امره ولکن اکثر الناس لا یعلمون اکرام بزرگوار و گرامی داشتن مثوی مکان بودن ...
[illegible]

[illegible]

[illegible]

و تنگ از رنج ... گرده اند و آن شکل واحده منتهی شکست و داد هر یک از آن زنان را کاردی تا ببرند بآن میوه و ترنج را و قالت اخرج علیهن ...

یوسف را گفت بیرون آی بر این زنان و او یوسف را در هر مجلس زنان نشانده ... پس ... اکبرنه ... از برای خدمت و سلام ...

[illegible]

[illegible]

[illegible] یوسف [illegible] از زندان [illegible] و دخل معه السجن فتیان قال احدهما انی ارانی اعصر خمرا و قال الآخر انی ارانی احمل فوق رأسی خبزا [illegible]
[illegible] نبئنا بتأویله انا نراک من المحسنین فتی [illegible] جوان [illegible] در زندان با یوسف دو جوان
گفت بیوسف یکی از آن دو [illegible] در خواب که میفشارم خمر را و گفت دیگری که من [illegible] در خواب [illegible] بر بالای سر خود نان [illegible]
مرغان از آن [illegible] احوال یوسف [illegible] زندان [illegible]
[illegible] یکی ساقی پادشاه و دیگری خباز [illegible]
طعام بود و بعضی گفته اند که هر دو مملوک پادشاه بودند [illegible]
[illegible] قال احدهما انی ارانی اعصر خمرا یعنی گفت یکی [illegible] در خواب که میفشارم خمر را [illegible]
یوسف علیه السلام چون داخل زندان شد گفت [illegible] تعبیر خواب [illegible]
[illegible]
[illegible] و قال الآخر انی ارانی احمل فوق رأسی خبزا و گفت آن دیگر که طباخ بود [illegible]
[illegible]

[illegible]

بود که توانیش بعزیز باشد در نیکو خیانت کردم امانت خدا را که بعد از انکه ظاهر شد آیات و علامات امینی یوسف او را حبس کرد و جایز است که مراد کید امانت یوسف باشد
که اگر خاین بودی خدا تعالی هدایت نکردی کید او را و او را براه راست ارشاد نمیشود و بعضی گفته اند که این کلام زلیخاست گفت که لیکن یعنی اینکه اقرار کردم
از برای آنست که بداند یوسف که انی لم اخنه بالغیب پس خیانت نکنم یوسف را در غیبت او که گناه را بوی بندم و اگرچه خیانت کردم او را در حضور او و ما ابرئ
نفسی ان النفس لاماره بالسوء الا ما رحم ربی ان ربی غفور رحیم تبرئه از گردانیدن یعنی و بری نمیگردانم نفس خود را از گناه بدرستی که نفس امر کننده است بسیار
مگر کسی را که رحم کند پروردگار من بدرستی که پروردگار من آمرزنده است مهربانست و بعضی گفته اند که یوسف علیه السلام چون ظاهر ساخت کید زنان و پاکی
خود را اراده نمود که هضم نفس خود و تواضع مر خدا را اجل جلاله کند که گفت و ما ابرئ نفسی که روا نیست ذم نفس خود را از میل و اراده و خیانت و بدی ان النفس لاماره
بالسوء چه نفس بالطبع بسیار امر کننده است بشهوت و بدی و خیانت و معصیت یعنی هر نفسی چنین است الا ما رحم ربی یعنی مگر نفسی که رحم
کند او را پروردگار من و او را عصمت دهد از معصیت و جایز است که ما بمعنی مدت باشد یعنی مگر در وقتی که رحم کند پروردگار من و درین اقرار است
برحمت پروردگار که شامل گردانیده است که آن را از نفس اماره نجات یافته است ان ربی غفور رحیم بدرستی که پروردگار من بسیار پوشنده گناه گناهکاران است
رحم کننده و مهربانست و بعضی گفته اند که زلیخا چون اعتراف نمود در انکه او قصد یوسف و طلب او کرده است گفت که من برائت نمیدهم نفس خود را از بدی و خیانت
زیرا که گوینده است صاحب خود را … مگر کسی را که رحم کند او را پروردگار که غفور و رحیم است و قال الملک ائتونی به استخلصه لنفسی فلما کلمه قال
انک الیوم لدینا مکین امین استخلاص برگزیدن و خالص کردن از برای خود است یعنی صاحب جاه و قدر یعنی و گفت ملک مصر که بیاورید یوسف را تا خاص گردانم
او را از برای خود پس چون سخن گفت ملک با وی گفت بدرستی که تو امروز نزد ما صاحب جاه و قدری امینی بر امانت و قال الملک ائتونی به چون ظاهر شد
بر ملک امانت یوسف و پاکی دامان او و علم او گفت بیاورید او را استخلصه لنفسی تا او را خالص و خاص خود گردانم و در تدبیر امور ملک قوی و بازو کنم
و رای او عمل نمایم پس رسول ملک آمد و گفت ای یوسف برخیز که ملک ترا طلب نموده است و بیرون آی از زندان و بپوش لباس نو و جدید که
برخواست یوسف و پاکیزه ساخت بدن را از غبار زندان و پوشید لباسهای فاخر و چون بیرون آمد از زندان دعا کرد از برای اهل آن که اللهم
اعطف علیهم قلوب الاخیار و لا تعم علیهم الاخبار یعنی خداوندا مهربان گردان بر اهل زندان دلهای نیکان را و پنهان مدار بر ایشان خبرها و
گفته اند که این دعا مستجاب شد و اهل زندان خبردارترین مردمانند بخبرهای شهرها و نوشت بر در زندان که این منزل بلاهاست و قبرهای …
و جای غمگنان و شادی دشمنان و آزمایش دوستان و چون بدرگاه ملک رسید ایستاد و گفت حسبی ربی من دنیای و حسبی ربی من خلقه عز جاره و جل
ثناؤه و لا اله غیره و چون داخل شد بر ملک گفت اللهم انی اسالک بخیرک من خیره و اعوذ بک من شره و شر غیره پس چون ملک نظر بوی کرد سلام
کرد بر وی بعربی ملک گفت این چه زبانست گفت زبان عم من است اسمعیل پس دعا کرد ملک را بعبرانی گفت این چه زبانست گفت این زبان پدران منست
و ملک هفتاد زبان میدانست و هیچ یک از آن زبان را ندانست … یوسف تکلم کرد و یوسف بجمیع آن جواب داد پس ملک از آن تعجب کرد و گفت ای یوسف من میخواهم که از تو
بشنوم تعبیر خواب خود را گفت بلی ای ملک دیدی در خواب هفت گاو ماده فربه سفید نیکو که از رود نیل بیرون آمدند و در کنار آن ایستادند پس
بیرون آمد … پستانهای ایشان پس در آن وقت که نظر کردی بر ایشان و خوش نمود ترا حسن ایشان ناگاه فرو رفت آب نیل و بیرون آمد از
آب و گل آن هفت گاو ماده لاغر ژولیده موی خاک آلود تنگ شکم … و دندانها داشتند و چنگال چون سگان و نیشها
مثل درندگان پس در آمیختند با آن گاوهای فربه و بهم دریدند ایشان را و خوردند گوشتهای ایشان را و دریدند پوستهای ایشان را و شکستند استخوانهای ایشان را
… پس در این حال که نظر تو در آن بود و تو از آن تعجب میکردی دیدی که هفت خوشه سبز و هفت خوشه دیگر سیاه و خشک در یک جا رویده است …
پس در این حال که تو نظر در آن داشتی و با خود میگفتی که این سبزها حاصل و این سیاه و خشک و همه از یکجا رویده است … ناگاه
وزید از آن سیاه خشک در آن سبزها حاصل و شعله آتش شد و سوخت آن سبزها را و سیاه گردانید و متغیر … در خواب دیدی پس بیدار شدی از خواب
ترسان ملک گفت و الله که همین خواب منست اگرچه عجیب است عجیب تر از آنکه شنیدم از تو پس چیست رای تو در خواب من ای صدیق فرمود که ای ملک بایست
که جمع طعامها جمع کنی و زرع کنی درین سالهای فراخ زراعت بسیار و بنا کنی انبارها و خزاین و جمع کنی جمیع طعامها را با سنبل و خوشه در آن تا ساق و خوشه
طعام چهارپایان باشد و دانه از آدمیان و امر کن تا جمع کنند خمس آن طعام که اهل مصر و حوالی آن را کافی باشد بعد از آن خلایق از نواحی و اطراف
بیایند از تو طعام میگیرند بحکم تو و جمع میشود از برای تو گنجها … که جمع نشده باشد هیچکس را پیش از تو چون ملک شنید این سخن را از یوسف علیه السلام
گفت انک الیوم لدینا مکین امین تو امروز نزد ما صاحب جاه و قدری و امانت و دیانت بعد از آن ملک گفت که کیست که برای من زراعت کند و جمع کند قال
اجعلنی علی خزائن الارض انی حفیظ علیم گفت یوسف که متولی گردان مرا بر خزینهای زمین … بدرستی که من حافظ و نگاهدارنده امانت و عالم

و در ایام مستحقان او و بعضی گفته اند که حافظ حساب و کتابم … زبان هر قومی از هر جانب که آید بدیشان و گفته اند که درین آیه دلیلست بر آنکه جایز است وصف نفس خود
بفضل و حفظ و علم … جاهل باشد انجا که یوسف علیه السلام وصف نمود بملک نفس خود را … حال خود … انکه او را حاکم گرداند در اموری
که در آن صلاح بندگان خدا است در اطراف و شهرها و گفته اند که چون داند مومن عالم … که حکم کند بامر خدا تعالی و بدفع ظلم … پادشاه کافر
یا فاسق جایز است … و گفته اند که ملک یکسال گذاشت یوسف … از نبی صلی الله علیه و آله روایت که فرمود رحم کند
خدا برادرم یوسف اگر انکه او نگفتی اجعلنی علی خزائن الارض هر آینه همان ساعت او را متولی ملک میگردانید ولیکن بتقول یکسال ملک او را موخر گردانید و گفته
که قطفیر که شوهر زلیخا بود در آن وقت هلاک شد و ملک زلیخا را بزنی بیوسف داد و قولی آنست که یوسف زلیخا را زن نکرد و در آن ایام قحط محتاج شد
تا آنکه از مردم سوال میکرد و گفتند او را … عزیز … و در آن وقت یوسف را عزیز میخواندند پس زلیخا نشست و چون یوسف
با گروه سواران آمد زلیخا برخواست و گفت که سبحان الذی جعل الملوک بالمعصیه عبیدا و العبید بالطاعه ملوکا یعنی پاک و منزه است آن خداوندی که
میگرداند پادشاهان را بسبب معصیت بندگان و میگرداند بندگان را بسبب طاعت و فرمانبری پادشاهان پس یوسف او را شناخت …
فرستاد پس یوسف بوی گفت که تو چنین و چنین کردی با من گفت یا نبی الله مرا ملامت مکن که در حقیقت من ببلائی مبتلا بودم که هیچکس بآن مبتلا نبود گفت آن
چه بلیه بود گفت محبت تو که خلق نکرده است خدا نظیر ترا … و مبتلا شدم بآنکه در مصر بجمال من و مال من زنی نبود و مبتلا شدم بشوهر عنینی که قادر
نبود بر دخول گفت یوسف که حال حاجت تو چیست گفت که سوال کنی تا خدا تعالی برگرداند جوانی مرا … پس یوسف دعا کرد و خدا تعالی جوانی او را بوی
رد کرد از صادق علیه الصلوه و السلام روایت است که زلیخا دستوری خواست که بخدمت یوسف آید گفتند ما مکروه میداریم که ترا نزد وی بریم بواسطه آنچه از تو
رسیده است گفت من نمی ترسم از وی که از خدا می ترسد پس چون داخل شد بر یوسف گفت او را ای زلیخا چرا رنگ تو متغیر شده است گفت الحمد لله
الذی جعل الملوک بمعصیتهم عبیدا و جعل العبید بطاعتهم ملوکا گفت یوسف علیه السلام که چه بود که خواندی مرا باین که کردی با من گفت حسن روی تو یا یوسف
گفت که چگونه بود حال تو اگر میدیدی پیغمبری را که او را محمد میگویند که خواهد آمد در آخر الزمان که روی او نیکوتر است از روی من و خلق او نیکوتر است از خلق
من و کف او سخی تر است از کف من گفت زلیخا راست گفتی گفت از کجا دانستی که راست گفتم گفت از آنکه چون ذکر او کردی محبت وی در دل من
افتاد پس خدای عز و جل وحی کرد به یوسف که زلیخا راست گفت من دوست دارم او را بواسطه دوستی او محمد را صلی الله علیه و آله پس امر نمود خدای
تبارک و تعالی یوسف را علیه السلام که او را بنکاح خود درآورد و گفته اند که چون یوسف بوی دخول کرد او را بکر یافت و گفت آیا این بهتر نیست از آنچه
قبل ازین اراده نموده بودی و این بسیار شایسته است که شخصی را میل شود بچیزی که خواست و از خوف خدا تعالی از آن احتراز نمودی …
… همان چیز را یا مثل آن … حلال … رساند و گفته اند که زلیخا دو پسر از یوسف علیه السلام زایید افرائیم و منشی
و کذلک مکنا لیوسف فی الارض یتبوأ منها حیث یشاء نصیب برحمتنا من نشاء و لا نضیع اجر المحسنین و مثل این تمکین و صاحب قدر گردانیدن
در زمین مصر که جای … میگرفت و تصرف میکرد در آن هر جا که میخواست میرسانیم رحمت خود را هر کس را که میخواهیم و ضایع نمیگردانیم مزد نیکوکاران
… که یوسف علیه السلام یکسال در خانه ملک مصر بود و چون سال بسر آمد … و طلبید و تاج پادشاهی بر سر وی گذاشت و انگشتری خود را
در وی کرد و شمشیر خود بوی داد و فرمود که تختی از طلا مرصع بمروارید و یاقوت و الوان جواهر پس فرمود که بیرون آمد یوسف با تاج
و رنگ وی چون برف و روی وی چون ماه … پس نظر بروی وی میکرد … یوسف ملک گفت …
قائم کنم با آن ملک تو را و امر میکنم … پس … بوی گذاشتم بواسطه
… پس یوسف علیه السلام بر تخت نشست و ملک امر خود را بوی تفویض کرد … و عدل کرد تا آنکه جمیع مردان و زنان
محب و دوست وی گردیدند و خدا تعالی فرمود که و کذلک مکنا لیوسف فی الارض یعنی مثل این انعام کردیم با یوسف و متمکن گردانیدیم او را و قادر
… در زمین مصر و گفته اند که آن چهل فرسخ در چهل فرسخ بود یتبوأ منها حیث یشاء تصرف میکرد و منزل میداد و جا میساخت از آن هر جا که میخواست
و بعضی نشاء بنون خوانده اند یعنی تصرف میکرد در آن هر جا که ما میخواستیم که او در آن تصرف کند و در جمیع آن مستولی و غالب بود و کل آن در تحت حکم
و سلطنت او بود نصیب برحمتنا من نشاء میرسانیم نعمت دین و دنیا هر کرا که میخواهیم و حکمت مقتضی آن باشد و لا نضیع اجر المحسنین و ضایع نمیگردانیم
اجر و مزد نیکوکاران را در دنیا و گفته اند … روایت است که یوسف علیه السلام در آن هفت
سال فراخی و ارزانی خزاین را از آن پر گردانید و چون آن هفت سال تمام شد و سالهای قحط و تنگی روی آورد شروع نمود در فروختن طعام پس
در سال اول طعام را فروخت بدینار و درهم تا آنکه نماند در مصر و حوالی آن هیچ دینار و درهمی الا آنکه ملک یوسف گردید و در سال دوم بلباس و زیور

یعنی چون ساخت یوسف متاع ایشان را گفت بیاورید برادری که شما راست از پدر شما آیا نمی بینید شما که من تمام می پیمایم پیمانه را و من بهترین
فرود آورندگانم مهمانان را آنگاه گفت ... فان لم تأتونی به فلا کیل لکم عندی ولا تقربون ...
...
قالوا سنراود عنه اباه و انا لفاعلون ...
...
و قال لفتیانه اجعلوا بضاعتهم فی رحالهم لعلهم یعرفونها اذا انقلبوا الی اهلهم لعلهم یرجعون ...

[illegible]

[illegible]

[illegible]

حمیده ملک و زیاده از آنچه در وی بیست شتر تنکویم و علامت آن آنکه این بضاعت و سرمایه است که بآن غله می خریده بودیم کرم کرده است و انعام نموده است
و بیجه در ظرف طعام ما کذاشته یا معنی آنست که ما طلب نمیکنیم از تو اسباب راه و دراهم و غیر آن این بضاعت است که باز داده شده است بما پس باز
میکنیم و نمیر اهلنا و طعام میاوریم باهل خود و یا آنکه ما استفهامست یعنی چه چیز طلب میکنیم بهتر ازین که این بضاعت است که باز داده شده و کیل تمام فرا
گرفته ایم مطلب ایشان آنکه یعقوب بطیب نفس خود پسر را با ایشان بفرستد و نحفظ اخانا و حفظ و نگاهداشت مینمائیم برادر خود را در سفر و نزداد
کیل بعیر و بسبب او در زیاده میکنیم ... بار یک شتر چه پادشاه از برای هر مردی یک شتر مقرر کرده است و چون او بیاید زیاده میکنیم ...

[illegible]

سقایه ظرفی که از آن آب خورند و بعضی گفته‌اند که سقایه و صواع در یک مقام واحدند یعنی پس چون ساخت یوسف کار ایشان را که آماده شد سفر ایشان را در متاع برادر خود
پس ندا کرد ندا کننده که ای کاروانیان بدرستی که شما دزدانید فلما جهزهم بجهازهم پس چون یوسف ساخت جهاز برادران و داد بایشان طعام هر یک را بار شتری
جعل السقایة فی رحل اخیه نهاد آن سقایه را در رحل و متاع برادر او بنیامین پس گفته‌اند که سقایه ظرفی بود که ملک از آن شراب میخورد از طلا و جواهر
آن را از نقره بود و بعضی گفته‌اند که از نقره بود مرصع بجواهر و گفته‌اند که آن صاع و پیمانه کرده بود در آن قحط و بآن پیمانه طعام مردم میداد پس چون
یوسف بیرون آمدند و متوجه راه شدند ثم اذن مؤذن بعد از آن ندا کرد ندا کننده ایتها العیر انکم لسارقون قالوا و اقبلوا علیهم ماذا تفقدون
و چه قافله اینکه کر گوساله ایشان را بار شتر ... شتران ... گفتند بدرستی که شما دزدانید و بعضی گفته‌اند که ایشان را یوسف
این را گفت که میدانستند که یوسف را فروختند ... آن صاع را در رحل بنیامین کرده بود و گفته‌اند که یوسف را بود که ایشان را گفت شما دزدید برادر او را
یوسف را از پدر دزدیدند و در چاه انداختند و گفته‌اند که این کلام بطریق استفهام است یعنی آیا شما دزدانید و گفته‌اند که یوسف علیه السلام برادر را بی خبر
خبر کرده بود و گفته‌اند که عار است که خدای تعالی بیوسف را مأمور گردانیده بود باین کار قالوا و اقبلوا علیهم ماذا تفقدون
فقدان و طلب گرده ... گفتند ... قالوا نفقد صواع الملک
و لمن جاء به حمل بعیر و انا به زعیم ... گفتند گم کرده‌ایم صاع و سقایه ملک را و برای هر کس که بیارد آن را بار شتری است از طعام و من بآن ضامنم
قالوا تالله لقد علمتم ما جئنا لنفسد فی الارض و ما کنا سارقین گفتند برادران یوسف که سوگند بخدا که بتحقیق دانسته‌اید شما که ما نیامده‌ایم
که فساد کنیم در زمین ... اثبات علم ایشان ... بدزدی ... امانت و دیانت ایشان را
آن صاعت ... طعام ... در رحال ایشان ... مردمان ... بودند از زراعت
مردمان چیزی نخورند ... قالوا فما جزاؤه ان کنتم کاذبین گفتند جماعه یوسف که پس چیست جزای او اگر شما
دروغ گویان باشید ... قالوا جزاؤه من وجد فی رحله فهو جزاؤه کذلک نجزی الظالمین گفتند برادران یوسف که جزای دزد آنست که دزدی کرده
گرفته شود ... بنده ... سنت آل یعقوب ... و در آن زمان در بنی اسرائیل ... و در ملک مصر
بود که ... صاحب مال ... سال ... بود که صاحب مال دزد را خدمت ... کند
بود و در دین ملک مصر ... فبدأ باوعیتهم قبل وعاء اخیه ... کذلک نجزی الظالمین ... کلام برادران یوسف
و ... کلام یوسف ... ثم استخرجها من وعاء اخیه کذلک کدنا لیوسف ما کان لیأخذ اخاه
فی دین الملک الا ان یشاء الله نرفع درجات من نشاء و فوق کل ذی علم علیم ... اوعیه ... جمع ... ایشان
پس بیرون آورد سقایه را از ظرف برادر او ... برای یوسف ... برادر خود را ... ملک مصر ... خدا
در جهان هر کس ... صاحب دانش ... گفته‌اند که ... برادران یوسف گفت ... است
ظرفهای ... برادران ... تفتیش ... ایشان ... قبل وعاء اخیه
بنیامین ... گفته‌اند که چون نوبت به بنیامین رسید یوسف گفت ... برادران گفتند ... نظر ... در رحل
او ... پس بیرون آورد سقایه را از ظرف ... برادران
... سقایه را ... کذلک کدنا لیوسف ... حیله کردیم
یوسف ... تعلیم کردیم او را ... برادر ... در چاه انداختند ... نگاه داشتن ... برادر
... یوسف ... برادر خود ... ملک مصر ... عادت و طریقه او ...
... یوسف ... برادر ... حیله ... یوسف
... برادران ... ملک مصر ... بنیامین ... الا ان یشاء الله ...
... برای یوسف ... نرفع درجات من نشاء ... درجات و مراتب ... علم و عصمت و
توفیق و لطف ... علیه السلام ... و فوق کل ذی علم علیم ... عالم ...
... قالوا ان یسرق فقد سرق اخ له من قبل ... فاسرها یوسف فی نفسه و لم یبدها
لهم قال انتم شر مکانا والله اعلم بما تصفون گفتند برادران یوسف که اگر دزدی کرد بنیامین پس بتحقیق که دزدی کرد برادر پدر مادری او قبل از این

یوسف ع

فاسرها

بی

پس پنهان داشت این کلمه را یوسف از نفس خود و ظاهر نکرد آن را با ایشان گفت شما بدترید از مکان در دزدی و خدا داناتر است بانچه وصف میکنید قالوا یا
یسرق فقد سرق اخ له من قبل یعنی دزدی از بنیامین از عجب نیست و درین امر اقتدا او بروی برادر پدر مادری خود یوسف کرده است و بسبب دزدی
ای ان یوسف بعضی گفته‌اند آن بود که جده مادری او را بتی بود یوسف آن را پنهان ازوی شکست و در راه انداخت و بعضی گفته‌اند آن بود که از غاز و کو
مرغی و بقول دیگر تخم مرغی از خانه پدر بسائلی داد پس برادران آن را عیب بوی دادند و اکثر احادیث دلالت بر آن میکنند که سبب این بود که یوسف
در طفلی والده او وفات کرده و عمه او که بزرگتر فرزندان اسحق بود یوسف را نزد خود برده و نگاه داشت میبود و نهایت او را دوست میداشت
پس چون یوسف علیه السلام بزرگ شد خواست یعقوب که او را نزد خود آورد و اسحق را کمربندی بود که میراث بود از ابراهیم بیعقوب رسیده بود و آن بر
بزرگتر فرزندان میرسید پس خواهر یعقوب بحیله آن را بر کمر یوسف بست در زیر جامه او پس گفت که بند کمر گم کرده‌ام نظر کنید که آن را که گرفته است پس چون آن را
بر کمر یوسف یافتند گفت یوسف از منست او را میباید تسلیم نماید یعقوب یوسف را از وی گذاشت تا وقتی که او در حیات بود پس باین سبب برادران یوسف
گفتند که ان یسرق فقد سرق اخ له من قبل فاسرها یوسف فی نفسه یعنی پس پنهان داشت یوسف این کلمه را در نفس خود و لم یبدها لهم و اظهار نکرد آن را
بایشان قال انتم شر مکانا تفسیر آن کلمه است که پنهان داشت آن را یوسف در نفس خود و آن این بود که گفت با خود که شما بدترید از یوسف در دزدی
چه یوسف حقیقة دزدی نکرد و شما برادر خود را از پدر دزدیدید و بعد از آنکه این کلمه را یوسف در خفیه با نفس خود گفت با واز بلند بانکار برادران گفت والله
اعلم بما تصفون و خدا داناتر است بانچه شما وصف میکنید یوسف را بدزدی که آن صدق است یا کذب قالوا یا ایها العزیز ان له ابا شیخا کبیرا فخذ
احدنا مکانه انا نراک من المحسنین گفتند فرزندان یعقوب بیوسف که ای عزیز بدرستی که بنیامین را پدریست پیر بزرگ سال یا بزرگ قدر پس بگیر
یکی را از ما بمکان او و بجای او بدرستی که ما می‌بینیم ترا از نیکوکاران ... پس گردد ... اگر یوسف را بوی رحم آید ... پیر بزرگ سال و قدر
او بزرگ ... و فرزندی بود که دوستر فرزندان بود و هلاک شده و بعد از وی انس گرفته است بنیامین پس او را ... یکی دیگر را از ما
که ما از محسنان و نیکوکاران می‌بینیم ترا ... پس احسان خود را تمام کن ... قال معاذ الله ان نأخذ الا من وجدنا متاعنا عنده
انا اذا لظالمون گفت یوسف که پناه میبرم بخدا از آنکه بگیریم الا کسی را که یافتیم متاع خود را نزد او بدرستی که ما اگر ... بگیریم کسی را
مجرم ... هر کدام ... شما ... متاع ... او ... آن ظلم خواهد بود
... که خدای تعالی ... الکریم ... بنیامین ... بعضی ... اگر ...
... ظالمان خواهیم بود ... معاذ الله ... نعوذ بالله معاذ است ... مصدر ... مفعول مطلق محذوف ... مضاف
... جواب ... اگر ... بگیریم ... بدل او ... ظلم کرده خواهیم بود فلما استیأسوا منه خلصوا نجیا قال کبیرهم
الم تعلموا ان اباکم قد اخذ علیکم موثقا من الله و من قبل ما فرطتم فی یوسف فلن ابرح الارض حتی یأذن لی ابی او یحکم الله لی و هو خیر الحاکمین
... شدند ... بنیامین ... برادران ... یوسف ... اگر ... پس
... بزرگ ایشان گفت ... شما عهدی از خدا ... یوسف
... فلما استیأسوا منه خلصوا نجیا ... چون ...
یوسف ... در میان ایشان ... آن حال ...
... قال کبیرهم گفت بزرگ ایشان ... یوسف ... برادران ... قبل یوسف
و بعضی گفته‌اند ... الم تعلموا ... ان اباکم
قد اخذ علیکم موثقا من الله ... بدرستی که پدر شما ... عهد و پیمان ... تؤتون موثقا من الله لتأتننی به ... ومن
قبل ما فرطتم فی یوسف ... است ... یوسف ... مصدریه ... موصول ... الم تعلموا
... یوسف ... فلن ابرح الارض پس مرد ... معارفت
... حتی یأذن لی ابی ... او یحکم الله لی ... ترا ... بیرون
... بیع ... و هو خیر الحاکمین ... ارجعوا الی ابیکم فقولوا یا ابانا
ان ابنک سرق و ما شهدنا الا بما علمنا و ما کنا للغیب حافظین ... بدرستی که پسر تو دزدی کرد و ما گواهی
ندادیم الا بآنچه دانستیم و نبودیم ما غیب ... نگاه دارنده ... گفت ... بزرگ ایشان ... طعام ... ارجعوا الی ابیکم

بدرم

یا بزرگ م

کرد به جانب پدر خود یعقوب و انابا ان ابنک سرق پس بگوئید که پسر تو دزدی کرد در ظاهر و صاع بیرون آمد از بار وی و ما شهدنا الا بما علمنا و
ما گواهی ندادیم نزد تو الا بانچه دانستیم و دیدیم که صاع بیرون آمد از بار وی و ما کنا للغیب حافظین و نبودیم ما که غیب دان باشیم که پیش دانسته باشیم که
او از او دزدی [illegible] در رحل او [illegible] و او را [illegible] متهم کردند و بعضی گفته اند چون پسران یعقوب گفتند که پسر تو دزدی کرد [illegible]
گرفتند یعقوب گفت ملک مصر [illegible] که دزد را [illegible] الا القول [illegible] گفتند ما این گواهی ندادیم الا بانچه دانستیم و ما کنا للغیب حافظین
نبودیم که [illegible] پسر تو دزدی کرده است و بعضی گفته اند که حافظ و نگاهدار نبودیم بغیب که عهد کردیم که پسر را باز آوریم و از غیب [illegible] این عهد
نخواستیم کرد و بعضی گفته اند که معنی آنست که ما حافظ پسر تو نبودیم در وقتی که از ما غایب بود [illegible] در وقتی که در حضور ما بود
او را نگاه داشتیم و او در حال غیبت ما دزدی کرد و بعضی گفته اند غیب بمعنی شب آمده است یعنی او در شب دزدی کرد [illegible] و سل
القریة التی کنا فیها و العیر التی اقبلنا فیها و انا لصادقون و سوال کن و بپرس از اهل قریه که بودیم در آن و از قافله و کاروان که روی آوردیم در آن
و [illegible] پسران یعقوب که اگر شک داری [illegible] سوال کن از اهل [illegible] مراد از اهل قریه [illegible] کنعان [illegible]
در مصر بودند سوال کن و بپرس که خبر این امر شایع است [illegible] سوال [illegible] که ما در این صادق و راست گوییم قال بل سولت لکم انفسکم
امرا فصبر جمیل عسی الله ان یاتینی بهم جمیعا انه هو العلیم الحکیم گفت یعقوب علیه السلام که [illegible] آراسته است برای شما نفسهای شما امری و کاری
پس صبر نیکو نیکوتر است شاید که خدا بیاورد پیش من همه ایشان را [illegible] که او علیم است [illegible] حکیم است [illegible]
[illegible] الکلام محذوف [illegible] سولت لکم انفسکم امرا [illegible]
سولت لکم انفسکم امرا [illegible] آراسته است [illegible] نفسهای شما کاری [illegible]
[illegible] فصبر جمیل [illegible] پس صبر نیکو [illegible]
جز عسی الله ان یاتینی بهم جمیعا [illegible] یوسف [illegible] انه هو العلیم الحکیم [illegible]
[illegible] الحکیم [illegible] و تولی عنهم و قال یا اسفی علی یوسف و ابیضت عیناه من الحزن فهو کظیم و روی گردانید یعقوب [illegible]
[illegible] یوسف [illegible] و تولی عنهم [illegible] یوسف [illegible] یعقوب [illegible]
[illegible] و قال یا اسفی علی یوسف [illegible] یوسف [illegible]
[illegible] صلی الله علیه و آله [illegible] انا لله و انا الیه راجعون [illegible]
[illegible] یعقوب [illegible] انا لله و انا الیه راجعون [illegible] یا اسفی علی یوسف [illegible]
[illegible] و ابیضت عیناه من الحزن [illegible] یعقوب [illegible]
[illegible] الحزن [illegible] علیه السلام [illegible] یعقوب [illegible] یوسف [illegible]
[illegible] فهو کظیم [illegible]
[illegible] موسی بن جعفر علیه السلام [illegible] قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف
حتی تکون حرضا او تکون من الهالکین [illegible] یعقوب [illegible]
یوسف [illegible]
[illegible] قال انما اشکوا بثی و حزنی الی الله و اعلم من الله ما لا تعلمون [illegible]
[illegible] یعقوب [illegible]
[illegible] انما اشکو [illegible] یعقوب [illegible]
[illegible] الی الله [illegible]
[illegible] و اعلم من الله ما لا تعلمون [illegible] یوسف [illegible]
[illegible] یعقوب [illegible] ملک الموت [illegible]
[illegible] ملک الموت [illegible] یوسف [illegible] یعقوب [illegible]
[illegible] صلی الله علیه و آله [illegible] جبرئیل [illegible] یعقوب [illegible] یوسف [illegible]

باشند [illegible] از برای [illegible] درویشان [illegible] تا [illegible] چشم [illegible]
چون کار [illegible] یعقوب [illegible]
[illegible] یعقوب [illegible] طعام [illegible]
[illegible] پس یعقوب پسران را گفت یا بنی اذهبوا فتحسسوا من یوسف و اخیه
و لا تیاسوا من روح الله انه لا ییاس من روح الله الا القوم الکافرون تحسس [illegible] روح [illegible] رحمت [illegible] ای پسران من
پس طلب [illegible] یوسف [illegible] رحمت [illegible] رحمت خدا [illegible]
[illegible] پسران یعقوب [illegible] یوسف [illegible] یا بنی اذهبوا فتحسسوا من یوسف [illegible]
[illegible] یوسف [illegible] ملک مصر [illegible]
و صاع را [illegible] و لا تیاسوا من روح الله [illegible] رحمت [illegible] لا ییاس من روح الله
القوم الکافرون [illegible] رحمت خدا الا القوم [illegible]
[illegible] علیه السلام [illegible]
[illegible] یعقوب علیه السلام [illegible]
[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم [illegible] یعقوب [illegible] اسحق ذبیح الله بن ابراهیم خلیل الله [illegible]
[illegible] ابراهیم علیه السلام [illegible]
اسحق [illegible] یوسف [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ابراهیم [illegible]
[illegible] ابراهیم [illegible]
[illegible] علیه السلام [illegible]
[illegible] یوسف علیه السلام [illegible] یعقوب [illegible] یوسف [illegible]
[illegible]
[illegible] یوسف [illegible]
[illegible] یعقوب [illegible] فلما دخلوا علیه قالوا یا ایها العزیز مسنا و اهلنا الضر و جئنا ببضاعة مزجاة فاوف
لنا الکیل و تصدق علینا ان الله یجزی المتصدقین [illegible] یوسف [illegible] ای عزیز [illegible]
[illegible] و تصدق [illegible] یعقوب [illegible]
[illegible] یعقوب [illegible]
[illegible] یعقوب [illegible]
[illegible] یوسف [illegible]
[illegible] یعقوب [illegible] قالوا یا ایها العزیز [illegible]
[illegible] یعقوب [illegible] یوسف [illegible]
[illegible]
[illegible]

که چون جبار نمرود ابرهیم را علیه السلام در آتش انداخت جبرئیل علیه السلام از بهشت آورد پیراهنی از حریر و بالشی و ابرهیم را علیه السلام بر آن بالش بنشاند و آن پیراهن را
بر وی پوشانید پس آن [illegible] نگاه داشت و در وقت وفات آن را بگردن اسحق کرد و اسحق آن را به یعقوب داد و یعقوب آن را بگردن یوسف کرد
و برادران آن را [illegible] یوسف را در چاه انداختند و آن با وی بود [illegible] جبرئیل گفت [illegible]

[illegible]

والسلام که یعقوب یوسف گفت که حدیث کن پس آنچه ... [illegible]

[illegible]

کن براهیم پس یعقوب ... [illegible] ... سوال ... [illegible]

واسماعیل و اسحق ... [illegible] ... یعقوب گفت ... [illegible]

باسناد ... از باقر علیه السلام مرویست که یعقوب علیه السلام زندگانی کرد صد و چهل و هفت سال و ... [illegible] ... در مصر ... [illegible]

نزد یوسف بوده ... [illegible] ... بیت المقدس ... [illegible]

که عیص برادر یعقوب وفات یافته بود و یعقوب ... [illegible]

[illegible] ... یعقوب ... بیت المقدس ... [illegible]

باز بمصر آمد ... [illegible]

موسی علیه السلام استخوان او بیرون آورد و به بیت المقدس ... یعقوب دفن کرد ... [illegible] ... الصلوة والسلام مرویست ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

علیه السلام و گفت یا یوسف خدای تبارک و تعالی میگوید ... [illegible]

پس چون ... [illegible] ... جبرئیل گفت ... [illegible] ... یعقوب ... [illegible]

علیه السلام ... یوسف و فرعون مصر ... [illegible] ... یعقوب ... [illegible]

[illegible] ... فرعون مصر است ... جبرئیل یعقوب علیه السلام ... [illegible]

[illegible]

[illegible] ... یعقوب علیه السلام ... یوسف ... [illegible]

[illegible]

... یوسف ... [illegible]

... ورفع ابویه علی العرش وخروا له سجدا ... [illegible]

... من قبل قد جعلها ربی حقا وقد احسن بی اذ اخرجنی من السجن وجاء بکم من البدو من بعد ان نزغ الشیطان بینی وبین اخوتی ان ربی لطیف لما یشاء انه هو العلیم الحکیم ... [illegible]

[illegible]

والسلام

و هیچ یک از قوم او نشنیده بودند و ندیده [illegible] پس چون خبر داد این قصه را بوجهی که عاجز کرد ایشانرا [illegible]
[illegible] وحی است [illegible] وما تسألهم عليه من أجر [illegible]
[illegible] إن هو إلا ذكر للعالمين [illegible]
[illegible] وكأين من آية في السماوات والأرض يمرون عليها وهم عنها معرضون [illegible]
[illegible] وما يؤمن أكثرهم بالله إلا وهم مشركون [illegible]
[illegible] ولئن سألتهم من خلق السماوات والأرض ليقولن الله [illegible]
[illegible] أفأمنوا أن تأتيهم غاشية من عذاب الله أو تأتيهم الساعة بغتة وهم لا يشعرون [illegible]
[illegible] قل هذه سبيلي أدعو إلى الله على بصيرة أنا ومن اتبعني [illegible]
[illegible] وسبحان الله وما أنا من المشركين [illegible]
[illegible] وما أرسلنا من قبلك إلا رجالا نوحي إليهم من أهل القرى أفلم يسيروا في الأرض [illegible]
[illegible] فينظروا كيف كان عاقبة الذين من قبلهم ولدار الآخرة خير للذين اتقوا أفلا تعقلون [illegible]
[illegible] حتى إذا استيأس الرسل وظنوا أنهم قد كذبوا جاءهم نصرنا فنجي من نشاء ولا يرد بأسنا عن القوم المجرمين [illegible]
[illegible]